

دَارُ وُجَلَه



د ۱۳۴۸ کال - د هله میاشت

اعلیحضرت معظم همایونی حین ایراد بیانیه شان در مراسم پنجا و یکمین
سالگره استرداد استقلال و طن عزیز در منطقه جشن



میلا د شهر یاری

۲۲ میزان روز پر افتخاریست که اثر عمیق و خاطره گرانتهای آن در قلب همه مردمان این کشور و اهالی این دیار نقش ابدی دارد .

در چنین روز فرخنده ای شهریار خردمند و سرفروماندان اعلی اردوی افغان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پابعرضه وجود می گذارد و اینک بموهبت الهی و لطف کردگار عظیم براریکه سلطنت افغانستان جای داشته و ممالکت عزیز ما به رهنمائی و تدابیر ارزنده این راد مرد توانا روز بروز در ساحات مختلف زندگی اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی خویش به پیشرفت ها و ترقیات گوناگون نایل میشود .

ما پنجاه و ششمین سالگره میلاد مسعود شهر یاری را از صمیم دل جشن می گیریم و بخوبی میدانیم که پادشاه عدالت دستر و بنیان گذار دیموکراسی ما طی سی و شش سال دوران سلطنت پر افتخار شان ، کشور آشفته و پریشان ما را بمراحل بزرگ ترقی و تعالی رهنمائی کرده اند ملت افغانستان خدمات و عرق ریزیهای شاه دیموکرات خود را بنظر تقدیر و تحسین نگریسته ، علایق عمیق و خاصی بشاه خویش دارد .

اردوی شاهانه که برهبری و قیادت شاه عسکر نواز خویش با قدرت معنوی و نیروی تکنولوژی مدرن مجهز و مسلح است میلاد مسعود اعلیحضرت معظم همایونی را به پیشگاه ذات ملوکانه ، خاواده جلیل سلطنتی و کافه هموطنان عزیز صمیمانه تبریک می گوید امید داریم ممالکت ماسالپان دراز در پرتو رهنمائی های سودمند و پر ارزش شاه محبوب خویش مراحل بزرگ انکشاف و ترقی را پیموده و اردوی شاهانه به اساس مفکوره های ارجمند و عالی ذات شهر یاری همیشه در راه خدمت به شاه و وطن و ملت تجیب افغانستان مصدر فداکاری و جانپازی گردد .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ ۲۵/۶/۱۰

نوع ۱۴۱۷
۲۰۱



خاص



ع. ج. س. مع. تهر. س. ال. ف. م. ح. ح. ا. ن.
وزیر دفاع

بسم که شد قطعات، جزو آنها و موسسات قوای زمینی و هوایی که میبایست
تعمیر بنمایند و یکین سال گذشته است و داد استقوال وطن غیر بر گزار شد و نظر بر
گذری در قس تعلیم و تربیه، تسلیح و تجهیزات تشکیلات موثر دفاعی بود که با این
در مسلمانان به نظر آید.

رکشافات متوالی که درین اواخر از حیث تجهیزات تشکیلات تعلیم و تربیه در
مختلف اردوی افغانستان دست داده است و درین بسم که شد به خط
موجب است خاص و واقع گردید. زیرا که در ارت دفاع ملی یارک و جابری گو
در راه تعلیم و تربیه، توجیه عمر و ترکیب سراسر بین اسناد و حصان صورت فمده
اررد و طایف با اهمیت خود را به بهترین صورت ایفا نموده است خوشنود هستیم
و مرتب خوشنودی خود را بموجب این فرمان بکامتار شما و منسوبین اردوی کشور
خصوصاً آنانی که در تعمیر این روز فرزند فرخنده بهم داشته اظهار اطلاع نموده
ز بارگاه. فداوند نورناج، رقیات روز استخوان وطن و موقعیت اردو
بر اوجیت افغانستان بر نیاز و تمنا میبایم

فهرست مضامین این شماره

صفحه	نویسنده	مضمون
۲	فیض محمد «عاطفی»	نجات و عن
۴		مراسم افتتاح جشن
۷		افتتاح زندارتون
۹		سفر علیاحضرت ملکه معظمه بامریکا
۱۰	نورالله «تالقانی»	بخاطر وطن
۱۳	غلام سخنی «اتمر»	پد جگره کی دمورال اهمیت
۲۰	علی احمد «جلالی»	آسیا : صحنه رقابت های سیاسی
۲۹	بریدجنرال عبدالقدیر «خلیق»	پلان سازی درعسکری
۳۱		آخرین روز های یک مرد بزرگ
۳۸	لمری بریدمن نجیب الله	لارا دخترهاریزان
۴۵	عبدالواحد «امیری»	مریضی که از حرارت تولید میشود
۴۸	جگرن جمال الدین «عمر»	تامین امنیت ساحدعقی
۵۲	دکتور قمرالدین «اکسیری»	درمان فشار خون
۵۷	محمد اکبر «مقصودی»	دسپلین و سلاح جدید
۶۰		جهان شعروادب
۶۲	سید فضل احمد «چخانسوری»	بیلائس نظامی
۷۰	تورن محمد اسحق	دجاپان سمندری ستراتژی
۷۶	عبدالعزیز «غیور»	د ۷- زوند
۸۰	دوهم بریدمن عبدالحی	آغاز نخستین زندگی انسان
۸۷	جگرن سید نصرالدین	دو نظریه درباره چپ دستها
۸۹	تورن گل دل «گلاب خیل»	دیوه شهید په مزار
۹۰	فیض محمد «عاطفی»	مشاهیر جهان درخلال تاریخ
۹۲	تورن عبدالقهار	انسان سپورسی اوسریخ
۹۷	شمس الدین «ظریف صدیقی»	یک نشریه چطور بوجود آمد
۹۹		توزیع مدالهای تورنمنت بهاری اردو
۱۰۳		مسابقات سپورتی تیم های مختلف اردو
۱۰۶		توزیع شهادتنامه های فارغان کورس (آ)
۱۰۸		ترفیع صاحب منصبان اردوی شاهانه
۱۱۰		مشغولیت های فکری



هفته سره میاشت با مراسم خاص آن طبق معمول همه ساله در سر تاسر کشور تجلیل گردید و شخصیت های مهم ممالکت در پیرامون این روز های خیر و برکت بیانات و خطا به های سودمندی از رادیو افغانستان ایراد نمودند جراید و مطبوعات وطن طی مقالات ارزنده و جامع خویش ، ماهیت سره میاشت و وظایف آن را بنحو بارز تشریح دادند جلالتمآب ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی نیز به وکالت از اردوی شاهانه مطالبی از رادیو افغانستان ایراد فرمودند که در آن آمادگی اردوی قهرمان و مسلمان افغان را بهر نوع کمک مادی و معنوی در خدمت سره میاشت اعلام میدارد اینک متن بیانیه جلالتمآبی را درینجا از ملاحظه خوانندگان محترم مجله اردو می گذرانیم :

هفتن بیانیه ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی

مرگ برهاند این اقدام مشارالیه مؤثر واقع گردید و بتدریج بروسعت آن از طرف خیر خواهان عالم بشریت افزوده شد . امروز هم پیکر دنیای پر تشنج ما از خوف محاربات تباہ کننده در حال تزلزل است و زندگی انسانها را هر لحظه اندیشه حر بهای تخنیکی و وحشت آور تهدید مینماید در بهلوی این بیم و هراسها آفات گوناگون دیگر از قبیل امراض ساری ، زلزله ها ، سیلابها ، حریقها ، تصادمات ترافیکی و امثال آن حیات جهانیان را به مخاطرات روز افزون دچار میکند . هنگام بروز و ظهور فجایع فوق است که سره میاشتها کمک و حمایت مردم مصیبت دیده میرسند و دست نوازشگر این سازمان خیریه است که بر زخمها مرهم می نهد و دل هارا از راه عطوفت و پرستاری شفا می بخشد .

سره میاشت برای مردم است و از کمکها و معاونتهای مردم نیرو و قدرت می گیرد . همچنان سره میاشت طوریکه در حضر با اردو ارتباط و علایق استوار دارد در تصادمات و محاربات مختلف نیز نزدیکترین دوست دلسوز اردو است . اردوی شاهی افغان علاوه از علایق و وظیفوی خویش با تمام موجودیت از همکاران صمیمی و حقیقی سره میاشت بوده و این مطلب را در موارد مختلف عملاً با ثبات رسانیده است .

جای مسرت است که سازمان سره میاشت ما بارهنمائی های حکیمانه ذات شهریاری سر قوماندان اعلی اردوی افغان و تدابیر برجسته و الاحضرت شهزاده احمد شاه رئیس عالی جمعیت و مساعی خستگی ناپذیر دیگر همکاران آن موسسه مقام عالی بشری و جهانی خود را در قطار دیگر موسسات خیریه جهانی و بین المللی بشکل آبرومندانه احراز نموده و به پیمانۀ بزرگ در وقوع حوادث غیر مترقبه خارجی و داخلی مصدر خدمات گرانبھائی گردیده است . وظیفه خویش میدانیم بوکالت از اردوی قهرمان شاهانه آمادگی خود و منسوبین اردو را بهر گونه کمک های مادی و معنوی برای تقویت و حمایت سره میاشت افغانی اعلام نمایم .

افتخار دارم که در خلال هفته سره میاشت باز هم لحظاتی چند از رادیو افغانستان مطالبی در پیرامون این روز های خیر و احسان و ماهیت و کیفیت این مؤسسه عام المنفعه بسمع هموطنان گرامی خویش میرسانم .

همه ساله در چنین روز هائی هفته سره میاشت با مراسم خاص آن در کشور عزیز ما برگزار میگردد و مردم دیانت شعار ما با پیروی از سنن باستانی و عنعنات دیرینه این سرزمین هفته سره میاشت را با جبین باز و دست و دل فراخ استقبال و تجلیل مینمایند علت حقیقی این حرمت و ایثار را میتوان در پرتو ارشادات دین مقدس اسلام و فطرت سخاوت پیشه برادران مسلمان و افغان ما جستجو نمود .

در عصریکه بشر با قدرت خارق العاده تکنالوژی متکامل و پیشرفته خویش به تسخیر و تصرف کرات سماوی می پردازد بخوبی احساس میگردد که مظاهر مادی و وسایل فیزیکی با سرعتی بالاتر از تصور در حال رشد و انکشاف است . و البته در بهلوی این پراہلم های مادی جهان پر اضطراب و جهانیان نا آرام و بی پناه به ارزش های معنوی و معیار های روحی نیاز مبرم دارند .

سازمان سره میاشت ها در کشور های مختلف جهان بروی این هدف عالی و مقدس معنوی بنا یافته و شالوده آنها بر اساس مفهوم انسانی قرار گرفته است و از همین جا است که مردم دنیا در برابر چنین موسسه خیر و فضیلت همگی بدون تفریق رنگ و نژاد و مذهب و ایده های سیاسی با اتحادی خلل ناپذیر خود هارا اعضای حقیقی و وفادار سره میاشت ها می شمارند و از صمیم قلب باین موسسات خیریه پیوند عمیق و ناگسستنی دارند پیدایش این دستگاہ های عام المنفعه در ابتدای حال بعلت محارباتی بود که در سال ۱۸۵۸ در منطقه (سالفرینو) جریان داشت و مرد بشر دست و رقیق القلبی بنام (هانری دونانت) با مشاهده صحنه های رقت بار میدان محاربه ، دست به تاسیس سازمانی زد که بتواند مجروحین و زخمیهارا از جنگال

ذات شاهانه مسابقات بزکشی را در میدان گلک بگرامی مشاهده فرمودند

تیم بزکشی ولایت فاریاب بر تیم قهرمان ولایت تخار غالب شد

اعلیحضرت معظم همایونی ساعت ۲ بعد از ظهر ۲۲ میزان مسابقات مهیج و باستانی بزکشی را که به مناسبت پنجاه و ششمین سالگرد میلاد مسعود همایونی توسط چاپ اندازان ولایت شمالی کشور صورت گرفت مشاهده فرمودند.

مؤکب اعلیحضرت معظم همایونی در حوالی ساعت یک و چهل و پنج بعد از ظهر به میدان گلک بگرامی مواصلت نموده وذات ملوکانه سلام گنارد احترام را قبول فرمودند.

در مدخل کمپ شاهی ذات شهریاری از طرف والاحضرت شهزاده



گوشه‌ای از مسابقه بزکشی بین تیم های کندز و بلخ



چندتن از بزکشی ها بعد از ختم مسابقه در میدان گلک بگرامی



قهرمانان بزکشی حینیکه بزرا بصوب دایره حلال می‌برند

احمدشاه والاحضرت مارشال شاه ولیخان غازی فاتح کابل، بناغلی نور احمد اعتمادی صدر اعظم سرپرست، پوهاند دکتور عبدالحکیم ضیائی قاضی القضاة بناغلی عبدالله یفتلی معاون دوم صدارت و دیگر اعضای کابینه سرپرست، قضات ستره محکمه، خان عبدالولیخان و روسای کورد پیلوما تیک با خانم های شان استقبال گردیدند.

والاحضرت شامدخت بلقیس والاحضرت شهزاده محمدنادر، والاحضرت لیلما و عده دیگر از اعضای فامیل جلیل سلطنتی نیز برای تماشا مسابقات بزکشی در کمپ سلطنتی شرف معیت اعلیحضرت معظم همایونی را داشتند.

در آن روز اطراف گلک بگرامی با بیرق های شاهی و ملی مزین گردیده و هزاران نفر از رعایای و فاشعار شاهانه

در اطراف میدان و تپه های مجاور آن با داجسبی خاصی مسابقات بزکشی را تماشا میکردند. از شاه شهید تا میدان گلک بگرامی در دو طرف مسیر مؤکب اعلیحضرت همایونی هزاران نفر از شهریان کابل و اطراف آن اعم از زن و مرد، پسر و جوان و اطفال و رود شهریار معظم مارا با ابراز احساسات سرشار شاهدوستی و کف زدنهای معتد بدرقه کردند قبل از آغاز مسابقات بزکشی بناغلی محمد فاروق سراج رئیس المپیک و روسای تیم های بزکشی به معیت والاحضرت سردار عبدالولی آمر عمومی میدان مسابقه در مقابل کمپ سلطنتی قرار گرفته رسم احترام بجا آوردند.

بعداً اولین مسابقه بزکشی بین تیم ولایت تخار قهرمان سال گذشته و تیم ولایت فاریاب آغاز گردید و در

نتیجه تیم ولایت فاریاب پنج و نیم مقابل چهار و نیم بر تیم قهرمان غالب گردیده و قهرمان سال ۴۸ مسابقات بزکشی کشور را حاصل کرد.

شطارت های اعضای هر دو تیم واقعاً قابل یاد آوری میباشد مخصوصاً هنر نمائی و دلیری های بعضی از آنها حیرت تماشا چنان را فوق العاده برانگیختانده بود.

سپس بین تیم های ولایات مسابقات بزکشی صورت گرفت.

در مسابقات فوق تیم سمنگان چهار مقابل سه بر تیم بدخشان و تیم بلخ سه مقابل یک بر تیم کندز و تیم جوزجان هفت مقابل دو بر تیم بغلان غالب گردیدند.

ذات ملوکانه در ختم مسابقات بزکشی رؤسای تیم ها و چاپ اندازان را مورد تقدیر و الطاف شاهانه قرار داده و مراتب رضائیت مندی حضور ملوکانه را نسبت به تنظیم و پیشرفت سپورت باستانی بزکشی ابراز فرمودند.

موقعیکه روسای بزکشی بحضور ذات شهریاری مشرف می شدند مراتب تبریکات خود را به مناسبت سالگرد میلاد مسعود اعلیحضرت همایونی به پیشگاه ملوکانه بعرض رسانیدند اعلیحضرت معظم همایونی پس از ختم مسابقات بزکشی که در حوالی ساعت چهار بعد از ظهر انجام یافت در بین احساسات رعایای شاهانه میدان بگرامی را بقصد ارگ شاهی ترک فرمودند.

در مسابقات فردای آن که در بین تیم تخار و تیم فاریاب صورت گرفت نتیجه مسابقه مساویانه خاتمه پذیرفت.

نجات وطن

در مورد عنوان بالا، آنچه در جراید کشور ما انتشار می یابد بعقیده نگارنده کافی و وافی نیست زیرا نسل معاصر افغانستان استنباط کامل و همه جانبه ای از جریان تاریخی نجات وطن ندارد، باید جوانان امروز را با تبلیغات دامنه دار و مکمل و با تفرعات دقیق از آن بحرانی که دامنگیر ملت و کشور ما شده و از آن تلاشها و مجاهدتها و قربانی هائی که در راه رفع این بحران و بالاخره نجات وطن بظهور رسیده بود، بنحو شایسته ای آگاه سازیم زیرا فرزندان ما لازمست بخوبی درک کنند که در گذشته قریب و در یکدوره مشخص و معین، چه مصائب و بلیاتی را بدران شان تحمل کرده اند و چه جنایات و مفاسد و خیانت هائی بوسیله کدام اشخاص و ایادی در این سر زمین رخ داده است و با لنتهای کدام چهره ها و کدام شخصیت ها بر روی چه عوامل و انگیزه هائی توانستند این فجایع و لکه های بزرگ را از چهره تاریخ وطن بزدایند و آیا این فداکاریها و تلاشها اعم از لحاظ مادی و معنوی برای ملت ما چه اندازه ارزش داشت و برای آیندگان این مرزوبوم تاچه پیمانه میتواند منشأ افتخار و احساس غرور گردد؟؟ نویسدگان، هر سال (البته بشمول نگارنده) تنها در پیرامون تجلیل از روز نجات مطالب مختصر و فورمالیته را نشر می کنند در حالیکه باید به تبعیت از اصول ژورنالیستی و به پیروی از مأموریت تاریخی خویش لااقل رسالات و کتبی محققانه در این مورد انتشار دهند و نسل معاصر را از ماهیت و کیفیت عینی و واقعی آن جریان منحوس آگاه نمایند. تا جائیکه اینجانب اطلاع دارم سه جلد کتاب (بحران و نجات) و (نادرافغان) و خاطرات و الاحضرت مارشال شاه و ایخان غازی فاتح کابل در اطراف حادثه نجات وطن موضوعات مستند و اساسی را ضبط و ثبت نموده اند که بسیار قیمته دار و پرارزش است از دیگر طرف هنوز موسفیدان و نویسندگان میرز و شایسته ای داریم که خود در متن حوادث قرار داشتند و جریانات شورش و استیلاي دزدان و چپاولگران را بچشم سر دیده و نجات کشور را نیز مشاهده نموده اند این اشخاص هنوز در کشور ما حی و حاضر میباشند و البته از نگاه موازین علمی تاریخ نویسی مشاهدات و نظرات آن ها بسیار مغتتم و مفید است و اکثر تاریکیها و ابهام و غموض مسائل تاریخ معاصر

را بحوبی روشن کرده می‌تواند بنابراین مقامات صلاحیتدار کننوری و تاریخی کشور بهتر است پیش از آنکه فرصت منقضی گردد، دست اندر کارگرد آوری خاطرات این مردم شوند و نگذارند که سرمایه‌های قیمتدار تاریخی ما با از بین رفتن موسفیدان یا راریان حوادث تاریخ معاصر، در بونته فراموشی قرار گیرد.

بهمه حال آنچه در بالا نوشتیم تذکری بود که امید است مورد توجه مقامات مسشول واقع شود اما فراموش نکنیم که مردم کشور ما در چنین روز هائی که مملکت باستانه سقوط و تجزیه قرار داشت و یکمشت دزدان چپاولگر و ماجراجو براریکه سلطنت شاهای افغان جلوس نموده بودند روزهای بی اندازه تاریک و بد نام را در تاریخ کشور سپری میکردند بساط خودسری و قتل و جنایت و با اصطلاح (پخپل سری) در هر گوشه و کنار مملکت جاری و ساری بود ، ناموس ، آبرو ، عزت ، مال و حیثیت انسانی هیچ کس مراعات نمیشد ، چهل و خرافات و دزدی و زور گوئی روز بروز زمینه را برای برپادی ملت و مملکت آماده و مساعد میساخت ، نه معارفی بود ، نه اردوئی نه خزانه و نه تشکیل و قانونی ، دنیای خارج با تمسخر و ریشخند و استهزاء بحال رقت بار ما میدیدند و دندانهای تیز ارتجاع و استعمار و استثمار از چار طرف بسوی بلعیدن کشور آماده و مهیا بود ، هیچ روزنه امیدی برای ملت ستمدیده ما وجود نداشت در چنین فرصتی دست قدرت با شاهکار عظیم خویش بکمک این ملت بیچاره رسیده ، اعلیحضرت شهید سعید محمد نادر شاه بابر ادران نامدار و قهرمان خود از بستر مرضی و از دیاردور دست برای نجات وطن تلاش و مساعی خویش را آغاز نمود بادست تهی و جیب خالی اما باایمان قوی و ارده آهنین بسرحلات کشور نزدیک شد مردم دلشکسته و ناامید ما مقدم این راد مرد بزرگ

را گرمی شمردند و بی اختیار برای نجات وطن ، پروانه سان آن شمع فروزنده امید را طواف کردند دسته های مجاهدین پکتیا بر عبری سرافسر قهرمان خویش بمجادله با عناصر خاین و غارتگران تاج و تخت پرداختند بالاخره با کشمکشهای فراوان و قربانی ها و سربازی های بی نظیر توانستند دشمنان آزادی و سعادت قوم و وطن را مغلوب نمایند و کشور ما را از یک سقوط حتمی و لابدی نجات دهند .

خنوز مردم بیاد ادران روز هائی را که جنگ و کشتار بین مجاهدین و لشکر غارتگر سقویها خصوصاً در شهر کابل ادامه داشت و مردم با چه استقبال و شور و حرارتی از مجاهدین نامدار حمایت می کردند و بکمک آنها می شتافتند اعلیحضرت شهید سعید با این خدمت تاریخی و بزرگ خویش حقوق

فراوانی برگردن این ملت و نسل های آینده دارند و این وظیفه ما است که همیشه خدمات سردان صادق و فداکار را بنظر تقدیر و سپاسگزاری بنگریم و فرزندان خود را در جریان حقایق حادثات تاریخی قرار دهیم تا به بزرگان خدمت گزار خویش حرمت کامل قایل شوند و احساسات ملی و جذبات عمیق قهرمانی و دلیری همیشه در نهاد آنها روشن باشد .

ما بروح پاک اعلیحضرت شهید سعید محمد نادر شاه رحمة الله علیه قاید معرکه نجات وطن و دیگر شهدائی که بانثار خون خویش آبرو و عزت و ناموس وطن و ملت را از فساد و تباهی نجات دادند درود بیکران می فرستیم و امید داریم مملکت ما به تائید حضرت خداوند متعال دیگر نظایر این روز های منحوس و تاریک را شاهد نباشد .

يك دگر گونی تازه

يك جراح قلب اهل سویس تسكنيكي اختراع کرده که از حملات قلبی جلوگیری میکند و ضرورت پیوند قلب را منتفی میسازد. پروفیسر شارل لان رئیس قسمت جراحی قلب در شفاخانه جینوا این روش را در برابر ششصد و پنجاه متخصص قلب نمایش داد و يك متخصص سازمان جهانی بهداشت که این عمل را بر روی بیمار چهل ساله آی مشاهده کرد گفت با این روش رسیدن خون به قلب تأمین میشود و احتیاجی به پیوند قلب نیست در این عمل حدود شش سانتیمتر از ورید صافن داخل مریضی را از رانش بر میدارند و به درون يك شریان قلبی پیوند میزنند .

پروفیسر یاد شده دوازده عمل از این گونه انجام داده که همه آنها پیروزی آمیزند با این پیوند کوچک نه تنها حملات قلبی درمان میشود بلکه از حملات بعدی جلوگیری میگردد اضافه بر این خطر دفع پیوند هم در میان نیست زیرا نسج از بدن خود بیمار برداشته شده است .

مراسم افتتاح پنججاه و یکمین جشن استرداد استقلال وطن عزیز



نیز ایجاب میکند و آن عبارت است از حراست اراده و مصالح ملی از فشارهاییکه
نقدان رشد اقتصادی و اجتماعی بران وارد میکند .

درک این حقیقت يك بعد جدید را بر وظیفه ملل در زمینه تقویت وسایل
دفاعی شان علاوه میکند و سهم گیری دولت را در انکشاف اقتصاد رشد فرهنگ
ملی و بهبود احوال عامه بحیث يك وظیفه ضروری و اساسی ایجاب مینماید .

مساعی حکومت متوالی افغانستان در زمینه تنظیم اقتصاد ملی کشور
توسعه معارف و تامین وسایل حفظ صحت در واقع مظهر همین حقیقت بوده است
اما رشد اقتصادی و تامین آسایش چنانچه به سویه جهانی محتاج صلح و آرامش
است در ساحت ملی نیز به استقرار سیاسی داشتن اداره موثر و فعال برقراری نظم
و امن عمومی ارتباط و نیازمندی دارد توأم باین شرایط اشتراك فعال مردم
در حیات ملی از راه سهمگیری خرد مندانه در اداره امور مملکت بارعایت اصل
صیانت حقوق فرد و نظم اجتماع منبع سرشار تجهیز نیروهای مادی و معنوی
برای هر نوع نهضت و پیشرفت در ساحات مختلف زندگانی کشور میباشد .

تامین آسایش برای نسل امروز و فردای وطن وابسته به پرورش صحیح
نیروهای بشری و استفاده موثر از منابع طبیعی کشور است. آرزو مندم همه آنانیکه
به تربیه جوانان و به آماده ساختن شان جهت سهمگیری در ادای وجایب ملی
موظفاند و همه آنانیکه میخواهند در زندگی ملی بصورت فعال سهم بگیرند
مصالح عالیه کشور و امکانات پیشرفت سالم جامعه را همیشه در نظر داشته باشند.
قانون اساسی دولت این اهداف و وسایل را طوری تنظیم نموده که با تطبیق
احکام آن میتوان تمهیدات يك جامعه دیموکراتیک و مرفه را مناسب باتوان
و شرایط مملکت باطمینان و اثق از آینه گذاشت .

انتخابات عمومی شوری که در فاصله مختصری از امروز قرار دارد محك
مهم برای تجربه توازن بین حقوق و وجایب افراد است. درایت سیاسی و حوصله
مندی طبیعی مردم افغانستان بیا امید میدهد که از این امتحان ابراز آزاد
و قضاوت صایب بافهم اهداف و آمال ملی و با برگزیدن آن بر منافع شخصی
و ملاحظات محدود محلی موفقانه برون خواهند شد .

حمایت استقلال کشور و حفظ حیثیت و منافع افغانستان همواره بنیاد روابط
جهانی دولت ما را تشکیل داده است .

کشور ما به اصل بیطرفی مثبت و فعال و قضاوت آزاد در مسایل بین المللی
بایند بوده و دوستی با همه ملل احترام و اعتماد متقابل تساوی حقوق و عدم

اعلیحضرت معظم همایونی سر قوماندان عالی اردو و حامی استقلال و صیانت
ملی مملکت با ارشادات قیمتدار شاهانه صبح روز اول سنبله ۱۳۴۸ پنججاه و یکمین
جشن استرداد آزادی کشور عزیز را افتتاح فرمودند .

اعلیحضرت معظم همایونی ساعت هشت بجه صبح در حالیکه قطعات اردوی
شاهانه از طرف سترجنرال خان محمد وزیر دفاع ملی تقدیم گردید رسم تعظیم
و احترام اردوی و فاشعار شاهانه را قبول فرمودند .

بعداً اعلیحضرت معظم همایونی رسم احترام را در مقابل مزار اعلیحضرت
محمدنادر شاه شهید سعید قهرمان بزرگ مبارزه استرداد استقلال وطن بجا
آوردند . درین موقع بیست و یک توپ برسم احترام شلیک گردید .

سپس اعلیحضرت معظم همایونی در محل مخصوص ارشادات قیمتدار
شاهانه را خطاب بملت بدین شرح ایراد فرمودند :

ارشادات اعلیحضرت معظم همایونی به مناسبت آغاز

پنججاه و یکمین سال استقلال کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

هموطنان عزیز !

این مناسبت فرخنده را که نمودار تجلیل ما از ودیعه گرانبهای استقلال
وطنست به کافه ملت عزیزم تهنیت میگویم، از بارگاه خداوند بزرگ و بخشاینده
نیاز مندم سرزمین ما را در پناه ایزدی خویش داشته و ب مردم ما توفیق دسترس
به همه آمال ملی را ارزانی فرماید .

ببروزی نیم قرن پیش افغانستان در برابر استعمار نه تنها عقیده مردم ما را به
نیروی مقاومت شان در برابر حوادث و به قوت دفاع شان از کرامت و حیثیت
ملی تجدید کرد بلکه در نظر جهانی که شاهد این صحنه بود نیز بحیثیت پیش
آهنگ استقلال ملل غیر آزاد و آغاز انجام دوره استعمار در این ناحیه جهان
تلفی گردید .

با کسب استقلال شرط اساسی تبارز اراده برای تامین مقاصد شرافت مندانه
معنوی و مادی جامعه میباشد .

نهضتی که متعاقب حصول استقلال در مملکت آغاز گردید و در سالیان
بعد بنیان آن بر تمهیدات متین تری استوار شد در حقیقت از فهم استقلال به همین
معنی سرچشمه میگرفت ، وقایع دور معاصر تاریخ جهان هنوز هم ملت ها را
بیشتر متوجه این امر ساخت که نگرهبانی استقلال رعایت يك اصل مهم دیگر را



مداخله در امور داخلی بین دول را از شرایط عمده تقویت صلاح و امنیت جهانی میداند همزیستی بین دول عدم شمول در پیمانهای نظامی حل مسایل بیل المللی از طرق مسالمت آمیز، الغای استعمار باهمه بقایا و مظاهر آن، پشتیبانی پیکار مردمان و ملل برای کسب حق تعیین سرنوشت پایه های ثابت سیاست خارجی افغانستان بشمار رفته و میرود .



در هنگام تجلیل از روز استقلال بطور خاص از آمال و مجاهدات برادران پښتونستانی ما که هنوز به آرزوی مشروع و حق مسلم خود نرسیده اند مستشعر میباشیم مردم و حکومت افغانستان برای فراهم شدن حق تصمیم و تعیین سرنوشت برای مردم پښتونستان مساعی خود را ادامه میدهند امیدواریم حکومت پاکستان در برتو واقعبینی و مطالعه بیغرض تاریخ بتواند با حل قضیه پښتونستان مطابق آمال مردم یگانه مانعی را که راه بهبود کلی روابط بین افغانستان و پاکستان وجود دارد از بین بردارد .



درین روز فرخنده همه ما بیاد اراده خلل ناپذیر مردانی می افیم که در راه دفاع از شرافت ملی و رفق نهائی تجاوز بیگانگان سرمشق ایثار بوده اند با اتحاف درود به روح قهرمان بزرگ معرکه آزادی وطن اعلیحضرت محمد نادرشاه (شهید) و به ارواح دیگر شهدای آن جهاد و یاد آوری از خدمات مردانی که در این راه صرف مساعی نموده اند مراسم پنجاه و یکمین سال استقلال افغانستان را بنام خداوند پاک و یگانه افتتاح مینمایم .



متعاقباً اعلیحضرت معظم همایونی در بین کف زدنهای هلملهها و شادمانی های مردم شاهد وست در حالیکه علیا حضرت ملکه معظمه ، والاحضرت شاهزادگان و شاعدهت های گرامی نیز در لوژ سلطنتی حضور داشتند به لوژ سلطنتی تشریف فرما گردیدند .

رؤسای مجلسین شوری ، قاضی القضاة ، اعضای کابینه ، جنرال های اردوی شاهانه ، مامورین عالیرتبه مسلکی باخانمهای شان و کور دیپلوماتیک مقیم کابل ، قضات ستره محکمه و دیگر مامورین در کمپ های مربوطه اخذ موقع نمودند ، در حالیکه در دو جناح غازلی محمد اکبر خان واپ هزاران نفر از شهریان کابل و ولایات صاف بسته بودند رسم گذشت عسکری بساعت هشت و نیم صبح آغاز گردید .



درین هنگام یکدسته از هایکوپترها از مقابل لوژ سلطنتی عبور و اوراق تبریکه جشن را پخش کردند .

پس از آنکه دسته باندوی موزیک عسکری مقابل لوژ سلطنتی قرار گرفت رسم گذشت با توپهای گلپوش مجاربه تاریخی و پر افتخار فتح تل درین ابراز احساسات گرم مردم شروع شد ، بعداً پوهنچی های مختلف پوهنتون حربی اکادمی تخنیک حربی ، پوهنچی هوانی ، بتوونچی های مختلف و انواع مختلف اسلحه عصری بداخل نظم و دیسپلین عسکری برسم گذشت پرداختند . در اثنای که قطعه پاشوت از مقابل لوژ سلطنتی میگذشت یک جزواتم از انواع گوناگون طیارات در قضا پرواز نمود .



اعلیحضرت معظم همایونی در ختم رسم گذشت مراتب رضائیت شاهانه را از حسن انتظام و پیشرفت محسوس اردوی شاهانه به متر جنرال خان محمد وزیر دفاع ابراز فرمودند .

بدین ترتیب جشن پر شکوه استقلال وطن عزیز افتتاح گردید و طی مدت هفت روز مسابقات و نمایشات مختلف سپورتی از قبیل نیزه بازی ، پهلوانی ، فوتبال ، والی بال ، بایسکتبال و غیره نمایشات ورزشی و هنری در غازی ستدیوم ، چمن حضوری و ننداریهای مختلف صورت گرفت ، تیم های مربوطه اردو از قبیل تیم های نیزه زنی قوای نمبر ۷ و نمبر ۸ و نمبر ۳۰ قوای مرکز ، تیم های پهلوانی کلپ های اردو ، تیم های سپورتهای دست جمعی پوهنتون حربی و غیره تیم های اردو شرکت داشتند که نتایج آنها طی خبر جدا گانه ترتیب گردیده است .

افتتاح نندارتون پنجاه ویکمین سال

جشن

استرداد

آزادی

وبازدید

از

پاولیون

تخنیک

اردو



والاحضرت شهزاده احمد شاه چینیکه از غرفه ریاست خدمات تخنیکي اردو در نندارتون جشن دیدن می فرمایند

خان عبدالصمد خان، میرمن تریشکو و اکیه انورد اتحاد شوروی و کوردیپلوما تیک مقیم کابل حضور داشتند.

راپورتر ما اطلاع میدهد که ساعت ده و بیست قبل از ظهر والاحضرت شهزاده احمد شاه در حالیکه بناغلی نور احمد اعتمادی، صدراعظم و ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی بمعیت شان بودند با سایر مدعوین از پاولیون تخنیک حربی بازدید نمودند.

در مدخل پاولیون تورن جنرال عبدالواحد سراج رئیس عمومی تخنیک حربی، تورن جنرال حاجی محمد انور رئیس فابریکات حربی و برید جنرال عبدالمجید آمر ورکشاهای پل چرخي ازیشان استقبال نمودند در موقع ورود والاحضرت و همراهان محترم شان مجله فوق العاده تخنیک حربی توسط یکی از موظفین حضورشان تقدیم گردید.

والاحضرت شهزاده احمد شاه ساعت ۹ قبل از ظهر روز دوشنبه نندارتون پنجاه ویکمین سال جشن استقلال کشور را که در آن تولیدات ملی موسسات قدیم و جدید در معرض نمایش قرار داشت افتتاح نمودند.

والاحضرت شهزاده احمد شاه در مدخل نندارتون از طرف بناغلی وزیر تجارت و اراکین آن وزارت استقبال گردیده و گاردا احترام مراسم سلام و احترام را بجا آورد.

درین موقع پرچمهای ملی و شاهی افغانستان به اهتزاز در آورده شد.

در هنگام افتتاح نندارتون بناغلی نور احمد اعتمادی صدراعظم دکتور عبدالظاهر رئیس ولسی جرگه، بعضی از اعضای کابینه عمده از جنرالهای اردوی شاهانه، سامورین عالیرتبه



تورن جنرال عبدالواحد سراج رئیس خدمات تخنیکي اردو حینیکه تولیدات آن ریاست را حضور والا حضرت شهزاده احمد شاه در نندارتون جشن معرفی میدارد که در این فوتو جلالتآب نور احمد اعتمادی صدر اعظم و ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی نیز دیده می شوند.

والا حضرت مارشال شاه ولیخان غازی فاتح کابل کپ قهرمانی رابه قوماندان تیم پولیس اعطاء میفرمایند .



متعاقباً انواع واتسام آلات و افزار های ساخت فابریکه های حربی و ورکشاپها مورد بازدید قرار گرفت که در هر مورد توسط موظفین توضیحات لازمه بعرض میرسید . والا حضرت شهزاده احمد شاه از تولیدات مختلف تخنیک حربی که از لحاظ کمیت و کیفیت پیشرفت محسوس در آن دیده میشد ابراز خورسندی فرمودند درین پاولیون انواع و اقسام سلاحهای خفیف، بخاریهای دیواری، چراغهای سرمیزی، انواع کپ های که در مسابقات بقهرمانان توزیع میگردد انواع گوناگون واترپمپها، انواع واتسام آلات و افزار آهنگری و نجاری سیت های کوچ باندازه های مختلف به نمایش گذاشته شده بود. همچنین میرمن ترشکو و انیز از بازدید پاولیون تخنیک حربی اظهار خوشی نمود و پیشرفت های فابریکه های ورکشاپهای مشمول راستود .

علیا حضرت ملکه معظمه

برای معالجه و عملیات استخوان دست شان

عازم امریکا گردیدند

علیا حضرت ملکه معظمه نظر به تجویز اطبا برای معالجه و عملیات استخوان دست شان ساعت ۱۰ قبل از ظهر ۹ میزان ۱۳۴۸ عازم ایالات متحده امریکا شدند .
موکب حامله علیحضرت معظمه همایونی و علیا حضرت ملکه معظمه بعد از آنکه به میدان هوایی بین المللی کابل مواصلت کردند .

علیاحضرت ملکه معظمه در میدان هوایی کابل

بامشایعین وداع کرده و علیحضرتین سلام گاردا احترام را پذیرفتند .
علیاحضرت معظمه همایونی ، والا حضرت شهزاده احمدشاه ، والا حضرت ثنا هدخت بلقیس ، والا حضرت شهزاده محمد نادر والا حضرت شهزاده میرویس ، والا حضرت لیلما ، والا حضرت مار شمال شاه و لیخان غازی فاتح کابل ، والا حضرت سر دار عبد الولی و دیگر اعضای فامیل جلیل سلطنتی ، شیخانی نور احمد اعتمادی صدر اعظم باخانم شان ، پوهاند دکتور عبد الحکیم ضیائی ، قاضی القضاة ، ستر جنرال خان محمد وزیر دفاع ملی ، روبرت نیومن سفیر کبیر امریکا باخانش تا نزدیک طیاره علیا حضرت ملکه معظمه را همراهی و مشایعت کردند .

در این سفر والا حضرت شاهدخت مریم ، شیخانی علی محمد وزیر دربار سلطنتی ، دکتور عبدالظاهر ، میرمن صالحه علیشاه سلیمان بحیث ندیمه ، شیخانی محمد انور نوروز عضو ریاست تشریفات وزارت امور خارجه باعلیاحضرت ملکه معظمه همراه میباشند .

طیاره کندهار حامله علیا حضرت ملکه معظمه و همراهان شان ساعت ده و نیم قبل از ظهر از میدان هوایی بین المللی کابل اوج گرفت .

اعضای کابینه ، جنرالهای اردوی شاهانه ، عده از تسوان مرکز و معاریف پایتخت و عده از رؤسای کور دیپلوماتیک مقیم کابل باخانم های شان نیز در میدان هوایی برای وداع باعلیاحضرت ملکه معظمه حضور داشتند .



تازه ساعت دو، وسی دقیقاً نیمه شب بود که توسط آلام خطر بیدار شدیم، قبلاً نیز در خصوص این آلام بارها پروا کرده بودیم، اما این بار بادفعات قبلی فرق داشت زیرا هیچکدام ما انتظار چنین آلام را در آن وقت شب نداشتیم، تماماً در حالیکه هنوز چشمان ما از خواب باز نشده بود بایک سرعت زیاد توأم باترس ولرز دریشی هوشیدیم و طبق پروگرام قبلی خود را به محل اجتماع رسانیدیم.

چند نفر بحال تقرب دیده می شود همگی توأم بایک اضطراب زیاد متوجه آن نقطه شدیم و دقیقاً هم چشمان خود را از استقامت فوق دور نمیکردیم، بعد از آنکه نزدیک شدند شناخته شدند که نفرهای فوق بکنفر صاحب متصب ویک بریدگی و دونفر از افراد دشمن میباشند ویک تسکه سفید نیز که بشکل بیرق بنوک چوبی دوخته شده بود همراهی خود داشتند و هرچهارنفرشان با اسلحه مجهز بودند.

قبل از آنکه آنها داخل تهنانه شوند تورن ما به تمام افراد اوامر خود را صادر نمود تا بالای نفرهای فوق تیر اندازی نکنند و بریدن محمد علی معاون خود را موظف ساخت تا آنها را از راه مخصوص صیحه امنیت ستر اخفای افراد ماتامین میشد رهنمائی کند.

نمایندگان انگلیسی پس از آنکه در داخل تهنانه وارد شدند از طرف قوماندان تهنانه با گرمی استقبال گردیدند اما از سیمای هر یک شان غرور و خود خواهی زیادی می بارید چنانچه کپتان انگلیسی با محمد یوسف خان بابی اعتنائی عجیبی احوالپرس نمود اما در مقابل یوسف خان خیلی خونسردانه پیش آمد کرد و کمترین عکس العمل هم از خود نشان نداد و قبل از اینکه در بین شان مذاکره شروع شود طبق

داخل موضع شدیم، با آنها تا هنوز معلوم نشده بود که علت این همه جنب و جوش و ورخطائی درین وقت شب چه میباشد؟ اما بعد از آنکه هواروشن شد دانستیم که افراد دوریه ماعده از خیمه های دشمن را در چند کیلو متری تهنانه مشاهده کرده است. بزودی این خبر در بین افراد تیت شد، چون اولین بار بود که از چنین راهپور های وحشتناک وترس انگیز بشکل حقیقی باخبر می شدیم همگی خیلی ها تحت تاثیر هیولای هیجانان ترس ناک قرار گرفتیم اما طرز پیش آمد و رویه نیک قوماندان تهنانه ما را تا اندازه تسکین میداد، موصوف هر لحظه از هر دلگی خبرگیری میکرد و در خصوص بعضی از مشکلات و کمبودی ها مشوره و دلداری میداد و از جاهائیکه در آن داخل موضع شده بودیم و ارسی مینمود و سلاح های دست داشته ما را امتحان میکرد و حتی همراهی بعضی ها شوخی مینمود و خنده میکرد، در حقیقت این تورن مجد یوسف بود که بمشابه حامی در آن لحظات حساس به ما نیروی معنوی میداد و هر لحظه از هر حرکت و پیش آمد آن درس می گرفتیم.

* * *

از معاینات قوماندان تهنانه ساعتی نگذشته بود که یکی از متر صدین از برج مراقبت راهپور داد که از دور

صحن تهنانه را که در آن زندگی میکردیم هیاهوی عجیبی فرا گرفته بود هر کس به هر طرف می دوید چون شب تاریک بود کسی کسی را نمیشناخت، در این لحظه ناگهان صدائی ما را متوجه خود ساخت. این صدا صدای تورن محمد یوسف قوماندان تهنانه ما بود، صدائی بود که همه روزه ما را به تعاملات عسکری و امیداشت و دایم در تمام پروگرام های تعلیمی همراهی میکرد، آن زمان لحظات هیجان انگیزی بود از اینکه از موضوع هیچکس خبری نداشت همگی بایک علاقه زیادی متوجه این صدا شدیم، اما قوماندان تولی جز امر حرکت بصوب سلاح کوت و مراعات خاموشی چیز دیگری نگفت، بزودی توزیع سلاح شروع شد و دوباره به محل اجتماع جمع شدیم.

آنشب هوا تاریک و گرفته بود باد سرد خرائی میوزید، خاموشی مطلق گرد و نواخی ما را فرا گرفته بود، قوماندان تهنانه سرپر کمشر آن را نزد خود خواست و در فاصله بیست متری ما داخل صحبت شدند و با ما امر نشستن داد. مدتی نگذشته بود که اوامر لازم به سرپر کمشر آن صادر شد و هر بلوک درجه های معین که قبلاً آدر داخل و خارج تهنانه تثبیت شده بود

معمول از طرف قومانون تهانه به چای دعوت شدند، اما کپتان انگلیسی بدون اینکه باین دعوت کمترین اعتنائی نشان بدهد ترجمان خود را مخاطب قرار داده گفت :

— برایش بگو من بخاطر چای نیامده‌ام، از طرف جنرال رابتنس پیغامی دارم تا طبق آن تو به افراد خود امر کنی تا تسلیم شوند .

ترجمان نیز این جمله کپتان را ترجمه نمود، اما با شنیدن کلمه تسلیم ناگهان سیمای تورن افغانی بکلی سرخ شد ، پیشانی هایش چهلکی بید کرد ، چشمانش از وضعیت عادی تغیر خورد و هر لحظه بیم آن مبرفت تا بالای صاحب منصب انگلیسی حمله کند لیکن با آنهم بالای هیجانان روحی خود غلبه نموده ، در حالیکه ذریعه دو انگشت خود پیشانیش را سی مالید در جواب تهدید آنها اظهار نمود :

— بجناب کپتان بگوئید من جنرال را برتس را نشناختم و چرا تسلیم شویم .

— جنرال رابتنس را نمی‌شناسید ؟ تعجب آور است شما حق هم دارید کسی را نشناسید زیرا تمام معلومات شما در چوکات همین چهار دیواری کثیف نهفته شده است ، اما بالاخره خواهید شناخت ، جنرال رابتنس قوماندان مقتدر انگلیس که شجاعت و دلیری هایش سر تا سر جهان را فرا گرفته و چراید معتبر جهان در باره شهامت آن وسر بازانش تبصره ها نموده است لیکن جای بسیار تاسف است که این مرد بزرگوار را نشناخته اید .

واز اینکه چرا تسلیم می‌شوید ، این موضوع بخودتان ارتباط دارد ، ماتصمیم داریم که شما از راه صلح راضی شوید و الا بنوک سر نیزه شما را مجبور خواهیم ساخت .

قوماندان تها نه نتوانست زیادتر از این کلمات تهدید آمیز و جاه طلبانه ای این مرد خود خواه را بشنود در حالیکه مشت‌های خود را گره ساخته بود محکم بر روی میز کوبید

و کلمات کپتان را قطع کرد :

— بس است ، توانسان پستی بودی ، بیش از این تحمل شنیدن حرف های احقما نه ترا ندارم ، این کلمات تو زاده اندیشه های ظالمانه و استعمار گرانه بادارهایت میباشد که انسانیت نوع دوستی و آزادی در نزد آنها کمترین ارزشی ندارد و سالهاست چون قاطع الطریقان جان و مال ملیون ها انسان بیگناه را باز یچه خود قرار داده وهستی شانرا به تاراج می‌برند . شما نمایندگان استعمار گران و تبهکاران جهانی نیز بخاطر تحقق دادن آن دشمنان شربت بیکار دارید اما در سرزمین ما این آرزوهای پلیدانه شما به آسانی بر آورده نخواهد شد . اگر بخاطر مذاکره صلح نمی بود ، جسدت را به جنرال رابتنس می فرستادم برو پیغام مرا هم به جنرال بگو که در این چهار دیواری کسانی خفته است که فرزندان فداکار خاک خویشند و تازمانیکه یکنفر آنها زنده است متعرضین را با گلوله جواب خواهد داد ما هرگز تسلیم نخواهیم شد . . . اری تسلیم نمی شویم . . .

* * *

پس از آنکه هیئت انگلیسی از منطقه ماناپدید شدند ، دوباره اشاره آلام جمع زده شد یکصد و پنجاه نفر از عساکر افغانی که در تحت قوماندان آن بود با تنهیدن این آلام موضع های مدافعه خود را ترک داده و در میدان اجتماع جمع شدند ، از سیمای هر کدام شان آثار اضطراب و هیجانان روحی معلوم میشد زیرا آنها برای اولین بار بود در جنگ اشتراک میکردند ، یوسف خان در حالیکه متانت و سیمای سر بازی خود را حفظ نموده بود بعد از یک مکث مختصر افراد معیتی خود را چنین مخاطب قرار داد :

رفقای عزیز !

ممکن است از جریان و پیش آمد هایکه در این چند ساعت رخ داد ، وضعیت را کم و بیش درک کرده باشید دشمنان ما آرزو داشتند بدون جنگ تسلیم شویم

اما من بدون اینکه از شما مشوره کنم به نمایندگی آنها پاسخ دندان شکنی دادم و اطمینان دارم شما نیز از این رویه ام خوش خواهید بود .

ما در مقابل وطن و مردم خود مسئولیت بزرگی در پیش داریم ، هم وطنان ما از ما توقع دارند تا نوا میس ملی و افتخارات تاریخی شانرا که به بهای خون نیاکان ما بدست آمده حفظ کنیم . اعمال ما ، ایثار و فداکاری ما ، درین لحظات حساس در برابر تاریخ پنهان نخواهد ماند . در صورتیکه مسئولیت سر بازی خود را ادا نمائیم ، نسلهای آینده درین باره قضاوت خواهد نمود و از آن درس خوبی خواهد گرفت ، درست است زندگی شیرین است اما در پهلوی آن بسامزایای دیگری نیز ضرورت دارد ، زندگی تنها نفس کشیدن و حرکت نیست ماهیت اصلی زندگی آزاد زیستن است ، جامعه ای که در بردگی و فرومایگی تن در داده اند ، از مزایای زندگی کمترین بهره ندارند و نسبت به آن مرگ هزاران بار ترجیح دارد .

بهره کشان اجنبی نیز تصمیم دارند تا ما را از این مزایا محروم سازند و آرزو دارند تا سرزمین ما را هم مورد تاخت و تاز خود قرار داده با وسعت خاکهای استعمارگری خود بیفزایند ، این وظیفه ماست تا مرگ شرافتمندانه را بر زندگی ننگین ترجیح داده و تا آنجا که توان و قدرت بشری ماست از این جایگاه مقدس دفاع کنیم .

من یقین کامل دارم جامعه ما در مقابل یک مشت ستمگر هرگز زانو نخواهد زد و فرد فردشان در این راه پیکار خواهند کرد و قربانی خواهند داد بیایید با در نظر گرفتن مسئولیت سر بازی خود پیش قراول این پیکار ما باشیم .

پس از ختم بیانیه قوماندانان بهرامالدین بانمایندگی سایر همقطاراننش در جواب چنین اظهار نمود : « من به نمایندگی رفقایم تعهد میکنم تا آخرین قطره خون با دشمن پیکار کنیم و هرگز به اینها اجازه نمیدهم قدم بسر زمین ما بگذارند .

دشمنان ما تا زمانیکه از بالای جسد ما عبور نکنند به آرزوی خود پیروز نخواهد شد در آن صورت هم من ایمان دارم که ملت افغان هرگز آنها را آرام نخواهد ماند...

باشنیدن این کلمات هیجان عجیبی تماماً را فرا گرفته بود، در اثر وجد و حرکتی که پس از این صحنه ایجاد شده بود بمجرد کلمه «تیت سی مارش مارش» بجنب و جوش افتادیم و هر کدام بصوب موضوع های مدافعه خود توأم با رویا های عجیب به مارش مارش آغاز نمودیم...



در اطراف تهانه که در آن داخل موضع شده بودیم موقعیت تکتیکی خوبی داشت، شرایط اراضی استیجناح و استقامت ساحة دید ما را تا اندازه تا مین کرده بود، در مقابل ما دشت وسیعی هموار و یکنواخت قرار گرفته بود که خط زرد و چرکین راه های پیاده رودر میان آن پیچ تاب میخورد، کمی دور تر و در آخرین قسمت این دشت چند تپه ای که معلواز درختان بود بچشم میخورد.

اما از نگاه امکالات سلاح فوق العاده ضعیف بودیم و هیچ نوع سلاح درستی در تولی ما موجود نبود، ما شیندار، هاوان و توپ را کسی نمی شناخت جز چند میل تفنگ یازده تکه دیگر تماماً تفنگ های دهن پر و فله ئی بود حتی چند نفر از افراد ما تفنگ هم نداشتند و از سیلاوه استفاده میکردند، زمانیکه موضع های مدافعه ما توسط سلاح های ثقیله عساکر انگلیسی در زیر آتش قرار گرفت در مقابل ما نتوانستیم کمترین عکس العملی نشان بدهیم. آتش دشمن هر لحظه شدت میافت و در فاصله چند متری ما انفلاق مینمود به طوریکه دیگر نمیشد سر بلند کرد اما

صدای نالشی علی اکبر امر بر که در چند متری قوماندان تام سپر کرده بود یوسف خان را مجبور ساخت تا سر خود را بلند کند دید که اکبر زخمی شده و کمک می طلبد، خواست خود را به آن برساند اما يك گلوله توپ در چند قدمی اش منفجر شد، یوسف خان تکه های سنگ چل گرد و خاک را به پیشانی اش پریده بود يك کرد و بزحمت خود را به اکبر رساند اما دید که گلوله دوم آن جوان مجاهد را شهید ساخته بود تاثیر عجیبی برایش پیدا شد، لحظات وحشت انگیزی بود سر امر خطوط مدافعه اش را دود و گرد و خاک فرا گرفته بود، جز صدای انفلاق های تکان دهنده مرمی سلاح های ثقیله و نالشی زخمی ها چیز دیگری شنیده نمیشد. یوسف خان با عجله يك امر بر را مؤظف ساخت تا جریان را به قند هار خبر بدهد زیرا وضع را خیلی ها وخیم مشاهده نمود با صفتیکه قبلاً نیز بعد از گرفتن معلومات در خصوص خیمه های دشمن بکثرت دیگر را نیز روان کرده بود عدوم امر نمود افراد تا قومانده ئانی تام سپر باشند، این وضع تقریباً بیست دقیقه دوام نمود اما بعد از اینکه صدای انفلاق مرمی ها کم کم قطع شد. یوسف خان معاون و سرپر کمشران خود را در یکی از پناه گاه ها جمع کرد و از اینها راپور خیریت خواست در نتیجه معلوم شد که ۸ نفر از افراد تلف و ۲۰ نفر آن زخمی شده است.

از مشاهدات راپور سرپر کمشران را مخاطب قرار داده گفت: رفقا خیلی ها پریشان بودم که ممکن تلفات زیاد داده باشیم اما بفضل خداوند آنقدر زیاد قابل تشویش نیست خواهش نمودم مردانه وار مقاومت بخرج دهید و در هر لحظه ارتباط خود را از من قطع نکنید ممکن است چند لحظه بعد دشمن تعرض خود را آغاز

کند چشم انتظار هم و طغان ما درین لحظات حساسی تاریخ فقط در نتیجه اعمال فداکاری های موجوده ما خواهد بود.

شما کدام سوالی دارید :

گلیدین از اینکه حواسش خیلی هاپرت شده بود به ورخطائی گفت :

قوماندان صاحب چگونه میتوانیم مقاومت کنیم آنها از ما خیلی قویترند - چگونه می توانی مقاومت کنی، مثل یک مرد، مثل یک وطن پرست واقعی لازم نیست این سوال را از من بکنی وطن، مردم و تاریخ خود را در نظر بگیر بعد آدلت هر چه میخواهی بگو...

چون وضع خیلی ها وخیم بود به سر پر کمشران دستور داد تا هر چه زودتر در جاهای خود اخذ موقع کنند :

پس از آنکه آتش احضارات دشمن خاموش شد، چند لحظه بعد پیاپی ده های آن بیک جبهه فراخ به تعرض خود آغاز نمودند، آنها در چندین خط به تعرض خود پرداخته بودند و در عقب شان سلاح های ثقیله نیز بحرکت آغاز نموده بود، زیرا تکتیک شان چنین وضعیت را ایجاب مینمود.

اما خطوط مدافعه ما را خاموشی مطلق فرا گرفته بود، زخمی ها را به عقب انتقال داده بودیم و چهل نفر بشکل احتیاط در خط دوم جا بجا شده بودند یوسف خان در وسط جبهه داخل موضع شده بود و تولی خود را از انجا سوق و اداره می نمود، در ضمن به افراد خود خبر داده بود تا قومانده اور آتش نکنند زیرا سلاح های دست داشته ما نمیتوانست مسافه دور را مورد هدف قرار بدهد.

چون دشمن از موضع سلاح های دست داشته ما باخبر بودند، بدون کمترین و اهمه در هر لحظه به سرعت خود میافزودند آنها زمانیکه بمسافه صدمتری ما رسیدند (بقیه در صفحه ۱۰۶)



د لور معنوی او فزیکي طاقت خاوندان په جگړه کېښي ښي موسی

ژباړه او لنهیز: غلام سخنی «اتمر»

د ح، پ، تورن

له انگلیسي منابعو څخه

په جگړه کېښي دمورال اهمیت

د جگړې اساس، ماهیت او عناصر و څیړو دا به راته معلومه شي چه همدغه روحی انگیزی او محرکی دی چه عساکر په جگړه کېښي ددوی پخپله خوښه دی حد ته رسوي چه خپلې وینې د خپلو عالی ملی مقاصد لپاره توی کړي .

په مدرنو او عصري جگړو کېښي دمورال عناصر تر کلاسیکو جگړو زیات ښکاري نو په عمو می تو گ جگ مورال د جگړې د کولو جگه روحیه، اعتماد بریوبل باندی، همدغسی دخلکو اعتماد پر اردو باندی، دعسکرو اعتماد پر لیدرانو او داسی نور عناصر لکه د جگړې په ضرورت اعتماد لرل تشکیلوی نو که دا عناصر کوم چه موورنه یادونه و کړه تامین شی نو هرو مرو عساکرو په سختیو او بدو شرایطو کېښي جگړې ته دوام ورکوی، د دوی عزم او اراده کلکه وی، ډار او خوف ددوی پر عالی روحیه باندی منفی تاثیر نشي اچولی پر بحان باور - دفدا کاری حس ورځ په ورځ د دوی په وجود کېښي تقویه کیري او تل هر تکلیف او کړاو چه راشی گالی او د ټولو سختیو او کړاوونو په شا کېښي ښي ته سترگه

تنده، یخنی، تودوخه، نه کوم بخشش نه دوی دیدلو ځای، بلکه جبری رفتارونه د برچی مبارزه او تعرض رایادوم نو ای هغوچه خپل هیواد در باندی گران دی په همدغو شرایطو کېښي ما پسی راشی او ما تعقیب کړی .

دا روحیه چه ښایي عسکری افرادو د سختیو او کړاوونو نه و نه ډارشی د ټولو عسکری او ملی لیدرانو په مغزونو کېښي موجود او ټولو به د خپلو لاس لاندو څخه هیله کاوه چه په ټولو مشکلاتو کېښي د ښمن سره جگړه و کړي او خپل مادی او معنوی موجودیت دهیواد لپاره بحار کړي .

لور مورال که دعسکرو او صاحب منصبانو او همدغی دنوروملی عناصرو سره موجودوی بی لدینه چه دوی په پانیک او انهزام اخته شی خپل وظایف ترسره کولی شی، دلته لازمه گڼو چه مورال دسایکالوژی پوهی په رڼا کېښي و څیړو او تر مطالعی لاندی ونیسو ترڅو ز مونږ گران لوستونکی دخلل لاس لاندو کسانو دمورال په جگولو کېښي مخصوصاً د جگړې په وخت کېښي ډیره هڅه او کوشښ و کاندی . که په خورا حقیقی او علمی توگ

د جگړې په نتیجه او دوام باندی موثر فکتورونه ډیردی له دغو فکتورونو څخه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی او همدغسی خاص او یوا ځنی عسکری فکتورونه او داسی نور فکتورونه د یادونی وړ دی .

دغو عناصرو او فکتورونو کوم چه موورنه یادونه و کړو په تسلسل ارتباط او د یو بل سره د متقابل اثر په غرنگوالی باندی له ټولونه زیات مورال لوی رول لوبوی .

د مورال انگیزه او موثره خورا قوی محرکه قدرت دی چه انسان ته د جگړې په سختیو او خو ږیو شرایطو کېښي یو بی ځاری فدا کاری ور په برخه کوی او بیا د همدی جگ مورال تر رڼا لاندی د ښمن سره جگړه کوی او پخپل مرگ او پرینه د وظیفی د اجرا کولو په لار کېښي پروا نکوی .

دمورال اهمیت په جگړه کېښي له تیرو وختونو راهسی پېژندل شویدی لکه چه یو ایطالیائی ملی لیدر (Giuseppe Garibaldi) خپلو مساحو ملگرو ته داسی وویل: «عسکرو د تا سو و هغو ته چه ما تعقیبوی لوړه



یوفرانسوی تانک

که عمومی دوهمی جگړې ته نظر و اچو و دا بهرانه معلومه شی چه اکثری هیوادونه د نازی المان د قو تو نو سره په خورا میړانه چه ددوی د لوړ مورال ښکاروندوی دی و جنگیدل ، د شوروی اتحاد قوتونه پدی پوه ؤ چه د خپل هیواد دخپلوا کی د تاسمین لپاره چه د گردو خلکو په گټه ده جگړه کوی او خورا کلک او موثر لید رشپ او د قهرمانی روح په فردی او اجتماعی توگه او بڼه د ټول ملت په روحیا تو کښی موجود ؤ نو همدغه وجه وه چه د نازی المان دا کثرو قوتونو سره په موثر توگه جگړی دبری دمنډلو پوری دوام و کړ او نازیانو ته سخته ماته ور کړله شوه نو د کیفیت له لحاظه د شوروی اتحاد دبری اساسی عنصر د دوی لوړ مورال ؤ نه نور مادی او حربی دیر مواد یعنی جگړی چه د ملی مقاصد او هدفونو د تحقق او لاسته راوړلو لپاره نهوی او د ټول ملت په گټه نهوی هیڅکله دخلکو او هیوادوالو حمایه نشی جلبولی نو پدی حساب حتما دا جگړه په اخرنی مرحله او تحلیل کښی د نا کاسی اوماتی سره مخامخه کیږی ځکه د جگړی اساسی فکتور او عناصر ملی قوتونه او عناصر دی او هغه منابع چه د جگړی د سایکالوژیکی اومادی بڼی د جوړولو لپاره پکار دی همدغه ملی مختلف منابع دی .

دارامتیا لپاره شپه او ورځ کار کوی داسی قناعت ښکاره خیره ده چه د عسکرو بر مورال باندی خورا ښه اغیزه کوی بل مهم ټکی د مورال د لوړ ساتلو لپاره دانی چه حتما باید عساکر پوه شی چه روانه او یا را تلونکی جگړه د کوم شخص او یا اشخاصو د شخصی گڼو لپاره نه بلکه د ټول ملت د ښکمرغی لپاره دوام کوی او رښتیا هم همدغسی ده او د قوماندانو اولیدرانو وظیفه ده چه عساکر پوه کړی .

نیسی او هر کله وایی بری زمونږ په برخه ده نو دا وظیفه چه د عسکرو او سادونانو مورال اوروحیه لوړه وساتنه شی د قوماندانو اولیدرانو سهمه وظیفه ده نو ښایی چه دا خپلی وظیفی ته په کلکه سره متوجه اوسی ترڅو په جگړه کښی د تیت مورال په لرلو سره ددوی افراد او لاس لاندی افراد ماته ونه خوری - اولته بیا پشیمانی گټه لمړی جگړه مورال په ماعری صورت د هیواد دورغنی چارو داچرا یو محصول دی . یعنی دا چه په هیواد کښی څه تیریری او پر افراد و باندی څه تاثیر اچوی خوسره سیاسی فعالیتونه د هیواد په پرمختک باندی موثر دی او تر کومه حده پوری دخلکو او افراد د جدی معنوی او مادی ضروریاتو سره انطباق لری . نو کوم اجراءت چه دخلکو په گټه به مملکت کښی اجرا کیږی ښایی عسکر ورباندی پوه شی ترڅو دوی ته روحاً د قناعت او یاد پیدا شی چه همدغسی چه دوی خپل و بڼی دخلکو د امنیت او ملی نوا - یسو په خوندی کولو کښی توپوی نور خلکو دننه په هیواد کښی شته دی چه ددوی او ددوی د کورنیو



کله چه حر کات په منفرد ډول او یاد واړه جزو تامونو په توگه په غرو کښی اجرا کیږی د افرادونه خورا لوړ مورال او فزیکي طاقت غواړی

روحاً دماستی سره مخامخ کیږي
 دا وضعیت داسې تحلیل کولای شو
 چه ویتنامیان و اقعاً دیو ملی عذب
 کوم چه مشروع دی جگړه کوی اما
 مقابل لوری داسې مرجح دلیل چه دوی
 ته د جگړې حق خوندي شی لاس کښي
 نشته نو داسې وایو ویتنامیان خورا
 لوړ مورال او مقابل لوری خورا تیت
 مورال لری او دا کوم فرمایشی او ددوی
 دارا دو تابع نده بلکه ددغسی حادثی
 او بیثبی علمی نتیجه ده (زمونیر دگران
 هیوادد ملی عناصرو سرپښندنی دانگلیسانو
 په مقابل کښي د داسې جگړه-روښه
 مثال دی)

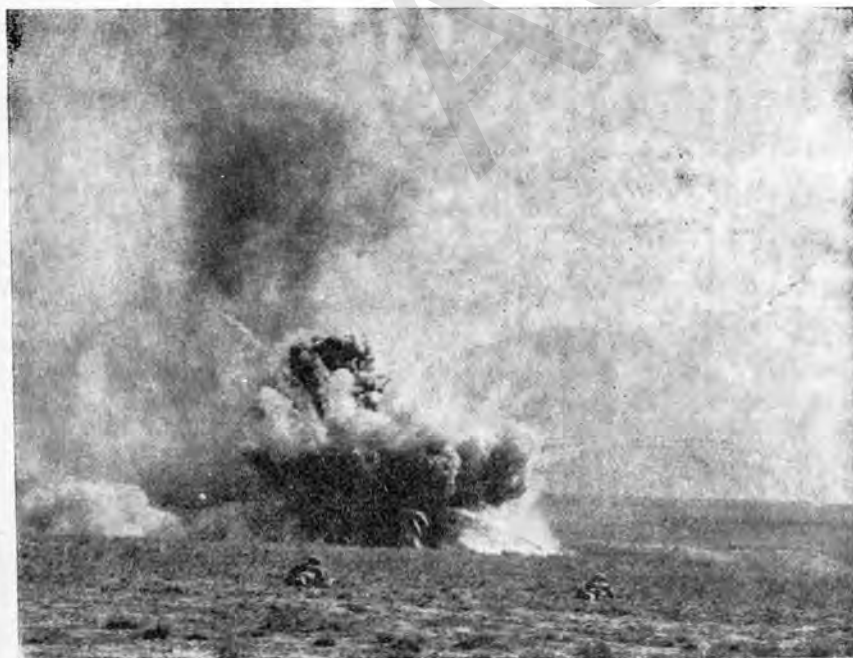


د غرنی تطبیقاتو څخه یوه منظره

مودرنه او عصری وسله د جگړې
 اساسی عنصر دی اما د جگړې دور لو
 یواځنی او اصلی عنصر انسان دی نو
 که متجاوز قوتونه غومره زیاته او
 عصری وسله ولری او لوړ مورال
 ورسره نه وی جگړې پایلی دا ځکه چه
 همغهسی حربی وسایل په جگړه کښي
 توازن منځ ته راوولی روحی تفوق
 هم ددی توازن په ساعت کښي اصلی
 رول لوبوی یعنی داچه کیفی فکتورونه
 نه یواځی په جگړو بلکه دژوند په
 ټولو ساحو کښي لوړ مقام لری اوحتی

تسنت د فرانسې او بالاخره دامریکا په
 جگړو دریتنامیانو سره بدل شو او کومی
 نتیجی ته ونه رسیده ددی جگړو دنه
 ختمیدو اساسی علت دادی چه ویتنامیان
 دخپلی بقا لپاره او دملی حاکمیت لپاره
 جنگیږي او مقابل لوری واضح خبره
 ده دنورو مقاصد و لپاره جگړه کوی
 نو اوس چه هلته دمقابل لوری قوتونه
 تقریباً یونیم ملیون نفرو ته رسیږي
 بیا هم جگړه نشی گنلی اوحتی مخصوصاً

بله منلی خبره داده چه د جگړو په
 واقعیت او حقایقو باندي هم باید فکر
 وشي هغه جگړې چه تجاوزی روحیه
 و اساس ولری او پر نور و هیوادونو
 او ملتونو باندي تجاوزوی او د هغو
 د مخکو دلاسته راوړلو او یانو رسیاسی
 مقاصد او یا هلته دپایگاه وو جوړول
 مقصد وی په لنډه توگه چه جگړه تجاوزی
 وی پدی علت چه جگړه د کوم مشروع
 هدف د تحقق لپاره نده او نه دهغه ضرورت
 دملت لخوا منل شویدی پداسی حالت
 کښي دا امکان چه دتول سات دقهر مانی
 روحیه او دقر بانی ور کولو حسن را
 وپا رول شی له سینځه ځی او په هیڅ
 صورت هغه ملی احساسات کوم چه
 دزړه له کومی اوپه واقعی توگه وی
 منځ ته نشی راتلی نوپه اخرنی صفحاتو
 کښي اگر که خورا دیره موده ورته
 پاتی وی متجاوز هیواد د ماتی سره
 مخامخ کیږي که پدغسی جگړو
 کښي دمتجاوز هیواد لیدران و کولای
 شی دقر بانی ور کولو روحیه په افرادو
 کښي را ژوندي کړی حتماً دپاریدلی
 احساسات دلری مودی لپاره دوام
 کوی ځکه غیر طبیعی او غیر علمی او
 غولونکی څیره او بڼه لری .



دانفلاقی تطبیقاتو پورلی منظر

د داسې جگړو بڼه مثال دویتنام-ام
 جگړه ده چه د چین د تسلط د جاپان، د

داسی ویلای شو چه نننی تکنالوژی
 پرمختگونه داخبره په ډاگه ثبوت کوی
 چه کیفیت دحوادثوپه سیر او غرنګوالی
 او نتیجه کښی اصلی رول لوبوی .
 داچه واره هیوا دونه لکه ویتنام
 کوریا ، الجزایر و کولای شول چه
 خپل دښمنانوته ماتنی ور کړی اودوی
 شاته وتمبوی کوم لوی مادی او عسکری
 قوت دوی سر دنه و بلکه همدغه روحی
 تفوق و چه ددوی دبری سبب او اساسی
 عامل و گرغید داخبره نه آشکار کیدونکی
 ده اود تاریخ سیر داخبره په ښه توګه
 اثبات ته رسوی چه واره قوتونه دلور
 مورال په لرلو سره په لویو متجاوزو
 قوتونو بانندی بری موندلی دی .



یوتن دغرنی افرادو څخه چه درسی په واسطه پورته کیږی

همدغسی نور مادی او لوژستیکي
 تامينات دعسکرو دمورال په لوړ ساتلو
 باندي اغیزه لری که یوه قطعه او یا
 جزو تام دډیرو ساعتونو او ورځو لپاره
 په تنګسه کښی پاتې شی او مادی تامينات
 ئی اجرا نشی نوڅا مخا په روحی ماته
 مخامخ کیږی او حتی وسله به پریردی
 او و به تښتی ځکه نوی فکر کوی چه
 لوړه ، تنده مرګ راولی نو بهتره ده
 چه ځان عقبی ساحی ته ورسوو چه خواړه
 پیدا کړو که داسی عسا کر پیدا شی چه
 سره دلوری اوتندی جبهه خوشی نکړی
 نولهته مری او بیا هم گته لاس ته نه
 راځی اوداخبره په کلکه سره یادو چه
 پښانی د عسا کرو لوژستیکي او مادی
 تاميناتوته کلک توجه وشی .

تحولات ، انکشافات او پرمختگونه
 چه نن دجګړو په غیر اودوسلو او وسایطو
 په ساحه کښی منځ ته راغلی دی ټول باید
 دملتونو هو بشیاری ، او بیداری زیاته
 کړی او تل په پیره از بیداری کښی
 ژوند تیر کړی ترڅو په کومه ناڅاپی
 حمله له منځه لاړ نشی .

که دریمه عمومی جګړه په هر صورت
 یا دهری کومی پښینی او یساوژونکی
 اشتباه په اثر منځ ته راشی نو په اصلی توګه
 دغربی اوشرتی کمپو نو په منځ کښی
 بهوی او بالاخره دهغو قوتونو په منځ
 کښی بهوی چه اتمومی وسلی لری دلته
 به د اتمومی راکټونو او وړانوونکی بمونو

داسی باید وویل شی : که مورال
 هر څرمره لوړوی اما حربی وسایل او
 وسایط په لاس کښی نه وی یواځی مورال
 دبری سبب کیدی نشی یعنی په تش
 لاس اودخورا لوړاوبی ساری مورال
 جګړه زمونږ په گټه نه تعامیری نو پښانی
 چه زمونږ مسلح قوتونه داخبره په یاد
 ولری چه وسله دجګړی عملی او پراتیکي
 وسیله او د فکری او روحی فعالیتونو
 د تطبیقاتو لپاره اساسی وسیله ده .

څه شی چه بیادلته دیادو لوړو بولو
 داده چه وسله دهغو عسکر و په لاس
 کښی ښه استعمالیدلای شی اوتاثیر لری
 چه لوړ مورال ولری هغه عسا کر چه
 لوړ مورال ونلری له ډار او وارخطانی
 څخه خپله وساله په موثره توګه نشی
 استعمالولای نو وسله چه په ډیرو پیسو
 اودملی پانګو په مصرف بانندی لاس ته
 راوړل شوی وی دجګړی

په ډگر کښی به پاتې شی او
 موظف عسا کر به د مرګ
 له ډار نه وتښتی .
 لوړه ښه ونه او روزنه
 هم دمورال په جګ ساتلو کښی
 اساسی رول لوبوی ځکه هغه
 وخت چه موظف عسا کر دوسلی
 په استعمالولو کښی حاکمیت
 پیدا کړی کولای شی غلیم له
 منځه یوسی نو دا بری ورو ورو
 پخپله د دوی مورال لاپسی
 جګوی او ارتقا ورکوی .

پدی شخړو کښی بین المللی حکمیت
 اوحمایه هم په زړه پوری تاثیر لری داسی
 چه هر کله دنړی دهر گوټ دجګړو په
 شاوخوا کښی دنورو هیوادو په ټولنو
 کښی خامخا بحثونه او خبری کیږی
 اونظریات وړانندی کیږی حتمی خبره
 نه چه حق په جانب هیواد او ملت
 پیژندل کیږی او همدغسی متجاوز
 قوتونه معلومیری داخبره دحق په جانب
 ملت درو حیاتو په جګولو کښی ښه
 اغیزه کوی او هغوی ته په غیر مستقیم
 توګه مرسته ورکوله کیږی له یوی
 خوانه چه دا قضا وتونه دحق په جانب
 ملت پررو حیاتو بانندی ښه تاثیر کوی
 دمتجاوز قوتونو دمعنو یاتو د ماتولو
 لپاره هماغیزه کوی .
 اوس که دجګړی مادی ښه و څیر و



یو دغرنی افرادو فعالیت دغره په ختلو کی



د راکت و یشتونکو یوه ګروپ د تمرین په حال کېښی

جګړه جوړه شی او همدغسې دغیر اتومی وسلونه کوم چه نن خورا زیات انکشاف ئی موندلی گټه واخستله شی لځکه د دی لپاره چه د اتومی دهشتناکو ضرباتو غځه نتیجه واخستله شی ښائی دغیر اتومی وسلونه کار واخلو او همدغه رنگ عساکر باید د دښمن لځمکې اشغالی کړی او تر تصرف لاندی راوولی .

هلیکوپترونه - الوتکې چه بمونه حربی وسایط او انسان حتی په اتومی جګړه کېښی جیبی ته او دښمن عقبی ساحی ته وړی ښه انکشاف کړی او لاتر کره

کتنی لاندی د پوهانو تر نظر لاندی نیول شویدی او ددوی د انکشاف ضرورت خورا منلی ده لځکه یواځی په اتومی وسلو جګړه نشی وړی کیدی .

لځمکنی قوتونه مخصوصاً په عصری سپک او خورا چټک او مسلح ټانکونه مجهز شویدی دا ټانکونه کولای شی اوږده رفتارونه بی لښه چه ودرېږی او بطرول واخلی په یوه ټانکی بطرول چه په مبدا د رفتار کېښی څه شوی وی اجرا کولای شی . زره دار وسایط لکه (APC) تر کونه او نور راز راز موټرونه د سرعت ، او تحفظ له نظره خورا انکشاف کړی . پلې قوتونه اوس هغه سابقه پلې قوتونه ندی او موترریزه شویدی او دا امکان پیدا شوی چه په لږو او یانه تلفاتو هدف لاس ته راوولی .

سرعت چه په مودرنو جګړو کېښی غوښتل کیږی د نویو موټر لرونکو وسایطو سره موجوددی .

موټر لرونکی وسایط دا قابلیت لری چه په خورا زیات تحفظ پر دښمن باندی تعرض وکړی او ماهرانه مانور تقریباً په هر راز اراضی کېښی اجرا کړی دا د سرعت لرل موټر لرونکی وسایط او ټانکونه پدی قادر کوی چه په

یوځائی او هم آهنگ ډول یو تعرضی او پراسیون اجرا او سرته ورسوی .

د توپچی قوتونه بی ځاری انکشاف موندلی دی ار عصری توپونه د اتومی گولیو د فیر کولو قدرت په ډیره مسافه کېښی لری او هم د توپچی قوتونو دغیر اتومی داور قدرت خورا لوړی درجی ته رسیدلی دی .

په عمومی توگه د جګړی کر کتر تبدیل شوی دی سرعت چه په کلاسیکو محارباتو او جګړو کېښی دوسره اهمیت نه درلود اوس په جګړه کېښی اصلی رول لوبوی ، پر دښمن باندی په جبهه او دننه په عقبی ساحه کېښی غلبه او بیا وړی توب نن خورا اهمیت لری داته بیا هم سرعت ډیر رول لوبوی لځکه ښائی په ډیره چټکتیا سره د دښمن جبهه شق شی دا شق پراخوالی و موسی دښمن احاطه شی او هم په خورا سرعت او چټکوالی سره د دښمن عقبی ساحی ته پر مختگ وشي او هڅه وشي چه هدف دلاستره او لږ پوری د تعرض سرعت لږ نشی او دښمن ته ماته ورکړله شی .

کوم شیان چه موبه پورتنیو کرښو کېښی دراز راز وسلو د انکشاف په حقله وویل ددی لپاره وچه بیا هم د مورال د فکتور د اهمیت لپاره دلایل راغونډ

کړو که دی پوښتنی ته جواب پیدا کړو چه آیا پورتنی مودرنی وسلی د ضعیف الاراده او بی معنویاتو عسکرو لخوا استعمالیدلای شی پداسی حال کېښی چه دښمن هم په عصری وسله مجهز دی نو د مورال د اهمیت لپاره کفایت کوی ویلای شو چه دا بی معنویات عساکر نشی توانیدی چه پورتنی وسلی په مؤثر ډول استعمال کاندی . نو نتیجه دا شوه چه همدا عصری وسلی پداسی شرایطو کېښی چه د بی معنویاتو عسکرو لخوا استعمال شی حربی اهمیت او موثریت نلری . نو ددی لپاره چه جګړه له هری ځنډی نه نیمگړی تیاوی ونلری قوماندانانو اولیدرانو ته ښائی چه خپل افراد اولاس لاندی لپاره روحی او جسمی ډروگرامونه او هم علمی پروگرامونه کوم چه د پری او په داخلی اوضاع باندی پوه شی او ددغی پوهی په لرلو سره وکولای شی خپله وظیفه ترسره کړی برابر کاندی .

دا خبره چه یواځی دروغ پرو پاگند د عسکرو په عقایدو باندی تاثیر کوی درسته خبره نده عساکر او ملی عناصر کوم چه جګړه کوی باید په واقعیت باندی پوهوی او د جګړی په ضرورت باندی پوره ایمان او عقیده ولری او داسی وواپی او عقیده پری ولری چه دا جګړه

ماتہ حیاتی ماہیت لری دا عقیدہ او روحیہ پہ تشو لکچرونو او ویناگانو نشی تاسینیدلات بلکه ددغی عقیدی و مینج تدر اور لولہ مقتضیاتو غسخہ داده چه عسا کر پہ ربتیا سرہ نہ پہ ظاہری توگہ ولری او دوی تہ اصلی مقصد معلوم وی او عقیدہ ولری چه پہ نہائی تحلیل کبئی دوی دبل چالخوانہ جگری تہ میجور شوی ندی بلکه دوی پخپلہ خوینہ وجداناً او ایمانا جگری تہ داخلیری .

داسی جگری چه دملت د فرد دمنافعو او گتوسرہ انطباق او بہ عمومی توگہ دیوہ ملت روحیہ تمثیلوی هر و مرو ددغہ ملت پہ گتہ تمامیری کہ پہ اولہ مرحلہ کبئی ماتہ و خوری اما پہ آخرہ کبئی بری مومی .

دانسائانو او وسلو کلک ارتباط پہ جگرہ کبئی بایدلہ نظره ونہ غور محول شی او دابی بخاری منطقی او علمی تحلیل دی چه دجگری پہ سرنوشت کبئی مادی او معنوی عناصر پہ یونجائی توگہ رول لو بوی داسی چه یو دبل لازم او ملازوم دی .

دمورال جگہ والی بواخی پہ جگرہ کبئی نہ غوینتل کیزی بنائی پہ سولہ کبئی ہم دسکرو دمورال دلورساتلو لپارہ سعی او کویشین وشی درستہ نتیجہ داده چه مونیر نشو کولای سمدستی دجگری پہ وخت کبئی دسکرو مورال جگہ کر و بلکه پہ جگرہ کبئی لو ر مورال دسولی دوخت محصول دی نو پہ تمایعی او تر بیوی پروگرام کبئی بنائی قوماندانان دی تکی تہ سخت متوجه اوسی .

کلاسیکی جگری چه پیرہ مودہ بہ دوام کاوہ مخہ ناخہ داسکان موجودو چه قوماندانان د جگری پہ دوام کبئی چه کلونہ کلونہ کیدل دخپلو مادوانانو دمورال د جگولو لپارہ تدابیر ونیسی او پروگرامونو طرح کاندی اما اوس پہ مدرنہ جگرہ کبئی چه اتومی و سلی پکبئی استعمال شی پورتنی امکان له منجہ تللی دی مخہ پہ خورا لیر وخت کبئی دجگری نتیجہ معلومییری نو بنائی چه

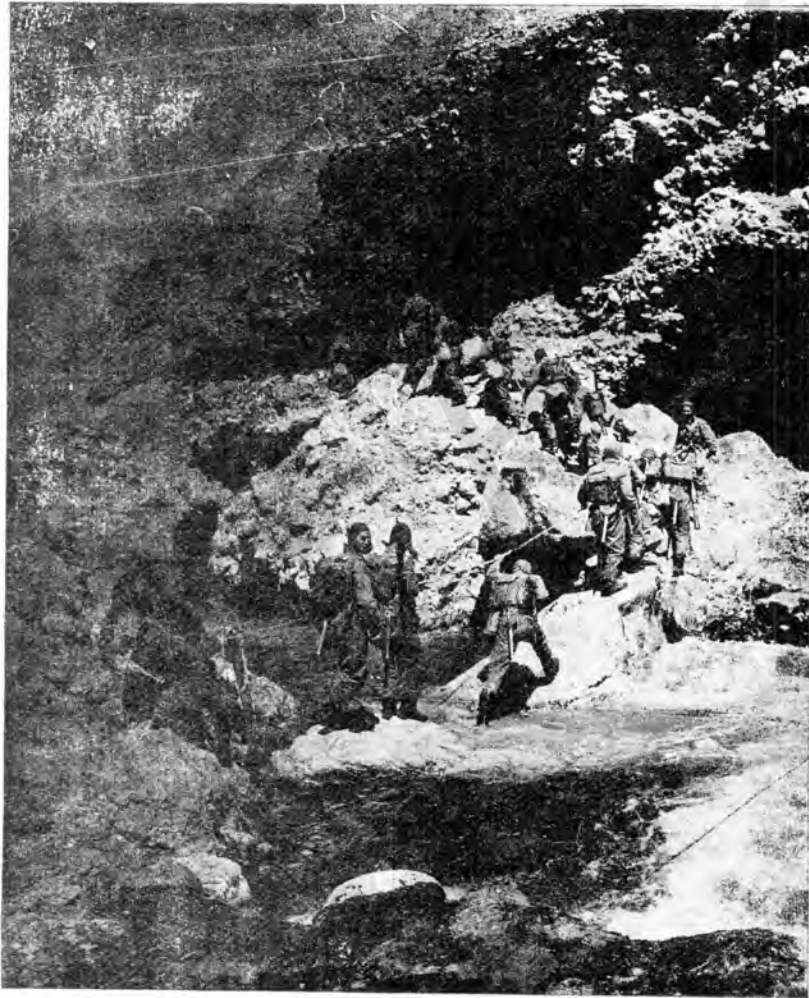
دسولی پہ وخت کبئی داد جگری اندہ وخت دقوماندانانو پہ یاد کبئی وی او دخپلو مادوانانو دمورال دلورساتلو لپارہ هخه و کپی .

دجگری لپارہ احضارات هم پرمورال باندی بنہ اغیزہ کوی یعنی داچه اردو باید داحتمالی او غیر منتظرہ جگرو لپارہ پوره احضارات ولری چه پہ یوغیر قولہ اردو او ملت دجگری لپارہ حاضر او حتی حرکت تہ چمتووی .

هغه داسی پروگرامونہ چه دسکرو او صاحب منصبانو لپارہ پہ لاس کبئی دی باید پہ هغو کبئی د عصر او زمان د مقتضیاتو سرہ سم تغییر او تبدل راشی او پہ داسی موادو او فقراتو کبئی چه دسکرو د فداکاری ، د قربانی ورکولو روحیہ ، د هیواد د خدمت پہ لپارہ

کبئی دجان فدا کولو روحیہ تقویہ کوی تاکید او پیر والی راشی او ددوی روحی او فزیکتی حالت تہ کلکہ توجه وشی چه یوعالی ستاند اردتہ ارتقا و کپی . همدغسی پہ علمی او ثبوتی توگہ ددوی پہ مغزونو کبئی د دیمنانو پہ نسبت کر کہ او نفرت پیداشی .

هغو مرہ چه ناگہائی تعرض خطرناکدہ ہ متقابل محسوب لپارہ احضارات موجودوی . عسا کروتہ داسی ونہ ویل شی چه کہ ددوی د ناگہائی حملہ سرہ سخامخ شول له منجہ مخی بلکه د احقیقت ورتہ و ویل شی چه مونیر کولای شو ناگہائی حملی و الانہ غابین ماتون کی محواب ور کر و داخبرہ باید تش کلعات نہوی عسا کر باید پوشی او هغه و سایل



دغرئی افرادو دتطبيقا توپوه خنلہ چه پدی عکس کبئی افراد داستراحت پہ حال کی لیدل کیزی

چه د مقابلې لپاره لری ووینی . سره لدی چه د ناخاپی حملی خطر ناکی با ندی پو هیبری پخپل قوت او دعکس العمل پرتاقت باندى اعتماد ولری او همداسی خپل اهمیت او دملت اواردوپه چوکات کښی او داخبره چه خومره دملت سترگی دوی ته اړول شویدی پوه وی او پرڅنگ کښی په وجدانی قناعت خپله وظیفه مقدسه وگڼی او خپل دمسئولیت دروند پیټی کوم چه دملی نوامیسو دمدافعی لپاره لری وپیژنی . وحدت او یووالی په ښوونه او روزنه کښی دمورال په جگ ساتلو کښی ډیر اهمیت لری نننی جگړی ، دښوونى او روزنى پروگرامونه ډیر مغلق کړی دی سره لدی هم قوماندانان مچپوره دی هغسی پروگرامونه جوړ کاندی چه د عمومی بری په لاسته را وړلو کښی واړه واړه جزو تامونه او افراد په خوشی سره لمانو نه فدا کړی او په وینو کښی ولعبیږی او ملی هدف لاسته راشی دوی ته باید دا عقیده پیداوی چه دوی دملت لپاره په بحرانی حالاتو کښی باید خپلی وینی توئی کړی . هغه وخت چه ملی خپلواکی ملی حیثیت ، ملی نوامیس - ملی مقدمات په خطر کښی وی دلخانونو فدا کول عسکرو ته لوی افتخاردی . دا قابلتونه اوداسی نور لکه دمسئکلاتو سره میچادله اوږده پلی تگونه ، لوړه ، تنده او نور کړ اوونه بی له تمرین او تطبیقاتو نه امکان نه لری ښائی سوله کښی دښوونى او روزنى په وخت کښی عساکر عیناً د جگړی د سختو شرایطو به غیر په تطبیقاتو نو کښی عملی تجربه او قابلیت پیدا کړی نه داچه هر خبره او هر وظیفه په ټټو خبرو عسکرو ته وویل شی . دسپلین هم باید هیر نکړو خورا کلک دسپلین او انضباط دمورال دجگ ساتلو اودحربى

قابلیت په انکشاف کښی ډیر رول لری . په هغه قطعه او جزو تام اویاتولنه کښی چه معقول او قانونی دسپلین موجود نه وی حتماً بی اطاعتی اوبی اعتنائی دقانون په مقابل کښی پیدا کیرى ددسپلین دتامین لپاره معیار او اساس فواین دی لکه په قوانینو کښی دهرچا وظیفه نظر وبل ته معلومه شویده که مونږ په هر مورد کښی قانون ته مراجعه وکړو په ښه توگه کارونه مخ ته ځی . دمسئولیت پیژادل هم دمورال داوړ ساتلو لپاره اغیزه ناک رول لوبوی که هر څوک خپل مسئولیت ته کوم چه په قانون کښی پیش ښویى متوجه اوسى

هر و سرو دوظیفی دانجام لپاره زیار باسی اوددی لپاره چه شاته ورته دمسئولیت بار په اوږوده نشی کولای چه بی اعتنائی اوبی پروائی وکړی . دوظیفی دښه اجرا کولو په نتیجه کښی مکافات هم دمورال په لوړولو کښی ښه اغیزه کوی اودقهرمانی حس په عساکرو کښی ژوندی کوی که یو عسکر پوه شی دوظیفی دښه اجرا په نتیجه کښی دده نوم په ژبوشی حتماً دده ملی - اوعسکری غرور ارتقا مومی اومان دقهرمانانو په ډله کښی وینی اوددی حساب ډیر سرښند نه اوفداکاری کوی . (پای)

امکان زندگی در مریخ

ارزش دانش کره مریخ که شوروی و امریکا تا کنون چند سفینه بسوی آن فرستاده اند بسیار زیاد است . در سال ۱۸۷۷ یک ستاره شناس ایتالیائی بنام « شیپارثی » بوجود کانال هائی در سطح این کره پی برد . پژوهشهای بعدی نشان داد که این کانال ها چنان منظم هستند که بعید بنظر میرسد ساخته دست طبیعت باشند . بهمین جهت فرضیه مسکونی بودن مریخ در میان دانشمندان هوا داران زیادی پیدا کرده است . در عکس هائیکه سفینه مریخ پیماى « مریمر ۴ » از این ستاره گرفته اثری از این کانال هادیده نمیشود . منتهمی برخی از فضا شناسان عقیده دارند که امریکائیهها آن دسته از عکس هائی را که نشانه ای از کانال داشته اند منتشر نکرده اند . مریخ ستاره اسرار آمیزی است ولی بهر حال آگاهیهائی که شوروی و امریکا در باره مریخ بدست آورده اند امکان زندگی در انرا نفی نمیکند بویژه که درجه حرارت سطح آن بیست درجه سانتیگراد است و اتمسفرش از اذت و کاذ کربنیک تشکیل شده است . تغییر رنگ سطح این کره را هم دانشمندان دلیل ازدیاد فصول آن میدانند .

آسیا: صحنه رقابت های سیاسی و نظامی اروپائیان در قرن ۱۹

در قرن ۱۹ این رقابت ها چگونه بر رویداد های سیاسی و نظامی افغانستان تاثیر کرد

نویسنده: تورن ارکانجرب
علی احمد جلالی

از آنجائیکه حوادث سیاسی و نظامی افغانستان در اواخر قرن ۱۸ و قرن ۱۹ میلادی تحت تاثیر فشار هائیکه از اثر بر خورد دلچسپی های یک تعداد دول اروپائی خصوصاً انگلیسها و روسها بمیان آمد مسیر مشخصی را تعقیب می نماید و در نتیجه آن افغانستان داخل سیاست دول اروپائی میگردد، تحقیق و مطالعه جریان تاریک رقابت های سیاسی و نظامی اروپا نیان را در صحنه پهنای آسیا در قرن ۱۹ بار آورده است خالی از دلچسپی و استفاده نمی باشد و لازم می افتد به مقصد تحلیل بهتر جریانات سیاسی و نظامی افغانستان در قرن گذشته بر حوادثیکه این وضعیت را بوجود آورده است روشنی انداخته شود و در ضمن آن نقش سیاست خارجی دول اجنبی و ملاحظاتی جیوپولیتیکی در طرز جریان حوادث مربوط به افغانستان توضیح گردد. چون تجاوزات انگلیسها بر افغانستان در قرن ۱۹ به همین موضوعاتی که ذکر یافت تا اندازه زیادی مربوط میباشد میخوانم در این سلسله مقالات با استفاده از منابع معتبر اروپائی و شرقی مطالب مربوط به تاثیر رقابت های نظامی و سیاسی اروپا نیان را بر حوادث سیاسی و نظامی افغانستان تفصیل بدهم و ضمناً جریانات گذشته را که با مقصد اصلی پیوند ناگسستنی دارد بیک نظر اجمالی مرور کنم تا بدینوسیله جنگهای افغان و انگلیس در قرن ۱۹ قابل فهم بیشتر شود.

دلچسپی های روسیه تزاری در آسیا

تردیدی نیست که یکی از آرزو های بزرگ پتر کبیر امپراطور روسیه را (تاریخ مرگ ۱۷۲۵) حصول يك بندر بحری برای کشورش که در تمام فصل های سال قابل استفاده باشد تشکیل میداد. پتر عقیده داشت که در آن صورت منافع سرشار تجارتي نصیب روسیه خواهد شد. او به مقصد بدست آوردن این مرام خود بیک سلسله مانورهای سیاسی و عسکری در طول دوره زمامداری اش اقدام ورزید. چنانچه پس از سالهای ۱۷۲۲ میلادی در حوادث ایران توسط قوت نظامی مستقیماً مداخله کرد و در اطراف بحیره کسپین مناطقی را اشغال

نمود تا آنرا مقدمه پیشرفت های مزید تر بطرف جنوب و شرق قرار دهد. علاوه بر آن پتر کبیر برای حصول يك بندر بحری در سواحل بحیره مدیترانه ویا اقلان بدست آوردن امتیازاتی در آن منطقه در صدد مداخله در مسایل ترکیه عثمانی و یونان هم برآمد و بدین مقصد خود را حامی و پیش آهنگ تامین منافع مسیحیت معرفی کرده مصمم شد تا مردم مسیحی ترکیه و یونان را تحت تاثیرش قرار دهد و با استفاده از چنین نفوذ مذهبی و سیاسی در آن صفحات آرزوی خود را مبنی بر حاکمیت بر بندری در نزدیکی سواحل مدیترانه بدست آورد. روی این اساس او به مخاصمت های دامنه داری با ترکیه عثمانی آغاز کرد چنانچه محارباتی نیز بین طرفین صورت گرفت و شک نیست که او درین راه از مردم مسیحی آن حوزه تا اندازه زیادی استفاده جست. آرزوی تامین منافع اقتصادی روسیه از جانب دیگر پتر کبیر را به پیشقدمی در آسیا و داشتن ومدتی برای حاکمیت بر مناطقی از چین در تلاش بدست آوردن طلا مساعی بخرج داد ولی از یک طرف بنا بر عدم داشتن اطلاعات کافی درین زمینه و از جانب دیگر بعلت بعد مسافه و مشکلات ادامه عملیات نظامی در مسافات دور دست نتوانست به این آرزوی خود برسد (۱). البته این مسئله نشان داد که امپراطوری روس تا چه اندازه برای حصول منافع اقتصادی کشورش تلاش دارد و نقشه هایش درین مورد تا کدام اندازه وسیع میباشد. این موضوع انگیزه جاه طلبی های دیگری نیز قرار گرفت که مهمترین آنها پروژه رسیدن به هند بود. پتر کبیر آرزو داشت بشکلی خرد را به هند برساند و در حالیکه بین کشورهای اروپای غربی و سواحل هند بحار وسیع و خطر ناک حایل قرار گرفته بود پتر در صدد پیدا کردن و حاکمیت بر یک راه زمینی بطرف هند برآمد تا از آن طریق منافع اقتصادی خود را گسترش داده

(۱) سوالات آسیای میانه ص ۳۶

و به دولت کورگانی هند برسد. بزودی پروژه انتقال دادن منافع تجارتي هند به روسیه در حساب پالیسی های مهم و آرزو های شدید امپراطوری روس قرار گرفت و همینکه نمایندگان و سفرائی از خانات خیوه بدر بار پتر کبیر رسیدند به پروژه فوق الذکر حق قدامت بیشتری داده شد زیرا امپراطور روس که میدانست خیوه و همسایه آن بخارا با هند روابط تجارتي دارند و یقین داشت که يك راه تجارتي زمینی از میان ممالک اکسوس (Oxus) و سیردریا (سیحون) بطرف هند باز شده میتواند در صدد تطبیق اقله هایش برآمد. درین میان به پتر از وفرت طلا در امتداد سواحل دریای آموم افسانه هائی بردند و زمامدار روس این افسانه ها را باور کرد و یانکرد اقلان این عقیده را داشت که تنظیم تجارت بین دریای آمو و بحیره کسپین برایش مفید ثابت خواهد شد. پتر بدین مقصد بطرف خیوه به پیشقدمی نظامی هم تشبث ورزید و قشونی از روس باری بر قطعات عسکری خانات خیوه غلبه هم کرد مگر دیری نگذشت که این قشون روسی که در خانات خیوه بحال گروپ های متعددی شده بود از طرف افواج خیوه از بین برده شد. مساعی بعدی پتر نتوانست مقاصد او را در راه باز کردن راهی از میان این کشور آسیای میانه (خیوه) بطرف هند تامین نماید. بنابراین او این آرزوی خود را بگوربرد و ادامه تلاشها را درین زمینه برای اخلافتش گذاشت.

البته پتر در پهلوی سایر تلاشهای خود غرض جلب منافع اقتصادی به روسیه در مسایل ایران هم به مداخلاتی دست زد، یکی از اهداف او درین مداخلات استفاده از راه ابریشم بود که از آنجا بطرف اروپا امتداد داشت بدون آنکه وارد سرزمین های قلمر و تزار شود. راه ابریشم که از صفحات شمالی افغانستان داخل ایران میشد خط تبریز، ارض روم و تریبیز و نند (۲) را تعقیب میکرد. پتر تصمیم گرفت ازین شاهراه تجارتي به نفع کشورش استفاده کند و بنا بر آن اولاً از طریق دیپلماتیک پیش آمد و سفیری بنام ولنسکی در حوالی سال ۱۷۲۰ بدر بار ایران اعزام داشت، او از اعزام این سفارت بدر بار ایران دو مقصد عمده داشت. یکی اینکه از شاه ایران درخواست کند که تجارت ابریشم خام (که تجاران ارمنی بودند) از طریق روسیه انجام گیرد و دیگر اینکه با مطالعات عمیق در اوضاع ایران سوبه اسکانات استفاده را از آن کشور معلوم نماید. ولنسکی در فرصتی به اصفهان رسید که در بار صفوی ایران را ضعف سیاسی و اداری فرا گرفته و افغانهای هوتک آماده لشکر کشی بسوی پایتخت صفوی ها بودند. البته

و ولنسکی در آن شرایط به آسانی موافقه شاه صفوی ایران را مینمی بر اینکه تجار روسیه مجاز میباشدند آزادانه در ایران تجارت کرده هر قدر ابریشمی که خواسته باشند در آنجا خریداری نمایند، حاصل داشت، که دنا ولنسکی به پتر از وضع آشفته در بار ایران اطلاع داد و مداخله روسها را در مسایل آن کشور برای روسیه مفید و حتمی خواند. روی این اساس اندکی بعد زمامدار روس به بهانه اینکه قبایل لگزیه شهر شماخی را غارت کرده اند بسال ۱۷۲۲ يك قشون صد هزاری را در استراخان تجمع داد و به لشکر کشی در ایران اقدام نمود. در اثر این لشکر کشی ها که منافع ترکان عثمانی و روسیه تزاری درین ساحه با هم تصادم نمود پتر موفق شد مناطق مختلف ساحلی بحیره کسپین را اشغال نماید.

در دوران زمامداری هوتکی ها در اصفهان بعات مصبر و قیوت زمامداران هوتک در حوادث داخلی ایران قشون روس مانند اردوهای ترکان عثمانی در سرحدات ایران به پیشقدمی های مبتدی دست زدند. شاه اشرف هوتک با عقد معاهداتی با ترکان عثمانی و روسها تا اندازه ای این پیشرفت های ایشانرا تحدید نمود ولی در طول این حوادث شهزاده آواره صفوی (طهماسب میرزا پسر شاه حسین صفوی) که پس از تسلیمی تاج و تخت ایران از طرف پدرش به شاه محمود هوتک (۱۱۳۵/۱۷۲۲) در مناطق مختلف ایران در تلاش کسب اقتدار سرگردان بود. و از قدرت های مختلف داخلی و خارجی استفاده می جست طبق معاهده سال ۱۷۲۳ میلادی متعده پترزبورگ، ولایات گیلان، مازندران و استرآباد را بر روسها گذاشت و پسانتر روسها و ترکان عثمانی قسمت هائی از ایران را بین خود روی نقشه هاتقسیم کردند.

معهدا عمر استعمار روسیه در ولایات شمال غربی و شمالی ایران بسیار طول نکشید و وقتیکه نا در افشار بنام طهما سب صفوی اقتدار را بدست گرفت جدأ مقابل روسها استادگی کرد تا اراضی از دست رفته را بازستاند و چون پتر کبیر هم درینوقت مرده بود و جانشینان او بهانه ای برای صرف نظر کردن از متصرفات خود در اطراف بحیره کسپین می جستند، زیرا مخارج محافظه آن صفحات از مفاد آن بیشتر بود و آنها را مجبور می ساخت قشون بزرگی را در آن مناطق محافظه کنند در حالیکه آب و هوای آنجا به طبیعت سر بازان روس هم سازگار نبود، به مطالبات نادر افشار موافقه کردند و بالاخره بسال ۱۷۲۲ میلادی امپراطور روسیه ان (۳) معاهده رشت را به امضاء رسانید

که مطابق آن روسها تمام مناطق اشغال شده ایران حتی در بندرا نیز مسترد کردند، پساًتر معاهده گنجه بسال ۱۷۳۵ میلادی نیز به همین مقصد بین روسها و ایرانیه بعمل آمد (۴) به همه حال با وجود آنکه پطر کبیر در طول حیاتش به آرزوی خود برای توصل به هند و باز کردن راه تجارتی زمینی بدان نیم قاره فرسید توصیه هایش درین زمینه پالیسی های اخلاقی را تحت تاثیر قرارداد و دلچسپی هائی را برای روسیه در آسیا بوجود آورد.

پس از آن در طول قرن ۱۸ زمامداران روسیه تزاری بابدست آوردن فرصت از بکار بردن توصیه های پطر کبیر غافل نه نشستند، البته بعضاً حوادث اروپا مرکز ثقل عملیات سیاسی و نظامی آنها را بدان طرف می کشاند معیناً آنها از مساعی خود برای توسعه نفوذ در آسیای میانه و شرق وسطی دست برنداشتند، کاترین دوم امپراطریس روس بسال ۱۷۷۳ برای گسترش نفوذ روسیه بطرف ایران حمایت مسیحیان گرجستان را بهانه قرارداد و به مد اخلاقی در امور آنجا پرداخت، پس از مرگ کاترین و رویکار آمدن پال (۵) اول بجایش این پروژه ترك داده نشد و تماس های سیاسی و نظامی بین روسها و دولت قاجاری ایران جریان داشت که معاهده گلستان در ۱۸۱۳ نیز زاده آن میباشد.

طوریکه فیریه بحواله یکی از مبصرین سیاسی قرن ۱۹ مینویسد (۶) قدرت روسیه در قرن ۱۸ و ۱۹ در نتیجه استفاده زمامداران آن از اشتباهات قدرت های دیگر بلندتر شده رقت معاهدات روسیه با ترکیه، ایران و قدرت های اروپائی که در ویانا جمع شده بودند باعث تاسیس حاکمیت روسیه بالای اراضی ساحل راست در یای دنیوب، در منتهای الیه خلیج بوتانی، و از ویستولا تا کمچنکا گردید، روسیه در طول این عصر بالای بحیره سیاه نیز حاکمیت پیدا کرد و در بحیره کسپین هم پرچم آن در اهتزاز آمد، به همین ترتیب از آغاز قرن ۱۹ فعالیت های روسیه در آسیای میانه طبق گذشته ادامه یافت.

پس از سال ۱۸۱۹ نمایندگان روسی از تفلس بدر بار خان های خیه و بخارا حرکت کردند، به این نمایندگان از طرف تزار روس هدایت داده شده بود که الغای تجارت غلامان را در آن سامان موضوع مورد بحث و مذاکره قرار دهند و اعلام کنند که سفارت آنها مقدمه اجرای یک وظیفه بزرگ از طرف امپراطور روسیه میباشد. روسیه آنوقت که بصورت عمومی غلامی را بر ملل متمدن تحمیل کرده بود ادعا میکرد که آزادی را برای برده ها اعاده مینماید و در صورتیکه مجبور شود برای این مقصد از نیروی عسکری اش هم استفاده خواهد کرد، البته زمامداران مطلق روسیه انتظار داشت که نمایندگانش بدون هیچ جوابی

(۴) سوالات آسیای مرکزی *The Central Asiau Questions*
سوالات خاور میانه ص ۳۸ *Middle Eastern Questions*

(۵) Paul

(۶) تاریخ افغانها تألیف فیریه ص ۲۰۹

History of the Afghans by Ferrier

مراجعت خواهند نمود و به اینصورت این موضوع بهانه ایرا غرض اجرای عملیاتی بوجود خواهد آورد که او مقدمات آنرا می چید، به اینصورت معلوم میشود که تزار روسیه الکسندر آماده سو قیات بطرف آسیای میانه شده بود، وی بدین مقصد احضارات عسکری خود را تکمیل نموده قشونش از تفلس بطرف اورنبرگ «۷» در حال حرکت بود، مگر زمامداران روس برای اینکه جنگی را که مدنظر داشت از حریت برای یک مقصد عالی جلوه دهد ادعا میکرد که در راه دادن آزادی به برده ها درین راه گام نهاده است، تردیدی نیست که نمایندگان روسی از خانات خیه و بخارا با همان جوابی مراجعت کردند که امپراطور روس انتظار آنرا داشت ولی نمایندگان موصوف در نتیجه مطالعه حوادث سیاسی به تزار الکسندر پیشنهاد کردند که عملیات نظامی و پروژه های توسعه جوئی او بطرف ترکستان قبل از وقت است و این اهداف تازه مالیکه ایران از ایالاتش در حدود بحیره کسپین مجروح ساخته نشود بدست آمده نمیتواند و بالاخره عمل اخیر اندک نیز در صورتیکه موفقیت های مزید تری در برابر ترکیه بدست آورده نشود امکان پذیر نمی باشد این موضوعات از دید سیاسی آنوقت نامعقول بنظر نمی رسید مگر حوصله ای که روسها اکثر آن در نقشه های آنوقت خود بکار میبردند در این مسئله بی دخالت باقی نمی ماند، در آنوقت فکر میشد که تجاوز برترکیه بدگمانی هائی را که احتمال بوجود آمدن آن در مورد سیاست روس موجود بود پراگنده و غیر متمرکز خواهد ساخت در حالیکه تجاوز بر ایران آنرا تحقق خواهد بخشید، بنابراین روسها جمعیت های یونانی را در ترکیه به شورش تحریک کردند و الکسندر تزار روس یکبار دیگر خود را در قیافه حامی مردم مظلوم جلوه داد تا بدانو سبیله در ترکیه نفوذی حاصل نماید، در نتیجه این عمل مذاکرات سال ۱۸۲۲ بین دولین بعمل آمد و تزار روس نزد سلطان عثمانی از اقلیت یونانی های ترکیه نمایندگی کرد.

این مانورهای سیاسی که طور ماهرانه طرح شده بود پهرستیز سیاسی الکسندر را برای حمایت از اقلیت ها و قدرت های کوچک بلند برد و در حوادث آسیای میانه هم بی تاثیر نماند چنانچه یکی از نتایج آن بسال ۱۸۲۴ میلادی در صحنه پهنای آسیای میانه بطور رسید. در بهار آن سال نمایندگان قرغیز بدر بار امپرا طور روس رسیدند تا او را بحیث رئیس بزرگ تاتار بشناسند، تزار ازین موقع استفاده کرده از ایشان استقبال نمود و یک قانون طرح خود را به دوزبان (روسی و زبان قرغیز ها) به آنها داد تا در مناطق خود از آن پیروی نمایند، آنگاه آنها را سرخص کرد و به ایشان وعده داد بدیدن کشور آنها برود چون اروپائیان در آن روزگار دول شرقی را کوچک میشمردند حرکت تزار به کشور قرغیزها بدگمانی هائی را بوجود نیآورد با آنکه کشور مزبور همان خوارزم سابقه بود که وقتی بر تمام آسیای مرکزی حکم میراند تزار به اورنبرگ رفت و در آنجا مورد استقبال

گرم قرار رفت گولی او بیش ازین کاری کرده نتوانست زیرا بسال ۱۸۲۵ میلادی در همان جا از دنیا رفت .

الکسندر در اواخر حیاتش مقدمات حرب ایران را چیده بود و بنا بر آن پس از مرگش برای آغاز تجاوزات بر آن کشور همه کارها را سر و صورت یافته بود . معاهده گلستان که بسال ۱۸۱۳ بین دول ایران و روس به امضا رسیده بود در اثر این حربی که آغاز می یافت پامال شد ، روسها ادعا میکردند که معاهده گلستان اول از طرف ایرانیها به تحریک و ترغیب انگلیسها پامال شده است . بهر صورت جانشین تزار الکسندر (نیکولاس) تزار روسیه قشون خود را برای حرب با ایران بسال ۱۸۲۶ سوق داد و به این ترتیب بین روسها و ایرانی ها جنگی در گرفت که تا سال ۱۸۲۷ میلادی ادامه یافت و نتیجه آن معاهده ترکمانچای بود که شرایط سنگینی را بر ایران تحمیل میکرد . به همه حال معاهده ترکمانچای دو خانات را به کمپ روس انتقال داد که از نگاه متر ایتیژیکی بالای ولایات ایرانی واقع در جنوب غرب بحیره کسپین حاکمیت داشت و همچنان این معاهده ادعای حقوقی را که ایران بر ترکمانیه داشت ازین برد و بالمقابل آنرا به دولت روس انتقال داد . این حقوق مشابه امتیازات روسیه در قرغیزستان بود که پس از آن چون در دست یک قدرت بزرگتر آمد قویتر شد .

با وجود این جریانات پیهم در آسیای میانه هنوز انگلیسها در مورد نتایج بعدی پالیسی ها و دلچسپی های روسیه در آسیا آنقدر عمیق فکر نمی کردند و ازین رو در برخی موارد عملیاتی از ایشان سر میزد که نتایج سیاسی آن به نفع روسها تمام میشد حرب ناوارینو (۸) که بین انگلیسها و ترکها صورت گرفت و در آن بحیره ترکیه تقریباً طور کامل از بین رفت درین مورد یک مثال خوبی تلقی شده میتواند زیرا روسیه از ضعف ترکیه که نتیجه این حرب بود استفاده کرد و باعث بوجود آمدن معاهده ادریان پول (۹) و پسانتر معاهده اونکیار سکلسی (۱۰) قرار گرفت و موجبات توسعه نفوذ روسیه را در ترکیه بار آورد . پس ازین حوادث نیکولاس امپراطور روسیه از موفقیت پالیسی هایش در آسیا نیز اطمینان پیدا کرد ، اردوی بزرگ او در اورلبرگ تجمع نمود و به آن امر داده شد که عملیات توسعه جونی را با آغاز اولین موسم مساعد سال ۱۸۳۱ آغاز نماید ، ولی اوضاع پولیند دفعتاً نیکولاس را مجبور ساخت با قوایش بطرف ویستولا حرکت کند .

در همین احوال حکومت انگلیس در مورد نقشه های آینده روسها در آسیای میانه و ایران به مطالعات عمیقتری پرداخت با آنکه انگلیسها برای مدافعه هند در مقابل خطرات غربی قبلاً نیز به مانور های متعدد سیاسی دست زده بودند ولی دلچسپی های روسها در آسیای میانه هنوز به همان عمق

اصلی اش مورد مطالعه دقیق مقامات رسمی و سازندگان پالیسی انگلیس قرار نگرفته بود . انگلیسها در راه اتخاذ تدابیر زود ترین برای محافظه مستملکات هندی خود از بسا دلچسپی های سیاسی که قبلاً مدنظر بود گذشته . وزارت خارجه انگلستان در مورد اتخاذ تدابیر سیاسی و نظامی به بیمانه و سبقتی در صفحات غرب عند هدايات تازه تری داد . در همین وقت بود که کپتان کونولی و لفتننت برنس به سفرهایی مامور شدند ، طوری که اولی از سنت بطرز بزرگ به مسافرت آغاز نمود تا از میان سمالک قرغیز ، ترکستان و ایران عبور کند (۱۱) و دومی دهلی را به مقصد مطالعه او نواح افغانستان ، بخارا و ایران ترکداد و طبقه برنس این بود که درباره نقشه های روسها تحقیقات نموده حدود مساعی آنها را برای تاسیس حاکمیت سیاسی در ترکستان از طریق بسط روابط تجارتي معلوم کند . برنس اظهار عقیده کرد که پروژه اعزام یک اردوی روسی از بالای ستپ های لامزروع و صحراهای آسیای میانه از نگاه ملاحظات عسکری غیر عملی جلوه میکند او حرکت قشون بزرگ را از طریق آن صفحات بطرف جنوب نسبت قلت آب و آذوقه ناممکن خواند اما این نوع قضاوت نظامی برنس کاملاً درست نبوده است زیرا در آسیای میانه دریا های متعددی جریان دارند و مناطق حاصلخیزی نیز در آن وجود داشت که استقامت های مساعد را بطرف جنوب جهت عبور اردوهای بزرگ فراهم میساخت اما اینکه چرا روسها ازین استقامت ها استفاده نکردند دلایل دیگری داشت که در ضمن تفصیل حوادث بعدی توضیح خواهد شد .

دلچسپی های انگلیس در آسیا .
انگلیسها که در اوایل قرن ۱۷ میلادی در قیافه تجار اروپائی به سواحل هند رسیدند بتدریج با انحطاط امپراطوری کورگانی در هند قدرت یافتند . بصورت عمومی آنچه بر حاکمیت انگلیس در هند پیش از همه کومک کرد آشفستگی اوضاع سیاسی و نظامی در آن نیم قاره بود . انگلیسها از همان مراحل نخستین غرض حاکمیت بر هند نقشه ابرار طرح کردند که طبق آن باید با قوت کمتری داخل فعالیت شده از ضعف دیگران حتی الامکان استفاده کنند و با صرف مساعی اندک نظامی بر داشت کلی سیاسی بدست آورند . بنا بر آن عمال کمپنی شرق الهند انگلیسی قوت های کوچک اروپائی را در هند استخدام نمودند و از نفاق و بر خورد های داخلی شهزادگان و راجاهای هند استفاده کردند . آنها آتش نفاق و خانه جنگی را در بین مراکز مختلف قدرت در هند بیشتر شعله ور میساختند و در طول این هنگامه ها به همان طرفی کومک مالی و نظامی می نمودند که در آینده میتوانستند آنرا وسیله پیشبرد و تطبیق نقشه های ایشان قرار دهند . این بود مفهوم « تفرقه بینداز و حکومت کن » (۱۲) انگلیسها با تعقیب این روش در مناطق مختلف هند شهزادگان ،

(۱۱) کونولی پسانتر جریان این مسافرت خود را در کتابی انتشار داد که مورد استفاده زیادی قرار گرفت .

Divide et Empera (۱۲)



Navarino (۸)

Adrianpole (۹)

Unkiarskelssi (۱۰)

راجاه، امرا و حتی کورگان هارا یکی پی دیگری تحت نفوذ خود در آوردند و چنان انتباهی به آنها دادند که ایشان انگلیسها را از جمله متحدين خود میدانستند و به قدرت سياسي و نظامي آنها بدیده تحسین مینگریستند. انگلیسها به اینصورت بعضاً طور مستقیم و اکثر آبشکل غیر مستقیم مراکز قدرت را در هند در هم شکستند و خالیگاه آنها توسط نفوذ سياسي و عسکری خود پر ساختند و به این ترتیب آنها پیوسته جلو میرفتند تا آنکه افاق فعالیت آینده ایشان با دلچسپی های یک قدرت دیگری که بزرگی آنها را داشت و عین نقشه هارا ولی از یک استقامت معکوس آن پیش میبردند بر خورد نمود. این قدرت دیگر عبارت از روسیه تزاری بود.

به همه حال چر یا ناتی که به حاکمیت انگلیس در هند منتهی شد طوری صورت گرفت که در آن انگلیسها اکثر آوازهها را دیگران سود بردند تا ز پوتانسیل نظامی خود ایشان، همانطوریکه قدرت روسیه در قرن ۱۸ و ۱۹ در اثر غاطی دیگران به مساعی اندک بسیار بلند رفت. در قرن ۱۸ مدتی قدرت مرته هادر هند جنوبی و لشکر کشی های احمد شاه بابا به هند شمالی موانع بزرگی در راه حاکمیت انگلیسها بر هند ایجاد نمود ولی پس از ضعیف شدن مرته ها از طرف امپراطوری درانی و متعاقباً بعد از وفات احمد شاه بابا، بریتانوی ها در هند به تملک و تصرف اراضی بقوت بیشتری دوام دادند و قدرت را بحیث یک طاقت و افعاً مستقر و ثابت در تمام هند جنوبی و مرکزی پدست آوردند. در اواخر قرن ۱۸ نفوذ انگلیسها بطور قطعی را خود را بسوی هند شمالی باز کرد و تا اثرات کمپنی بطور عمیقتر در آنجا ریشه دوانید و به این ترتیب انگلیسها از جنبه هند برای نخستین بار بحوادث آسیای میانه علاقمند شدند زیرا استقامت اصلی پیشرفت از غرب بطرف هند در مرحله اول متوجه هند شمالی بوده است. این حقیقت شکل یک قضیه تاریخی را دارد که در ادوار گذشته به اثبات رسیده است. امواج جهانکشی یا از آسیای میانه یا افغانستان و غرب هند و کش در طول تاریخ اکثر متوجه هند شمالی گردیده و هند جنوبی بنا بر ملاحظات جغرافیائی ازین رهگذر در مرحله دوم قرار داشته است.

البته انگلیسها بر مستملکات خود در هند بتدریج افز و دند و اهداف استعماری ایشان یکی پی دیگری طوری عرض و جود کرد که در تثبیت هر هدف جدید اهداف گذشته بی تاثیر نبوده است یعنی با پیشرفت مزید آرزوهای استعماری انگلیس در هند وسیعتر و بزرگتر شده رفت. درین قسمت باید این موضوع را در نظر بگیریم که بحیث یک حقیقت تاریخی تمام فرمانروایانیکه موقوف مستقری را احراز داشته اند و در حواشی حدود حاکمیت آنها زمانمداران و دول غیر مستقر قرار داشته است فرمانروایان قویتر کوشش کرده اند حدود خود را بسوی همان استقامت های ضعیف توسعه بدهند و درست مثل سیلی که در مجرای خود سحلات ضعیفتر و سست تر را زودتر در خود منحل میسازد جریانات نظامی درین مراکز قدرت نیز به همین شکل صورت میگیرد. قدرت های بزرگ در طول تاریخ اکثر لازم دیده اند که غرض

محافظة حدود خود بر مناطق غیر مستقر ماورای سرحدات ساحه داخل حاکمیت ایشان تاخت برند و آنرا در دست خود محافظه دارند تا جلو خطرات احتمالی را از آن ناحیه گرفته باشند.

فراسر تیلر این موضوع را به نحو خوبی بیان میکند (۱۳) به اینصورت بریتانوی ها هم تاحدی در هند از برنسیپ فوق الذکر پیروی کردند. بسال ۱۷۶۲/۱۱۷۵ منتهی وسعت مستملکات کمپنی انگلیس در شمال هند عبارت از بنگال بود، بانکه در خارج بنگال هم در صفحات هند شمالی مستملکات کوچکی بحال پراکنده افتاده بودند جزء متصرفات ایشان بشمار میرفت. در اواخر قرن ۱۸ انگلیسها تمام مناطق مربوط به ایالت مدراس را به متصرفات خود ضم ساختند و مدتی بعد حدود مستملکات شمال غربی آنها تا پنجاب جنوبی وسعت یافت.

بسیست سال پس از آن قشون کمپنی مرته هارا بکلی مغلوب کردند و ایالت بمبئی را هم متصرف شدند و به اینصورت حاکمیت انگلیس و منطقه های مرته و راجپوت نشین تحقق یافت. بنا بر آن طوریکه دیده میشود انگلیسها در یک مدت بالنسبه کوتاه بر اراضی وسیعی در هند استیلا یافتند و بهر اندازه ای که حدود ساحه تحت حاکمیت آنها وسیعتر میشد برای معنوم نمودن اسرار پالیسی دولیکه در ماورای حدود سلطه ایشان قرار داشتند به کنجکاوی های دوامدار اقدام میورزیدند.

در اواخر قرن ۱۸- انگلیسها به پیشقدمی در شمال هند آغاز کردند تا آنکه سرحدات ایشان بدریای ستلج رسید و برای نخستین بار به حواشی امپراطوری درانی تماس نمودند. در چنین فرصت در پنجاب جنوبی انعکاس لشکر کشی های آخر احمد شاه بابا بر هند هنوز هم در فضای مخفی میاست و احساسات مردم احساس میگردید و اجرای سوتیات دیگر افغان بسوی شاه شایه در افکار مردم هند ناممکن تلقی نمیشد. بنا بر آن نخستین انتباه و یا تاثیر غیر مستقیم افغانها بر زمانمداران انگلیسی هند عبارت از ترس از خطری بود که سایه خود را بر پالیسی های بعدی آنها می انداخت و به اینصورت انگلیسها در خوف آن بودند که مبادا مداخلات افغانها مستملکات ایشان را در هند دچار مخاطره سازد. در همین عصر بود که آوازه لشکر کشی زمانشاه در هند نشر یافت و در آن نیم قاره احساسات و هیجاناتی را بر له و بر علیه این اقدامات بوجود آورد. و همینکه بسال ۱۷۹۸ مارکس ولسلی (۱۴) نامه ای از زمانشاه گرفت نزدیک بود خوابهای پریشان انگلیسها به حقیقت انجامید در آن نامه زمانشاه درانی به گورنر انگلیس اطلاع داده بود که عنقریب قشون افغان به وادی های هند سرازیر خواهد شد و امپراطور درانی در همان نامه انگلیسها را هم در عملیاتش برای اخراج مرته ها از هند جنوبی به همکاری دعوت کرده بود با گرفتن این نامه گورنر جنرال انگلیس را رعب و ترسی فرا گرفت زیرا او که در آنوقت به عملیات حیدرآباد و میسور در هند

(۱۳) افغانستان تالیف فراسر تیلر ص ۷۶

روسیه که منجر به شکست و تباهی قشون فرانسه شد حجاب موقتی اتحاد روس و فرانسه را برای سوقیات برهند بی معنی ساخت و انگلیسها موقعیت خود را در هند مصئونتر پنداشتند و بنا بر آن مساعی آنها برای تحکیم موقف نظامی ایشان در ایالات مختلف هند متمرکز گردید (۱۷) بنابراین در اوایل قرن ۱۹ که حوادث داخلی افغانستان امپراطوری درانی را بطرف ضعف می برد و پوتانسیمیل نظامی و سیاسی در نقاط حیاتی افغانستان چون قندهار، هرات و هندوکش که دروازه های هند تلقی میشدند روبه انحطاط میرفت، در دو طرف افغانستان دو قدرت بزرگ اروپائی طور بهم در توسعه جوئی و کسب اقتدار بیشتر به رقابت ادامه میدادند و هر کدام انتظار این را داشت که خالیگاه های غیر متر ا کم را از نگاه نظامی توسط پوتانسیمیل عسکری و سیاسی خود پر نمایند معینا هر دو قدرت موصوف برای تامین حاکمیت نظامی و سیاسی بر دروازه های هند هنوز راه طولانی در پیش داشتند زیرا در میان مستملکات انگلستان در هند و نقاط مذکور مناطق پنجاب، سند و بلوچستان حایل بود که قسما هنوز جزاء امپراطوری درانی بشمار میرفت و قسما بشکل دولت ها و حکومت های نیمه مستقل جلوه میکردند به همین ترتیب در میان روسیه و نقاط موصوف کشور ایران و دولت های آسیای میانه چون خانان خیوه و بخارا قرار داشتند.

بهر حال اگر چه خطر پیشقدمی روسها بطرف هند هنوز دور بود بشکلی انکشاف میکرد که موجب بخطر انداختن دلچسپی های انگلیس در آسیا و بالاخره کشودن راهی بطرف هند قرار میگرفت اما در چنین فرصت هنوز انگلیسها در پلان های دفاعی خود مقابل روسها بیشتر روی فعالیت های سیاسی حساب میکردند و طوریکه فراسر تترامینویسند (۱۸) انگلیسها هنوز در مورد افغانستان یک مفکوره شخصی ستراتیژیکی نداشتند و زمامداران انگلیس پارسیان را دوست و متحد خود میدانستند زیرا آنها را می شناختند ولی افغانها را بحیث یک دشمن و رقیب سر سخت و قوی در مورد متصرفات هندی خود تلقی میکردند و به اینصورت ارتباط ستراتیژیکی افغانستان با امنیت هند هنوز در افق ادراک آنها نگذشته بود.

در چنین عصر با آنکه فشار قوی نظامی روسها در آسیای میانه محسوس نبود ولی از طرف قفقاز فشار نظامی روس بر حواشی شمال غربی ایران برای آنها بیکه امنیت هند را مربوط به تشکیل سپر های قوی نظامی در بین هند و حدود روس می دانستند خالی از دلچسپی نبود. به همه حال فشار روسها در قفقاز بالای ایران بزودی هر دو کشور را به مجادله مسلحانه واداشت.

(۱۷) جنگ اول افغان تالیف سرهتری دوراند. ص ۱۰

The First Afghan War and its Causes by Durand

(۱۸) افغانستان تالیف تنلر ص - ۷۸ و ۷۹

Afghanistan by Froser Tytler

(۲۵)

جنوبی و به مجادلات دیگری با مرته هادر مرکز هند مصروف بود یقین داشت که سوقیات بزرگ امپراطوری درانی از کوهستانات افغانستان بسوی اعماق نیم قاره هند بزرگترین خطری برای انگلیسها در هند بشمار خواهد رفت و بنا بر آن غرض پیشگیری این خطر گورنر جنرال موصوف بادولت ایران در تماس آمده از آنکشور خواهش کرد با مصروف نگهداشتن زمان شاه در غرب مملکتش مواعی در راه پیشرفت او بطرف هند بوجود آورد سه سال پس از آن حکومت هند بریتانوی بار دیگر به فعالیت های سیاسی خود در ایران شدت بخشید ولی درین مرتبه حکومت مزبور تنها از ترس افغانها نه بلکه از ترس فرانسویان هم همکاری دولت ایران را برای دفاع از مستملکاتش در هند خواستار بود در اوایل قرن ۱۹ قدرت ناپلیون بوناپارت در مرحله عروجی قرار داشت و امکان پیشرفت زمامدار فرانسه از طریق ایران به هند ناممکن تلقی نمیشد روی این اساس حکومت هند بریتانوی جلب همکاری و اتحاد بادولت قاجاری ایران را برای امنیت مستملکات هندی خود در آن شرایط بسیار ضروری پنداشت و بنا بر آن در نتیجه تماس های دیپلماتیک ادر بار قاجاری معاهده ای بین انگلیسها و ایرانی ها عقد شد که طبق آن ایرانیها قبول کردند که نه تنها باتولید اختلالات در حواشی غربی امپراطوری درانی نقشه های افغانها را برای پیشقدمی در هند عقیم سازند بلکه به فرانسویان هم اجازه ندهند از طریق کشور آنها به هند سوقیات نمایند در برابر این تکلیفی که به موجب معاهده مذکور بدوش دولت ایران گذاشته شد انگلیسها وعده دادند به کشور ایران تجهیزات و وسایل نظامی بدهند دیری نگذشت که انگلیسها بنا بر تغییرات تازه سیاسی در اروپا تعدیلی را در پالیسی خود در مورد شرق میانه لازمی شمردند صاح تلست در ۱۸۰۷ میلادی تزار الکسندر و ناپلیون را برای یک لشکر کشی مشترک به هند از طریق ایران که نفوذ فرانسویان در آن انتشار یافته بود متحد ساخت در اثر این حادثه انگلیسها فوراً برای تحکیم موقف سیاسی خود در تهران دست بکار شدند و در عین زمان حکومت هند بریتانوی مدیستارت الفستون (۱۵) و متکاف (۱۶) را بالترتیب به دربار درالی و سکهای پنجاب اعزام نمود تا وسایل عقد پیمانهای دفاعی را برضد روسها و فرانسویان در شرق ایران فراهم آورند بهر صورت برای بیست سال دیگر واقعات داخلی افغانستان زمام داران درانی را به امور داخلی خودشان مصروف ساخت و نقشه های لشکر کشی بطرف هند در قبال خانه جنگی های بهم از خاطر هامحو شد و بنا بر آن ترس انگلیسها از سوقیات زمامداران درانی به هند نیز بتدریج از بین رفت گذشته از آن در طول این مدت فشار روسها بر کشور های آسیای میانه آنقدر شدید بنظر نمی آمد تصادمات ایران و روس در اطراف بحیره کسپین و غرب آن نیز عجالتا خطر پیشقدمی روسها را بطرف هند نزدیک نشان نمیداد و بالاخره لشکر کشی ناپلیون به

Metcalf (۱۶) Maunstart Elphinstone (۱۵)

که بسال ۱۸۱۰ به معیت جنرال مالکم به آنکشور رفته بودند به تعلیم و تربیه قطعات پیماده و توپچی اردوی ایران مصروف شدند در میان آنها تورن کرسیتی (۲۰) و بریدمن لیندسی (۲۱) معروف می باشند که در جریان محاربات کندک های ایرانی را که تحت تعلیم و تربیه گرفته بودند در مقابل قشون روسی سوق نمودند .

درین ضمن بسال ۱۸۱۱ بعوض سرهرفور د جونز شخص دیگری بنام سرگور اوسلی بحیث سفیر انگلیس در دربار ایران مقرر شد و نامبرده بزودی بحیث سفیر و نماینده فوق العاده پادشاه انگلستان به تهران رسید . درچنین فرصت انگلیسها ضرورت این را احساس کردند تا معاهده ابتدائی را که سرهرفورد جونز بسال ۱۸۰۹ با ایران عقد کرده بود بشکل یک پیمان قطعی درآورند. البته درین وقت انگلیسها کم و بیش نیات روسها در لشکر کشی بحدود ایران درک کرده بودند و یقین داشتند در صورتیکه روسها موفق گردند نفوذ قابل توجه سیاسی در ایران حاصل خواهند داشت و بنا برآن اگرچه حرب روسیه و ایران هنوز جریان داشت و نتیجه آن معلوم نبود انگلیسها پیشدستی کردند تا موقف خود را در دربار ایران قویتر سازند در پیمان ابتدایی بسال ۱۸۰۹ میلادی بین انگلیسها و ایرانی ها در مورد کمک مالی هند بریطانوی به ایران چنین تصریح شده بود که اندازه مبلغ مقرر طبق معاهده قطعی که پساً بعمل خواهد آمد تعیین گردد و علاوه شده بود که در آنصورت هم این مبلغ باید از (۱۶۰۰۰۰) تومان تجاوز نکند و شکل پرداخت آنهم در اختیار حکومت انگلیس می باشد مگر در معاهده قطعی این مبلغ (۲۰۰۰۰۰) تومان معادل (۱۵۰۰۰۰) پوند تثبیت گردید و یک تبصره جدا گانه درین مورد بعمل آمد که چنین توضیح میداشت :

به علت اینکه مطابق رسم نظامی ایران معاش شش ماهه سربازان طور پیشکی پرداخته می شود سفیر انگلیس تمامی اختیارات و مساعی خود را در راه رسانیدن کمک مالی به ایران تا جائیکه امکان داشته باشد از جنس پول نقد به اقساط قصیر العمدت بکار خواهد برد به اینصورت انگلیسها طرفدار کمک مالی به ایران بودند نه کمک نظامی و وسایل حربی بتاريخ ۱۴ مارچ سال ۱۸۱۲ میلادی معاهده قطعی بین ایران و انگلیس از طرف سرگور اوسلی ، محمد شفیع خان و محمد حسن خان به امضا رسید و یک هفته پس از آن سفیر انگلیس در تهران به انجمن اداری و سیاسی کمپنی شرق الهند از تائیرات مطلوب این پیمان و جلب اعتماد دربار ایران اطمینان داد (۲۲)

شاه ایران که طور قطعی تصمیم گرفته بود ند موقف عباس میرزا ولیعهد ایران را تا حد امکان مستحکم بسازد لازم

(۲۰) *Lieutenant Captain Christie* (۲۱) *Lindsay* (۲۲) تاریخ جنگ در افغانستان تالیف ویلیام کسلی ج ، ۱ ص ۱۴۲ *The History of war In Afghanistan by W .kaye*

روسها که کوشش میکردند از طریق وارد آوردن فشار نظامی در منطقه قفقاز رخنه ای بطرف شرق برای خود باز کنند و با اقلاباً با تولید فشار نظامی بر آن کشور گسترش نفوذ سیاسی خود را در دربار قاجاری ایران تضمین نمایند به اقدامات عسکری در حدود شمال غربی ایران ادامه دادند دولت قاجاری ایران در برابر این خطر بزرگ اولاً دست کمک جانب فرانسه دراز کرد ولی پس از پیمان تلست در ۱۸۰۷ میلادی که طبق آن روس و فرانسه موقتاً در مورد سوقیات در شرق اتحادیه ای تشکیل دادند ، دربار ایران متوجه انگلیسها شد تا کمک و معاونت آنها را بخود جلب نماید. انگلیسها در بدو مرحله به مداخله جدی در ایران اقلاباً در همان شرایط که خود ایشان درهند بسیار مصروف بودند تمایل زیادی نشان نمی دادند و با آنکه حکومت هند بریطانوی پیمان همکاری متقابل دفاعی را بسال ۱۸۰۹ با دربار ایران امضا کرد و بک تعداد افسران انگلیسی برای تعلیم و تربیه اردوی ایران به آنکشور رفتند مگر این موضوعات صرف رنگ سیاسی داشت و کمک قابل ملاحظه نظامی انگلیسی رابه ایران تضمین کرده نمی توانست در آنوقت خطر روسها بزعم زمامداران انگلیس و مبصرین سیاسی انگلستان هنوز آنقدر بزرگ تلقی نمی شد زیرا آنها فکر میکردند در حالی که روسیه مجبور بود قسمت اعظم قوای نظامی خود را در اروپا تمرکز بدهد، اقدامات آن در برابر ایران بسویه بزرگ به عمل آمده نمی توانست از جانب دیگر در همین وقت ناپلیون در خاک روسیه به پیشقدمی ادامه میداد و ازینرو فشار نظامی و پیشرفت روس در حدود شمال غربی ایران در نظر انگلیسها حیثیت یک پیرایم درجه دوم را داشت (۱۹).

به همه حال تا سال ۱۸۱۳ میلادی جنگ بین روسیه و ایران دوام نمود و در آنسال ایرانی ها که چندین مغلوبیت پی هم نظامی را متحمل شدند مجبوراً به شرایط معاهده انگلستان موافقه کردند طبق این معاهده دولت قاجاری ایران، گرجستان و اکثر مناطق کشور ایران را در جنوب قفقاز به روسها ترك داد و موافقه نمود که هیچنوع بحریه را در بحیره کسپین محافظه نکند در مقابل این تعهدات جبری روسها بکنوع وعده کمک موهومی را به دربار ایران دادند و آن عبارت ازین بود که دولت روسیه از ولیعهد سلطنت ایران در مقابل رقبایش حمایت خواهد کرد در طول این محاربات قشون ایران و روس قسمتی از قطعات ایرانی بیش از یک مرتبه زیر نظر افسران انگلیسی فعالیت کردند افسران انگلیسی

(۱۹) تاریخ جنگ در افغانستان تالیف ویلیام کسلی ج ، ۱ ص ۱۳۹ *The History of war In Afghanistan by W .kaye* ، جنگ اول افغان تالیف دوراند ص ۱۱ - *First Afghan war by Durand* ، افغانستان تالیف

میدید یک قشون منظم پنجاه هزاری را بدین مقصد تحت فرمان دهبی عباس میرزا تشکیل دهد. برای رسیدن به این هدف شاه موصوف از سرگور اوسلی تقاضا کرد از حکومتش به تعداد سی هزار میل تفنگ انگلیسی برای قشون ایران حاصل دارد و پول قیمت آن از مبلغ اعانه مالان و وضع شود سفیر انگلیس این موضوع را بحیث یک اقدام مفید برای انگلیس به عمل کمپنی شرق الهند مخابره کرد سرگور اوسلی پس از آن به هند رفت و سکرترش مستر موریه (۲۳) را در راس سفارت انگلیس در تهران گذاشت و در همین آوان قبل از آنکه معاهده قطعی مراحل نهائی خود را طی کند از طرف حکومت انگلیس در آن تعدیلاتی وارد شد و مستر هنری الیس (۲۴) بسال ۱۸۱۴ به ایران اعزام گردید تا تعدیلات وارده را به تصویب حکومت ایران برساند این تعدیلات که متن پیمان از نگاه الفاظ تغییرات فاحش وارد میکرد از حیث کیفیت خصوصیت پیمان را به همان شکل محافظه میداشت در هر دو پیمان مسایل عمده به همان شکل موجود بوده اما تغییراتی که در اثر جریان حوادث بین سالهای ۱۸۱۲ - ۱۸۱۴ در شرایط رخ داده بود ایجاب میکرد که به مقصد فابل تطبیق ساختن پیمان تعدیلاتی در آن وارد آورده شود مثلاً در پیمان سال ۱۸۱۲ توضیح شده بود که هر گاد شاه ایران به تشکیل بحریه ای در بحیره کسپین تشبث نماید حکومت انگلیس افسران دریائی و کارگران کشتی سازی را از لندن و بمبئی برای همکاری با قشون ایران در این زمینه به آن کشور ماموریت خواهد داد مگر طبق معاهده گلستان منعقد سال ۱۸۱۳ در بین ایران و روسیه، روسها بر حکومت ایران تحمیل کردند که هیچ نوع بحریه ای را در بحیره کسپین محافظه نکنند.

بتاریخ ۲۵ نومبر سال ۱۸۱۴ معاهده قطعی که بالاخره طرفین به آن موافقه کردند بین انگلیسها و ایرانیان در تهران عقد شد این معاهده که در حقیقت حیثیت پیمان دفاعی را داشت از حیث کیفیت در روی کاغذ بسیار وسیع بنظر می آمد اما قابلیت تطبیق و عملی آن کمتر بود این معاهده حکومت ایران را مکلف برین میساخت که به هیچ اردوی اروپائی اجازه نهد که به ایران داخل گردد و با آن طریق بطرف هند پیشقدمی نماید و یا نه بند را از ایران راه پیدا کند به همین صورت در بار ایران به هیچ تبعه چنان دولت اروپائی که در خیال تعرض برهند میباشد و یا بر تیانمای کبیر دشمنی دارد اجازه دخول به ایران نهد کذا علاوه شده بود در صورتیکه کدام قدرت اروپائی از طریق خراسان به تاتارستان بخارا سمرقند و دیگر راه های آسیای میانه اراده تجاوز را برهند بنمایند دولت ایران باید حتی الامکان با تهدیدات سیاسی و عسکری و یا استعمال نیروی نظامی و یا اقدامات مسالمت آمیز حکمرانان مناطق مزبور را به مقابله و مخالفت چنین متجاوزین تشویق و ترغیب کند در ماده سوم این پیمان توضیح شده بود که سرحدات ایران و روسیه به موافقه انگلیس، روس و ایران تعیین

Henry Ellis (۲۴) Morier (۲۳)

و تشبیت گردد مواد هشتم و نهم پیمان مربوط به افغانستان بود به این تفصیل که ماده هشتم آن حکم میکرد در صورتیکه افغانها با انگلیسها داخل محاربه شوند پادشاه ایران قشونی را به چنان شکل و بزرگی که حکومت انگلیس آرزو کند بر علیه افغانها سوق دهد البته مصارف عملیات این قشون را حکومت انگلیس خواهد پرداخت در ماده نهم پیمان تصریح شده بود در حالیکه آتش جنگ بین افغانها و ایرانیان درگیرد حکومت انگلیس در آن مداخله نخواهد کرد مگر در صورتیکه طرفین به رضای خود مداخله حکومت انگلیس برای برقراری صلح و میانجی گری تقاضا کنند یکی از مواد دیگر این بیان که مورد توجه قرار میگردد ماده ششم آن میباشد که در آن چنین توضیح شده بود « هر گاه کدام کشور اروپائی با ایران داخل جنگ شود ولی با دولت انگلیس در حال صلح باشد، پادشاه انگلستان با تمام قدرت خود کوشش خواهد کرد تا وسیله برقراری صلح میان ایران و همان کشور اروپائی قرار گیرد و اگر چنین اقدامات مسالمت آمیز زمامدار انگلیس نتیجه مثبت ندهد حکومت انگلیس باز هم طبق شرایط پیمان در صورتیکه ایجاب کند قشونی را به اردوی ایران از هند خواهد فرستاد و یا بعوض آن تا پایان جنگ سالانه مبلغ (۲۰۰۰۰۰) تومان طور کمک قرض تقویه اردوی ایرانی به حکومت ایران خواهد پرداخت این ماده در حقیقت حاکی برین بود که انگلیسها در جنگ روسیه و ایران با کشور اخیر الذکر معاونت خواهد کرد (۲۵) بنابراین اگرچه طبق معاهده گلستان در میان ایران و روسیه صلح برقرار بود روابط هر دو کشور در آنوقت تحت تاثیر عوامل مربوط به منافع ملی طرفین بشکلی در آمده بود که تجدید محاصمت و آغاز جنگ بین ایران و روسیه از امکان بعید بنظر نمی آمد و بدین ترتیب طبق مکلفیت های انگلیس که در پیمان ۱۸۱۴ توضیح شده بود احتمال بر خورد انگلیس و روس هم در مرزهای ایران بوجود آمد و این دکترین در خاطر سیاستمداران انگلیس دور میخورد که هر تجاوز آینده روسیه بر مناطق تحت حاکمیت ایران یک اقدام محاصمانه مقابل هند بریتانوی بشمار می رود،

جریانات بعدی تا مدتی ایجاب تغییری را در پالیسی انگلیس در مورد ایران نمیکرد خط مشی سیاسی انگلیسها در آنوقت عبارت از این بود که اردوی ایران را طوری نیرومند سازد تا بوسیله آن یک مانع قوی و سپر مستحکم را در برابر تجاوز یک قدرت اروپائی برهند بوجود آورده بتواند علاوه بر آن ب توسعه دادن نفوذ سیاسی انگلیس در ایران امکان مداخله موثر حکومت انگلیس در حوادث مربوط به هند در ایران بیشتر و مطمئنتر ساخته شود البته در چنین وقت انگلیسها خطر اصلی (۲۵) متن این قرار داده در کتاب « تاریخ جنگ در افغانستان تالیف ویلیام کمی » جنگ اول افغان تالیف هنری دوران و غیره آثار انگلیسی موجود است

تحویل گردید. پس از مذاکرات چندی که بین روسها و ایرانیها صورت گرفت یک معاهده تازه بعوض معاهده گلستان در مه فبروری ۱۸۲۸ در ترکمانچای بین طرفین عقد شد. طبق معاهده ترکمانچای شاه ایران خانات ایروان و نخجوان را بروسها گذاشت و سرحداتی را که روسها پیشنهاد کردند قبول نمود به این ترتیب معاهده ترکمانچای شرایط سنگینی را بر کشور ایران تحمیل کرد. روسها اظهار نظر میکردند که صرف موافقه به شرایط این معاهده برای برقراری صلح دائمی بین هردو کشور وتوسعه روابط تجارتي موثر بوده میتواند. به اینصورت روسیه یک قدم دیگر بسوی شرق نزدیکتر شد وانگلیسها از آن جلوگیری کرده نتوانستند و گذشته از آن مکلفیت های خود را نظر به پیمان سال ۱۸۱۴ بین ایران وحکومت انگلیس بافرستادن قشون کومکی از هندوایا پرداخت اعانه (۲۰۰۰۰۰) تومان سالانه به اردوی ایران در طول سالهای جنگ روس و ایران عملی نکردند. آنها ادعا می نمودند که این مکلفیت در صورتی قابل اجرا بود که جنگ محصول تجاوز ایرانیها نمیبود و ایران اولاً مورد تجاوز قرار نمیگرفت بنابراین این سوال مطرح شد که آیا در جنگ ۱۸۲۶-۱۸۲۷ ایران متجاوز بوده است ویا روسیه؟ هر طرف بار این مسئولیت را به جانب مقابل خود حواله میکردند. به همه حال حکومت انگلیس که با ایران در طول محارباتش باروسها کومک نکرده بود و پس از جنگ آن کشور را از نظر مالی ورشکست میدید تصمیم گرفت با استفاده ازین فرصت راهی را در پیش گیرد که از آن طریق قصور خود را تلافی نماید وهم خود را از مکلفیت های بزرگ آینده در مورد کومک نظامی با ایران تا اندازه ای سبکدوش سازد بنابراین آن انگلیس میخواست با پرداخت مبلغ اضافتر از اعانه سالانه به ایران مکلفیت غیر مساعد خرد را در خصوص کومک های نظامی محدود تر نماید. بدین مقصد سرجان مک دونالد یک مبلغ دوصد و پنجاه هزار تومان را به شاه ایران در بدل الغای ماده مربوط به پرداخت اعانه سالانه و کومک نظامی که در پیمان ۱۸۱۴ درج شده بود پیش کرد وبالاخره الغای ماده مزبور را با پرداخت $\frac{1}{5}$ این مبلغ به حکومت ایران تحقق بخشید.

بآنکه پس از معاهده ترکمانچای اقدامات توسعه جوئی روسیه در مرز های ایران ظاهر آ به خاموشی گرائید، روسیه مفکوره های متراتیژیکی خود را برای پیشقدمی بطرف هند مورد مطالعه عمیقتر قرار داد. روسها در چنین فرصت آرزو داشتند بدون پیشقدمی نظامی نفوذ سیاسی خود را در برابر ایران استحکام بخشند وبا استفاده از آن ایرانیها را تشویق نمایند که برخاکهای شرقی کشورشان تجاوز نمایند و به اینصورت روسیه از قوای نظامی ایران در تامین غایه های خود استفاده کند وبطور غیر مستقیم با گسترش نفوذ سیاسی بطرف شرق پیشروی نمایند. این نقشه نسبت به تملک اراضی ایران کم مصرفتر و در عین حال موثر تر تلقی میشد. روسها برای تامین (بقیه در صفحه ۳۷)

را در مقابل مستملکات هندی خود نقشه های امپراطوری روس میدانستند. حکومت انگلیس ارتش ایران را با اسلحه انگلیسی تقویه کردند وافسران انگلیسی برای بلند بردن قابلیت های محاروبی سر بازان ایرانی در اردوی آن کشور به مساعی دامنه داری آغاز کردند و برای چندی عباس میرزا ولیعهد ایران ازین اقدامات باخوشبینی زیادی استقبال مینمود مگر واضح بود که اردوی ایران در مدت کوتاه به انکشافات بزرگی نایل آمده نمی توانست وار تقای سویه قابلیت های مسلکی آن در پهلوای سایر عوامل تحت تاثیر عامل (زمان) قرار داشت اینرا هم باید فراموش نکرد که انکشاف اردو به فکتورهای سیاسی اقتصادی واجتماعی مربوط میباشد و اگر این فکتورها در ذات خود انکشاف نوزند اردو به تنهایی خود در راه ارتقا موانع زیادی در پیش خواهد داشت بنابراین در آنوقت ارتقای اردوی ایران خارج انکشاف سایر فکتورهای سیاسی، اقتصادی واجتماعی که به نارسائیهائی مواجه بودند مشکل تلقی میشد. به همین دلیل یکی از افسرانیکه آنوقت در تعلیم و تربیه اردوی ایران سهم داشت اظهار میدارد « زمانیکه قشون ایران بسال ۱۸۲۶ بار دیگر باروسها طرف واقع گردید از نگاه تعلیم و تربیه مسلکی نسبت به اواخر حرب ۱۸۱۳ ضعیفتر بود » (۲۶). سر هنری دوراند هم برین مطلب تبصره جالبی نموده است (۲۷).

از تاریخ عقد معاهده گلستان در ۱۸۱۳ بین روسیه و ایران تا سال ۱۸۲۶ صلح وآرامش بین هردو کشور برقرار بود ولی این صلح میان خالی مدت زیادی دوام نکرد ومخالفات های طرفین در تعیین حدود مناطق مرزی درست پس از عقد معاهده گلستان به این طرف هردو کشور را در وضعیت نا آرام قرار داده بود ویکنوع دشمنی مخفی در بین آنها احساس میشد. هردو طرف برای تامین منافع مزید تر برای خود از طریق جنگ طالب بهانه بودند. چنین روابط مبهم بالاخره منجر به اقدامات مسلحانه طرفین شد. یکبار دیگر اردوهای ایران و روس باهم مقابل شدند وعباس میرزا باچهل هزار سرباز وارد میدان جنگ شد این جنگ که در اواخر سال ۱۸۲۶ بین طرفین یافت در طول سال ۱۸۲۷ شوم نمود با آنکه اردوی ایرانی در مراحل نخستین حرب تسعت هائی را در مناطق مرزی خود بدست آوردند پس از چندی قشون روسی تحت فرماندهی جنرال پاسکویچ (۲۸) به پیشرفت هائی نایل آمد ومناطق ایروان وتبریز بدست روسها افتاد. بالاخره حکومت ایران که اردوی خود را روز بروز ضعیفتر میدید و آنرا برای ادامه جنگ مساعد نمیدانست مداخله بریتانیا را بخوشی برای برقراری صلح پذیرفت مگر این بار صلح برای ایران به قیمت گرانی تمام شد وشرایط سنگینی بر آن

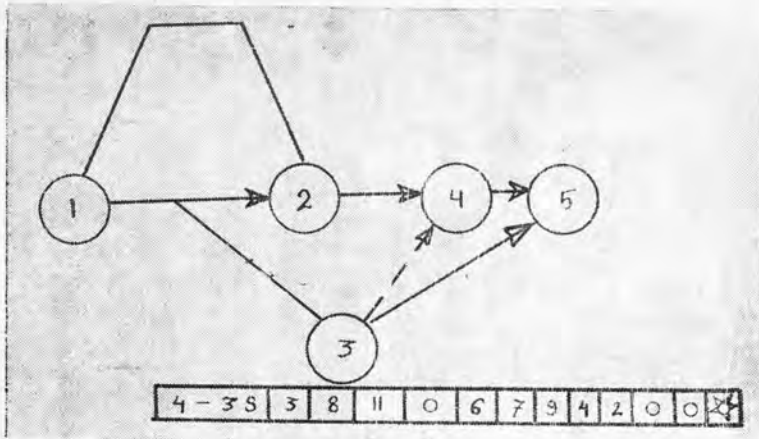
(۲۶) ویلیام کی ج - اول؛ هنری دوراند وتاریخ افغانها

تالیف فیریه

(۲۷) جنگ اول افغان وعلل آن تالیف هنری دوراند

Paskovitch (۲۸)

پلان سازی در عسکری



خیلی ها زیاد بوده رئیس پولاریس، وایس اد میرال و ولیم اف ای بارن. جی آر تکنیک پرت را از ینسکه در سایه آن مرمی های پولاریس در طرف دو سال کمتر از زمان تخمین شده آن به اتمام رسیده بهتر خواننده است. اداره ساختمانی مرمی های بالستیکی انجیران امریکا در تمام بیس های پروژه های ساختمانی مرمی های رهبری شده تکنیک «سی پی ام» را استعمال و رئیس انجیران تطبیق آنرا در امور سویل و پروژه های ساختمانی عسکری امر نموده است.

«سی پی ام» محل تطبیق زیادرا در صنایع کشتی سازی طرح پروگرام سیستم اسلحه تر میسم (Overhaul) و اورهال نمودن طیارات جت تسریع بخشیدن کارت های راپور مکاتب و غیره پیدا نموده است.

پرا بله های که در ترتیب پلان اوپراسیونهای عسکری در قدمه های عالی به انسان تصادف میکنند از بسا نقاط

توام باین مگر طور مستقلانه یک سیستم دیگری مشابه به آن به تحت رهنمایی و هدایت اداره پروژه های مخصوص بیوروی اوردونانس قوای بحری امریکا برای استعمال در کنترل نمودن کانتراهای های پروگرام مرمی های بالستیکی فلیت (دسته جهازات بحری) نیز بمیدان آمده است این سیستم قوای بحری که بنام پرت (PERT) یاد می شود از نگاه اینکه ملاحظات زمان برو بالستیکی را نیز احتواء می نماید یک سیستم و پیچیده تر است. سیستم پرت از طرف قوای هوایی امریکا نیز تطبیق ولی بنام پپ (PEP) یعنی طریقه قیمت دادن پروگرام مسمی می باشد.

«سی پی ام» و پرت هر دو در ساحه هاییکه مورد استعمال قرار دارند یک سیستم بهتر بوده و تقریباً مشابه به یک دیگر می باشد. مگر استعمال سی پی ام به مقصد پلان سازی یک سیستم بهتری می باشد. ساحه جاتی که در آن سی پی ام و «پرت» استعمال خواهد شد

(سی. پی. اس) (C.P.S.)، طرح پروگرام، تخمین اصغری قیمت ها و پروگرام سازی (L.E.S.S) قیمت دادن پروگرام (Review) ریویوی تکنیک (P.E.R.T) و تقریباً چهل نوع دیگر آن می باشد.

سی. پی. ام مارا در تعقیب نمودن مراحل قدمه های پلان گذاری یک اوپراسیون از طریق توصل سیستم تیکی و یا دسپلین کمک نموده و بدین ترتیب قدمه های اتخاذ شده ما به احضار یک پروگرام با معنی منتج میگردد. نا گفته نماند که تکنیک مذکور میتودی را برای نمایش دادن این پروگرام در یک فارم گرافیکی مفید نیز احضار می نماید.

سی. پی. ام در سال ۱۹۵۷ از طرف کمپنی دو پانت و با همکاری کارپوریشن ریند (Rand) جهت بهتر ساختن درجه کفایت پلان سازی، طرح پروگرام و انسجام (کور دیناسیون) انشا فابریکات جدید کشف گردیده است

در ظرف پنج سال گذشته یک آله قوی جهت معاونت نمودن منیجرها (اداره کنندگان) در ترتیب و احضار پلان، طرح پروگرام (سکیچو لنک)، و کنترل اوپراسیون های (عملیاتهای) مشکل و پیچیده کشف و ایجاد گردیده است که آنرا بنام کرتیکل پات میتود یا بصورت مختصر (سی. پی. ام) (C.P.M) یاد می کنند. این تکنیک اداری در فابریکات ساختمانی و انشااتی در کانترا تهای حکومتی و بسا ساحه جات دیگر بکثرت مورد قبول واقع شده است. تکنیک مذکور در ترتیب و احضار نمودن پلان های اوپراسیون های عسکری (Planning Military Operations) نیز قیمت و اهمیت بزرگی را دارا بوده در پلاننگ همچو اوپراسیون ها تسهیلات قابل قدری را فراهم می آورد.

واریانتها (Variations) و یا خود بعبارة دیگر اشکال مختلفه این تکنیک عبارت از کرتیکل پات سکیچو لنک

نظر مشابه به پلان های ساختمانی و دیگر پروژه ها می باشد که تطبیق «سی پی ام» در آن موفقیت را اثبات نموده است. طرح پلان اوپراسیون های عسکری، مزج نمودن یکتعداد زیاد فعالیت ها، کور دینه ساختن عناصر متضاد و مد نظر گرفتن بسا فقرعات و تفصیلات را احتوا می نماید.

ترتیب پلان اجراء بعضی امور بایکدیگر طوری هماهنگ ساخته شود که در یک زمان دوش بدوش اجرا گردد در حالیکه برخی کارات قبل و یاخود بعد از اجراء يك کاری در داخل پلان آورده میشود. طرح پرو گرام زمان فعالیت ها دارای اهمیت بزرگی بوده و پلان عمومی ایجاب آن را می نماید که تمام فعالیت ها به يك عامل فیصله کن که آنهم بواسطه موسم، قابلیت تقویة دشمن و دیگر فکتورهای حا کمه تعیین و تثبیت میگردد، ملاقی گردند وهم فراموش نپايدشد که در وضعیت های پیچیده و کمی وقت یگانه عامل که انسان را به يك نتیجه مثبت و بهتری خواعد رسانید تطبیق تکنیک «سی پی ام» می باشد. چون جریان فعالیت قوای عسکری اضلاع متحده امریکا در تحت يك درجه عالی کنترل يك امر مهم است بنا پالیسی ملی امرمی نماید تا قوماندا نیتهما اوپراسیون های که بدرجه عالی قابلیت کنترل را دارا و اجراء آن به اداره مرکزی درواشنگتن جواب داده بتواند طرح نمایند. مفهوم جمله فوق اینست که قسمت های حساس

پلانها بانیست طوری تعریف کرده شوند که تطبیق آن با تفصیلات لازمه آن بمقامات عالیه راپور داده شود. «سی پی ام» در تعریف نمودن عناصر حساس يك پروژه يك عامل كمك محسوب و از طرف دیگر در اجراء کنترل و اصولهای راپور دادن برای اوپراسیون ها خیلی ها مفید می باشد.

اصولهای اساسی :

عملیة «سی پی ام» به سه قدمه انقسام می یابد :
در قدمه اول عناصر اساسی و یاخود کاراتیکه در پروژه شامل می باشد تعریف گردیده و به ترتیب عمومی وقوع در داخل لیست احضار کرده می شود. وقتاً کارات تعریف و لیست آنها ترتیب شد هر کدام کار بواسطه يك تور ارائه گردیده و در داخل يك شبکه بادر نظر گرفت: ملاحظات آتی

در آورده می شود.

آ - کدام کار ما در اول اجراء شود.

ب - کدام امور این کار را تعقیب نماید.

ج (در عین اجرای این کار کدام امور دیگر بآن هم آهنگ ساخته می شود).

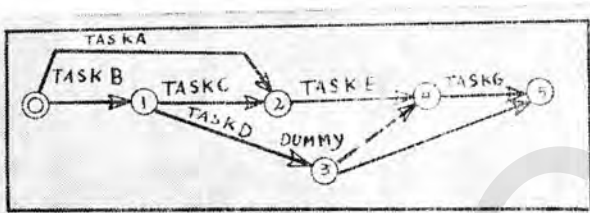
شکل (۱) يك مسئله بسیطی را در يك پروژه خیالی که عبارت از (۷) کار شروع از (۱ - جی) میباشد احتواء می کنند.

رقم نقاط تلاقی (جنگش)

یعنی در جائیکه تیرها ملاقی میگردد بنام وقایع یا حوادث یاد می شود وقایع نقاط ایست که در يك زمان ختم يك کار

و آغاز کار دیگری را ارائه میدارد. به هر واقعه طوری نمبر تعیین شده که نمبر سر تیر (کار) نسبت به دم آن بلندتر می باشد. هر کار ذریعه تعداد وقایعی که توسط آن باهمدیگر ربط میگردد ارائه می شود مثلاً کار (E) در عین زمان کار ۴ - ۲ می باشد. تیرها نیکه به صورت نقطه نقطه ارائه شده برای نشان دادن کارهای ساختگی (غیر حقیقی) می باشد.

کارات ساختگی برای اکمال خود به زمان احتیاج ندارد. شمول آن نهادرین شکل محض برای ادامه (باقیدار)



شکل نمبر (۱)

اکسیژن در راه

کیمیادانان تلاش میکنند که بتوانند از تخته سنگهای کره ماه آب و اکسیژن بدست آوردند مهندسين خود را برای ساختن مراکز عظیم نیروی برق آماده میکنند. سوخت این مراکز از معادن بی پایان اورانیوم که در زیر خاک کره ماه نهفته است تامین خواهد شد.

گروهی دیگر از دانشمندان طرح تاسیس پایگاه های بزرگ را برای سفینه هائی که از کره زمین بهام مسافرت میکنند مورد بررسی قرار داده اند از این پایگاه ها در آینده بشر خواهد توانست بکرات دیگر آسمان مسافرت کند. از آنجا که کره ماه فاقد اتمسفر است برای پژوهش در احوال ستارگان دیگر رصد خانه بسیار مناسبی را تشکیل میدهد. باین ترتیب اختر شناسان امیدوارند در مدت چندماه بچنان اکتشافات شگرف فضائی نایل گردند که در مدت يك سده بشریت نظیر آنرا بخود ندیده باشد.

سر برنارد لاول مدیر رصد خانه مشهور جدرل بنک انگلیسی گفته است که ایجاد يك رصدخانه در بخش نامرئی کره ماه دارای اهمیت فراوانی است و باین ترتیب بسیاری از نهانهای کائنات برای بشر کشف خواهد شد.

آخرین روزهای يك مرد بزرگ

جریان تاریخ فرانسه پسر کوچک اندام کم حرف مجهول و گوشه گیر را ترتیبی بار آورد که پس از سالهای متعددی بزرگترین ستراتیژیست عسکری و امپراتور جهان گردید این مرد ناپلیون بناپارت بود که پس از سپری ساختن يك سلسله تلخی ها و مشکلات بالاخره توانست اکثری از قسمت های براعظم اروپا را تحت تسلط خود در آورد با آنهم روح جاه طلبی این مرد بزرگ باین همه امتیازات و پیروزی ر قناعت نکرده خواست حاکمیت مطلق خود را در جهانیان بقبولاند . اما جریان زندگی و شرایط اجتماعی آن زمان رویا های این مرد خود خواه را طوری تحقق داد که بعد از يك سلسله

شکست های فاحش در سرزمین روسیه و جنگ واتر لوجز یاس و نوسیدی چیز دیگری میسر نشد

همان بود بزودی به جزیره سنت هلن تبعید و مسکن گزین گردید جزیره که از جوانی به آن نفرت ناشت و هر نوع زندان دیگر را نسبت به آن ترجیح میداد زیرا جزیره فوق هزاران هزار سال قبل در اثر آتش فشانی یکی از کوه های اوقیانوس بیکران وجود آمده بود و صخره های تیره رنگش از وسط امواج نینگون و جزر و مد و ابروسه دریا مانند گول تیره روی خود نمائی میکرد موقعیکه ناپلیون بناپارت مهمان تازه وارد از کشتی پیاده شده قدم بخشکی گذاشت گوئی خاک جزیره در زیر پایش صدای عجیبی میکرد و این صدا از مواد مذاب ساژیده شده ای بود که در روی زمین یخش شده بود و مردم مسافر بطرف دروازه



لحظات جوانی بناپارت که دایم بحیث يك صاحب منصب شجاع میدان های جنگ را اداره می نمود .

پوست گماشته شده بود جمعیت این جزیره را تشکیل میداد هیچکس نمیتواند در سنت هلن پنجاه ساله کمیاب است آب و

هوایش بسیار بوده و کسانیکه یکسال در آنجا بمانند مپت-لا باسهال-سرچرخی-تب-استفراع و طپش قلب و از همه بدتر بیماری کبید گر فتار میشوند هر بار که انگلستان میکوشید به تعداد عسکر در سنت هلن مستقر کند سدها سر باز قر بانمی میشد و کشتی های عسکری ناچار میشدند با باد بانهای افراشته در میان دریا لشکر بیاندازند عموماً صاحب منصبان عساکر و دهقانان آن منطقه دایم مریض میشدند و مجبور میگرددند بزودی با خانواده جزیره را ترک نموده با قامتگاه صالحی بروند از اینرو ناپلیون پیش از اینکه به سنت هلن برود به صاحب منصبان انگلیسی که موظف بودند ناپلیون را به آن جزیره ببرد گفته بودند سنت هلن در ظرف سه روز مر خواهد



کشت من عادت دارم هر روز بیست فرسنگ اسب سواری کنم بر فراز یک صخره کوچک در انتهای دنیا چه میتوانم کرد اگر دولت شما میخواهد مرا بکشد همین جا این عمل را انجام دهد من شاهزاده نایب السلطنه فرصت انرا دادم که عالیترین کار دوره زندگی خود را بکنم من بزرگترین دشمن شما بودم و با قرار دادن خودم در اختیار شما بزرگترین احترام را نسبت بشما ادا نمودم این پیشنهاد برای ملت انگلیس ننگ ابدی خواهد بود

امپراطور در جزیره سنت هلن در دو اطاق کوچک زندگی میکند در اطاق خوابش یک تخته قالی نخ افشاده و پرده هایش ململ ساده است یک بخاری و یک دیوان هم در آنجا بچشم میخورد در دفترش یک میز ساده بی رنگ و روغن و دو چوکی چوبی بیشتر نیست گنجینه های از کتاب پر است و یک تخت خواب اضافی هم در کناری قرار داده اند که هنگام روز بتواند دراز کشیده و کسب خواب شبهای که بیدار میماند جبران نماید بقیه اثاثیه و زینت اطاق عبارت است از چند قطعه و اشیای غنایم که در روزهای اخیر بدستش آمده تخت خواب سفری کوچکی که در جنگ استریتس بکار میرفته و اطراف آن را پرده های سبز رنگی آویخته یک چراغ نقره و چند گیلان آب خوری هم روی دست شوئی قرار گرفته است این اطاق و تمام عمارات معرض حمله موشهائی است که مرغها را میکشند، پای یک اسپ مریض را می جویند و موقعیکه ناپلیون کلاه سه گوش خود را از روی میز بر میدارد از داخل کلاه بیرون چسبته قرار میکنند.

حاکم این منطقه « سر هودسن لو » انگلیسی است که در حقیقت بهره دار ناپلیون بوده و تمام حرکات ناپلیون را دایم زیر ذره بین انضباط خشک خود قرار داده و همیشه آزارش میداد، بیست و چهار ماده مقرراتی وضع نموده به صاحب منصبان و پرسونل کشتی ها اخطار کرده که تماس با فرانسویان اکیداً ممنوع است، یک پرچم مخصوص برای موارد فوری و ضروری طور احتیاطی نگاه

داشته اند تا در صورت ناپدید شدن بناهارت برافراشته شود اما این پرچم آبی رنگ هرگز با هتزاز در نیامد دایره به مساحت هشت میل در اطراف خانه ناپلیون است که از غروب آفتاب یک تولی عسکر، هر یک بفاصله پنجاه قدم از دیگری به نگرهبانی این ناحیه میگردانند تا ناپلیون فرار نکند. این وضع مخصوصاً نتیجه کاهش و رزش است سواری از دست رفتن سلامتی و ضعف مزاج بود و از طرفی آب و هوای این جزیره برای هلاک این

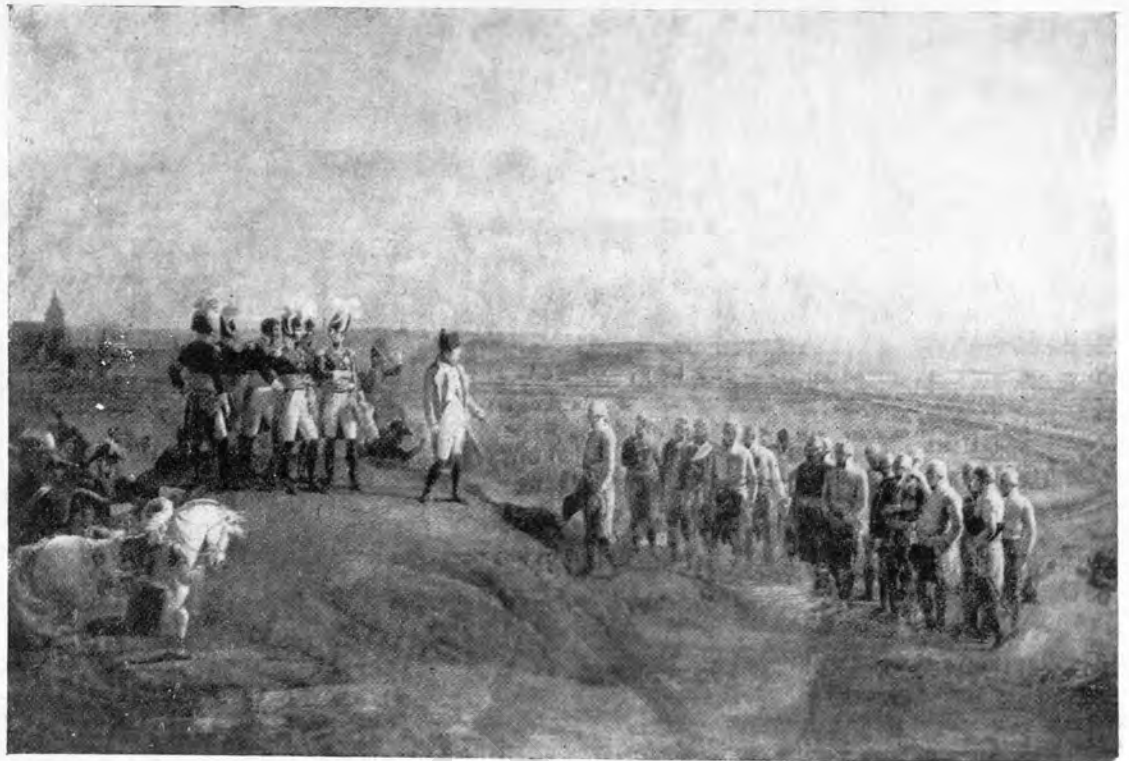
زندانی کسافی بود و همان ماندن در خانه و بازماندن از حرکت باعث ورم پا شده و مرگش را تسریع میکرد روزهاییکه « سر هودسن لو » مهمانی های مفصل و ضیافت های باشکوه برپا میکند ناپلیون هفته ها آب تازه یا شیر هم ندارد، درد معده اش شدت میکند این مریض نیاز به تخت خواب پهن تری دارد اما اطاق کوچک است و گنجایش ندارد با قرار دادن میزی در کنار تخت خواب سفری خود قناعت میکند.

در شهر آرکول یکی از نقاشان ایتالیائی تصویر ناپلیون را چنین ترسیم کرد

امپراطور و همراهانش را از استفاده پول سر و چه خودشان محروم میکنند نامه ها نیکه بقرآنسه برای ارسال پول مینویسد تو قیف میکنند خیلی احتیاج دارد ناچار مقداری از ظرف های نقره اش را به گروم میگذارد حاکم این منطقه به مردم اجازه نمیدهد که اشیای ناپلیون را گرو بگیرد اما بوسیله یکی از نمایندگان خود ظرف ها را بقیمت بسیار نازلی خریداری مینماید.

سر هودسن لو حاکم این

ناپلیون حینیکه
 در اوج قدرت
 بود به جنرالهای
 خود میگوید:
 من میروم تا شمارا
 در حاصلخیزترین
 دشتهای جهان
 رهبری کنم .



قوماندانی نائل نشدی دیگر
 برای من غذا نفرست من
 باسربازان شجاع قطعه سی و پنجم
 غذا میخورم و اطمینان دارم که
 هیچ یک از آن مضایقه
 نخواهد داشت که استحقاق
 خود را بایک هم مسلک پیر
 تقسیم کنند تو بهر نحویکه
 دلت بخواهد میتوانی بزندگی
 من خاتمه دهی ولی هرگز
 قادر نخواهی بود که قلب
 مرا بکشی این قلب بر روی
 صخره هنوز هم دارای همان
 غروری است که وقتی بر تمام
 اروپا قومانده میکرد تو از هیچ
 چیز روگروان نیستی اگر
 جرئت داشتی یا بتوا مرداده
 بودند حاضر بودی مراسموم
 کنی .

از آن تاریخ بعد روز
 بروز هیجانان روحی آن
 طقیان پیدا میکند و جز مطالعه
 به چیز دیگری نمی اندیشد
 روزی چندین جلد کتاب مطالعه
 میکند و گاهی نیز تا نیمه های

«سرهودسن لو» چندین بار
 ناپلیون را خواست به بیند ،
 ناپلیون معذرت
 خواست، یکبار حاکم امپراطور
 را غافلگیر کرده و در باغ
 منزل بملاقات وی میآید
 «لو» میگوید که مصرف عمده
 ناپلیون خیلی زیاد است و باید
 صرفه جوئی نمود و از آن
 کاست روح سر بازی در وجود
 ناپلیون شعله ور میشود.

«چطور جرئت میکنی که
 راجع باین امور با من صحبت
 کنی تو بجز یک نفر زندانبان
 کسی نیستی تو فقط به یک
 دلگی از عساکر فراری
 قومانده کرده ای من نام
 و نشان تمام قوماندانان
 و جنرالان انگلیسی را که در
 جنگ بفتوحاتی نایل شده اند
 از حفظ دارم در باره تو تنها
 چیزیکه شنیده ام این است
 گادیوانی یکی از عرابه های
 بلوخر بوده ای ، تورن دزدی
 بودی که هرگز با فتخار

افراطهای گوناگون قرار
 نمیداد که ضعیف شود دقیقاً این
 این مرض در اندک مدتی
 از پای در میآورد چون این
 راهپور بوزیر خارجه انگلستان
 ارائه شد .

اما دولت انگلستان
 علی رغم چنین راهپورهای
 طبی ناپلیون را بجای اینکه
 او را به جای مناسب دیگری
 منتقل کنند در سنت هلن
 نگاهداشتند. سؤنیت و بداندیشی
 بهره داران ناپلیون ثابت
 میگردد و «سرهودسن لو»
 ترجمان صادقی برای این
 دستورات بوده است .

بزودی رویاهای حرارت
 جنگ یکبار دیگر از درون
 ناپلون زبانه میکشد چنان حس
 تنفر و انزجار از خود نشان
 میدهد که در ایام پیشین حتی
 بر زبان هم نیاورده بود زیرا
 در ان موقع فقط کسانیرا که
 طرف نفرتش بودند نا بود
 میکرد ، همان بود که

جزیره مانند قهرمانان شرور
 داستان های عامیانه همواره
 مترصد بود تا راه تازه ای برای
 آزار دادن ناپلیون بیابد .

در روز جشن جنگ و اتارلو
 رسم گذشت مجملی در نزدیکی
 خانه ناپلیون آرتیب داد
 و نیز بعضی همچو نامه هائیکه
 از طرف دشمنان ناپلیون ساخته
 شده بود مجبور ساخت در
 حضورش قرائت شود ، مردم
 جزیره کرس را مجبور ساخته
 بود تماماً باید جاسوس ناپلیون
 باشند در سومین سال اسارت
 «اومیرا» گزارش میدهد که
 بیماری کمر امپراطور در اثر
 آب و هوای جزیره ، رطوبت
 منزل ، دست رس نداشتن
 ورزش و ناراحتی ها و عصبانیت
 هائیکه برایش تولید میکند
 شدت یافته است جای تعجب
 است که این مرض بسرعت
 شدت نمی یابد اگر نیروی
 بدین فوق العاده اش نبود
 از اینکه بدنش را در معرض

شب بیرون اطاق خود قدم میزند و در جریان زندگی، به پیش آمد، تقدیر و آینده خود فکر میکند و اکثراً مادر خود را یاد میکند زیرا آنرا خیلیها دوست داشت اما کسی اجازه نمیدهد که این هر دو یکدیگر را به بینند.

در یکی از روزها مادرش به ناپلیون مینویسد: «.. خیلی پیر شده و نمیتوانم هزاران میل دریائی سفر کنم محتمل است که در راه بعیرم اهمیتی ندارد خوشحال خواهم بود که در آخرین لحظه زندگی بتو نزد یک میشوم.»

این نامه پس از یکسال به ناپلیون میرسد آنرا مکرر در مکررمیخواند صاحبان قدرت این نامه را اجازه ندادند و جلوگیری کردند که نامه بوقت و زمانش به ناپلیون برسد: هنگام تجمع عمومی پادشاهان و شهزادگان در لاشابل مادر ناپلیون به آنها مینویسد: «ما دریکه از فشار آندوه و غم قدش آنقدر خمیده است که نمیتوانند راه برود و مطلبی بیان کند و مدت ها باین امید زنده است که این هیئت بزرگ امپراطوران و پادشاهان جان و زندگی (ناپلیون)



ناپلیون بایونفورم عسکری

اورا مجدداً باو خواهند داد مجال است که در این مجمع موضوع واسارت امپراطور ناپلیون مطرح نگردد عظمت شما قدرت شما و خاطرات شما از وقایع اولیه شما تاجداران را متمایل با رزوی شهزاده ای خواهد کرد که روزی خواستار دوستی او بودید بدرگاه خداوند استغاثه و از شما مسئلت میکنم (زیر اشما نمایندگان خداوند میباشید در روی زمین) منافع دولت و کشور حدی دارد نسلهای آینده که جاودانی و فنا ناپذیر است اقدام سخاوتمندانه فاتحین را تقدیس و تمجید خواهد کرد»

بسررم را از حبس رها کنید. جوابی نمیرسد! بعدها ناپلیون آگاه میشود که مادرش را متهم کرده اند در جزیره کرس توطئه ای کرده است گفته اند این زن ملیونها پول برای این منظور در دسترس توطئه گران قرار داده است به پاپ دستور میدهند که وزیر کشورش را برای نازرسی کامل و تحقیق بنزد این زن بفرستد مادر ناپلیون به هیئت پاپ میگوید «به عالیجنابان بگوئید و امیدوارم که پادشاهان نیز این اظهارات را بشنوند اگر من تا این اندازه ثروتمند بودم و این همه پول در اختیار داشتم برای خریدن قهرمانان جهت تعقیب هدفهای فرزندم صرف نمیکردم فرزند من بقدر لزوم قهرمان در اختیار دارد بجای چنین کاری یکدسته کشتی تمییه میگردم و او را از جزیره ایکه برخلاف اصول عدالت انسانیست در آنجا زندانی کرده اند نجات میدادم»

ناپلیون در یکی روزها حین مطالعه کتابی به شعری برخورد که در آن چنین سروده شده بود:

آمده ام بجائیکه فرزندم در اسارت خفته است فقط یک لحظه بگذا رید اشکهای من. با اشکهای او جاری شود. این تنها چیزی است که برای من. از هکتور واز متروای باقیمانده است.

پس اجازه بده ای خداوند. که روزی یکبار او را به بینم. امپراطور بایک فریاد ناگهانی قرائت کتاب را قطع کرد و مدت ها در عالم رویا قرو رفت.

ناپلیون در آغاز آخرین سال زندگی خود بکمک عساکر و اهالی جزیره سنت هلن باغی میسازد و سپس در یکی از روزها شعر ولتر را زیر لب زمزمه میکند: آیا میشود یکبار دیگر پاریس را به بینم؟ افسوس که هرگز چنین امید ندارم!

همان بود به تدریج مرض مهلک کبد چیره می شود هوای جزیره برای کسانی که با کبد سالم هم بد آنجا وارد میشوند خطرناک است ناپلیون در ۳۵ سالگی پیش بینی کرده بود که بالاخره مانند پدرش از عارضه کبد هلاک خواهد شد اکنون این مرض شدید تر شده از درد معده می نالد می گوید «جای نیش خنجر را می ماند» اندروتنش مانند آتش سوزان است از سرما می لرزد و بسترش هر قدر هم



ناپلیون در سال ۱۸۱۴

جنگ کرده اندمی بخشد و حصه دیگرش را بشهرها و جامعه هائیکه در طی حملها و نبرد ها آسیب دیدند حواله میکنند این وصیت نامه تاثیر نیکوئی برای دوام و بقای سلسله ناپلیون وارد آورد باقیمانده میراث خود را

به بازماندگان خود دوستانش بود آخرین دم همایش بود بخشید .

چراغ نقره ای که بسیاری از شب های یک طاق کوچکش را در سنت هلن روشن کرده بود بعد از هدیه میکند سلاح ها تخت خواب و بستره های میدان جنگ زین و پرک مهمیز کتابها و لباس

زود تر از موقع مرگ طبیعی خود میمیرم سر طبقه اشراف و آدمکش های اجیر این طبقه بقتل رسانده اند اما من اینها را می بخشم امیدوارم فرانسه نیز آنها را مانند من خواهد بخشد .

ناپلیون هنگام مرگش مالک دو صد ملیون فرانک در فرانسه بود او در وصیت نامه خود گفت : تا آنجائیکه اطلاع دارم هیچ قانونی مرا از مالکیت این اموال محروم نساخته است حصه این ثروت را به صاحب منصبان و عساکریکه در جنگ های افتخار آمیز بین سالهای ۱۷۹۲ تا ۱۸۱۵ در رکابش

پشت در های بسته و مقفل وصیت نامه خود را دیکته میکنند مونتولن آنرا می نویسد: این وصیت نامه بارزترین نشانه عظمت یک سیاستمدار و ستراتیژیست و احساسات عالی یک فرد بشر است و ترحمان کاملی است از دوران زندگی ناپلیون اینک قسمتی از وصیت نامه :

«من در حالی ازین دنیا رخت برمی بندم که معتقدم به مذهب رومی و حواری هستم. «آرزوی من اینست که خاکستر جسد من در کنار رود سن و در میان ملت فرانسه همان ملتی که تا آن اندازه محسوب من است بچاک سپرده شود».

پس ازین موضوع افکارش

متوجه پسرش میگردد یعنی فرزندیکه تمام امید و آرزویش محطوف اوست و نگران میباشد که پس از مرگش بر سر این پسر چه خواهد آمد تمام اندرز و موعظی را که در دل دارد نثار اوستی کند باسید اینکه نور دیده اش از آن بهره مند شود به «همسر محبوب» خود توجه میکند «میدانید که احساسات عظوفت آمیزم نسبت به شما تا چه اندازه است از شما تمنا دارم که مواظب فرزندمان باشید زیرا این طفل را بعنوان یک شهزاده اطریشی بار می آورید هرگز نباید اجازه دهید که پسر من آلت مقاصد دوله گانه ای بشود که مردم اروپا را اسیر ظلم و شقاوت خود نموده اند و ظالم ترین آنها جد مادری همین کودک است».

آنگاه آخرین ضربه را بدشمن وارد می آورد «من

گرم باشد او را گرم نمیکند بادقت با آثار و نتایج مرض خود توجه دارد لیکن شماره وفادارانی که با ناپلیون از فرانسه آمده بودند به سرعت کاسته می شود مثل اینست که درین آخر عمر حس بیزاری از افراد بشر که از ابتداء وجودش سرشته بود تا ناید میگردد، درین آخرین روز های عمرش، کشیش و چهار نفر از خدمه اش جزیره را ترک میکنند دو تن دیگر مریض میشوند و آخرین کسانی هم که باقی مانده به بهانه های مختلفی ناپلیون را ترک میکنند در بین دوستانش تنها مارشال است که هیچگاه بفکر رفتن از جزیره نمی افتد امپراطور باو میگوید اگر این وضع ادامه داشته باشد بجز من و تو کسی در این جزیره نخواهد ماند تو تا آخرین نفس من خواهی بود و چشمان مرا خواهی بست چون روز بروز قوایش تحلیل می رود دنبال چیزی میگردد که بدان تکیه کند و برای اولین بار در زندگی از افراد خانواده خود استمداد میکند «پولین» عزیزترین آنهاست نامه ای خطاب سوم شخص دیکته می کند و قسمتی از زندگی خود را شرح میدهد و آنرا بشرح زیر ختم مینماید: «امپراطور صمیمانه امیدوار است که انگلیسهای ذی نفوذ را بوضع او آشنا خواهند ساخت و او در روی این صخره وحشتناک در حال مرگ است همه او را رها کرده اند مبارزه او با مرگ خرابی و وحشتناک است»

در اواسط ماه آوریل سه هفته پیش از مرگش در



این فوتو از یکی موزیم ها گرفته شده است و در آن دوران عظمت بنا پار ت را تمثیل میکند.

به تنهایی قادر باشد تجارت را در انحصار خود نگذارد فایده آنچه که رسماً بفرزند خود می‌کوشید با آنچه خودش می‌آموزد بسیار ناچیز خواهد بود مگر اینکه در اعماق قلبش آن آتش مقدس و آن عشق بخوبی وجود داشته باشد تا بدان وسیله بتواند در کارهای بزرگ توفیق یافته فرانسه و مردم خود را دوست داشته باشد والی به وین برود.

ابن وصیت نامه بدین گونه ناگهان قطع می‌شود قوای پهلویون تحلیل رفته و کلمات پند دهنده اش مانند ابهامات کاهنان مقدس در میان این جمله پایان می‌پذیرد و حتی این یک جمله ناقص میماند بدینصورت این چشمه بر جوش و سرشار پس از دوران حیرت بخشی خشک میشود رویاهای دل پذیری در مقابل چشمش مجسمه می‌شود گویا اراده تقدیر آنست که ابن مرد همواره از لذتهای تصور و تخیل بر خوردار گردد روز بعد از نگارش وصیت نامه سیاسی خود بدون احساس هیچگونه رنج و دردی در بستر آرمیده اطرافش را تاجهای از گل امید و آرزو احاطه کرده است پس از مرگ من هر یک از شماها از بازگشت بار و یا تسلی خواهید یافت یکی از دیدار خویشان و دیگری از ملاقات دوستان و من هم بدیدن دلیران میدان نبرد های خود خواهم رفت آنگاه صد ارا بلند تر کرده میافزاید «بلی کلبر - د سائی بازیه - دورا - نی - مورا برتیه - ماسنا - عسکی با استقبال من خواهد شتافت کارهای آنرا که با تفاق یکدیگر انجام

دادیم شرح میدهند و منهم اتفاقات اخیر زندگی خود را برای اینها نقل میکنم از دیدار من همان شوق و حرارت قدیم در نهاد آنها شعنه و همیشه اشتیاق آنها بشکوه جلال احیا خواهد گشت در خصوص جنگ ها و دلیران میدان جنگ و حملات میل آسای عسا کسر با شهامت فرانسه صحبت خواهیم نمود آنها با طرف خود جمع خواهیم کرد با هانیبال و ژول سزار و فردر یک را جع به عسا کسر ما ن صحبت خواهیم کرد چقدر مسرت آمیز خواهد بود تنها بیم آن میرود که اینجا - در روی این زمین مردم از مشاهده این همه سرباز که بهم نزدیک میشوند وحشت کنند.

در این موقع نوای آرام و دل انگیز فلو تنها که در عالم خیال بگوشش میرسد قطع میشود و بار دیگر غرش یا هیبت جنگها را میشنود بدنیای موجود وزمان حال بر میگردد بدون تغیر حالت صورت تازه بخود میگیرد و بعبادت همیشگی در موقع سخن رانی سعی میکنند صورت رسمی نسبت بمرگش بدهد.

آنشب دستور میدهند تاریخ جنگهای هانیبال را با صدای بلند بخوانند آخرین شب عمرش و حشمتناك است سحر گمان که در حال اغما است سخن میگوید مونتولن این کلمات را می‌شنود فرانسه وارد و خاطره جنگ ها ژوزفین (همسرش) این آخرین کلمات ناپایون و نام ژوزفین آخرین کلمه ایست که بزبان میاورد يك لحظه بعد با نیروی

فقط با بکار بران صحیح ترین و دقیق ترین عدالت ارضا کند اروپا سوی یک تغییر شکل حتمی پیش میرود کوشش در جلو گیری از این پیش روی یک مبارزه بی فائده است بلکه باید در تقویت آن سعی نمود که نتیجه اش نیرومند ساختن آمال و آرزوها است. خصومت ها یا دشمنی های شخصی از بین میرود منافع توسعه پیدا میکند و تشکیلات منظم بوجود می‌آید راهها تجارتی چند برابر می‌شود و از این پس ممکن نیست که یک ملت

هایش را به پسرش می بخشد در ضمن تاکید میکند آرزوی من آنست که این میراث ناچیز را عزیز بدارد و خاطره پدری را بیاد بیاورد پدری که دنیا خیلی از او صحبت خواهد کرد. و ملت فرانسه همواره اسیر دو احساس است که این هر دو بسیار نیرومند است یکی عشق با آزادی و دیگری با فخر این دو عشق با اینکه مخالف یکدیگر میباشد هر دو از يك سرچشمه نیرو میگیرند دولت میتواند این دو خواهشش را



نایلیون در سال ۱۸۱۴

سر نوشت فرزندش سو گواری و نوحه سرائی میکند و بدین ترتیب مدت یازده سال که از عمر مادر ناپلیون سرنوشت فرزندش سو گواری و نوحه سرائی میکند و بدین ترتیب مدت یازده سال که از عمر مادر ناپلیون باقیمانده بود دایم بحال نیمه فلج و از چشم کور شده بود در مقابل مجسمه نیم تنه بسترش نشسته و عزاداری میکرد!

حیرت آور از تختخواب بیرون می‌جهد به مونتولن که در آنجا نشسته است حمله میکند بر او غالب میشود هر دو بر روی زمین درمی‌غلطند و مونتولن را چنان با قوت در چنگال میگیرد که کنت قا در بفریاد کشیدن و استمداد نیست .

«ارتیو» که در اطاق میجاور است از شنیدن سروصدا داخل شد و مونتولن را نجات میدهد کسی ندانست که امپراطوری در این نبرد آخر کدام یک از دشمنان را میخواست خفه کند بقیه روز را خوابیده و بآرامی نفس میکشید و با اشاره آب میخواست دیگر راه گلوبسته شده و آب فرو نمیرود و اسفنجی را به سر که مرطوب نموده به لب‌هایش میکشیدند باران بشدت میبارد و مه غلیظی اطراف اطاق را فرا گرفته یک کنت از طبقه اشراف و مردی از توده های گمنام بر کنار بستر مرگش نشسته اند .

ساعت پنج صبح وزش باد موسمی جنوب شرق دوبرابر میشود از درخت هائیکه بتازگی کاشته اند دو اصله

(بقیه صفحه ۲۸)

آسیا صحنه رقابت های

خراسان سوق دهد . متعاقباً ولیعهد موصوف پروژه عملیاتی را برای پیشقدمی درخانات خیره طرح کرد و علت این عملیات را تجاوزات متعدد خیره به خاکهای ایران قلمداد میکرد . سفیر روسیه در ایران دربار آن کشور راه پیشرو چنین عملیات نظامی تحریک و تشویق مینمود و انگلیسها عقیده داشتند که همکاری روسیه بزودی در اجرای عملیات موصوف تبارز مینماید زیرا عقیده برخی حلقه های سیاسی انگلیس برین بود که جلب معاونت ایران در ضعیف ساختن و سقوط خیره جزئی از پالیسی روسیه را در مورد آسیای میانه تشکیل میداد و به همین صورت روسیه میل داشت ایران را در تصرف خراسان معاونت نماید .

چنین مقاصد دور منزل سیاسی خود از فشار سیاسی و تحویف توسط قدرت نظامی کار گرفتند و ایران که از نگاه سیاسی ، اقتصادی و نظامی در اثر جنگهای متوالی باروسها ضعیف شده بود تحت نفوذ روسها قرار گرفت . به تعقیب معاهده ترکمانچای نفوذ روسها بشکلی که ذکریافت در ایران توسعه یافت و قابل یاد آوری است که طبعاً در طول این حوادث نفوذ انگلیس در دربار ایران روبه انحطاط نهاد .

انگلیسها بزودی به این مقصود رسیدند که تشویق و تحریک ایرانیها از طرف سیاستمداران روس برای تجاوز بر خاکهای شرق آن کشور در حقیقت تهدیدی در برابر مستملکات انگلیس در هند بحساب میرود . سال ۱۸۳۱ عباس میرزا ولیعهد ایران برخلاف توصیه های پدرش تصمیم گرفت قشونی را به



لارا، دختر پارتیزان

مترجم: لری بریدمن نجیب الله

مؤلف: ن. نادرینیا

خلاصه قسمت های گذشته: لارا دختر بیست که با مادر و مادر کلانش در لیننگراد زندگی میکند و عضو غارتدوی دختران شهر است و قبل از جنگ با مادر کلانش جهت هواخوری به قریه خودشان خارج از شهر لیننگراد میرود و جنگ مانع بازگشت آنها بخانه میگردد و لارا با مادر کلانش جدا از مادرش در قریه باقی می ماند لارا دارای قلب مهربان و رؤفی بوده از ظلم و ستم نازی ها مجبور میشود که با دیگر دختران یکجا به گروه پارتیزانها بپیوندد. او در حالیکه از مادر کلان عزیزش جدا گردیده و شبانه بطور مخفی یاد و نقره رقیقه هایش به قرارگاه پارتیزانها میرود هماندم از طرف قوماندان قرارگاه برای شان وظیفه داده میشود. لارا وظیفه اش را موفقانه بسر رسانده بقرارگاه مراجعت مینماید.

باید کشف شود که کدام قطعات المانی به راه ایدریسا پوستوشکه حرکت میکنند - لارا خود را بحیث یک دایه و پرستار معرفی میکند و در قریه (بولشاک) نزد آنتون اجیر میشود. آنتون طفل خود را بوی میسپارد که او را آرام سازد - لارا طفل را جهت هوا خوری به باغ برده و چون می بیند در آنجا کسی نیست طفل را روی خاک ها رها نموده و خودش عکس شیر ، خرس بلنگ و غیره اشارات لازمه سلاح ها و وسائط المانی را رسم میکند او حتی متوجه نمیشود که طفل به چارغوک شروع نموده لب و دهن خود را کثیف ساخته و هرچه بدستش رسیده آنرا خورده است - او بکارش مشغول و از حال طفل بیخبر است یکم هفته بعد این دایه مهربان مفقود میشود - آنتون او را در تمام قریه جستجو میکند اما لارا از یک بیراهه شتابان بسوی پارتیزانها می رود که او را قلاب لازمه ترسیم شده را بانها تسلیم نماید .

ورق ها را اخذ نمودند و به لارا وظیفه دادند که یک سرک عمومی را تحت نظارت بگیرد - او یکروز مکمل در بین جنگل غلو در کمین گاه نشسته و ترصد میکند ، لب هایش تر کیده و دهنش خشک شده ، او تشنه است و در جنگل آب پیدا نمیشود - دفعته از فاصله دور یک تالاب بنظر دخترک می آید که آب کمی در آن باقیماند و برگ های درختان در بالای آب حرکت میکنند - وی خود را بانجا رسانیده کمی آب میخورد ، گرچه آب آشامیدنی نیست اما چاره چیست ؟ او دوباره به کمین گاه عودت میکند . نزدیکی های شام هر سه رفیق خسته و مانده باهم یکجا گردیده به پایگاه خود مراجعت میکنند در راه گل ولای بوده . پاهای برهنه و قدرت و توانائی حرکت نیست . لارا می لخصد و بروی گل های می افتد ، بالای وی قروسیا و بالای قروسیا را بایکی بعد دیگری می افتنند ، آنها مانده شده اند ، اما بهر زحمتی شده است آنها مجبور اند خود را به پایگاه شان برسانند .

بسیاری اوقات برای لارا مشکلات مافوق طاقتش پیش آمده ، خطرات زیادی برایش واقع گردیده ، اما او هرگز شکایت نمیکند ، همیشه شاداب و خندان است . او صرف یکمرتبه گریه کرده است و گریه اش را هم صرف یکنفر دیده است : لارا و کاکا (وانیا) رهنمای دسته (کارپینکو) بودند که گارلیزون نازی ها را در مکتب (چورنی سوفسکی) ویران نمودند ، محاربه ختم شده پنجاه سرباز نازی را کشته و باقیمانده را اسیر گرفته بودند . زمانیکه پارتیزان ها قریه (چورنی سووه) را ترک مینمودند کاکا و انیا قصد نمود که یکبار دیگر مکتب را معاینه و جستجو نماید . شاید کدام غنیمت مهم و قیمتی در آنجا باقی مانده باشد . اما او باید عجله مینمود زیرا در سقف منزل اول تعمیر مکتب حریق رخ داده است ،

در سابق دخترکان پدر داشتند ، مادر داشتند - اما فعلاً فامیل شانرا دسته های پارتیزان تشکیل میدهد و اتاقک های چوبی سرپناه آنان ؛ درین اتاق ها بسترو فرش وجود ندارد و بالای صحن اتاق باید بخوابند ، در اثنای خواب بانیست لباس های خود را نکشند - زیرا هر وقت کدام امر محاربه بوی میاید فوراً برای اجرای آن باید حاضر شوند .

درین خانه تمام ناز دانگی های طفلی را باید فراموش نمایند و گفتار طفلانه سابق مانند « نمی خواهم » و « نمیتوانم » و « نمیکم » گفته نمی شود ، صرف کلمه « باید » در اینجا حکمروائی دارد . باید برای وطن و دفاع از آن ، باید برای محافظه میهن و ظفر بالای دشمن .

بانیست کشف شود که کدام قطار های المانی و باچه محموله ای (پوستوشکه) میروند ، دخترک را نزد مامور ایستگاه قطار آهن می فرستند - نام مامور (گولتیاوف) میباشد و از کلکین اتاق کارش ایستگاه قطار بخوبی معلوم میشود ، او بعضاً قطارها را کنترل و معاینات لازم را انجام میدهد و حتی باورش نمیشود که یک دختر بچه پا برهنه که اسم شب را نیز می فهمد حقیقتاً فرستاده پارتیزانهاست . او در حالیکه عقب پرده در خانه خود مخفی است بهمرای خانمش بچ بچ میکند !

— دخترک هنوز نرفته است ؟
— نه ، بالای دراز چوکی نشسته و پاهایش را حرکت میدهد .

— خوب ، مهم نیست چند لحظه بعد خواهد رفت ، اینجا باید اشتباه نشود زیرا موضوع بسیار جدیست و هر کس اشتباه کرد نابود میشود .
گرچه گونه های لارا از شرم و تأسف سرخ شده اما هنوز هم نمی خواهد که از آنجا برود .

همچنان بانیست مواضع سلاح های المانی در قریه (ماگیل نوئی) کشف شوند و باین منظور لارا با رفیق هایش بانجا می روند ، خانه یکنفر بیگانه را زنگ می زنند و لارا با آواز محزون میگوید :

— خاله جان ، ما یتیم و آواره هستیم ، جانی برای خوابیدن نداریم اگر اجازه تان باشد شب را در منزل شما بسر ببریم : صاحب خانه دلش بحال دخترکان میسوزد و بانها اجازه میدهد .

طرف های عصر آنها با اطفال صاحب خانه جهت بازی و ساعت تیری بیرون میروند ، دیگران به بازی مشغول میشوند لارا و تمام نقاط و مواضع سلاح های جابجا شده المانی را بروی کاغذ رسم و یاد داشت میکند .

کا کاوانیا دردهایز داخل میشود - در روی دهلیز پوچک های
مرمی و شیشه های شکسته پراکنده افتاده اند ، در داخل یک
ضف نزدیک کلکین یک میز گذاشته شده و لارا عقب میز
نشسته است .

- لاریسا ! تو اینجا چه میکنی ؟ از اینجا خارج شو که
همه را آتش گرفته است ... و میبینی که از چشمان لارا
اشک جاری شده ، او به تأسف میگوید .

- او بیچاره گگ ! شاید تو را زخمی کرده باشند -
حیف ازین دختر شجاع و جنگجوی . لارا فوراً جواب میدهد .
- نخیر ! من زخمی نشده ام ، این از سبب دود است ؛
و اشک هایش را پاک میکند .

- پس اینجا چه میکنی ؟

- کا کا جان ! در اینجا روز هائیرا بیاد آوردم که آرامی
وصالح حکمفرما بوده و پشت همین میز ما می نشستیم و درس
میخواندیم . از شما خواهش میکنم ازین موضوع در قطعه
بکسی چیزی نگویید ، نمی خواهم که کسی بفهمد - زیرا ما
همیشه باهم دعوا میکنیم

- با که دعوا میکنی ؟

- بهمراه میشکا ، که یاور مخصوص قوماندان است ...

* * *

شاید اگر لارا ، میشکارا از نزدیک می شناخت آنها باهم
دعوا نمی کردند ، زیرا سوانح میشکا به هیچ وجه برای لارا
معلوم نبود .

میشکا بعد از مرگ پدرش بهمراه مادرش در شهر
کالینین زندگی میکرد تا بستان مادرش او را نزد پدر کلان
و مادر کلان نش به ده فرستاده بود و او در ده بود که جنگ
شروع گردید . چندی بعد پدر کلانش با پارتیزانها پیوست
و او را با مادر کلانش تنها گذاشت ، آنها یکسال تنها زندگی
نمودند . در قریه شان نمک پیدا نمی شد و صرف در بازار قریه
پوستوشکه آنهام بقیمت گران دستیاب می گردید . یکروز
مادر کلانش یک بسترا باو داد و میشکا با دو نفر رفقاییش
در هوای سرد زمستانی بطرف پوستوشکه پای پیاده روانه
گردیدند و بعد از شش روز مراجعت نمودند . جیب های
پوستین کوتاه وی سنگینی مینمود و میشکا مسرور بود که باجیب
پراز نمک بخانه مراجعت نموده است و مورد نوازش مادر
کلانش قرار خواهد گرفت - مگر وقتی که نزدیک خاته
رسید ملاحظه نمود که برف های اطراف خانه را کسی جاروب
نموده و مهتر اینکه هیچکس بروی برف هاراه نرفته
توگونی درین خانه زنده جانی وجود ندارد او فکر کرد که :-
در حالیکه در بالای برف جای پای دیده نمیشود پس هیچکس
از خانه بیرون نیامده ، مادر کلان بجا رفته ؟ او درین فکر
غرق بود اما همسایه ها آمدند و گفتند که مادر کلانش را
با چندین زن دیگر نازی ها تیرباران نمودند و جسدش را در
چقوری کنار خانه انداخته اند . میشکا کلاه خود را بدست
گرفته و دقیق متوالی در کنار خندق ایستاده شده بوی فکر
مینمود .

سه روز بعد افراد پارتیزان میشکا را از جنگل یافتند که
تمام وجودش را از سردی هوا یخ زده و قدرت تکلم از وی سلب
شده بود ، بعد از اینکه او را بقرارگاه شان بردند و وجودش
قدری گرم شده به خواب سنگین فرورفت . حتی هنگامیکه
موزه هایش را از باهایش بیرون آوردند تا نزدیک
بخاری خشک شود او چیزی حس ننمود .

نیمه های شب میشکا از خواب بیدار میشود ، اتاق نیمه تاریک
است و همه بخواب رفته اند صرف قوماندان نزدیک اریکین
نشسته و بروی میز خم شده چیزی را در روی خبطه نوشته میکند ،
قوماندان توجه او شده می پرسد :

- زیر چوکی چه می خواهی ؟

- موزه هایم را بدهید !

- آنها را چه میکنی ؟

- نزد پدر کلانم میروم

- نزد پدر کلانت چه میکنی ؟ بیاباهم آشنا بشویم ،
ناست چیست ؟

- نامم میشکا و نزد پدر کلانم میروم ، شاید او فعلاً
خودش قوماندان باشد ، شما چطور او را نمی شناسید ؟
نامش (افچین کوف) است .

- آفچین کوف ؟ او را می شناسم متأسفانه یکماه قبل
در جنگ کشته شد .

هنگامیکه میشکا از مرگ پدر کلانش باخبر میشود
چشمانش سیاهی میروند و پاهایش سستی میکنند ، حالا کجا بود ؟
نزد که برود ؟ وجه کند ؟ او مانند چوچه گنجشک که از
آشیانه اش افتاده باشد بی سر پناه و بی کس گریان و نالان
بروی زمین نشست ، قوماندان نیز خیلی متأثر شده بعد از
چند لحظه گفت :

ماترا بخانه ات می رسائیم :

انگشتان کودک از هم باز شدند و از دستش
یک کلید افتاد ، کلید خانه خالی پدر کلانش
که برایش آورده بود ، قوماندان نیز کلید را دید و
خاموش ماند ، بعد از خاموشی ممتد قوماندان بحرف آمد ، گفت :

- از اینکه تو نواسه قهرمان پارتیزان هاستی ما مجبوریم
موقتاً از تو نگهداری کنیم ، شاید تو با ما یکجا کار کنی ،
آیا یاور مخصوص من میشوی ؟ موافقی همیشه با من باشی
میشکا با صدای خفیف جواب میدهد :

چرانی ؟ بلی می خواهم !

خوب حالا برو بخواب ، فردا راجع باین موضوع گپ میزنیم
کودک بجای سابقه خود رفت و دراز کشید . فردا او
نزد قوماندان آمده و یک بسته کوچک و نسبتاً کثیف را در
مقابلش گذاشت .

- این دیگر چه است ؟

- نمک ... میشکا با آواز بلند جواب داد ، اینرا باهم

یکجا صرف می کنیم ...

* * *

از آنروز به بعد آنها خوشبختی و بدبختی های خویش را باهم تقسیم نمودند، حتی نان و نمک شانرا، در اتاقک قرارگاه جائیکه میشکا بچیت یاور بزندگی جدیدی شروع نموده است همیشه مردم ازدهام می نمایند بعضی منتظر او امر محاروبی مختلفه و جدید هستند و بعضی بواسطه رادیوی قرارگاه خلاصه اخبار و احوالات حکومت شانرا می شنوند .

همیشه مردمان مختلف به قرارگاه وارد میشدند مردان، زنان، پسران و جوانان، قوماندانان دسته های مختلف پارتیزان کشفان، مخابرهچی، متخصصین تخریب و انفجار، استحکامچی و غیره بعضی نسبت مصروفیت زیاد حتی متوجه میشکا نمیشدند چه باید کرد؟ زمان جنگ است، موقع سردی، سختی و خشونت .

بهر ترتیب ، میشکا میخواست که کسی وی را مورد ملاحظت قرار بدهد و مخصوصاً بسیار خوش میشد اگر از زبان قوماندانش سخنان ملایم و نوازشگر می شنید، او اینطور فکر میکرد که شجاع و لایق بوده و نسبت بهمه بانیست اضافه تر مورد مهربانی قرار بگیرد .

یکروز میشکا از جاسوسانیکه در شهر کالینین وظیفه گرفته بودند خواهش نمود که اگر امکان داشته باشد راجع به سادش معلومات نمایند و هنگامیکه جاسوسان برگشتند و بوی مزده دادند که مادرش هنوز زنده است او از خوشی و شغف زیاد از جا پریده دست هارا بهم گرفت و از اطاق بیرون جهیده بطرف بته زار هاروانه شد.

مردمان از آنطرف بته هارواواز پسرک یک ترانه عالی را می شنودند و آنوقت دانستند که میشکا دارای آواز خوبی نیز است .

قوماندان اینرا فراموش نکرده بود که میشکا در عین زمان باید درس نیز بخواند و بوی یک کتاب درسی داده بود که مطالعه کرده و هرگاه سوالی پیدا کرد بخودش مراجعه کند. اما با آمدن لارا همه چیز تغییر یافت حتی در اولین ملاقاتش بالارا او دانست که کشف از همه مهمتر است و این برایش ضربه سختی بود لاراسر بسرش میگذاشت و آزارش میداد او در جوابش چیزی گفته نمی توانست .

بلبی چطور باید از لارا پیشی کرد؟ او را همه تعریف میکنند و تا بحال کارهای مهمی را انجام داده است، خدمات بزرگی به پارتیزانها کرده و امکان دارد او را مورد تقد و مکافات قرار بدهند و حقیقتاً لارا نسبت به او مهمتر است، زیرا میشکا را هیچگاه در عقب جبهه دشمن نفرستاده اند و کدام وظیفه مهمی به او نداده اند. معلوم میشود که به میشکا هیچکس احتیاجی ندارد، صرف او مورد محبت قوماندان قرار گرفته بطور مثال یکروز قوماندان جهت انتخاب میدان هوایی پارتیزانی به جنگل رفته و تمام روز را در آنجا بودامایورش را باخود نبرده بود .

میشکا، متأثر و مایوس بوده بدون هدف راه میرفت و نمیفهمید بکیا میرود دفعتماً دونفر پارتیزان را دید که با عم صحبت میکردند، از بیکاری زیاد او نزد آنها رفته و به صحبت آنها گوش فرا داد یکی آنها بدیگری میگفت :

- میدانی فردا در کلیسای شهر جشن بزرگی برپاست و تمام زنان پیر و سرسفید بانجا می آیند آنها باخود طبرقه های میوه جات و تخم جوش داده می آورند که بهمراهی برگ چنار آنها را سبز رنگ کرده اند .

خوبست که آنها با طبرقه های شان می آیند در طبراق بخوبی نامه های مهم و محرم گذاشته شده میتوانند، میشکا! تو میتوانی که این نامه ها را برای دختران سراز نو بنویسی؟

- برای لارا و روسیا، زیرا آنها مجبورند که چند مکتوبی را به «بابه نیکولای» برسانند .
مراق میکنند! ...

- نخیر جدی میگویم ، زیرا بابه نیکولای آدم بسیار خوبست عموماً در کلیسا و قبرستانیکه پهلوی آن می باشد و برای وی منفعت زیادی رسانده، امروز گذشته برای سردم و عظم و نصیحت نکرده بلکه اخباری را که ما برایش تهیه کرده بودیم برای مردم قرائت کرد خوب راجع به نامه ها چه میگوئ میشکا؟

چون لازم است دوباره نوشته میکنم او قلباً خوشحال شد زیرا مصدر خدمتی خواهد شد، سابقاً او را مسخره میکرد اما حالا او بالایش خواهد خندید .

در اتاق کشفان در بالای میز نامه ها یک بسته کاغذ اخبار وجود داشت، نسبت کمبود کاغذ آنها از کاغذهای اخبار استفاده مینمودند، هر سه نفر می نوشتند : لارا، روسیا و میشکا ، میشکا با سعی و کوشش زیادی کار مینمود، او هر حرف و جمله را بصورت صحیح ، واضح و خوب مینوشت زیرا چیز عادی نبوده بلکه اسمای شهرها ، و قریه هائی بود که بواسطه قوای خود شان از ظلم و ستم نازی ها آزاد شده بودند . بعد از اینکه میشکا آخرین جمله را نوشت قلم را گذاشته و به شوخی به لارا گفت :

- زاهد ... تو زاهد هستی .

- چه گفتی ؟

- گفتم زاهد هستی ، فردا جهت عبادت به کلیسا مهوری

و در آنجا دست های پاپ را خواهی بوسید ، روسیا گفت :

- ای احمق جان و در چشمان لارا نشانۀ خشم دیده

میشد او گفت :

- واگرتو را می فرستادند حتی باهائش را میبوسیدی ،

مگر ترا تعیفرستند ، تمام کار و فعالیت تو درین خلاصه میشود

که نزد قوماندان بنشین و استراحت کنی ، و درینصورت همیشه استراحت کن ،

- و تو ، ... میشکا سر خود را تکان داد و دیگر چیزی گفته

نتوانست و دخترک یکبار دیگر خندید .

نزدیکی های شام میشکا بطرف یکی از رفقا که تفنگ

قوماندان را پاك میکرد آمده و گیت تفنگ را بدست گرفت ،

کارا بین او را بخود جذب نمود، مثل مقناطیس بطرفش کشیده

میشد - او شخصاً سلاح نداشت و چقدر دلش میخواست که

یک تفنگ شخصی داشته و همیشه از آن انداخت نماید .

مشیکا از آنشخص پرسید :

- چرا بمن اجازه نمیدهند که در محاربات اشتراك كنم ؟
- تو خورد هستی و مسخر اینكه انداخت کرده نمیتوانی .
- من همیشه بطرف درخت قیر کرده و اصابت داده ام .
- درخت بجایش ثابت است .
- می فهمم، باید بالای اهداف متحرك نیز انداخت نمایم .
- قرداصبح وقت دختر کان نامه هارابه (نیفیدرو) بردند و نزدیکی های چاشت قوماندان بقطعه اش باز گشت و اول از همه راجع به مشیکا پرسید ، معلوم شد که هیچکس او را به جا نی نفرستاده ، اما مشیکا گم شده و تفنگ نیز غیب گردیده بود .



کلیسای (نیفیدرو) بالای یک تپه نسبتاً بلند بنا یافته و در اطرافش درختان چنار باندی قد برافراشته که شاخ و برگ آنها بدیوار کلیساتماس نموده و بالا رفته اند . دختر کان بعد از اینکه اتاق پاپ راهی داند نمودند نامه ها و اوراق را بدو سپردند . بعداً دختران تمام کلیسا را معاینه نمودند که در جاهای مناسب اوراق تبلیغاتی را بر مردم پخش نمایند ، در کلیسا آنچه کسی نبود . سقف کلیسا پخش بوده و سطح آن چوبی بود و در آنجا چیز قابل ملاحظه ای نظر لاریسارا جلب نکرده بود صرف یک گیلان شیشه ای بزرگ تو سط تار های محکم مقابل تمثال مقدس آویزان شده بود و در بین آن یک شمع میسوخت .

چند لحظه بعد تر کلیسا از مردم پر شد ، نفس هاتنگی میکرد و هوای کلیسا مانند حمام حبس شده بود .

آنها وظیفه شانرا شروع نمودند ، زیرا مسئولین کلیسا بخواندن کتاب های مقدس و دینی شروع نموده و بعداً همه خم شدند و لارا نیز مانند سایر مردم خود را خم نموده و مساعدا ترین وقت راجعت پخش اوراق به طبراق های زنان انتخاب کرده بود . او از خوشی و اضطراب زیاد حس میکرد که خود را از یکجای بلند به بحر ها کرده است و حتی خلسه بوی دست داده بود هم مضطرب بود و هم خوش . مضطرب بخاطر اینکه میتواندست با اینکار زندگی اش را در خطر بیندازد و خوش از این سبب بود که وظیفه اش را بموقیت بی پایان می رسانید و هنوز کسی ملتفت وی نشده بود .

درین طبراق و دران طبراق ، لارا تماشای اوراق را بین مردم پراکنده ساخت ، چند لحظه بعد همه آنها را خواند و حقیقت را خواهند فهمید ، همه خواهند دانست که قوای شوروی در حال تعرض است و به حمله قیام نموده و باید اردو را کمک کرد ، پارتیزانها را کمک کرد . و بانیست کمک کنند که هر چه زودتر دشمن را نابود بسارند .

لارا از بین راهرو خوردیکه توسط خود مردم ساخته شده بود میگذشت و دران اثنا متوجه یک طبراق کلان شد . او فکر کرد که میتواند تمام اوراق باقیمانده را دران بگذارد و خود را به صاحبش نزدیک ساخت اما زن سرسقیمد چاق و چله که طبراق بوی تعلق داشت متوجه لارا شده گفت :

- او دختر چه میکنی که اینقدر خود را بمن می چسبانی ، تو آمده ای کسه خدا را عبادت کنی و یا اینکه اشیا مردم را بدزدی ؟

لارا چندین دفعه علامت صلیب را بادست چپ بروی سیمه اش کشید ، اما زن باو از خقیف گفت :

- خدایا ! عبادت کنندگان حقیقی تو بادست راست صلیب میکشند و این دختر بادست چپ ، او دخترک که ترا یاد داده که با دست چپ صلیب بکشی ؟

- ببخشید خاله جان ! دست چپه شدم .

درینوقت تمام مردم بیک آواز دعا خواندند و زن سرسقیمد نیز خود را جمع و جور کرده ، جودش را خم نمود ، همه بزاتو در آمدند بجز از لارا که متوجه شد فروسیا به او اشاره میکند که از آنجا خارج شوند و آنها بسرعت از کلیسا بر آمده بدویدن آغاز نمودند ، در راه فروسیا گفت :

- لارا میدانی من یکتفر را در کلیسا دیدم . مامایت را ماما رو دیون در کلیسا بهمرای دیگران عبادت میکرد حالا او میداند که ما بهالمان نرفته ایم ، چه فکر میکنی ؟ او بدیگران نیز خواهد گفت ؟

- نخواهد گفت ، زیرا از پار تیزان ها وحشت دارد . و آنها براه خود روان شدند ، در بین راه لارا بفکر مشیکا افتاد و فکر میکرد : «حالا او چکار میکند ؟» معلوم میشود که مشیکا دیر و راز من رنجید ، آدم عجیبی است ، حتی شوخی را جدی تلقی میکند .

- این کار تو است ؟

قوماندان مرغ تیر خورده ایرا بروی دراز چوکی پیشروی مشیکا انداخت ، مشیکا با ترس و لرز بطرف مرغ نظر انداخت و فکر کرد که همان مرغی است که او بطرفش قیر کرده است او فکر میکرد : تعجب است که چقدر بزودی ، هنوز او مراجعه نکرده قوماندان او را طلبید و حتی مرغ را هم برای قوماندان برده اند که اینکار را کرده ؟

- چرا خاموش ماندی ، اینرا تو کشته ای ؟

- بلی .

- من خودم میدانستم ، در جنگل میرفتم که يك زن مقابلم ظاهر شد و گفت که از دست یاور من بشکایت میرود . آن زن گفت که تو امروز صبح در قریه شان داخل شده و بالای مرغها قیر میکردی و خروس او را کشتی ،

- ما پریشان میشویم که چه واقع شده و تو کجا گم شده ای و توفضولی و شیطنت میکنی ...

- من شیطنت نکرده ام ، صرف میخواستم بالای هدف متحرك و جاندار مشق انداخت نمایم .

- فرق نمی کند ، بخاطر این هدف متحرك حالا حبس میشوی . مشیکا قدر است ایستاده شده گفت :

- اطاعت میکنم ، اجازه میدهید که کتاب خود را نیز با خود ببرم .

— خوب؛ چه باید کرد اجازه میدهم، کتابت را نیز بگیر...
و کا کا (ایگوروف) او را بطرف انبارخانه، جائیکه جزائی
هارا در آنجا حبس مینمودند رهنمائی کرد و مشیکا برضائیت
کامل بطرف انبارخانه رفت و داخل آن شد - در را برویش
بستند و او نشست، او کتابش را باز نموده بروی آن خیره
شد، روشنی از يك کلکینچه کوچک بدخل اتاق می تابید،
او بفکر فرو رفته بود و بسیاری از وظایفش را از حفظ
نموده بود.

«قطار از استیشن خارج شد...» مشیکا پیش خود اینطور
تجسم کرد که قطار باری نالو کوموتیف سیاه و پررود که از
سطح واگون هایش طوپها نمایان بودند و از دهانه های شان
مانند اژدها آتش می بارید از استیشن خارج شده و براه خود
ادامه میدهد. دفعه^۱ و ناگهانی ستون های شعله و دود از آن
بالا شده و این قطار سیاه به سراشیبی سرنگون شده و از هم
پاشیده میشود. زیرا پارتیزانها در آن بم و مواد انفلاقیه کار
گذاشته اند،

مشیکا فوراً بدو پا ایستاده شده و بامشت هایش بدروازه
میکوفت:

— کا کا ایگوروف! من اجازه بدهید صرف برای يك دقیقه مرا
رها کنید، من باید بصورت فوری به قوماندان راپور بدهم.
او چطور میتواند فراموش کند که پیش از واقعه
مرغها او - قریه با يك نفر پیرمرد حرف زده بود
پیرمرد خواهش کرد. بود که به قوماندان اطلاع بدهد که
او میتواند جهیلی را نشان بدهد که در آنجا قوای مابعد از عقب
نشینی شان مواد انفلاقیه زیادی را غرق نموده بودند. در تمام
راه مشیکا راجع بمواد انفلاقیه فکر میکرد، اما وقتیکه موضوع
مرغها بمیان آمد او راجع بان فراموش کرد.

— کا کا ایگوروف کا کا - کا - کا...

اما پهره دار جواب نداد، زیرا حق نداشت که باحبسی
سخن بزند و با الاخره صدای مشیکا خاموش شد پهره دار نیز
به تفنگ خود تکیه کرده و کمی بعد خوابش برد، هنوز هلکها را
بروی هم نگذاشته بود که با صدای قوماندان جتکه خورده
ایستاده شد و دید قوماندان خشمگین پیشرویش ایستاده است.

— پهره دار! شما از که مراقبت میکنید!

— قوماندان صاحب از حبسی مراقبت میکنم، یا اورمخصوص

شما بدخل اتاق حبسی است.

— حبس است؟ بیاید معاینه کنیم که است یا نه؟ دروازه را باز
کنید دروازه را باز نمودند اما در آنجا هیچکس نبود، صرف
يك زنبور در دیوارها وز وز میکرد و بعداً از همان راهیکه مورد
استفاده مشیکا قرار گرفته و از آنجا گریخته بود بهوای آزاد
پرواز کرد. تنها مشیکا به چالاکی ولاغری خود توانسته بود
از آن کلکینچه خورد گذشته و خود را نزد قوماندان برساند.

درائنائیکه قوماندان پهره دار را مورد بازپرسی قرار داده
بود میشکا نیز پیدا شده گفت:

ک کا ایگوروف خواهشمندم عصبانی نشوید، همین حالا
پس بیجایم میروم.

ای شیطان، من فکر کردم او نشسته است و شاید هم
کتابش را مطالعه میکند در حالیکه او گریخته است، من از تو
انتظار اینکار را نداشتم، توبکلی مرا گپیچ نموده ای میشکا!

— باور کنید، من قصداً اینکار را نکرده ام، چندین دفعه
از شما خواهش کردم مگر شما نه شنیدید و من باید فوری و ضروری
به قوماندان صاحب اطلاع بدهم. ایگوروف دفعه^۱ بیاد آورده
گفت:

باید فوراً راپور بدهم - قوماندان صاحب! گوسفند فراری
را پیدا کرده ام

— شما او را کمی ناوقت تر پیدا کردید، او یکساعت قبل
در قوماندانی نزد من آمد و حتی شما تلفت نشدید و انبار خالی را
مراقبت میکردید - فعلاً تفنگ تا آنرا به گوسفند فراری بدهید
و خود شما حبس هستید، حالا او از شما مراقبت میکند.

و بصورت غیر منتظره و خیلی هم ساده تفنگ بدست میشکا
رسید، او تفنگ را بشانه کرده و به پهره داری مشغول شد،
میشکا در حالیکه مصروف پهره داری بود از دور قیافه دو دختر
را دید، یعنی که آنها آمده اند... لارا و فروسیا، آنها از
نیفیدرو آمده اند و همه چیز بر ایشان معلوم است هم از حادثه^۱
مرغها خبر دارند و هم راجع بمواد انفلاقیه...

لارا بخوشی او را سلاح داد، اما او باقیافه خشک و محکمی
به پهره داری مشغول بوده حتی جواب سلاح او را هم نداد
و آنها رفتند، میشکا فکر کرد. مثل اینکه لارا خفه شده باشد
او میدانند که من به پهره داری مشغول هستم و نمیتوانم با کسی
حرف بزنم، ایگوروف بهمین نسبت حبس است.

بیچاره ایگوروف، اما او میشکارا عفو خواهد کرد، وقتیکه
بفهمد میشکا از تکلیف بندی گری نگریخته بلکه مجبور بود
راجع بمواد انفلاقیه به قوماندان اطلاع بدهد او را چیز
نخواهد گفت،

میشکا فکر میکرد! «در محاربه هم اشتراک خواهم کرد،
اگر اجازه ندهند خودم مخزیه میروم و تفنگ هم حالا از من شد
حتماً» و تفنگ را محکم بدسینه چسبانده به پهره داری دوام داد.

* * *

زمان میگذشت و گل های تابستانی از هم باز میشدند،
برگ درختان رنگ سبز غلیظ را بخود اختیار میکرد و فاخته ها
به نغمه سرائی مشغول بودند.

مشیکا بسیار دوست داشت که با فاخته ها صحبت کند، او
نمیخواست که از فاخته ها پرسید «چقدر باید زندگی کند؟»
او میخواست آنقدر زنده بماند که فاخته ها هم نمیدانستند.

او بسیار دوست داشت که آواز کو کو کو فاخته را بشنود اما درین دفعه او آواز مخصوص کو کو را شنید حتی آواز دو فاخته را یکجاشنید؛ از بالای يك درختیکه در کنار يك خندق آب ایستاده قرار داشت او دانست که در این درخت هر برگ لا را ورا یا نشسته اند آنها وظیفه داشتند که بواسطه آواز فاخته از آمدن موترها و گادی های المانی به پارتیزانها علامه بدهند

اگر موترسایکل باشد لا را کو کو می زند، به آواز نیز و آهسته، اگر گادی باشد رایا بسرعت کو کو خواهد زد بهمان اندازه ای که آنان کو کوی خویش را تکرار میکنند بهمان تعداد موتر و گادی های المانی در حرکت خواهند بود. عجالتاً کو کو متوقف شد اما مشیکا را به اضطراب انداخته بود اگر چه او میدانست که هنوز وقت است و المانیها منتظر هستند که غبار از بین برود و غبار هر لحظه غلیظتر شده میرفت

او آمد و بهلوی کا کا ایگوروف دراز کشید ایگوروف نیز خطر را حس کرده بروی مشیکا نظر انداخت و گفت: باز هم تو آشفته بنظر میخوری یکبار دیگر مرا پریشان ساختی، مشیکا چیزی نگفته و آهسته آهسته آندو بخواب سنگین، فرو رفتند فردا صبح آفتاب کمی می تابید و آنها منتظر آواز فاخته بودند دفعتاً فاخته ها آواز دادند کو کو کو کو

کا کا ایگوروف می شنود این لا را است که کو کو می زند اشاره موترسایکل است، و سالارایا کو کو می زند اینها گادی هستند - يك، دو، سه، مشیکا باعجله بواسطه انگشتان خود حساب میکرد چهار، پنج، شش، هفت . . . ایگوروف بوئی فهماند که

امر است که حتی الامکان بد شمعن موقع داده شود که نزدیکتر نیاید و صرف وقتیکه اشاره می شود باید بالایشان فیر نمایم تو باید پیش از وقت فیر نکنی اما این برای مشیکا نسبت بهمه مشکندر بود حالا او بکلی میدید که دو موتر سایکل یکی

از پیشرو و دیگری از عقب گادی ها را همراهی میکنند و پیش می آیند - بفکر مشیکا آنها بکلی نزدیک آمده بودند پس چرا اشاره انداخت داده نمی شود ضربان قلبش هر لحظه اضافه تر میشد چه وقت انداخت شروع میشود.

و ناگهان اشاره داده شد مشیکا مانند برق از جاجمید کا کا ایگوروف داد زد

از حالت پروت انداخت کن

از حالت پروت اصابت داده نمیتوانم مشیکا اینرا گفته و بماشه فشار داد.

یکی از پارتیزانها بالای موتر سایکل سوار اولی فیر نموده او را از پادر آورد، موتر سایکل دوم نیز متوقف شد، در یورش سنگر گرفت، اسپان گادی ها همه وحشت زده یکی بالای دیگر می جهیدند و بی سر و سامانی حکمفرما بود

کمیسار دسته پارتیزانها حمله را اداره میکنند او صدا زد.

بخاطر وطن پیروزی حمله کنید

این حمله مانند بمب صدا کرد و همه را به احساسات آورد از چپ و راست مشیکا پارتیزانها به دویدن آغاز نمودند و او کوشش میکرد که از دیگران عقب نماند او در برابر آنان مانند قطره ای در دریای خروشان مینمود

ار ابتدا ایگوروف پیش می رفت اما بعداً مشیکا او را عقب زد خود جلو افتاد - مشیکا دید که نزدیک یکی از گادی ها يك نازی افتاده و مرده، تفنگش چند متر دور تر از وی قرار دارد

اگر مشیکا از همه بیشتر بدود میتواند آن تفنگ را به غنیمت بر دارد. و در حانیکه بشدت می دوید متوجه نشد که در عقبش يك عسکر نازی گادی را سنگر خود ساخته و خود را مخفی نموده است او فیر کرد و چیزی بشدت در شانه مشیکا اصابت کرد تفنگ از دستش رها شد و خودش بروی زمین افتاد و آنقدر توان نداشت که دو باره برخیزد، قوایش به تحلیل رفته و روی خود را درون سبزه ها فرو برد. (باقیدارد)

جسم

دانشمندان فضائی معتقدند که نخستین وسیله نقلیه فضائی و هوائی در سال هزار و سیصد و هفتاد و شروع بکار خواهد کرد.

این جسم پرنده یا تاکسی فضائی می تواند چهار نفر را به آسانی با خود حمل کند و آنان برای رفت و آمد بین زمین و ایستگاه های فضائی که در مدار کره زمین احداث میشود استفاده خواهد شد. بین سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ از این وسایل نقلیه انقلابی، در وقت و آمد و حمل کالا در پنج قاره زمین استفاده خواهد شد. سرعت این اجسام پرنده یا تاکسی های فضائی آنقدر زیاد است که میتواند هر یک ساعت و می دقیقه یک بار بدور زمین گردش کنند.

پرنده

مریضی که از حرارت تولید میشود

کاکپت‌ها محل (نشستن پیلوت) و کبین‌ها در تحت تابش آفتاب شدید،

ماهیت تنوروداش را برای پیلوتان و مرتبات (عمله) طیاره داراء میباشند

تتبع و نگارش: عبدالوحد امیری

Hest Exhaustion مسمی است .
۲- حرارت زدگی *Heat Stroke*
در کته گوری اول حرارت زدگی که نتیجه آن همانا خورد شدن جسم از حرارت می باشد ، سویدیم کلوراید یانمک وجود بواسطه ازدیاد عرق خالی و کم می گردد که همین تقلیل یافتن نمک وجود یکی از فکتورهای مهم صدمه بوجود میاید استروک (حرارت زدگی) محسوب می شود .

در کته گوری دوم تاثیرات حراروی بالای وجود که همانا ذله شدن وزائل گردیدن انرژی وجود می باشد . همانا خواص میکائیز حرارت بخارج دهنده و یا خود زائل کننده وجود انسانی بیش از حد لزوم فعالیت نموده و قدرت کار میکانزم مذکور ضعیف میگردد . در کته گوری سوم که بنام حرارت زده گی یاد می شود تماماً میکانزم دفع حرارت وجود بکلی تخریب گردیده و احتمال قوی می رود که باز انسان بشکل اولی عودت کرده نتواند، یعنی احتمال زیاد مرگ می رود .

از شدت حرارت خورد شدن و چمبلک گردیدن و تولید درد شدید در عضلات هیت کریمپ (*Heat Cramp*) طوریکه در فوق تذکار گردید تکلیف خورد شدن و چمبلک گردیدن از حرارت در نتیجه کمی نمک وجود، حاصل گردیده و این چیز در پرتو معروض ماندن زیاد به حرارت پیدا می شود . همین در عضلاتی فوق العاده

آموخته سازند ، درینجاسه نوع ضرری که از حرارت تولید میگردد مطرح بحث قرار داده می شود . ولی فراموش نباید کرد که در قبال تاثیرات و علائم حرارت طرز معالجه و تداوی و هم تدابیر و قایه وی آن نیز مورد تدقیق و مطالعه قرار داده می شود . درینجا یک اقطه مهم و قابل تذکار اینست که برای حرارت زدگی (*Heat strace*) تداوی طبی جهت استحصال بهبودی یک امر حتمی و لازمی بشمار می رود . فلایت سارجن (*Flight Surgeon*) که شخص مؤظف امور صحنه در هواپازی و پرسونل صحیه که بالای عرشه کشتی می باشد برای دادن جواب هر گونه سوالی که در مخیله شما از رهگذر مطالعه این مضمون خطوط خواهد نمود حاضر بوده و علاوه آذرباره بسامو موضوعات متن این مقاله توضیحات لازمه را از ایشان می توان استفسار نمود .

درجات ضررهای حروری:

بصورت عمومی میتوان گفت که ضررها و خرابیها نیکه از ناحیه حرارت زدگی به میدان می آید به سه کته گوری (*Catagories*) جدا گانه انقسام یافته است :

۱- در پرتو حرارت خورد شدن و چمبلک گردیدن و تولید درد شدید در عضلات که به اصطلاح طبی بنام هیت کریمپ یاد میشود *Heat Cramp*
۲- از حرارت ذله شدن وزائل شدن انرژی که بنام هیت اکزامشن

در بسا ساحه جات ، حرارت قسمتی از محیط کار را تشکیل مینماید . این محوطه حراروی هم در زمین و هم در هوا و هم بین طیاره ، موجود می باشد ، کاکپتها و کبین های طیارات در زیر تاثیر شدت آفتاب ، برای عمله طیارات که آماده پرواز میباشند عیناً ماهیت تنوروداشی را داراء میباشند عمله که در زمین تحت تابش آفتاب فعالیت می نمایند و مخصوصاً آنها نیکه در مناطق نیم حاره و حاره و یا خود در دیگر مناطق مگر در تابستان مشغول کار اند در حقیقت حرارت و رطوبت زیادی را متحمل میگرددند .

همچنان فعالیت در بالای عرشه کشتی و خاصتاً در اتاقهای تحتانی و اتاقهای انجن و آلات حرکت دهنده کشتی مانند اتاق همپ بنزین و یا خود کمپارتمانهای (*Compartmmnts* گیر *Gears*) های انجن متضمن انس گرفتن در فضا گرم بوده و تازمانیکه اشخاص به این نوع هواها عادی نباشد و یا خود ، خود را عادی نسازد کار کردن یک امر ساده و بسیطی نخواهد بود .

بنفع قارئین گرامی و خاصتاً آنانیکه حرارت بر آنها ضرر بزرگی را تولید می نماید و یا کسانیکه مسئول اشخاص دیگری بوده و مجبور اند که برای پرسونل معیت شان که در تحت این نوع یک حرارت ایفای وظیفه می نمایند تدابیر لازم را اتخاذ نموده و یا اینک آنها را طور تدریجی به همچه یک حرارت

شدید و درد ناک بوده و بعضاً بحالت طاقت فرسا می‌رسد که عضلات اعضای خارجی مانند دست و پا و جدار خالیگاه بطن را احتواء می‌نماید. درین نوع درد، درجه حرارت وجود نورمال می‌باشد.

این درد عضلاتی در صورتی مرفوع می‌گردد که نمک ضائع شده وجود دوباره داخل وجود انسانی ساخته شود برای ایقای این سرام دادن محلول سالین (Saline) (۵/۱ فیصد) از راه رهن و یا خود ورید اجراء شده میتواند محلول ۵/۱ فیصد سالین توسط حل نمودن دو تا بلیت (۱۰) گریته نمک ساده در یک کوارت (لیتر *Guast*) و یا خود انداختن ۱/۴ حصه یک قاشق جای خوری نمک طعام در یک کوارت لیترا آب بوجود آورده شده می‌تواند.

ذله شدن از حرارت و زائل شدن اثر جی : (*Heat Exhaustion*)

ذله شدن و زائل شدن اثر جی وجود در وقتی بظهور میرسد که جسم انسانی به تحت فشار حرارت زیاد و دوامدار مقدار زیاد آب و نمک خود را کم می‌سازد چنانچه در نتیجه ظهور این کیفیت درجه زندگی و طراوت وجود خیلی ها پست بوده و قاعدتاً نقل دادن مریض به یک محیط سرد و مستریج و تنظیم نمودن نمک بواسطه محلول نمکین موجب بهبودی عاجل می‌گردد.

اعراض تکلیف ذله شدن از حرارت سردردی، خرابی دماغی و اعصاب، ورتیگو (*Vertigo*) در دستون فقرات عدم کور دینا سیون، بیهوشی، ضعفی فوق العاده، سقوط اشتها، سرچرخي اختلال قوه بصری، سرگنگسی و استفراق می‌باشد. بعضاً در نتیجه این تکلیف خورد شدن وجود و در عضله و عضلات خالیگاه بطنی نیز دیده می‌شود. مصابین این تکلیف به ندرت بیهوش می‌شوند جلد اینگونه مریضان سرد بود و بشدت عرق مینمایند. حرارت دهن تحت نورمال و یا خود قدری بلند بوده مگر درجه حرارت مقعد معمولاً زیاد

می‌باشد. درجه ضربان لبض تیز بوده (۱۴۰-الی ۲۰۰ ضربه فی دقیقه) و فشار خون ممکن است کم باشد.

اشخاصیکه به این تکلیف گرفتار می‌شوند باید در یک محل سرد نقل داده شوند تا استراحت کرده بتوانند. در همچو قضایا هر یک عاملیکه جریان خون را بسوی قلب بیشتر سازد، موجب تسکین تکلیف و استحصال بهبودی می‌گردد. در چنین حالات بلند کردن پاها و حرکت و مساز (*Marrage*) دادن دست و پاوسر، در قسمت بهبودی وضع سر یض کمک زیادی میکند. کمی نمک وجود با ید فورا بواسطه دادن محلول نمک به یک پیما نه زیاد (۵/۱ فیصد محلول سالین) از راه دهن به چنان آزادی که مریض آنرا گرفته میتواند، تلاقی کرده شود، و اگر آب دستیاب شده نتواند، تبلات های نمک و یا خود دادن نمک به دیگر اشکال و قورمه‌ها به تنهایی نباید تطبیق شود. در صورت کولاپس های (*Callapse*) شدید پرسونل صحی باید محلول سالین فیزیولوژیکی را از راه ورید تطبیق نمایند.

حرارت زدگی: (*Heatstroke*)

حرارت زدگی یک حالت بس مدعش و خطرناکی بوده و احتمال زیاد مرگ در آن موجود میباشد. این حالت بواسطه حرارت زیاد وجود تشخیص میگردد یعنی در حرارت زدگی، درجه حرارت وجود انسان فوق العاده بلند می‌رود که در چنین وضع معمولاً مریض حالت کوما را بخود طوری اختیار مینماید که احتمالاً راه نیستی را در پیش گرفته و بار دیگر چشم خود را دوباره بسوی جهانیان برنگرداند.

انکشاف و تولید حرارت زدگی نمایندگی از برهم خوردن میکانیسم ناظم حرارت وجود انسانی نموده و خاصتاً در آن اشخاصی بظهور می‌رسد که آنها به حرارت زیاد عادت نداشته و وجودشان معروض گرمی بیش از حد نگردیده باشد. کارات عملی زیاد عادت داشتن به الکول و استعمال ممکن

است، احتمال بروز حرارت زدگی را بیشتر گرداند.

بعد از اینکه اختلال فعالیت میکانیسم تنظیم کننده حرارت به ظهور میرسد، در آنوقت انسان ممکن است که حرارت را از زمین و یا خود هوای ماحول به خود جذب نماید که در اکثری حالات عرق موجود نمی‌باشد و عدم ظهور عرق نشان میدهد که میکانیسم عرق از کار افتاده و همین کیفیت موجب بلند رفتن حرارت غریزی بدن گردیده است. در برخی از حالات دیگر روی جلد سرد شده که در انحال نقص نقل دادن حرارت روی جلد آشکارا شده که اینهم به اثر تولید نقص در دوران خون پدید میشود.

در مراحل نخستین حرارت زدگی یعنی بعد از اینکه عرق کردن وجود متوقف گردیده و حرارت بلند می‌رود ممکن است که انسان تا حدی احساس زندگی و حرکت را نموده و از عواقب وخیمی که رو به انکشاف است غافل و بی‌خبر بماند.

اعراض حرارت زدگی :

اعراض ایقاص کننده حرارت زدگی عبارت است از سردردی، سرگنگسی و سرچرخي، خرابی حافظه و تولید پیچیدگی درد ماع، ضعفی، استفراق کثرت ادرار و بول و کمی یا عدم موجودیت عرق.

معمولاً تا شروع حرارت زدگی بایک حمله آنی و یک کولاپسی (*Collapse*) و بیهوشی آغاز مییابد. کوما (*Coma*) عمیق معمولاً دیده شده و ممکن یک حالت عصمیت که با کج شدن دست و پای و غیره قسمت های وجود منتج گردیده ملاحظه برسد. در مرحله نخستین پوست مریض معمولاً گرم، سرخ و خشک بوده و عرق موجود نمیشد. نبض پوره و تیز و فشار خون نورمال و یا خود بلند میباشد. تنفس مریض تیز مگر عمیق بوده درجه حرارت وجود معمولاً بلند یعنی در حدود بیش از (۱۰۶) به ملاحظه میرسد.

هدف مهمترین در تداوی حرارت زدگی همانا کم ساختن درجه حرارت

وجود مریض به سرعتی که امکان پذیر است می باشد. زیرا هر قدریکه درجه حرارت دوام می نماید بهمان پیمانہ خطر مرگ بیشتر می گردد.

دراثرات طبی برای تداوی حرارت زدگی چنین جمله تذکار گردیده است در ترتیبات و تدابیر لازمه برای تقلیل دادن حرارت وجود انسانی در نخستین فرصت با یداختن ذگرد.

اگر این حرارت زدگی در میدان محاربه و یا خود در جریان تطبیقاتها و مانوره ها بظهور میرسد، بدرجه اول لباس نفر از جانش دور ساخته شود. بعداً اگر کدام منبع آب سرد در جوار مریض می باشد فوراً او را درین همین آب غوطه نمود، در غیر آن آب به وجود مریض پاش داده و تبخیر آب ذریعه پکه سریع گردانیده شود. بر علاوه این تدابیر سرد کننده، مراقبین مریض بایست دست و پای و وجود آنرا مالش دهند، تا بدین صورت خون در رگها به سرعت جریان نماید بعد از تطبیق کارات فوق مریض را فوراً به شفاخانه نقل دهید و هم در اثناء راه شفاخانه همین اسامات سرد کننده وجود دوام داده شود. در حین نقل دادن مریض به شفاخانه دروازه اسبولانس باز مانده شود تا به واسطه جریان هوا وجود مریض سرد مانده بتواند. بمجرد رسیدن مریض به شفاخانه با زهم بصورت فوری وسائل سرد کننده وجود مریض استعمال گردد تا به هر قیمتی که میشود حرارت وجود، او را از پائیندازد.

یک حمله حرارت زدگی حمله ثانوی این مریضی را اعلام نموده و بایست دقت خاصی بخرج داده شود تا نباید شخص را به همچہ حالتی مجدداً معروض نمود.

تدابیر وقایوی :

تدابیری که مقاومت وجود را در برابر حرارت زدگی بیشتر می سازد عبارتند از :

(۱) آب و نمک زائل شده وجود را مجدداً تلافی و اکمال نمودن.

(۲) محافظه و نگهداری وضع صحیح و اجتناب از اموری که انسان را خسته و ذله بسازد.

(۳) انطباق دادن بدن در یخبندان در محیط گرم.

تلافی آب و نمک زائل شده وجود :

وجود بشری تا درجه زیادی به آب احتیاج داشته و اینهم از رهگذری است که وجود را در برابر حرارت محیطی سرد بسازد. شخصی که معروض حرارت بلند می گردد ممکن است که یک لیتر آب را در ظرف یک ساعت زائل نماید این مقدار آب ضایع شده بایست حتماً تلافی گردد ورنه درجه کفایت کار انسان تقلیل می یابد. همچنان درجه حرارت بدن بلند رفته و ضربات قلب شدید شده می رود. موال انسانی خراب شده رفته و خسته گی حراروی ظاهر می شود. طریقہ ایده آلی و معقول تلافی همچہ آب ضایع شده اینست که در طول کار، کم کم آب نوشیده شود و اگر فعالیت جسمانی نور مال و شدید نبوده همچنان اگر درجه حرارت و رطوبت متوسط باشد در آنحال مقدار آب طرف احتیاج تقریباً نیم لیتر در فی ساعت خواهد بود که آنهم به وقفه های ۲۰ الی ۳۰ دقیقه نوشیده شود. وقتاً درجه فعالیت بلند شده می رود و یا اینکه شرایط کار شدیدتر میگردد نظربه این مقدار آب نوشیدن بیشتر باید شد.

تلافی نمک ضایع شده وجود :

گرچه دایت (Diet) یعنی نسخه مواد خوراکی یومی معمولاً شامل یکمقدار کافی نمک می باشد ولی اگر وجود شما به حرارت عادی نمی باشد در آنحال باید در چند روز اول معروض ماندن حرارت یک اندازه نمک علاوه گی را صرف نمود. زیرا یک نفریکه ولو در شرایط گرمی آموخته می باشد با زهم در وقتیکه کارهای شاقه را در یک درجه عالی حرارت اجرا نموده و عرق زیاد می نماید مجبور است که برای

تلافی ضایعات نمک وجود یک مقدار نمک دیگر را صرف نماید.

تبلات های نمک که از طرف قوای بحری امریکا به همچہ مریضان توضیح می گردد ده گرینه بوده و دارای مارک (ESN 6505-759-2828) می باشد این نمک که روی آن را یک پوش نازک و قایه وی تشکیل داده است بدین مفهوم بوجود آمده که تجزیه شدن آنرا در طول جهاز هضم درازتر ساخته و زود آب نشود یعنی نیم تبلات مذکور در ظرف ۴۵ دقیقه حل شده و باقی مانده آن در طول ۲ ساعت تحلیل می نماید. گویا

بدین ترتیب یک دانۀ این تبلات ها یک نسک ده (۱۰) گرینه قابل جذب را برای بیش از سه ساعت مهیا می سازد.

تبلات های ساده نمک. طوریکه در استعمال محلول نمک (۰.۱) فیصد که در معالجه کرامپ حرارت (Heat Cramp) و هیت اکزا یشن (Heat Exhaustion) تذکار گردید بکار برده می شود دارای شیرۀ جواری بود و همین شیرۀ جواری ایجنت (Agent) تجزیه و تحلیل کننده آن می باشد پس تبلات مذکور در ظرف دود دقیقه در آب حل می گردد. نمک های که در تحت این شکل (Concentrate) کان سنتری شده به زودی جذب نشده و سبب تولید خرابی های گیستروی امعاوی (Gastro-intestinal) یعنی تیزاب امعاوی میگردد. نمک زیاد در اثنای طعام. خواه در بین طعام انداخته شود. و یا خود بروی آن پاش داده شود. اکثر ما یحتاج معمول را تلافی می نماید.

انطباق به محیط یا اقلیماتیزیشن :

یک زمان تقریباً دو هفته بی بکار است که انسان بصورت تدریجی در محیط گرمی انس گرفته و وجود آن ازین ناحیه به حرارت انطباق نماید گویا انسان وقتی در طول دو هفته (بقیه در صفحه ۵۶)

تامین امنیت ساحه عقبی و کنترل خساره — منطقوی در حرب های امروزی

ساحه عقبی بیک معنی وسیع برای حمایه قدرت حرب عبارت از منابع پراکنده اند که از مساعی مجموعی آنها بواسطه
حرب بیدان می آید. تعرض دشمن را بتاسیسات اداری ساحه عقبی جزو تمام های اداری شبکه مخابره و مواصلات مراکز عمده
صنایع اجرا میشود و وظایف اساسی جزو تمام های مجارب را به تهلکه انداخته و بعد از یکمدت بسیار کوتاه آنها را مانند

ماهی که از آب بکشید بحال غیر فعال آورده میتواند
کنترل خساره منطقوی و تدابیر امنیت مثلثیکه
اردو را علاقه مند میسازد اشخاص سویل را نیز
علاقه مند مینماید بعبارت واضح تر در مجارب
آینده چطوریکه پرسونل و تاسیسات عسکری
بمقابل تهلکه های دشمن تدابیر لازمه را میگیرد
ایجاب مینماید که پرسونل سویل نیز بعین همانه
تدابیر لازمه را گرفته و خود را برای حرب
بصورت اکتیف و بالخاصه پاسیف حاضر نمایند.
زیرا حرب های آینده محقق بذریعه اسلحه تکلیف
اجرا شده و هدف آن بدرجه اول تاسیسات
ساحه عقبی خواهد بود.

کنترل خساره منطقوی بدو شکل مطالعه
میشود :

I : از نقطه نظر عسکری .

II : از نقطه نظر خساره که اشخاص سویل به
آن معروض خواهند ماند .

مسلم است که حرب های مودرن بحال حرب
توتال (دتلو حرب) تبارز کرده و ایجاب میکنند
یک ملت با تمام هست و بود خود مجاربه
نماید که مثال آن بطور واضح در ویتنام و اسرائیل
همین حالا جریان دارد . در هر کدام اینطور
یکجرب فلاکت های اجتماعی بدو شکل فکر
شده میتواند :

۱- فلاکت های طبیعی .

۲- فلاکت های صنعی که از طرف انسان ها
تولید خواهد شد .

۱- فلاکت های طبیعی :

a- حریق ها ، b- سیل ها و یا قحطی آب ، c- باد
(طوفان ها) ، d- زلزله ، e- فواره های
آتشین ، f- آفت های آسمانی



اسلحه توپچی در حرب های مدرن

۲- فلاکت های صنعی که از طرف انسان خلق خواهد شد :
a- حریق ها ، b- انفلاق ها ، c- تعرض بذریعه اسلحه اتوم ، کیمیا و بیولوژی ، که در نتیجه آن پارچه شدن ، سوختن ،
مریضی های راد یاسیون ، مسموم شدن ها ، و مریضی های ساری پیدا خواهد شد . d- تأثیرات مرمیات رهنمائی شده .

I : فعلا طرز
مساعی عسکری
را که بمقصد
کنترل خساره
های متولده آفت
های فوق اجرا
میشود تدقیق
نمائیم این مساعی
تشکیلات مختلفه
بداخل سه صفحه
اجرا میشود :
۱- صفحه اول
(قبل از فلاکت) :
ملت را کلتوراً
حاضر کردن ،
پیچکاری و سیروم
را تطبیق کردن
و ملت را بمقابل
آن متیقین ساختن
پلان سازی
تشکیلات بمقصد
کنترل تداوی ،
تخلیه و نجات
دادن ، تعلیم
و تربیه (حاضر
کردن ملت برای
اینطور یکجرب) .
۲- صفحه دوم
(در هنگام
تعرض) : ایقاظ -
تطبیق تدابیر
پاسیف تحفظی -



میتواند هر نوع موانع را از بین ببرد

معاونت نخستین جلوگیری از پانف
 ۳- صفحه سوم (بعد از تعرض) :
 نجات دادن ، تخلیه ، دوام تداوی ،
 دوام قرانطین ها، تطهیر و ازین بردن
 بقایای تعرض نکلیر (A.B.C) در تطبیق
 تدابیر کنترل و تحفظی در هر سه صفحه
 فوق باوجودیکه وظیفه بزرگ به اردو
 تکیه میکند امامساعی مشترک متین و
 دوامدار تمام افراد اجتماع شرط میباشد
 زیرا چطوریکه اسلحه نکلیر تاثیر
 دسته جمعی دارد برای تحفظ بمقابل
 آن نیز تدابیر دسته جمعی شرط است
 راز موفقیت درینگونه احوال اینست که
 تمام افراد ملت بگوش و هوش تعلیمات
 و توصیه های مقامات مسئول اردو
 را شنیده و حرفاً تطبیق نمایند. درین
 وقت است که وظایف ملی خود را هر
 کس اجرا کرده و به اردو کمک
 کرده میباشد. در عکس حال فعالیت
 اردو در تحفظ تداوی - تخلیه و نجات
 مشکل شده و حتی بعضاً بضایعات سنگین
 منتج میشود.

پلان های کنترل و خساره منطوقی
 باپلان های امنیت و مدافعه ساحه عقبی
 باید بسیار از نز دیک عیار شده و
 کوردیننه شوند. یک کنترل موثر
 خساره منطوقی با تثبیت محلات
 تاسیسات لوژستیک شروع میشود.
 در تعیین مسافه بین تاسیسات یکقاعده
 معین موجود نیست تنها با تدقیق خصوصیات
 ذیل دوری این مسافات و تعیین محلات
 تاسیسات لوژستیک ممکن شده میتواند
 a- قابلیت اتمیک دشمن. b- تیت شدن
 تابه چه درجه قبول شده میتواند.
 c- دانستن شرایط اراضی و هوا
 (سهولت های که مغاره ها، تونل ها،
 اجاق های معدن و غیره امکانات مشابه
 به این ها تأمین خواهد کرد) d- دشمن
 بکدام اهداف تعرض خواهد کرد.
 e- نظر به قابلیت اتمیک دشمن درجه
 جرئت و چلنج قوماندان. f- برای تأمین
 حمایه از تاسیسات لوژستیک که در
 یکساحه وسیع تیت شده امکان استفاده
 از قطعه و تجهیزات تخصیص داده شده

g- تدابیر اکتیف و پاسیف.

h- امکانات ثقلیات.

در تعیین محل تاسیسات طبیعی است
 که صرف تیت شدن رول ندارد. بسی
 اوقات مجبور هستیم که نظر بوضعیت
 خطوط آهن و یا (پایپ لاین ها) محلات
 آنها را تعیین کنیم. قوماندان باید
 با قبول کردن مسؤلیت برای کم کردن
 حساسیت بعضاً باتیت کردن و بعضاً از
 نقطه نظر مؤثریت حرکات تاسیسی را
 در پهلوی تاسیسی دیگریکه از نقطه نظر
 مساعی سهولت راهپوش میکند بگیرد.

بطور منطقی دشمن در تعرض نکلیر
 به ساحه عقبی اجرا خواهد کرد شکل
 انفلاق روی زمین (انفلاق سطح) را
 حتماً ترجیح میدهد. که درین شکل
 انفلاق سپرنتی (باریدن ناک و سنگ)
 مسموم شده یکسلاح دارای قدرت، بلند
 تمام تاسیسات لوژستیک را احاطه
 کرده میتواند اگر اینطور یک انفلاق
 واقع شود نظر به سرعت و استقامت باد
 تخمین ساحه سپرنتی و منطقه مسموم
 شده و امورات خبر دادن بسیار مهم
 میباشد علاوه بر خصوصیات ذیل که
 با سپرنتی علاقه مند میباشد نیز باید
 بداخل پلان آورده شود:

۱- بداخل پلان آوردن سیستم
 ایقاز بوقت وزمانش.

۲- شدت رادیاسیون ساحه های
 مسموم شده را اندازه کردن و دیکون
 تاسیساتیون (یا تطهیر).

۳- کنترل حرکات.

۴- نجات دادن زخمی ها.

۵- معاونت به اشخاص سویل.

تدابیر مؤثر و کنترل خساره
 منطوقی بتبلیغ فوری شروع حرکات و
 بسرعت بفعالیت گذشتن پرسونل که
 تعلیم و تربیه مخصوص را دیده اند
 مربوط میباشد. برای اینکه پرسونل
 ساحه عقبی حیات خود را در ساحه مسموم
 شده نجات داده و زیاده تر زندگی
 کرده بتوانند باید بتدابیر تحفظی و
 نجات ساحه عقبی آشنا باشند که این
 کیفیت اعتبار از حضور بالخاصه کلتور
 اجتماعی را بمقابل اسلحه نکلیر ایجاب

مینماید. برای اینکه (در ساحه سپرنتی
 ساحه که بعد از انفلاق نکلیر در اثر
 باریدن خاك و سنگ مسموم شده با مواد
 رادیو اکتیف بمیدان می آید) بسرعت
 حرکت شده و عملیات خارج شدن و
 نجات دادن اجرا شده بتواند باید قبلاً
 جزو تام های سرویس و اشخاص سویل
 آن محل با تعلیمات دوامدار تنویر شده
 باشند و یا خود اگر امکان خارج شدن
 ازین ساحه سپرنتی موجود شده نتواند
 در آن وقت تدابیر تحفظی در بین این
 ساحه چطور باید باشد نیز باید بدانند.

قدمه هائیکه کنترل و خساره منطوقی
 راهلان مینمایند قرار ذیل اند :

۱- اردو ها.

۲- قوماندانیت های ساحه منزل

۳- جزو تام های تسکتیکی که در
 مناطق اردو و یا ساحه منزل میباشد
 (این ها با قرار گاه های یکقدمه بلندتر
 کوردیننه مینمایند).

۴- قوماندانیت های مناطق

تاسیسات اردو (عبارت از پلان های
 اکتیف و پاسیف تاسیسات اردو است که
 در حدود عقبی قول اردو ها واقع میباشد)

۵- بداخل پلان آوردن تاسیسات

منزل که در خدمات اردو واقع است
 این کیفیت با قرار گاه های اردو کوردیننه
 شده اجرا میشود.

در وضعیت های تسکتیکی :

در بداخل پلان آوردن حرکات

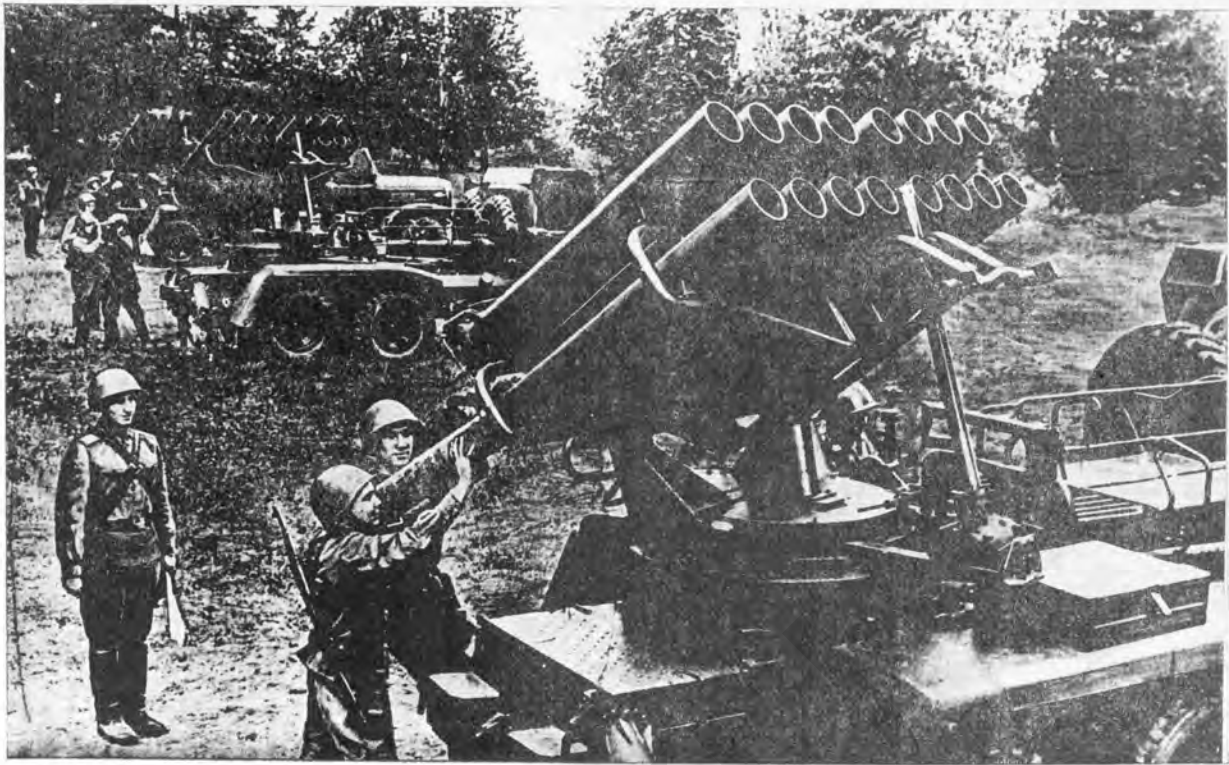
نور مال قرار گاه های قول اردو
 و جزو تام های پایان تر از آن تدابیر
 امنیت جزو تام های مربوط خود را

گرفته و پلان های کنترل خساره
 منطوقی را حاضر مینمایند. قول اردو و
 جزو تام های خورد تر از آن که در

ساحه منزل و یا منطقه خدمات اردو
 میباشد نظر به امرو دایر اکتیف قوماندان
 مافوق وظیفه کنترل خساره منطوقی
 را میگیرد. این جزو تام ها پلان های

لازمه را احضار و بدمه های مربوط
 تبلیغ تدابیر اکتیف و پاسیف را تأمین و
 در حال واقع شدن تعرض برای جلوگیری

از خساره اضافه تر اقدامات لازم
 تداوی، نجات، تخلیه و غیره را اجرا
 مینمایند.



گوشه ای از تطبیقات آتشدار امروزی در حرب های مدرن

بحریق های تولید شده . h- نجات دادن جان و از بین برداشتن بقایا .

۱- معاونت های صحی و سوسیمال . باید بگوئیم که امنیت ساحه عقبی و کنترل خساره منطوقی بالخاصه در محاربات تکلیف خواه از نقطه نظر عسکری و خواه از نقطه نظر ملکی یکی از جمله وظایف مهم و بزرگترین تمام قوماندانان (هر رتبه که باشد) میباشد برای اینکه به اینگونه تعرضات دشمن مقابله کرده توانسته ضایعات متولده آن بحد اصغری پایان شده بتواند بالعموم قوماندانان طوریکه قدرت محاربه و تشکیلات اداری و حمایه آنها اخلال نشود باید دارای یک تشکیلات و پلان امنیت ساحه عقبی و کنترل خساره منطوقی باشند زیرا در عدم آن هم ضایعات بزرگ شده وهم بالخاصه مورال که عنصر اصلی کماهی کردن ظفر میباشد یکدم از بین رفته و ما را بگذشته جاپان متوجه میسازد . (ختم)

تشکیلات مدافعه ملکی برای اینکه خصوصیات فوق را مؤفقانه اجرا و کنترل کرده بتواند موضوعات ذیل را باید بحال پرنسیب قبول و اجرا کند :

a- تیت شدن . b- بداخل زمین در آمدن (استفاده از تاسیسات زیر زمینی) از همین نقطه نظر است که بودن منزل زیر زمینی در تعمیرات عصری اساس قبول شده است . c- زیاد نمودن مقاومت در تمام خصوصیات d- ستر و اخفا e- داشتن تاسیسات و محلات احتیاطی علاوه در جمله پرنسیب های فوق اجرای حمایه و معاونت بمنطقه که بتعرض تکلیف مواجه شده است نیز خساره و ضایعات را کم میسازد .

فکتورهای فوق را بشکل ذیل تطبیق کرده میتوانیم :

a- تخلیه سریع . b- تیت و پاشان شدن . c- ترتیب و تنظیم شهرها و قصبه ها برای یکحرب تکلیف . d- تهیه زیر زمینی ها . e- خبر گرفتن و نشریات f- امنیت ، آسایش و ترفیقه . g- مجادله

II :- از نقطه نظر خساره و ضایعات که اشخاص سویل به آن معرض خواهند شد :

در خصوص کنترل نجات و تثبیت خساره و ضایعات که در شهر ، قصبه و محلات مسکون بمیدان می آید تشکیلات مدافعه ملکی رول مهم را بازی مینماید و وظیفه این تشکیلات در حضر و سفر بصورت عمومی قرار ذیل میباشد :

۱- ضایعات جانی و مالی خلق را مقابل تعرضات تکلیف دشمن ، آفات طبیعی و حریق های بزرگ بحد اصغری پایان کردن .

۲- محافظه کردن تاسیسات و تشکیلات که قیمت حیاتی دارد .

۳- تامین دوام فعالیت خلق و تاسیسات بمقصد پرورش قدرت حرب .

۴- محافظ معنویات و مورال در عقب جبهه .

۵- بحد اعظمی تامین دوام غیرت مدافعه از طرف پرسوئل ملکی .

۶- گرفتن هر نوع تدابیر تحفظی غیر مسلح .

درمان فشار خون

-۲-

دوکتور قمرالدین «اکسیری»

سرپازیل یارزوربین :

خواص : همانطوری که ذکر شد دو نوع اثر دارد، یکی اثر تسکینی و دیگری اثر پائین آورنده فشار خون .
۱- اثر تسکینی : اثر تسکینی دوا چه از راه خوراکی و چه از راه تزریقی بعد از یک الی دو ساعت ظاهر می شود و ۳۶ الی ۴۸ ساعت طول میکشد ولی یک اثر باقیمانده میگذارد بطوریکه میتوان اثر دوا را با مقدار کمتری مداومت داد؛ باید دانست که دوا با مقدار کافی از راه هاضمه جذب می شود؛ اثر تسکینی دوا شامل تسکین تجریکات روحی و جسمی مریض می باشد که در تمام روز از فعالیت شخص بمقدار زیادی کاسته میشود ولی عوش و حواس و ادراک تغییر نمیکنند و مخصوصاً برخلاف بار بیتوریکها حتی با مقادیر زیاد اثر خواب آور ندارد .

۲- اثر پائین آورنده فشار خون :

با این اثر دوا باعث بهبودی تظاهرات و عوارض عصبی فشارخون مثل : سردرد سر گنگسی ، بیخوابی و غیره میگردد بدین جهت بیشتر در فشارخونهای تازه و عصبی توأم با ازدیاد ضربان قلب مؤثر است و تاثیر روی فشار خونهای مزمن و ثابت ، کم میباشد ، این اثرات عصبی سرپازیل بنظر میرسد که در اثر تحریک پاراسمپاتیك یا تضعیف سمپاتیك در مراکز عصبی مخصوصاً هیپو تلموس میباشد و بروز علائمی مثل تنگی مردمک چشم بطائت قلبی ، ازدیاد ترشحات و حرکات معدی و روده ای و کم شدن حرارت بدن ناشی از همین اثر میباشد اثر قلبی

و عروقی شامل نزول تدریجی فشارخون (در اثر کم شدن مقاومت محیطی) و کندی ضربان قلب میباشد پائین آمدن فشار خون و کندی ضربان قلب سه روز تا سه هفته بعد از شروع درمان ظاهر و بعد از همین زمان بعد از قطع دوا از بین میرود باید دانست که این دوا باعث کاهش تدریجی فشارخون میشود .

لذا در فشار خونهای خفیف و عصبی جز در موارد فوری بر گانگلیوپلژیکها ترجیح دارد .

اثرات این دوا بعنوان در مسان نگاهدارنده بسیار مفید و مؤثر است زیرا عوارض آن از دواهای دیگر کمتر بوده و علاوه از نو سانات فشار خون نیز جلوگیری میکند و مخصوصاً بهترین دوا برای بیماران سرپائینی است ، در بعضی از مریضان تجویز دوا ی خام بر سرپازیل ترجیح دارد که ناشی از وجود سایر مواد موجود در گرد ریشه رو و لفسیا میباشد ، ممکن است اثرات گرد ریشه کمی دیرتر از خود سرپازیل ظاهر شود .

عوارض :

- ۱- عوارض مزاحم که در عین حال شدید نیستند و عبارتند از : گرفتگی و احتقان بینی ، رخوت و سستی ، کند شدن ضربان قلب ، ازدیاد اشتها و چاقی در عضلات و پندیدگی .
- ۲- عوارض نسبتاً شدید شامل زیادی اسید معدی میباشد .
- ۳- عوارض شدید که مستلزم قطع

فوری دوا است و عبارتند از : خمودی و سختی عضلات ، درمان عوارض :
۱- احتقان بینی - آنتی هیستامینیکها عدم استعمال قطره بینی .
۲- زیادی اسید معده - غذاهای ساده و دواهای تیپ زخم معده و ضد اسید .
۳- سستی و رخوت - دادن ریتالین *Ritalin* بمقدار ۳۰ میلیگرام در روز .
۴- خمودی و سختی عضلات از نوع پارکینسونی - قطع فوری دوا .

اهمیت سرپازیل در فشار خون :

بطور کلی در درمان زمینه ای قبل از پیدایش دیورتیکهای تیازیدمقام اول را داشته است ولی پس از کشف این دسته دواها تا حدی از اهمیت آن کاسته گردید زیرا در بعضی از مریضان ایجاد سستی و رخوت را سبب میشود البته این حالت در تمام بیماران صادق نیست چه بسیاری از آنها با استعمال یا عدم این دوا نمیتوان عکس العمل مریض را نسبت به آن فهمید لذا دستور خارجی برای استعمال یا عدم استعمال آن موجود نیست و از این حیث در مواردیکه در سابقه مریض بحرانهای هیجانی یا شکستهای روحی موجود است باید از استعمال دوا ی فوق خودداری کرد .

استعمال سرپازیل بمقدار اولین ۰/۲۵ میلیگرام همراه با هیدروکلورو تیازید چنان که خواهد آمد در اکثریت مریضان در مان زمینه ای مناسبی را تشکیل میدهد .

و در عده ای از آنها برای در مان فشارخون کافیت ، در فشار خونهای معتدل و خفیف و در مواردیکه درمان

اولیه راهیدرا لازین و دیورتیکهای تیازید تشکیل میدهد در صورت جواب ندادن مریضان باین دو نوع ادویه میتوان سرپازیل را به مجموعه آنها افزود .

همچنین در مواردیکه بعلت دادن دیورتیکها ممنوع است میتوان از سرپازیل استفاده کرد ، سرپازیل مانند دیورتیکهای تیازید از شدت و وخامت عوارض دواهای پائین آورنده فشار خون قویتر میگاهد ، البته این در صورتی است که بعداً استعمال آنها هم لازم باشد در مواردیکه هیدرالازین همراه با دیورتیکها بکار میرود و مریض هیدرا لازین را تحمل نمیکند یا به آن مقاومت نشان میدهد او ولفیارا با دیورتیکها تماماً بکار میبریم و البته این در موردی است که دیورتیک هم به تنهایی مؤثر نباشد .

۳- دیورتیکهای تیازید: همانطوریکه میدانیم در چند سال اخیر دیورتیکهای تیازید در درمانشناسی مقام مهمی را احراز نموده و روز بروز مورد استعمال ایندسته از دواها در حال توسعه میباشد تجربیات و مطالعات بسیاری از دانشمندان نقش مهمی این دوا را در درمان فشار خونهای خفیف و معتدل ثابت کرد بطوریکه این دوا فعلاً در صف اول دواهای پائین آورنده فشار خون قرار دارد .

بحث در مورد الکترولیت ها و

فشار خون: از اینکه بین آب و نمک و تنظیم فشار خون رابطه نزدیکی موجود است شکمی وجود ندارد. و ما قبلاً درین باره بتفصیل سخن گفته ایم از مدتها قبل از دیاد فشار خون شریانی اصلی را با حذف شدید نمک تا حدی تعدیل مینمودند. درین موارد باید دانستکه بدن در مقابل حذف نمک یک عکس العمل احتباس نمک نشان میدهد تا بدینوسیله از خروج سریع آب و الکترولیت های خارج سلولی جلوگیری بعمل آورد. این عکس العمل ظاهراً توسط هورمونهای احتباس کننده نمک که از غدد فوق کلیوی ترشح میگردند (مینرالوکورتیکوئیدها) انجام میگردد.

موضوع مهم اینست که آیا کم شدن فشار خون در نتیجه رژیم بی نمک یا دواهای مدرر از دسته تیازید ها بعلت کم شدن حجم خون است یا بعلت آزاد شدن عروق از حالت انقباض .

درین مورد هنوز اتفاق آرا موجود نیست ولی جهت اطلاع بذکر بعضی از عقاید می پردازیم : تزریق سودیم یا خوردن آن باعث بالا رفتن مقدار نمک خون بطور طولانی نمیشود بلکه بزودی بفضای بین نسجی وارد شده و تولید ورم میکند ولی اثر میکائیکی ورم باعث از دیاد فشار خون نمیشود حتی اگر حجم خون هم خیلی بالا برود اولاً وریدها دارای فضای بسیار زیادی برای جمع کردن خون هستند و بدین ترتیب محقق میگردند . ثانیاً فشار وریدی بالا مبرود ، ولی هیچوقت انقباض عمومی عروق تولید نمیگردد. باید علت مهمتری برای بالا رفتن فشار خون در اثر سودیم زیاد پیدا کرد . بتجربه ثابت شده است که کم کاری غده فوق کلیوی همراه است با کمکاری سمپاتیک ، کم شدن عکس العمل نسبت بمواد انقباضی ، پائین بودن فشار خون و بالاخره کم شدن نمک فضای خارج سلولی با اضافه کردن دو کاعکس العمل عروق بمواد انقباضی زیاد میشود و سودیم خون اندکی بالا میرود. از طرفی میدانیم اعضائی که سودیم تخلیه شده باشند جریان عصبی را انتقال نمیدهند . احتمال میرود کوچک ترین تغییر در غلظت سودیم اعضای خارج سلولی بر روی سودیم فضای داخل سلولی اثر کند و باعث کم شدن در رشته های عصبی یا عقده های عصبی گردد. برحسب این فرضیه اعصاب خود کار به سبب نداشتن روپوش ضخیم میلین به این خاصیت حساس تر اند .

نتیجه: استروئیدهای سورنال از دسته ۱۱ دزاکسی کورتیکو سترون باعث تغییراتی در سودیم فضای داخل سلولی میگردند که در نتیجه اعصاب

و احتمالاً عقده ها زود تر تحت تاثیر قرار میگیرند. یعنی از دیاد غلظت سودیم داخل عصبی باعث پرکاری عصب میگردد، در حالیکه دیورتیکهای تیازید بعلت دفع آب و سودیم از کلیه ها تغییرات مخالفی در داخل فضا های سلول عصبی مینمایند و در نتیجه عکس العمل آنها بصورت کاهش در تحریکات عصب سمپاتیک و ایجاد توسع عروق به طور عصبی است همانطوریکه ذکر شد این نظریه مراحل ابتدائی خود را طی میکند و باید بعدها بصورت مفصل تحت بررسی های دقیق قرار بگیرند . پس از بیان این مقدمه اکنون به شرح دواهای این دسته میپردازیم : با کشف اثر دیورتیکهای تیازید در پائین آوردن فشار خون پیشرفت قابل ملاحظه ای در درمان این مریضی حاصل گردید. این دوا گاه به تنهایی و گاه همراه با سرپازیل و یا هیدرالازین در اکثریت قریب به اتفاق مریضان فشارخونی نتایج بسیار رضایت بخش دارد و همانطوریکه در بحث سرپازیل اشاره شد به علت نداشتن عوارض روحی مقام اول را در درمان زمینه ای مریضان حائز گردیده است .

مقدار استعمال: در فشار خونهای خفیف میتوان از هیدرو کلوورو تیازید بمقدار ۵۰ میلیگرام صبح و ۵۰ میلیگرام شب و یک گرام کلورو دوپوتاس روزانه استفاده نمود درین این دواها بیشتر از همه هیدرو کلورو تیازید استعمال میشود زیرا تجربیات کلنیکی با آن بیشتر بوده و عوارض دوائی آنهم کمتر است . دواهای جدید این دسته مثل فلوتیران اثرات قویتری از هیدرو کلورو تیازید دارند و کلورو دوپوتاس را تاموعیکه هنوز ثابت نشده که بدن با آن احتیاج ندارد باید همراه این دوا کرد . مگر اینکه از فرآورده های جدید پوتاسیم دار این دواها استفاده شود .

۱- استعمال بارو و لفیا دارای نتایج عالی است که قبلاً در مبحث روولفیا شرح داده شده است .

۲- استعمال باگانگلیو پلژیکها :
در این حالت مقدار دوی گانگلیو پلژیک مورد لزوم بمقدار قابل ملاحظه ای کاهش مییابد و بسیاری از عوارض ناشی از فلج پاراسمپاتیک بنحو قابل توجهی متحمل میگردد .
مقوت فشار خون در حالت ایستاده که در حین زمان باگانگلیو پلژیکها مشاهده میشود نیز با استعمال دیورتیکهای تیزاید کاهش مییابد .
علت آنست که ادرار توسط دواهای تیزاید قنوی میشود و چون گانگلیو پلژیکها در ادرار سر یعتر میتوانند دفع شوند لذا در بدن مدت بیشتری باقی میمانند و اثر خود را ظاهر میسازند .

این موضوع بیشتر در مورد مکامیلامین و پمپیدین صادق است .

عوارض: ۱- اختلالات الکترولیتها و ترکیب شیمیائی خون که معمولاً بدون علامت است و عبارتند از :

الف : هیپو کالیمی و سمومیت دیژیتال ناشی از آن در مرضائی که دیژیتال میخورند .

ب: هیپر اوریمی که بندرت ممکن است بصورت نقرسی تظاهر کند .

بالارفتن آزوت غیر پروتینی خون .
د: اسیدوز میتابولیک که در نزد

کسانیکه دچار ضایعات کلیوی هستند دیده میشود و چون هیدرو کلورو تیزاید بی کار بونات را کمتر دفع میکند لذا درین موارد بر کلورو تیزاید ترجیح دارد .

۲- احساس طعم بد در دهن .

۳- اختلالات هضمی که معمولاً خفیف هستند و عبارتند از نفخ، سوء هاضمه و تهوع ناراحتی های شکم امهال این اختلالات مربوط به تحریک موضعی است .

۴- ضعف و گاهی سنکوب که بعضاً مربوط به سقوط بیش از حد فشارخون یا هیپو پوتاسیمی است و گاهی نیز بعلت دفع شدید آب و املاح تولید میگردد .

۵- پور پورای جلدی کمتر دیده میشود و بعلاوه دیر تر از سایر عوارض هم از بین میروند .

۶- تغییرات خونی که نا در هستند و عبارتند از آنمی و ترومبو سیستوپنی .

۷- اشکال در ادرار کردن : باید دانست که بعضی از عوارض فوق که بایکی از دواهای این دسته ایجاد میگردد با تغیر دوا بنوع دیگر از بین میروند یا تخفیف کلی پیدا میکنند . بطور کلی میتوان گفت که اثرات سمی هیدرو کلورو تیزاید به مراتب کمتر از کلورو تیزاید میباشد .

درمان عوارض: ۱- هیپو پتاسیمی کلورو رید و پوتاس روزی سه بار هر دفعه یک الی دو گرام تجویز میگردد بعقیده بسیاری از مصنفین اگر بیمار قلبی است و دیژیتال میخورد باید پتاسیم را بطور پیشگیری مصرف کرد و گر نه استعمال آن بطور معمول چندان لزومی ندارد مخصوصاً در اشکال جدید پتاسیم دار .

۲- هیپر اوریمی : از اسپرین و بنمید *Benemid* استفاده میشود .

۳- اجناس آزوت : مایعات زیاد باید مصرف شود اگر آزوتیمی بالا رفته و پائین نمی آید باید دوا را کم یا اصولاً قطع کرد .

۴- ناراحتی های هضمی معمولاً موقتی است و رفع میگردد در غیر اینصورت از دواهای مسکن و ضد اسپازم مثل بلا دونال استفاده میشود . باید دانست که با عوض کردن نوع دوی تیزاید این عارضه مرتفع خواهد شد .

۵- پور پورای جلدی و سایر عوارض خونی مستلزم قطع فوری درمان میباشد .

نکاتی چند در مورد درمان با دواهای دسته تیزاید : بانتهای حاصله از

در مان مریضان با دواهای این دسته ثابت شده که این دواها به تنهائی میتوانند باعث سقوط فشار خون حتی با مقادیر پائین تر از طبیعی بشوند، جای تردید نیست که ضایعات خفیف یا متوسط کلیه از شدت تاثیر این دواها میکاهد . نکته دیگر این که اثر این دواها بر روی فشار سیستولی بیشتر است تا فشار دیاستولی . از نظر نوع دوا هیدرو کلورو تیزاید و کلورو تیزاید در نسبت دفع پتاسیم و سدیم ادرار باهم اختلاف دارند و بعلاوه شدت سمومیت و عوارض همانطوریکه ذکر شد در نوع هیدرو کلورو تیزاید کمتر است برای جلوگیری از عوارض دوائی در نزد اشخاص مسن بهتر است مقدار دوا در هفته اول به نصف تقلیل یابد و در کسانیکه به سولفامیدها حساسیت دارند باید آنها را با احتیاط تجویز نمود . زیرا از نظر فارمول کیمیای با سولفامیدها قرابت دارند .

در اشخاصیکه رژیم بی نمک دارند ممکن است سندروم دفع نمک مشاهده گردد . در مورد مسئله هیپوپتاسیمی چند نکته را باید در نظر داشت :

الف : سمومیت با دیژیتال در بیمارانی قلبی شیوع زیادتری دارد .
ب : در بیمارانی قلبی که نارسانائی عم دارند هیپوپتاسیمی باعث تسریع در ایجاد آریتمی قلبی میگردد لذا درین بیمارانی مقدار پتاسیم سیروم را باید کنترل کرد .

ج : هیپوپتاسیمی مزمن ممکن است تولید ضایعات کلیوی را سبب شود گرچه این ضایعات در ابتدا قابل برگشت هستند ولی بعداً دائمی خواهند شد .

۴- هیدر ازینوفتالازین و ترکیبات آن : در بعضی از بیمارانی فشار خون به علت ترشح موادی است که از کلیه ایسکمیک در خون ترشح میشود . این مواد از نظر کیمیای شبیه امین های محرک اعصاب سمپاتیک (نور آدرنالین و غیره) می باشند

و اثر آنها بر روی عضلات صاف عروق یا روی صفحه مجر که عضلات میباشد حال اگر بتوان بتوسط مواد کیمیای دیگری که از نظر عمل ضد این مواد شبه امین می باشند آنها را خنثی کرد میتوان ادعا کرد که بدینوسیله میتوان فشار خون را هم پائین آورد .

سردسته دواهای شیمیائی ضد مواد امین هیدرازینوفتالازین است که باعث خنثی شدن فرنتازین *Phrentazine* و بسیاری دیگر از امین های اولیه بجز تریپتامین *Tryptamine* میگردد . هنگامیکه این دواها بمقدار زیاد تجویز شوند روی عامل عصبی فشار خون هم که توسط شبه امین های فوق در پلکس موتریس ایجاد انقباض عروقی میکنند موثر میگرددند .

هیدرا لازین و ترکیبات مشابه بر خلاف سایر مواد در حالیکه باعث پائین آوردن فشار خون میشوند جریان خون و پلاسمای کلیه را کم نمیکنند و برعکس باعث ازدیاد جریان خون کلیوی میگرددند و بدین ترتیب عمل دیگر این دوا عبارت است از برطرف نمودن کم خونی بطور نسبی است . این دوا بیشتر بصورت کلورید رای هیدرا ازینوفتالازین مصرف میشود و در سال ۱۹۴۶ در طی تجسسات مواد ضد مالاریایی کشف شده است دوا به صورت خوراکی مصرف میگردد و در تجارت بنام آپرزولین *Apresoline* معروف است و بصورت قرصهای ۱۰ ، ۲۵ و ۵۰ میلیگرم در دسترس میباشد . مقدار درمانی بطور متوسط بین ۴۰ تا ۳۰۰ میلی گرام است . مقدار شروع درمان در هفته اول ۲۵ ملی گرام دوبار در روز است که به تدریج بآن افزود میگردد . با پیدایش عوارض دوائی باید مقدار دوا را کم کرد . دواهای ضد هستا مینی درین موارد مؤثرند . امروز عقیده بر این است که به علت عوارض حاصله نباید تداوی را ابتدا با این دوا شروع کرد بلکه ابتدا باید بمدت چند هفته درمان با روفنیا ،

دیور تیکهای تیاژید و گانگلیو پلژیک ادامه یابد و سپس درمان با هیدرالازین شروع گردد . بدین ترتیب میتوان از پیدایش عوارض تا حدود زیادی جلوگیری کرد .

درمان ترکیبی با سایر دواها :-

چنانچه بعداً در روش بکار بردن وسایل در مانی خواهد آمد اشتراك این دواها با سایر دواهای پائین آورنده فشارخون از قبیل دیورتیکهای تیاژید نتایج بسیار خوب و درخشانی در فشار خون های متوسط داده است زیرا مقدار مصرف هر دوا به نسبتی پائین می آید و از عوارض دواها نیز کاسته می شود . بطور کلی میتوان گفت که ۹۰ فیصد مریضان فشار خونی با کلوروتیازید تنها و یا مجموعه آن و تیدرالازین بخوبی تحت کنترل قرار میگردد .

عوارض : ۱- عوارض زود رس و غیر خطرناک شامل : سردرد ، طپش قلب ، تند شدن ضربان قلب ، سرخ شدن ، احساس طعم نامطبوع ، خشکی دهن ، اضطراب و نگرانی ، خمودگی تهوع و استفراغ می باشد .

۲- عوارض زود رس و شدید عبارتند از تشدید نارسائی کرونر ، ورم پا ، ساق تمب و لرزه ، پسیکو ز سمی و هذیان .

۳- عوارض دیر رس و شدید عبارتند از درد و سختی عمومی عضلات سندروم روماتوئید و ریواسیونهای کلاژن بصورت شبیه روماتیسم مفصلی یا شبیه لپوس همراه با تغییرات خونی مربوطه که بنام بیماری هیدرا لازین نامیده میشود این دسته عوارض با مقادیر بیشتر از ۳۰۰ ملی گرام در روز دیده شده و به علت مسمومیت از دوا است .

تداوی عوارض : ۱- در مورد سردرد ، طپش قلب ، تندی ضربان قلب سرخ شدن ، تهوع و استفراغ اگر چند روز قبل از شروع در سان روفنیا یا دیورتیکهای تیاژید مصرف شده باشد

میتوان اصولاً مانع پیدایش این عوارض شد ولی در صورت ظهور می توان از لومینال و دواهای ضد هستا مینی استفاده کرد .

۲- عوارض دسته دوم و سوم مستلزم قطع فوری درمان میباشد .

۵- گانگلیو پلژیکها : با کشف این نوع دواها درمان فشار خون وارد مرحله نوینی میشود و تحولی در آن ایجاد می گردد درین قسمت برای درک بهتر اثر این نوع دواها تقسیم بندی و فارماکو دینامی آنها را شرح میدهم . میدانیم که جریان عصبی (الکتریکی کار) وقتی بانتهای رشته های پیش عقده ای رسید استیل کولین ترشح میکند ایجاد که باعث دپولاریزاسیون سلولهای عقده ای میگردد و در نتیجه موج عصبی جریان کار در رشته های پس عقده ای میشود ، بطور طبیعی این حالت ۱۰۰- ۴۰۰ هزارم ثانیه بیشتر طول نمی کشد زیرا پس ازین مدت استیل کولین خنثی میشود (بوسیله کولین استراز) درین موقع غشأ سلول عقده ای مجدداً تحریک پذیر میگردد ، دواهایی را که مانع انتقال موج عصبی در سیناپسهای عقده میشوند ، دواهای گانگلیو پلژیک یا فالج عقده ای می نامند ، گاهی لازم میشود که اعمال در سیستم متضاد سمپاتیك و پاراسمپاتیك را کنترل و بین این دو کسه بایستی تعادل برقرار باشد ، این تعادل را حفظ کنیم ، این عمل با دواهایی گانگلیو پلژیک میسر است .

تقسیم بندی : چون قسمتی از گانگلیو

پلژیکها در مورد فشار خون - مصرفی ندارند در تقسیم بندی فقط نام از آنها میبریم و درینجا از دواهایی بیشتر صحبت خواهیم کرد که در فشار خون مؤثرند .

۱- فالج های نیکوتینی : این دسته از دواها در مرحله اول موجب تحریک عقده های خود کار و در مرحله بعدی موجب وقفه و فالج آنها میشود ، مهمترین این دواها عبارتند از نیکوتین ، لوبلین و اسیتل کولین را نیز میتوان جز این دسته بحساب آورد .

مريضی که از حرارت

(بقیه صفحه ۴۷)

معروض در جات مختلف حرارت و خدمت شاقه می گردد، می تواند خود را طور تدریجی به آن آموخته بسازد زمان انطباق نمودن به شرایط حروری يك زمان قاطع بوده و به وضع صحیح کدام ارتباط بزرگی ندارد. گرچه ناگفته نباید گذاشت که وجود های سالم و مقاوم زودتر به این وضع منطبق می گردند. انطباق گردانیدن با شرایط گرمی بواسطه معروض ماندن شخص در مقابل گرمی برای يك هفته دوام نموده ولی شدت آن در روز های اخیر هفته بیشتر می گردد. اشخاصیکه در مقابل حرارت بصورت غیر نورمال نقطه ضعیفی را دارا می باشند زمان اضافه گی برای انس گرفتن آنها داده می شود.

پس بخاطر خود شما و آن نفرهائیکه باشما کار و یا خود پرواز می نمایند باید در خصوص اعراض این تکلیف و معالجه آن صاحب معلومات باشید و هم لازم است بدانید که از شیوع و پیشرفت این مریضی در مرحله اول چگونه جلوگیری باید شد. گویا به فحواي مقوله « آنانیکه قبلاً ایقاظ میگردند قبلاً مسلح گردانیده شده اند » می باید همواره با ظهور این امراض و طرز تدای آن پیش از پیش خود را آشنا بسازید.

۶-۵ ساعت نیز از بین می رود. بعلمت ایجاد برو میسوم وید یسم بهتر است از ملح کلورور استفاده کرد. عوارض نقصان شدید فشارخون یعنی کولاپس محیطی و سنکوپ، اجتناس ادرار، نقصان فشارخون ایستاده، اختلال ریه، تهوع و استفراغ فلج روده و بالاخره ناتوانی جنسی است در بیماریهای ارتروی اسکلیروز و هیپو گلیسمی انسولین از استعمال آن باید خودداری کرد. هنگام استعمال این دوا مریض باید در حالت خوابیده بمدت ۲-۳ ساعت باشد. (پایان)

این دوا در مریضان فشارخونی بعضاً مرگ دیده است.

۲- انبساط عروق کرونر ۳- ضد زخم معده (وقفه در ترشحات معده).

مقدار و طریقی استعمال: داخل وریدی ۰/۲ تا ۰/۵ گرم (CC ۲/۵ محلول ۱۰ درصد) عوارض جانبی آن عبارت است از اثر کوراری، نقصان فشارخون در وضعیت ایستاده که گاهی موجب سنکوپ می شود. باین جهت بهتر است در وضعیت خوابیده تزریق گردد. بنتامونیوم، و هکزامونیوم این ترکیبات دارای اثرات

مشابه تتراسیتیل امونیوم هستند باین تفاوت که مدت اثر هکزامونیوم طولانی تر و عکس العمل نسبت باین دوا کمتر است بنابراین در طبابت موارد استعمال بیشتری دارد. خواص فارماکودینامی: اثر این دوا بر اساس جلوگیری و وقفه انتقال عصبی در سینا پس عقده های سمپاتیك و پاراسمپاتیك است. در فلج عقده های سمپاتیك باعث اتساع عروق محیطی، عدم ترشح ادرنالین، عدم ترشح عرق و در فلج عقده های پاراسمپاتیك خشك شدن مخاطها، تسرع قلبی و نقصان حرکات معده و روده ظاهر میشود. موارد استعمال: بعنوان دواي پائین آورنده فشارخون، بعلمت ایجاد اتساع عروق محیطی در بیماریهای عروق محیطی مانند کرونوسیتوز، ترمبولیت، و بیماری ریثو و ترمبو آرتریت او بیلترانت مصرف دارد در سندروم شوک ادرنالین کم کردن حرکات معده و روده و درمان زخم معده.

مقدار و طریقی استعمال: با شکال نادرتر است بر مور، یدورو کلورور مصرف میشود.

از راه دهن ۰/۵ تا ۲ گرم حتی تا ۲ گرم در روز نیز مصرف میشود. بهتر است شکل تحت جلدی تزریق شود مقدار آن ۵ فیصد تا ۰/۱۰ گرم حداکثر تا يك گرم میتوان مصرف کرد.

در تزریق تحت جلدی حداکثر اثر بعد از چند دقیقه ظاهر شده و بمدت يك تا يك ساعت و نیم طول میکشد و پس از

۲- فالج های عقده ای رقابتی یا ضد نیکوتینی: که بر اساس رقابت با استیل کولین در تثبیت اصلی غشاء سلول و رفع دیپولاریزاسیون مانع تأثیر استیل کولین و لذا عدم انتقال موج عصبی میشود و ازین دسته مشتقات امونیوم، مشتقات متونیوم و کورار قابل ذکر است.

۳- فالج های عقده ای ضد ترشحي: که مانع از تولید و ترشح استیل کولین متوسط انتهای اعصاب پیش عقده ای میشود و اینها از همان ابتدا موجب فلج عقده ای میشوند، مانند بیچس کننده های موضعی.

دواهای گانگلیو بلوژیک موثر روی افزایش فشارخون:

الف- ترکیبات امونیوم: از ترکیب یدور میتیل با استیل امینی موسوم به تترامیل امونیوم بدست می آید که ترکیب امونیوم است و خاصیت نیکوتینی دارد ولی یدور تتراسیتیل امونیوم عمل فالج عقده ای ضد نیکوتینی را دارا است.

۱- تتراسیتیل امونیوم: اثرات فارماکودینامیک: ۱- فلج عقده های سمپاتیك عروق: باعث انبساط عروق محیطی و در نتیجه پائین آمدن فشارخون شریانی میگردد فشار وریدی را نیز پائین می آورد ضمناً برافروختگی پوست و افزایش جریان خون در اعضا را باعث میشود، مقوی عضله قلب (حذف تسرع قلبی و بطأئت قلبی) عدم ترشح ادرنالین و حذف دردهای احشائی عمقی را نیز میتوان ذکر کرد.

۲- فالج عقده های پاراسمپاتیك: حذف برادیکار دی یا بطأئت قلبی؛ کم کردن ترشح معده (نقصان حرکات و تخلیه).

۳- اثرات محیطی: اثر مختصر روی انتهای رشته های ما را سمپاتیك پیش عقده ای دارد.

موارد استعمال:

۱- برای انبساط عروق محیطی در افزایش شریانی (موجب تسکین سردرد در ۲ دقیقه میشود). متعاقب تزریق

دسپلین

و سلاح جدید

تتبع و نگارش
تورن دیپلوم انجینر
محمد اکبر مقصودی
از قوای هوایی

با تکامل اردو های امروزی و مسلح شدن آنها به تکنیک عصری استحکام ، دسپلین و انضباط عسکری ضروریست
ضمناً سلاح جدید و تکنیک عصری با خصوصیات حربهای امروزی وجود دسپلین عالی را ایجاب میکند . البته مرام
ما دسپلینی است تا به اساس آن افراد نظامی از عهده کار های مشکل برآمده بتوانند ، هر چیز را دانسته و فهمیده

استعمال کنند ، همیشه در مقابل دشمن
آماده به حرب باشند ، تمام آلات و وسایط
حربی را قسمیکه ایجاب می کند بکار برده
بتوانند در زمان حرب اراده آهنین
و از خود گذری داشته باشند ، بصورت
آنی جز و تمام های اردو را طور موثر سوق
و اداره نمایند و بالاخره دسپلینی مستقر باشد
تا به اساس آن هر فرد اردو رویه و رفتار
خوب و پسندیده را خط مشی خود قرار داده
شخصاً خود را بطرف مرام عالی هدایت
نمایند به نظر اول اگر مشاهده کنیم
افراد و صاحب منصبان عسکری که
دارای عین تحصیل بوده و تحت یک
شرایط مشترک تربیه شده اند باز هم
رویه و رفتارشان در اجتماع و بداخل
اردو یکسان نبوده بعضی از آنها بداخل
چو کات دسپلین ولی برخی خارج
از مقررات و نظامات عسکری قرار
میگیرند .

بصورت عمومی عدم مراعات
دسپلین و قوانین عسکری را بطور
مختصر تحریر می دارم :

۱- عدم مراعات قواعد و مسئولیت
در زمان اجرای وظایفی که شامل آن
تمام جرائم و بی دسپلینی مربوط به استعمال
تکنیک و سلاح حربی است .

۲- عدم مراعات نظم و ترتیب کار
در جریان وظایفی که قوانین و نظامات
عسکری بداخل و خارج وظیفه ایجاب
میکند .

۳- عدم مراعات انتظام از طرف
مادون ها که عبارت از رفتار نکردن
به قوانین ، سرکشی و مناقشه از اوامر
قوماندانان و خشونت داشتن نسبت
به آنها .

۴- عدم مراعات مورال و اخلاق
که شامل آن فریب دادن قوماندانان ،
رفتار نامناسب در اجتماع ، تخلیل رفتار
استعمال مشروبات الکولی ، مسکرات
استعمال کلمات فحش و دشنام ، ناقص
بودن یون و فرم .

۵- از وظایف دور شدن و بدون
کدام عذر معقول وظیفه را ترک گفتن .
اکنون که عدم مراعات دسپلین
تا اندازه تشخیص گردید باید بدانیم
که علل آن چیست و چرا بی دسپلینی
و بی انضباطی بداخل قطعات و جزو تاسمهای
عسکری بوجود می آید .

۱- ناهمپی ، جنبه های منفی خصات
و مزاج ، عادات ناشایسته و مضر .
۲- نارسائی های تربیه کننده
(قوماندانان) .

۳- عدم سختگیری و مشکلتراشی
قوماندانان در حصره مادون های
بی دسپلین .

۴- عدم موجودیت قوانین نافذ
بداخل قطعات و جزو تاسمهای عسکری .

۵- انحراف از تطبیق دسپلین یعنی
شخص بی گناه و بی غرض را به عوض

یک شخص گناه گار و مجرم جزا دادن
و اندازه جزارا درست تعین نکردن
(تاجائی که دیده شده تعین جزا نظر
به اندازه گناه کارمشکلی بوده تنها
قوماندانان لایق و باتجربه از عهده
این کار برآمده می توانند)

۶- عدم موجودیت مکافات
و مجازات به اشخاص مستحق
و بی دسپلین .

۷- امراض روحی و ضعف اعصاب
داشتن .

۸- وجدان و ایمان ضعیف داشتن
و در مقابل منفعت شخصی از همه
اوامر خدائی و قوانین اجتماعی گذشتن .
اگر خوب تر دقیق شویم علل اکثر
نارسائی ها و بی دسپلین های افراد نظامی
و بصورت کلی نوع بشر نادانی و
بی سوادی است ، روبرو من والن
در کتاب خود بنام (بیسوادی در جهان)
مینویسد :

(اگر یک کشور در حال رشد تعداد
افراد تربیت شده خود را چند برابر
کند این افراد موجب تغییراتی خواهند
شد .)

به تجربه ثابت شده که از جمله ۲۰۰
جرمی که در یک وقت معین صورت
گرفته تقریباً نصف آن از سبب نادانی
و عدم آشنائی به مسئولیت بوده و ۵۰
جرم آن که ناشی از عدم مراعات دسپلین

است از سبب نارسائی های تربیه کننده (قوماندان) و متباقی عالمیست که قبلاً ذکر شد .

از طرف دیگر بوقوع پیوستن جرائم و بی دسپلینی بالذات مربوط به ماهیت و شخصیت هر فرد است یعنی یک شخص تا کدام اندازه و طبقه خود را بداخل اجتماع وارد و درك کرده و تا کدام اندازه آرزو ها و خواهاشات خود را به مفاد اجتماع و وظیفه حقیقی انسانی تابع ساخته است ، طبعاً هر انسان با شعور و با منطق نه تنها برای خود بلکه برای اجتماع و ترقی وطن خود زندگی میکند و آنچه بمفاد خودش و نقص اجتماع تمام شود خیر اجتماع را از خیر خود مقدم می داند .

ارستو در باره تعریف انسان ، میگوید : (انسان یک حیوان ناطق و اجتماعی است که از سبب اخلاق خود از حیوانات تشخیص می شود) .

علاوه از ماهیت و شخصیت هر فرد خصوصیات پسکو لوژیکی او نیز تابع علمی است که از جنبه های منفی خصلت و اراده ضعیف تظاهر می کند ، ظهور خصائص منفی نیز مختلف است .

۱- صفات منفی کارا کتر و مزاج شخصی : کم علائگی به وظیفه ، بی اعتنائی به آنچه قوانین تقاضای کند عدم مسؤلیت وجدانی به وظایف ، خشونت داشتن تکبر و خود پرستی ، توجه نداشتن به نظریات و عقاید اجتماع و مردم ، بی ثباتی عصبانیت ، لجاجت ، اوامر را بزودی اجرا نکردن .

۲- اراده ضعیف : اصرار نداشتن و متردد بودن ، هیچ کاری را به آخر نرسانیدن ، به وظایف روزمره غیرفعال اقدام کردن ، اعمال زشت و نامعقول را بزودی گرفتن ، بزداسی و ترسو بودن .

۳- عدم پایداری : در وقت اوامر دادن و سخن گفتن کاملاً افکار خود را متمرکز نه ساختن .

طوری که دیده شده تاثیر کارا کتر و اخلاق ناشایسته زیاد تر علت بی دسپلینی و بی انضباطی میشود ، زیرا که اخلاق

و کارا کتر خط مشی هر انسان را تعیین می کند چنانچه به تجربه ثابت شده که ۴۰ فیصد بی دسپلینی افراد نسبت نداشتن اخلاق و کارا کتر عالی بوده است . چیز دیگری که توجه ما را جلب می کند ضعف اراده است و از همه تعجب آور اینست با وجودیکه بعضی اشخاص جنبه های منفی و عادات زشت خود را درك کرده می توانند متأسفانه قادر به اصلاح خود نمی باشند .

ناگفته نماند برای اینکه عادات نا مطلوب و زشت به آسانی تترك شده بتوانند لازم است که :

الف : بعضی عادات سابقه عادات جدیدی را اتخاذ نمایند ، مثلاً برای اینکه از نوشیدن مشروبات و یا کشیدن مسکرات اجتناب کرده باشید باید نوشیدن شربت و یا استعمال چاکلیت را برای خود عادت بدهید .

ب : از جمله نقصان و یا تاوانی که از عادات نا مطلوب به شما پیش میشود باید همان نقصی را همیشه بخاطر داشته باشید که از آن هراس دارید ، مثلاً اگر شما برای پسر خود توصیه میکنید که با استعمال از کشیدن سگرت دست بکشد باید ضرر هائی را برای او تلقین کنید که نمیخواهد دچار آن شود ، طبعاً اگر شما بگوید توسط سگرت رنگتان زرد شده و علاوه بر آن در مسابقات سپورتی بخوبی اشتراك کرده نمی توانی بهتر موثر است نسبت به اینکه از خطر پیداشدن مرض سرطان او را توییح و توصیه کنید زیرا که یک جوان سالم بیشتر از مریضی به قشنگی و زیبای خود علاقمند است .

عادات نا مطلوب مستقیماً باعث بی دسپلینی می شوند . چنانچه تجارب نشان میدهد که ۲۵ فیصد بی دسپلینی افراد جدیدالورد به اردو عادات نا مطلوب از قبیل گفتار اضافی ، بی تنظیمی و بی فکری میباشد .

عللی که به اساس آنها وظایف محاربوی از قبیل پرواز ، انداخت ، بمب اندازی و غیره بصورت صحیح اجرا شده نمیتوانند (و حتی بعضی

اوقات باعث شکستن ، تصادم ، خرابی و دیگر حوادث غیر مترقبه می شود) عدم آمادگی و احضارات پرسونل مربوطه شناخته شده است .

برای اینکه وسایط حربی امروزی از طرف پرسونل موظف بصورت صحیح و اطمینانی استعمال شده بی دسپلینی رخ ندهد باید شرایط تعلیم و تربیه و بلند بردن سویه علمی افراد و صاحب متصبان اردو فراهم گردد . تعلیم و تربیه افراد و جزو تانها ضروریست از اینکه مستقیماً وسایط تخنیککی و سلاح حربی را استعمال می کنند ولی تعلیم و تربیه قوماندانان برای اینست که نظر به قدرت و استعداد پرسونل وظیف را تقسیم کرده و نتیجه خوب تری گرفته می تواند .

ناگفته نماند علاوه از دانستن تخنیکک حربی آلات و وسایط ، و غیره مواد ضروری که در زمان استعمال تخنیکک و سلاح حربی لازمی است باید تهیه شود . مثلاً برای اینکه یک گروه پیلوتان احضار شده بتوانند علاوه از تعلیم و تربیه نظری بداخل درسخانه باید پرواز های تمرینی و محاربوی بالای شان اجرا گردد تا در شرایط مختلف شب و روز ابر و بارندگی وظایف محاربوی را اجرا کرده بتوانند اما اگر پروگرامهای نظری از سبب عدم موجودیت شرایط تدریسی و مشق و تمرین های عملی نسبت نبودن مواد سوخت موافق پلان پیش بینی شده اجرا نگردد در نتیجه پیلوتان مذکور در وقت محاربه بالمقابل دشمن جنگیده نخواهند توانست . خصوصاً در حربهای امروزی فتح تنها و تنها به اشتراك و همکاری تمام قوای حربی از قبیل قوای زمینی ، بحری ، هوایی و کاز میکی کمائی شده می تواند و در غیر آن جزو تانهای صنوف مختلف وظایف خود را انجام داده نخواهند توانست .

بنا برین در حربهای امروزی ترقی و تکامل تئوری حربی و استعمال آن در صحنه عمل اهمیت زیاد دارد .

از اینکه تا کدام اندازه تئوری حربی تدریس شده و تا کدام اندازه در صحنه عمل بکار برده شده فعالیت و موفقیت اردوهای امروزی را در آینده پیش بینی کرده می‌توانیم .

چیز دیگری که بالای دسپلین تاثیر دارد تعلیم و تربیه خود بخودی است که هر فرد بالذات در اصلاح عادات و روش خود اقدام می‌کند. در عین زمان تعلیم و تربیه خود بخودی مردم را متوجه خواهشات و آرزوهای عادلانه و غیر عادلانه دیگران ساخته می‌تواند. طوریکه اگر تقلیدات و انتقادات بسوی جنبه‌های مثبت موجود باشد باز همه تعلیم و تربیه خود بخودی دو مرتبه و حتی سه مرتبه سریع تر می‌شود تا بالاخره باعث تحول و رشد جامعه میگردد. قراریکه تجربه کرده اند تعلیم و تربیه خود بخودی بعضاً از صنوف ۴-۷ و اکثر آ از صنوف ۷ الی ۱۰ شروع می‌شود. تعلیم و تربیه خود بخودی مربوط به علل زیادی است که از جمله سوئه آگاهی و تمایل به پیشرفت را نام برده می‌توانیم تعلیم و تربیه خود بخودی برای اشخاص مسن یک حادثه تصادفی بشمار میرود زیرا که از یکطرف باز دیاد سن تکبر و خود پرستی شان زیاد میشود و از طرف دیگر نسبت نداشتن سوئه آگاهی و تفکر صحیح تصمیم درست گرفته نمی‌توانند. واضح است که تدابیر صحیح از تصمیمات درست و تصمیمات درست از قضاوت های درست و قضاوت های درست از تعلیم و تربیه و اطلاعات گوناگونی که در جریان زندگی بدست آورده اند سرچشمه میگیرد.

قراریکه در بالا ذکر شد دسپلین مربوط به اجرای پلان تدریسی است . پلان و احضارات! تدریسی باید طوری تعیین و ترتیب شوند که علاوه از بلند بردن سوئه درسی و سوئه جهان بینی انضباط و دسپلین بداخل قطعات و جزوات های عسکری قایم گردد.

از جمله مشکلات تدریسی (لکچر مذاکره، دروس عملی، امتحان و غیره) تسلسل خیلی اهمیت دارد یعنی پلان تدریسی باید طوری تطبیق گردد که مستقیماً در عملی ازان کار گرفته شود و هم شروع دروس باید از آسان بطرف مشکل باشد تا بصورت صحیح پروگرام تطبیق و متعلمین به اندازه مستفید شده بتوانند .

در خاتمه می‌خواهم مسئولیت های قوماندانان را در حصه تطبیق و برقراری دسپلین شرح دهم !

۱- برای اینکه قوماندانان از اخلاق، کاراکتر، روش و استعداد پرسونل

ابتکار تازه

تحت البحری‌ها

خوردن غذا در ژرفای ۱۵ تا ۲۰ متری تحت البحری در حال تماشاى حرکت ماهی‌ها و حیوانات دیگر دریائی از پشت شیشه و پنجره‌های ویژه لذت خاصی دارد .

این کار در آینده نزدیک برای علاقمندان امکان پذیر خواهد بود. اینک کار شناسان دریائی و کسار شناسان رستورانهای شوروی دست بدست هم داده و نقشه ساختمان یک رستوران تحت البحری عجیبی را تهیه کرده اند .

برای ورود باین رستورانها نیازی نیست که مشتریان لباس شنا بپوشند بلکه با استفاده از اسانسور ویژه با کرتی و پتلون معمولی وارد رستوران میشوند نخستین تحت البحری درسوجی واقع در کنار دریای سیاه ساخته خواهد شد و گنجایش ۲۵۰ تاسیصد نفر را خواهد داشت

خود آگاه شده بتوانند باید در باره زندگی و مشغولیت های انفرادی آنها اطلاع حاصل کنند یعنی هر پرسونل خود را از نزدیک شناخته باشند .

۲- قوماندانان باید دائماً با معاونین رئیس ارکان و غیره ضابطان قرارگاه تماس داشته در زمان اتخاذ تصمیم مشوره نماید .

۳- او امریکه قوماندان برای پرسونل خود می‌دهد باید قبلاً امکان اجرای آنرا سنجش کرده باشد و اگر کدام ممانعتی موجود باشد بزودی رفع گردد .

۴- قوماندان تمام احتیاجات مادی و معنوی پرسونل خود را از قبیل مسکن، خوراک، پوشاک، کتابخانه، وسایط تدریسی و غیره را احضار نماید .

۵- او امریکه قوماندان به پرسونل خود ابلاغ میکند باید بصورت خصوصی و یا عانی تعقیب گردد تا از یکطرف امر قیمت پیدا کند و از طرف دیگر پرسونل بی علاقه نمانده ضعف دسپلین برایش پدیدان شود .

۶- قوماندان با تمام پرسونل خود صمیمیت داشته و به اصطلاح کلید قلب هر یکی از آنها را بدست داشته باشد به این حساب گفته می‌توانیم که قیمت و ماهیت یک قوماندان در یک محیط نظربه رضائیت و عدم رضائیت پرسونل و مادون های او تعیین شده میتواند .

۷- قوماندان به شکایت‌ها و مراجعت های تمام پرسونل خود گوش داده بزودترین وقت اجراءات نماید و یا برای شان قناعت بدهد .

توجه تمام قوماندانان و صاحبان منصبان اردو در حصه تحکیم و تطبیق دسپلین عصر ما ضروریست زیرا که هیچگاه قوماندانان و یا پرسونل مربوطه بدون همکاری و معاونت جالبین به تنهائی کاری کرده نخواهد توانست . بنابراین با تکامل تخنیک تکامل دسپلین ضروریست .

شمنو زند گان

مسافر در مهتاب گرفته را
 کوفت و گفت: «آیا کسی اینجا هست؟»
 و اسبش در خاموشی
 علف زمین جنگل پر خزه را میجوید
 و بالای سرش مرغی از کنگره برج
 پرواز کرد
 بار دیگر مسافر در را کوفت .
 پرسید: « آیا کسی اینجا هست؟ »
 ولی هیچکس پائین نیامد که در بروی
 مسافر بگشاید

هیچکس از لبه برگ پوش پنجره
 سرخم نکرد تا در چشمه آن خاکستری او
 که پابر جاو حیران ایستاده بود بنگرد
 تنها گروهی از اشباح گوش بزنگ
 که آن زمان، خانه متروک را انباشته
 بودند
 در آرامش مهتاب بصدای که از دنیای
 آدمیان می آمد،

گوش فرا دادند .
 در سایه روشن مهتاب ، روی پلکان
 دهلیز خالی
 تنگ تنگ برهم چسبیده بودند
 و درهوائی که از ندای مسافر تسک و تنها
 بجنب و جوش افتاده بود .
 سراپا گوش شدند .

و مسافر در دل خود ، غربت آنانرا
 دریافت
 خاموشی آنان پاسخ فریاد او بود .
 و اسبش همچنان زیر آسمان پرستاره
 و برک

در چمن تاریک میچرید
 باز نا گهان در را کوفت و اینبار
 محکم تر کوفت و سر بالا کرد و گفت :
 بانان بگوئید آمدم و کسی جوابم نداد
 و من بعهده خود وفا کردم
 گرچه هر کاهه ای که بر زبان میراند
 از تنها دهانی که بیدار مانده بود
 بیرون میافزاد

و درون تیرگی خانه خاموش می پیچید
 ولی هیچ جنبشی بگروه شمنو ندگان
 دست نداد

صدای پایش را در رکاب
 و بر خورد نعل را بر سنگفرش شنیدند
 و چون ولول سم ها فرونشست
 خاموشی نرم نرم فضا را گرفت



دخا وری میا ندوی

دبریدن محمد عارف (تسل) لیکنه

دهر غلیم تهر نه ، تیرا و بیر لکه خنجر دی
 افغان محلمی عسکر دی
 دننگ اونام په مینه ئی بخار کړی مال اوسردی
 افغان محلمی عسکر دی

ولا لکه زمردی دی نه داریزی لسه هیچانه
 باران دمرد کیو که هم اوری لسه هر خوانه
 داخوی دسیر نو دی چه تیریری تل لسه مخانه
 یامری یا به دنیک نوم سره ووزی له میدانه
 زوزاد دغر نو دی چه دغومره پیر زپوردی
 افغان محلمی عسکر دی

دفاع دخپل ناموس کړی خوئی ساوی په بدن کښی
 ایمان ئی کاملیری په خدمت دگران وطن کښی
 پیخیری لکه غشی په لیمه دهر دښمن کښی
 ناری د(یاچار یار) ئی له خولی ئی په مخنکدن کښی
 هر څوک چه په دی لاره ئی په خدائیر و بختوردی
 افغان محلمی عسکر دی

پایسته توپنک په غاړه د برچی تیغ هم پری سپوردی
 دښمن ته ئی ښودلی لا پخوا د توری زور دی
 خدمت د خپل وطن ئی تل کښلی پر مخان پوردی
 همدی خاوری لوی کړی دی همدائی کور او گوردی
 په تینک عزم او همت دپښتونوالی لکه غردی
 افغان محلمی عسکر دی

په تورو خپ و شپو کښی لوړو غرو یو یو دا گو کښی
 ساره او که گرمی وی بی پرواوی په تنگسو کښی
 کفن گڼی جامی ، غوازی لحد په مرچلو کښی
 اول یا آخر مرگ دی نارینتوب پثانی جگړو کښی
 (تسله) ! په رښتیچه سر بازی دژوند جوهر دی
 افغان محلمی عسکر دی



در مرداب دورغ، غیر از ماهی‌های مرده چیز دیگری شناور نیست. «روسی»

کسی که فقط حقیقت را بگوید، يك اسپ تندرو هم لازم دارد. «ایرانی»

کسی که از حقیقت چیزی نداند، از دورغ هم چیزی نمیداند. «امریکایی»

بار و باه باید رو باه شد. «فرانسوی»

کسیکه به امید شانس زنده باشد از سالهای پیش مرده است. «فرانسوی»

کسانیکه شانس را راهنمای خود بدانند کورند. «ایتالیایی»

بدنبال برقی که در آسمان زده می‌شود ابر تیره را در انتظار داشته باش. «مجارستانی»

شانس اسلحه‌ای است که شیطان بدست ما میدهد. «یونانی»

عمر شانس با عمر يك گلوله برقی بر روی بخاری، یکی است. «سوئیدی»

بدنبال شانس ثروت است و در تعقیب آن نکبت. «فرانسوی»

زود ازدواج کردن اشتباه بزرگی است و تاخیر در این امر اشتباهی بزرگ تر. «فرانسوی»

هیچکس را وادار بدو کار مکن: جنگیدن و زن گرفتن. «عربی»

عروسی که مادرش تعریف او را کند برای دائیش خوب است. «ایرانی»

مهر به زن خوب یکدسته جاروب است. «چینی»

از گفتار بزرگان

بی اعتمادی به شخص خود علت بسیاری از ناکامی‌های ما است در اطمینان به خود داشتن قدرت نهفته است و کسانیکه هراندازه هم نیرومند باشند، هرگاه به خود و قدرت خویش ایمان نداشته باشند، ضعیف‌ترین مرد مانند.

خوشایحال کسانیکه چون میدانند در معرض تقلب احوال و واقعه خود را برای هر سرنوشتی آماده و مسلح میسازند. این صفت نادری است و بارنج فراوان میتوان آن را در مکتب حکمت آموخت، «ماسینگر»

چشم پوشیدن از عیبها و بخشیدن خطاهای دوست صفت بزرگ و شریفی است، باید در مقابل نقائص او پرده کشید و کمالات او را آشکار ساخت به خاموشی ضعفهای او را پنهان کرد و فضایل او را از پشت بام به همگان شناساند. (سوئ)

آزار و مزاحمت و پشامد های خشم‌انگیز را با صبر و بردباری و توکل به خدا و ضبط نفس تحمل کردن، از تسخیر يك شهر بیشتر عظمت دارد. «چ سیمونز»

هیچ مردی که قلب مردانه در سینه او می‌طپد، نمیتواند در راه خود بی آنکه دچار نومیدیهایی تلخ و جانکاه شود، چندان دور برود.

خوشایحال کسی که در این سفر چون بجائی برسد که «چندتنی و چشمه آبی و چند درخت نخلی» در آن هست پافرو کشد و همانجا آرام بگیرد. (براون)

کتر با میل تهور آمیزی میتوان به نتیجه‌ای رسید و بیشتر بادور اندیشی آرام و احتیاط آمیز چنین می‌شود. «تو کودیدس»

پروفیسور کم حافظه

پروفیسوری که به ضعف حافظه معروف و مشهور بود پشت میز صبحانه نشست و مشغول خوردن صبحانه شد. در این وقت خدمتکار او گفت:

— آقا... روزنامه صبح را مشاهده کرده اید؟

پروفیسور جواب داد:

— نه... مگر خبر مهمی دارد؟

— بله... خبر مرگ شما را چاپ کرده اند!

پروفیسور در حالی که لقمه‌ای بدھانش می‌گذاشت سری تسکان داد و گفت:

— عجب نهایه اسفناکی است. فراموش نکن بعد از ظهر که بخانه باز گشتم یاد آوری کن تلااقل دسته گلی بر سر قبرش بفرستم!!

راه چاره

خانم در حالیکه روزنامه‌ای بدست داشت وارد اتاق شد و روبه شوهرش کرد و گفت:

— چه بدبختی بزرگی!

شوهر سرش را بلند کرد و با تعجب پرسید:

— چه شده؟

زن با ناراحتی گفت:

— دیگر چه میخواستی شود...

مشهورترین سازنده «پودر» صورت دريك تصادف اتومبیل کشته شده، حالاً من چه خاکی ب سرم بریزم.. چکار کنم؟

شوهر باخونسردی جواب داد:

— اینکه خیلی ساده است عزیزم.

برای عزاداری يك کمی گرد ذغال به صورتت بمال!!

ابلی این خاصیت بد را دارد که آرزوهای آدمی را وسعت میدهد، در صورتیکه در همان حال از ظرفیت‌های او میکاهد. «سوئ»

بیلا نس نظامی

۱۹۶۸ - ۱۹۶۹

پیوسته بگذشته



طیارات نوع (HU-16A) و (UH-2D) که بطور عموم کشورهای امریکای لاتین از آن استفاده میکنند

نظامی با ایجاد اندک آرا مشش در اوضاع چین از شروع سال ۱۹۶۸ مجدداً آغاز گردید مجموع قوای بشری اردوی منظم چین به (۲۵۰۰۰۰۰) نفر تنظیم گردیده است .

معلومات عمومی :

نفوس : (۷۹۲۰۰۰۰۰۰) نفر

خدمت نظامی انتخابی : در اردوی زمینی از چهار تا پنج سال ، در قوای هوایی پنج ساله و در قوای بحری پنج تا شش ساله .

از آنجائیکه حکومت چین از سال ۱۹۶۰ به بعد بودیجه مصارقات خویش را نشر نکرده بناً دشوار است مصارف نظامی آنرا تخمین کرد . اگر نظریات امریکا که چین ۹ تا ۱۰ فیصد از عاید ملی خود را بمنظور دفاعی مصرف می کند قبول شود پس قرار محاسبه یکنفر دانشمند امریکائی از جمله تقریباً (۱۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰) بیان کل عایدات ملی در ختم سال ۱۹۶۶ برای سال مذکور اکنون بودیجه نظامی چین سالانه باثبات (۱۲۵۰۰۰۰۰۰۰۰) بیان مساوی (۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰) میلیارد دالر باشد یک دالر مساوی می شود به ۴۶ ، ۲۰ یان .

اردوی زمینی :

مجموع قوای بشری : (۲۵۰۰۰۰۰۰) نفر همراه باقشون انجنیران خطوط آهن .

هیدروجن مواد منفلقه از ترکیبات یورانیوم و پلاتونیوم به اندازه کافی موجود داشته باشند .

پروگرام راکت :

مشکل است پیشرفت چین را در مورد پروگرام راکت سازی اندازه نمود لیکن مرجع او لیکه روی آن میتوان پیشگویی کرد همانا مطبوعات چین است که یک تشکیل نظامی جدید را بنام قوای توپخانه دوم همراه با یونت های پرتاب راکت توضیح نموده بود . دشواهدی نیز موجود است که این قوا تقریباً در سال ۱۹۶۵ تشکیل شده و اظهارات مطبوعات چین نشان میدهد که تجهیز اردوی شان با اولین راکت های معیار کوتاه و متوسط به زودی امکان پذیر است و گمان میرود که ساختمان راکت های قاره پیمان نیز همراه با راکت های معیار متوسط در حال ساختمان باشد .

انکشاف چین در راه ساختمان راکت نظر به پیشگویی های ممالک غربی طی سال گذشته بصورت یقینی اندازه و تخمین نشده است .

قدرت بشری :

وظایف سیاسی زیادی که طی دو سال گذشته به قوای مسلح چین سپرده شده سکتگی را در استخدام افراد نظامی سبب شده است گرچه استخدام افراد

سلاح ذروی : گمان می رود که اختلافات سیاسی در برخی از سکتورهای پروگرام انکشاف سلاح ذروی چین سبب هسمانی شان در این راه گردیده باشد با آنکه این ساحه فعالیت قبلا از هرگونه مداخلت های خارجی تجرید شده بود ، هیچ گونه اعلامیه از طرف مامورین رسمی مبنی بر آزمایش سلاح ذروی در طول سال گذشته صادر نگردیده و این طویل ترین مدتی است که مقامات رسمی چین در آن از آغاز آزمایشات در سال ۱۹۶۴ تا کنون خموش مانده اند با آنهم مراکز زلزله سنج اروپائی در دسامبر ۱۹۶۷ یک انفجار کوچک رادر

چین ثبت نموده اند بر خموشی چین در این مورد مفهوم آنرا میدهد که ممکن چون در آزمایش خویش ناکام مانده باشد ساحه آزمایشات چین در سنکیانگ محلیکه تا هنوز در آن بحرانات سیاسی به نفع پیکنگ حل نشده واقع است .

گذشته از آن بحرانات اجتماعی و اقتصادی نیز بنوبه خود اجرای آزمایشات ذروی را ممکن مشکل تر ساخته باشد در صورتیکه مانعی در راه تولید سلاح ذروی چین عاید نگردیده باشد دستگاہ های ذروی ممکن در حال حاضر برای ساختمان ۷۰ بمب اتمی ۲۰ کیلو-تون و یکتعداد بمب های

اردوی زمینی مردم توده چین شامل ۱۱۵ خط لوا (برای مثال پیاده سواری ، زره‌نارو پراشوتی) سلاح و خدمات معاونه میباشد . در یک خط لوا ۱۰۶ لوای پیاده ، ۴ لوای زره‌دار ، ۳ لوای سواری و ۲ لوای پراشوتی شامل است .

دریک لوای پیاده چین در حدود ۱۲ تا ۱۴ هزار نفر و در لوا های زره‌دار - سواری و پراشوتی اندکی کمتر از تعداد افراد لوای پیاده شامل است . لوا های زره‌دار - سواری و پراشوتی تقریباً به غندهای مستقل جدا شده و هر غند به سکتور جدا گانه مؤظف ساخته شده است .

بر علاوه ۱۱۵ خط لوا ۲۰ لوای توپچی در اردوی چین موجود است که بطور عادی به غندهای جدا شده و بهر یک لوای پیاده یکی از این غندها داده شده است .

همچنان در اردوی زمینی چین پنج غند توپچی ضد تانک ، ۶۶ غند انجیری ، ۳۴ غند ترانسپورتی موتوریزه ، ۲ غند اشاره و ۱۱ لوای انجیران خطوط آهن نیز شامل است که ایشان در اردوی منظم توده مردم چین شکل قشون رسمی را دارند . علاوه بر یونتهای فوق در اردوی زمینی چین یونتهای سواری صحرا و کوآهنورد نیز موجود است .

وسایط ثقیله که در اردوی زمینی از آن استفاده می شود همانا وسایطی اند که قبلاً از طرف شوروی به چین داده شده و اینها عبارت انداز توپهای ثقیل ۱۵۲ ملی متری و - ۲۰۳ ملی متری و تانکهای ثقیل نوع 2 - J۵ میباشد . زره‌دارهای متوسط اردوی چین شامل انواع تانکهای T-34 و تانکهای T-54 که به اساس تشریح T-59 ساخته شده است می باشد ذخیره وسایط ثقیل انجیری صحرا و توپهای ثقیل اتوماتیک همراه با وسایط ترانسپورتی موتوریزه خیلی کم است در حالیکه وسایط رادار و وسایط

مخابراتی الکترونیکی چین خیلی ساده تر از ساخته های مدرن مما لک اروپای غربی و شوروی می باشد .

قوای زمینی چین با وسایط منظم حربی ساخت چین از قبیل سلاح پیاده ، آوان های خورد و متوسط ، دستگاه های پرتاب راکت ، تفنگ های بایس لگد کم و توپ های ثقیل و متوسط به اندازه مناسبی مجهز است . قوای پراشوتی چین شاید بیش از دو فرقه نباشد .

تقسیمات گروپی : چین به ۱۳ ساحه نظامی تقسیم شده که از اینجمله سه آن به سرحدات شمالی و غربی ، منگولیای داخلی ، سنکیانگ و تبت تعیین گردیده و مستقیماً از طرف حکومت مرکزی در پیکنگ اداره میشوند اداره قوای هوایی و بحری و همچنان قوای احتیاطی هر ساحه به قوماندان قوای منظم نظامی مربوط آن ساحه تعلق دارد . هر ساحه نظامی با ترتیب به دو یا سه منطقه عسکری منقسم شده است . گمان برده می شود که هر یک از این مناطق یک اردو متمرکز گردیده که جمعاً ۳۰ اردو را تشکیل میدهند . اردو بصورت عموم از سه لوای پیاده ، سه غند توپچی و در بعضی موارد یک لوای زره‌دار و یا سواری متشکل است (از اینکه در اردوی مردم توده چین بیش از چهار لوای مجهز زره‌دار موجود نیست بنأ یک یا دو لوای در پیکنگ و منچوریا بمنظور نمایش جای شده است) . به اساس تشکیلات فوق و بادر نظر گرفتن موضوع اینکه لواها

ممکن وقتاً فوقتاً نقل مکان نموده و به محلات متراکم فرستاده شوند تقسیمات جغرافیائی لواهای خط ممکن به ترتیب ذیل باشد :

تبت (کنترل مستقیم ساحه نظامی) : سه لوا .

سنکیانگ (کنترل مستقیم ساحه نظامی) : چهار لوا .

منگولیای داخلی (کنترل مستقیم ساحه نظامی) : چهار لوا .

در هر یکی از مناطق فوق در حدود دو تاسه لوای قشون سرحدی نیز شامل است .

منچوریا و پیکنگ (ساحه های نظامی شنیانگ و پیکنگ) : ۲۸ لوا .

به امتداد خط ساحلی از شان تونگ الی هانکائنگ (ساحه های نظامی سینان - نان کینگ و فوجو) که اساساً بمنظور

خطرات احتمالی از جانب تای وان مؤظف ساخته شده اند : ۲۸ لوا .

به امتداد خط آهن کانتون - ووهان (ساحه نظامی کانتون و ووهان) احتیاطی بمنظور حملات احتمالی از

طرف تای وان : ۲۵ لوا .

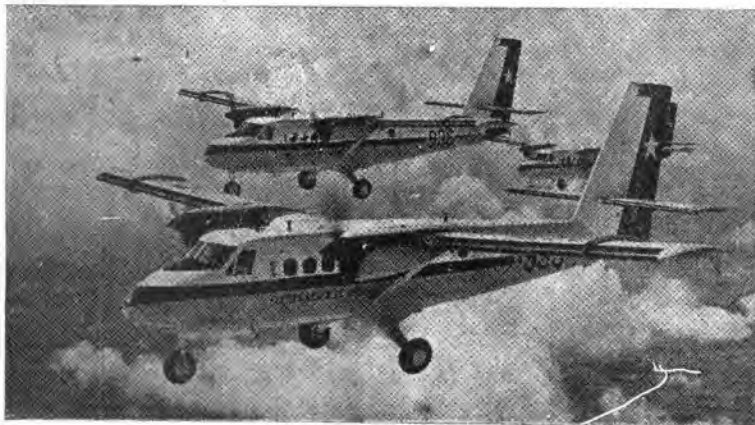
بالای جزیره های تان (تحت کنترل ساحه نظامی کانتون) : ۳ لوا .

چین غربی (ساحه نظامی لان چاو) : ۱۰ لوا .

زیچوان و یونان (ساحه های نظامی چنگتو و کنمنگ) : ۱۰ لوا .

دولوای انجیری راه آهن و دولوای توپخانه دافع هوا که تعداد شان به

۴۰ هزار نفر بالغ میگردد و در بعضی



طیاراتی که در حربهای امروزی ازان کار گرفته میشود

مواقع زیادتر می شود و درویتنام شمالی فعالیت میکنند شامل تقسیمات نوق نمی باشند.

قوای بحری :
قوای مجموعی بشری ۱۴۱۰۰۰ نفر همراه با ۱۵۰۰۰ نفر بحریه هوائی . کشتی های مورد استفاده این قوا قرار ذیل است :
چهار مخرب .
چهار مخرب گزمه .

۱۱ کشتی جنگی سریع السیر گزمه .
یک تحت البحری از صنف G با مرمی های راکت های قاره پیمای .
چهار تحت البحری جنگی از صنف R .
۲۱ تحت البحری از صنف W با معیار طولی المسافه .
۷ تحت البحری دیگر (ساخت شوروی) .
۲۶ کشتی پیش قراول ساحلی .

۸ کشتی اکتشافی مرمی (۵ کشتی از صنف OSA و ۲ کشتی از صنف Komar)
۱۷ ماین پاک کن .
۱۵۰ کشتی تور پیلو .
۴۸ کشتی تفنگدار (همراه با کشتی های تفنگدار دریائی)
۶۰ کشتی برای فرود آمدن .
۲۰ کشتی بزرگ دیگر .
قوای بحری چین به سه دسته تقسیم (۶۶)



نتیجه موفقیت در حرب های امروزی زاده

شده که عبارت انداز دسته بحر شمالی، دسته بحر شرقی و دسته بحر جنوبی . تقسیمات کشتی های در بین این سه دسته گمان برده می شود که به ترتیب ذیل باشد .
دسته بحر شمالی : ۲۱۰ کشتی، ۶۰ هزار تن ، دسته مذکور از یک تولی گزمه ، یک تولی کشتی ها برای فرود آمدن از بالا ، یک تولی تحت البحری و دو تولی تور پیلو همراه بایونت های ماین پاک کن و کشتی های معاونه .
مراکز عمده این دسته در سنگتاوولوشن بوده و یونت های آن به امتداد ساحل از دهانه دریای یالو در شمال الی لین یون کانگ در جنوب مؤظف ساخته شده اند .
دسته بحر شرقی : ۶۰۰ کشتی ، ۱۸۰۰۰۰ تن . این دسته بزرگترین قوای بحری چین را تشکیل داده و متشکل از یک تولی گزمه ، یک تولی

۲۸ بمبارد خفیف که تور پیلو حمل میکنند و یک تعداد طیارات جنگی میگک ۱۵ و میگک ۱۷ این طیارات جنگی تحت قوماندان نیروهای بحری چین کاملاً تحت اداره قوای دفاع هوائی چین قرار دارد .

(قوای هوائی) :

مجموع قوای بشری (۱۲۰۰۰۰) نفر ، (۲۵۰۰) طیاره جنگی : در جمله تعداد فوق در حدود ۱۲۵ طیاره بمبارد متوسط از نوع Tu-4 (کاپی طیارات نوع B-29) و در حدود تقریباً ۱۵۰ طیاره بمبارد خفیف از نوع الوشن ۲۸ میباشد ، متباقی طیارات بصورت اکثر طیارات مدل سابقه از نوع میگک ۱۵ و میگک ۱۷ و یک تعداد کمی از طیارات نوع میگک ۱۹ و میگک ۲۱ میباشد که طیارات نوع میگک ۲۱ در ابتدای سالهای ۱۹۶۰ از طرف شوروی تهیه گردیده است .



و فعالیت های زمان حاضر میباشد

قوای هوائی چین دارای یک دسته کوچک طیارات ترانسپورتی از نوع AN-2 الوشن ۱۴ ، الوشن ۱۸ و هایکوپتر های نوع MI-4 میباشد و علاوه بر آن در وقت ضرورت از طرف طیارات مسافربری ملکی دولت چین تقویه میشوند که تعداد

این طیارات نیز به ۳۵۰ طیاره بالغ میگردد . و آمادگی برای پرواز برخی از انواع طیارات ممکن نیست نبودن و باقتل برزه های فالتو متأثر گردد . یک سیستم دفاعی هوائی بمنظور دفاع سواحل بحری شرقی چین تشکیل گردیده که در حال حاضر این سیستم خیلی ها انکشاف نموده و از رادارها و طیارات شکاری نوع میگک ۲۱ و یک تعداد کم راکت های رهبری شده زمینی به

یک تولی کشتی فرود آمدن و یک تولی ماین پاک کن تشکیل شده و در امپاو و سامکانگ متمرکز گردیده اند یونت های این دسته به امتداد ساحل از چاووآن و در شمال الی جزیره های نان در جنوب تقسیم شده اند . در حله د تقریباً ۵۰۰ طیاره بحریه هوائی که در سواحل متمرکز گردیده اند نیز شامل قوای بحری است طیارات شامل این قوا عبارت اند از ۱۵۰ طیاره نوع الوشن

تحت البحری ۲ ، تولی کشتی های فرود آمدن طیارات و غیره ۲ ، تولی ماین پاک کن و یک تولی کشتی های معاونه بوده و در شنغای و چاوو شان متمرکز گردیده است .
و به امتداد ساحل از لین یون کانگ در شمال تا چاوو آن و آن در جنوب مؤظف گردیده اند .
دسته بحر جنوبی : ۲۶۰ کشتی ۵۵۰۰۰ تن : از یک تولی گزمه ،



گوشه‌ای از فعالیت قوت‌های زره‌دار در اراضی

۲ کشتی پیشتر اول اکتشافی .
 ۱۸ کشتی پیشتر اول ساحلی از انواع
 کران‌شتاب و ۱- SO روسی .
 ۱۸ کشتی اکتشافی مجهز باراکت
 از نوع کمار .
 ۲۴ کشتی تورپیدو کمتر از ۱۰۰ تن
 ۵۰ قایق کوچک اکتشافی کمتر
 از ۱۰۰ تن .
 یک‌عمده هلیکوپترهای نوع MI-4
 شوند .
 ۵۰ راکت معیار کوتاه از نوع
 ساملیت برای دفاع ساحلی .
قوای هوایی :
 مجموع قوای بشری ۱۲۰۰۰ نفر
 همراه با یونیت‌های دافع هوا و ۱۶۵
 طیاره جنگی .
 ۴۵ طیاره جنگی شکاری از نوع میگ
 ۲۱ .
 ۲۰ طیاره جنگی شکاری از نوع
 میگ ۱۹ .
 ۴ طیاره جنگی بمبارد از نوع
 میگ ۱۷ .
 ۶۰ طیاره جنگی، شکاری، بمبارد نوع
 میگ ۱۵ .

مصارف نظامی در سال ۱۹۶۷
 تقریباً (۲۵۰۰۰۰۰۰۰) دلار .
اردوی زمینی :
 مجموع قوای بشری (۱۷۵۰۰۰)
 نفر همراه با قوای آماده احتیاطی .
 ۹ فرقه پیاده .
 ۲ فرقه موتور دار .
 یک فرقه توپچی .
 ۳۰۰ تانک از انواع T-34, JS-2
 و T-54, T-55 .
 ۱۰۰ توپ تعرضی نوع SU-100
 ۲۰۰ زره پوش حمل کننده عساکر
 از نوع روسی .
 ۳۰ دستگاه پرتاب راکت‌های زمین
 به زمین از نوع فراگ .
 توپ‌های ۵۷ ملی متری، ۷۶ ملی
 متری، ۸۵ ملی متری، ۱۲۲ ملی متری
 و ۱۵۲ ملی متری .
 قوای احتیاطی آماده باش (در ظرف
 ۴ تا ۷۲ ساعت کاملاً مجهز میشوند)
 جمعاً (۸۵۰۰۰) نفر .
قوای بحری :
 قوای مجموعی بشری (۷۰۰۰) نفر
 ۳ کشتی جنگی سریع السیر .

هوا از نوع SA-2 در آن استفاده
 می‌شود .
قوای احتیاطی (تشون غیر نظامی) :
 تشون سرحدی و امنیتی (۳۰۰۰۰۰)
 نفر را تشکیل میدهد، تشون سرحدی
 شامل ۱۹ لواء پیاده و ۳۰ غندمستقل
 میباشد که بطور دائمی در ساحه‌های
 سرحدی متمرکز ساخته شده اند اینها
 علاوه از قوای خط لواء میباشد که قبلاً
 جای داده شده .
 قوای مسلح پولیس مردم توده
 چین و قوای احتیاطی سلکی نظریه گفتار
 مقامات چین به (۲۰۰۰۰۰۰۰۰) دو صد
 میلیون نفر بالغ میگردد .
(دیگر ممالک کمونستی) :
کیوبا :
معلومات عمومی :
 نفوس: (۷۹۰۰۰۰۰۰) نفر .
 خدمت نظامی: دو و نیم تا سه ساله .
 کل عایدات ملی در سال ۱۹۶۷
 مبلغ (۳۴۰۰۰۰۰۰۰۰) دلار .
 مجموع قوای مسلح: (۱۹۴۰۰۰)
 نفر .

رهبری شده نوع SA-2 زمینی به
هوا با تقریباً (۳۰۰) راکت یونت های
احتیاطی بصورت مجموعی (۱۱۰۰۰۰۰)
نفر .

قوای بحری :

مجموع قوای بشری (۹۰۰۰) نفر
چهار تحت البحری مال شوروی از
صنف W .

۱۰ دسته ماین پاك كن .
۱۴ كشتی پیشقراول ساحلی .
۴ كشتی اکتشافی راکت از صنف
کومار .

۲۱ كشتی تورپیدو كچتر از
يكصد تن .

۳۰ كشتی اکتشافی كوچك ديگر

قوای هوائی :

مجموع قوای بشری : (۳۰۰۰۰)
نفر با ۵۹۰ طیاره جنگی
۶۰ طیاره بهبارد خفیف از نوع
الوشن ۲۸ .

۳۰ طیاره شکاری نوع میگ ۲۱ .
۵۰ طیاره شکاری نوع میگ ۱۹
۴۵۰ طیاره نوع میگ ۱۵ و میگ
۱۷ طیارات شکاری بهبارد .

۲۷ طیاره ترانسپورت نوع AN-2
و LI-2 و ۲۰ طیاره هلیکوپتر نوع
MI-4

طیارات تعلیمی نوع ياك ۹ ، ياك
۱۱ ، ياك ۱۸ ، میگ ۱۵ و الوشن ۲۸
(قوای احتیاطی و یا قوای غیر نظامی)
۲۶۰۰۰ نفر قوای امنیتی و محافظین
سرحدی .

يك الوشن ۱۴ و دو طیاره نوع
TU-104 ترانسپورت برای استفاده
ملکی و نظامی .
طیارات تعلیمی انواع ياك ۱۱ ياك ۱۸
و UT-2 .

قوای احتیاطی :

هوايس امنیتی (۱۵۰۰۰) نفر .

کوریای شمالی :

معلومات عمومی :

نفوس (۱۳۰۰۰،۰۰۰) نفر
خدمت نظامی : سه تا چهار ساله .
كل عایدات ملی در سال ۱۹۶۷
تخمیناً (۲۷۰۰۰،۰۰۰) دالر
مجموع قوای مسلح (۳۸۴۰۰۰)
بودیجه دفاعی در سال ۱۹۶۸
(۶۲۹۰۰۰۰۰) دالر

اردوی زمینی :

مجموع قوای بشری (۳۴۵۰۰۰) نفر
يك لوی زره دار .
۱۸ لوی پیاده
۵ فرقه مستقل پیاده

۸۰۰ تانک شوروی از نوع PT-76
T-55 و T-54-T34

۲۰۰ ماشیندار اتومات نوع SU-76
SU-100 و ZSU-57 .

۵۰۰۰ توپ مختلف دیگر تا توپ های ۱۵۲
ملی متری

در حدود تقریباً ۹۰۰ عراده بادی
معمولی از نوع BTR-40 ، BTR-152
۱۵۰۰۰ نفر در تیم های کرماند و
های خصوصی .

۱۵ مرکز پرتاب راکت های

در حدود ۷۰ طیاره ترانسپورتی
اکثرآ از خاندان الوشن ۱۴ و انتیوف ۲
و در حدود ۲۴ طیاره هلیکوپتر عسکر بر
از نوع MI-4 .
۶۰ طیاره نوع T-28 ؛ T-33
و میگ ۱۵ تعلیمی .

۲۴ طیاره پایگاه پرتاب راکت های
رهبری شده زمینی به هوا از نوع
SA-2 همراه با تقریباً ۵۰۰ مرمی
راکت

قوای غیر نظامی :

کیوبا دارای ۲۰۰ هزار نفر عساکر
احتیاطی ملکی کاملاً در مسلک عسکری
رسیده میباشد .
عساکر شوروی در کیوبا فعلاً
محض معلمین و رهنمایان میباشد که
تعداد شان به یکمزار نفر میرسد .

منگولیا :

معلومات عمومی (۱۲۰۰۰۰۰) نفر
خدمت نظامی دو ساله .
كل عایدات ملی در سال ۱۹۶۷
تخمیناً ۵۰۰ ملیون دالر
مجموع قوای مسلح (۱۷۵۰۰)
مصارف نظامی در سال ۱۹۶۷ تقریباً
(۲۰۰۰۰،۰۰۰) دالر

اردوی زمینی :

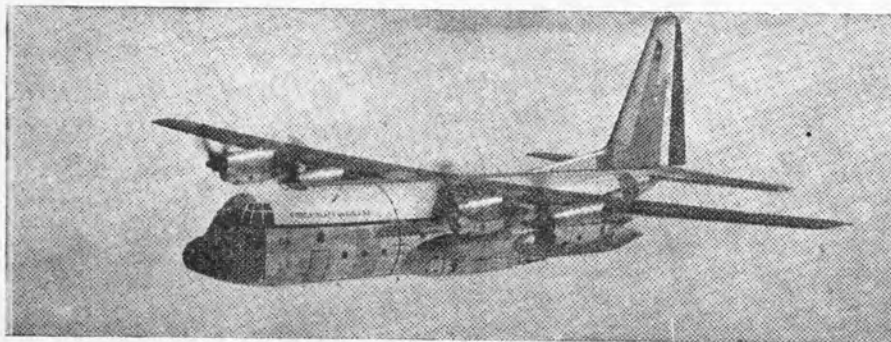
مجموع قوای بشری (۱۷۰۰۰) نفر .
يك لوی پیاده (لوی دومی نیز
در حال تشکیل است)
چند عدد تانک متوسط از نوع
T-34

تمام وسایط خفیف حربی و سامان از
طرف شوروی اکمال گردیده است .
گمان برده می شود که لوا از قشون
شوروی حالا در منگولیا متمرکز
شده باشد .

قوای هوائی :

مجموع قوای بشری ۵۰۰ نفر
شش طیاره جنگی .

قوای هوائی اساساً توسط اردوی
زمینی فعالیت نموده یکعده زیاد مشاورین
تخنیکی شوروی نیز استفاده شده اند
۶ طیاره جنگی و بمبارد نوع میگ ۱۵
۲۰ طیاره نوع انتیوف ۲ ، الوشن
PO-2 LI-2 ، I2 ترانسپورتی .



نوع طیاره (C-130E) جنگی که اکثر کشور های امر یکی



گوشه ای از تطبیقات قوت های استحکام در دریا

در حدود ۵۰ مجل برای پرتاب راکت های رهبری شده زمینی به هوا از نوع SA-2 موجود است که در هر مجل ۴ تا ۶ دستگاه پرتاب نصب گردیده است .

قوای بحری :

مجموع قوای بشری: (۲۵۰۰) نفر
۳ کشتی گز مه ساحلی (مال شوروی)
۲ ماین پاک کن ساحلی .

۴ کشتی سریع السیر پیشقراول
چینائی ۱۰۴ تن .

۱۸ کشتی دارای تو پخانه چینائی
۶۷ تن .

۳ کشتی تورپیدوی نوع P-6
چینائی ۵۰ تن .

۸ کشتی تورپیدو نوع P-4
شوروی ۵۰ تن .

یکهده کشتی های کوچک معاونه

قوای هوائی:

مجموع قوای بشری: ۵۰۰ نفر
با ۱۲۸ طیاره جنگی .

به ۱۳ لوا می شود (يك لوای پیاده ویتنام شمالی متشکل از ۳ غنند پیاده و يك غنند معاونه است که هر غنند دارای ۲۷۰۰ نفر میباشد و قوای بشری در يك لوای پیاده بین ۱۰ هزار تا ۱۲ هزار نفر است .)

شش غنند تو پچی .

غنندهای پیاده با وسایط خفیف چینی و روسی مجهز بوده و غنند های تو پچی اکثراً با وسایط روسی مجهز می باشند. ۴۰۰ عراده زره دار مختلف النوع دیگر شامل تانکهای متوسط نوع T-43 و تانکهای اکتشافی نوع PT-76 و موتر های زره دار نوع BTR-40 میباشد .

در حدود ۶۰۰۰ توپ های دافع هوا از نوع ۳۷ ملی متری، ۵۷ ملی متری ۸۵ ملی متری و ۱۰۰ ملی متری میباشد که تقریباً نصف اینها بوسیله رادار کنترل می شود. علاوه بر اینها در قوای مذکور هزارها ماشیندار دافع هوا نیز موجود است .

و علاوه بر تعداد فوق قوای ملیشیای ملکی که قوای بشری آن جمعاً (۱۲۰۰،۰۰۰) نفر میشود نیز موجود است .

ویتنام شمالی:

معلومات عمومی:

تعداد نفوس: ۱۹،۰۰۰،۰۰۰ نفر
خدمت نظامی: حداقل سه ساله .
کل عایدات ملی تخمین شده در سال ۱۹۶۷ مبلغ (۲،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰) دالر .

مجموع قوای مسلح: (۴۴۷۰۰۰) نفر .

بودیجه دفاعی: در حدود تقریباً (۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰) دالر .

قوای زمینی

مجموع قوای بشری: ۴۴۰،۰۰۰ نفر «حد اقل (۸۵۰۰۰) نفر در ویتنام جنوبی و (۴۰،۰۰۰) نفر در لاؤس نیز شامل این رقم است»
در حدود ۵۵ غنند پیاده که مساوی

۸ طیاره بمبارد خفیف نوع الوشن ۲۸
 ۲۰ طیاره شکاری نوع میگ ۲۱
 باراکت های هوا به هوا از نوع آتول
 ۱۰۰ طیاره جنگی نوع میگ ۱۵
 و میگ ۱۷

۶۰ طیاره ترانسپورت از نوع AN-2, AN-24, الوشن ۱۴, LI-2.
 ۶ طیاره هلیکوپتر هوک، ۲۰ طیاره هلیکوپتر نوع هیروهووند.
 ۱۰۰۰ نفر متخصصین تعلیمی شوروی
 نیز مصروف فعالیت می باشند.

قوای احتیاطی و یا غیر نظامی:
 قوای ملیشیا مسلح از (۳۰۰,۰۰۰) نفر تشکیل گردیده. قشون محافظه مرحدی و ساحلی همراه با قوای مسلح امنیتی ملی شامل (۲۰۰۰۰) نفر میباشد

حصه دوم متحدین غربی پیمانها
 در دهه بین سالهای ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۹ قدرت های غربی از خطر یکه از ناحیه قدرت کمونستها احساس میکردند به ایجاد یکسلسله پیمانهای نظامی دست بکار شدند و پیمانهای مذکور با آنکه نسبت کم شدن خطر تعرض کمونستها نزد بعضی از ممالک اعمیت آن کم شده باز هم با همان قدرت خویش باقیمانده اند.

اکثر قدرت های بزرگ ممالک غربی در پیمان نظامی اتلانتيک شمالی که اروپای غربی و امریکای شمالی را باهم متحد میسازد عضویت دارند. در پیمان مذکور تعهد شده که قوای مسلح دول عضو در صورتیکه یکی از اعضای شان تحت تهدید واقع شود بصورت مشترک علیه دشمن بجنگند و تعرض مسلحانه بر یکی از دول عضو تعرض بر همه دانسته شده است. در صورت وقوع چنین حادثه دول عضو وعده داده اند از همه گونه اقدامات مقتضی بشمول استفاده از قوای مسلح برای اعاده نظم در ساحه اتلانتيک شمالی استفاده خواهند کرد.

انگلستان، فرانسه، ممالک بین لو کسی Benelux Countries، ایتالیا و جرمنی در پیمان تعدیل شده منعقده بروسل فیصله و تعهد کرده اند در صورت لزوم به ممالک معروض بخطر این حوضه همه گونه وسایل و کمک های لازمی خواهند داد.

ایالات متحده امریکا، انگلستان فرانسه، پاکستان، فلپین، تایلیند، آسترالیا و زیلاندد جدید در پیمان منیلا سال ۱۹۵۴ موافقه کردند پیمان نظامی جنوبی شرقی آسیا (پیمان سیتو) را پی ریزی نمودند تا در موقع حمله بر یکی از این ممالک بحیث یک قدرت واحد عمل نمایند.

در پکت بغداد در سال ۱۹۵۵ پیمان نظامی مرکزی (پکت سنتو) رویکار آمد که بعد از بیرون شدن عراق از پکت اعضای این پکت عبارت اند از انگلستان، ترکیه، ایران و پاکستان ایالات متحده امریکا نیز شامل است. ایالات متحده امریکا تعهدات متقابل دفاعی با آسترالیا و زیلاندد جدید در پکت انزوس (ANZUS) و پیمانهای دو جانبه با هسپانیه، ایران، جاپان، تایوان و کوریای جنوبی دارد. همچنان اضلاع متحده امریکا تحت پکت ریو در ۱۹۴۷ با ۱۹ جمهوری

امریکای لاتین ارتباط قایم نموده و در قرار داد این پکت تصریح شده که در برابر تعرضات خارجی همه اعضای این پکت بایست متحداً بیکار نمایند.

حکومت انگلستان تعهداتی دارد که به اساس آن می باید قوای دفاعی مالئارا تقویه نموده و با سیستم دفاعی قبرس همکاری نماید و در صور تیمکه دولت لیبیا مورد حمله قرار گیرد برای دفاع از خاک لیبیا کمک نماید و علاوه آن در مورد تقویه قوای دفاعی بحرین شرحه، قطار، مسقط، عمان، ممالک شیخ نشین و کویت در صورت تعرضات خارجی مکلفیت دارد. آینده پیمان موجوده ملیشیا و سنکا پور نیز تحت غور و مباحثه است.

فرانسه در برابر ممالک (اتحادیه افریقائی ملگاشی) که شامل تمام اعضای افریقائی جامعه فرانسوی میباشد به استثنای عالی مکلفیتها و مسئولیت های دارد.

مقایسه تخمین قدرت ستراتژیکی اوایل ۱۹۶۹

امریکا - انگلستان - چین - فرانسه - شوروی

نوع سلاح:

قدرت هوائی و راکت

۱۰۵۴	—	—	—	۱۰۰۰-۹۰۰
۶۵۶	—	—	—	۱۲۵
—	—	—	—	۷۵۰
۵۰۰	—	—	—	۱۵۰
۴۰	۷۵	۱۰	۵۰	۱۰۵۰

قدرت بحری فعال:

۲۳	۲	—	۳	—
۱۶۰	۴	—	۳	۱
۱۲	—	—	—	۷
۲	—	—	۲	۱۲
۵۵	۶	—	۲	۲۸
۲۶۷	۶۶	۱۸	۴۴	۱۷۸
۴۱	۱	—	—	۳۸
—	—	۱	—	۵۰
۳۵	۲	—	—	۱۲
۷۸	۳۰	۳۲	۱۹	۲۸۰

پیمان اتلانتيک شمالی (پیمان ناتو)

د جاپان سمندري استراتژي



څخه غاړه نه ده غزولې چه دلري خاور د اوضاع او احوال دپه نظر نيولو سره تنظيم شويده ملاسمي ته ئي سوق كړيده د غربي او جاپاني افكار و ترمينځ قضاوت دهغه دوستانه كړنلا رپه اثر چه معمولاً غربي ليكونكو نسبت و تو كيوته معمول گڼل زيادتره د ابهام په پرده كښي پاتي شويده - ديو انتقادي موضوع په مورد توصيف دهغه خاص ملاحظاتو له مخي چه دڅيړني وړ موضوع ئي موجه كړيده تقريباتاً ديو كلي قاعدې په شكل گڼل شويده - د مثال په ډول كله چه يو جاپاني بحري قوماندان ددي له كبله چه عسكري نقل وركو ونكي بيړي ئي بدرقه كوله وي نشول كولاى چه دغليم د بيړ يو دتېشمي مانع و گرځي - داسي تعبير كيږي چه دى دسمندري كاروان پاسدارى ئي په غاړه در لوده او ددى له كبله ونشو كولاى د غليم له تشمي څخه ممانعت و كړي او په دى ترتيب يو منطقي دور پيدا كيږي د «توكيو» په مورد دغرب تئوري گانې په كار اچول - غربي ملل ودى فرض ته شروع و كړچه جاپاني بيړي كولاى شي تل د معمولي روشونو په مطابق عمل كړي او ددى وينا معني د مثال په ډول داسي ؤ چه جاپاني بيړي هر كله په لمړي فرصت ديو قطعي عمل صحنى ته و دانگي .

په داسي حال كښي چه د نوموړي وضع واقعاً بر سيره پردى چه اغلب اتفاق نه لويده هماغه شي ؤ چه په احتمالي ډول جاپاني سمندري قوماندان هغه ته خپل رغبت نه ښكاره كول كه غربي كار پوهان جاپاني تئوري گانې دجاپان دعمل په عوض او جاپاني قوانين ئي دهغه قوانين دپيروانو په لځاى د غور او خيږ ئي مورد گرځولى و اى مسائل ته زيادتره رنئائي اچول كيدل چه په محقق ډول په امريكا او انگلستان كى د داسي رويي پيروي ناممكن غوندى بريښي - ددى ممالكو خلك چه ديولوى اردوله ساتنى سره مخالف دى په مكمل ډول خپل سمندري تاسيساتو ته اعتماد څر گندوى - اودى ته اميدلري چه غايم دهغه په اثر په سمندرونو كښي له ماتې سره مخامخ شي - او هر قسم استدلالونه چه وغواړي و شي بايد له جاپان سره په مكمل قوه په مخكښي لري جيهو كښي جنگ ته لاس پوري كړشي البته په بشپړ ډول دقبول وړ به ونه گڼل شي - په دى حال سره كله چه عادي عوامل او سمندري قوتونو سره يو لځاى تر مطالعي لاندې ونيول شي او دا اختلاف وړموارد - دغرب او جاپان دنظرياتو په مينځ كښي درك كړشي دنو موړي نتيجي دا جتناب نه به غير و گڼل شي له يوى خوا د سمندري قوت دعادي عواملو په مورد دغرب نظريات كولاى شو د امريكا او انگليس دتئوري گانې

دجاپانيانو عقايد د سمندر په هكله دهغه محكمي په څير دى كوم چه عملي پلټني لاندې نه وي راغلي - جاپان يوداسي دتحقيق ډگر دى كوم چه جغرافيايي مخصوص عوامل اودملى سياست غښتلى لاس ، مخكښي له نور هر لځاى څخه خپلى اغيزى هلته پري ايښى دى - د دى له كبله لازم دى دنظامي سمندري موضوعاتو د معمولي كړنلار له شيوې څخه منحرف اودجاپان زياته برخه سمندري «تئوريكي» مراحلوته د اوليت حق وركړ شي او يا دا چه د نور و مللو د معموله «آئين» په مقايسه سره هغه بالكل حذف كړ شي .

ددى موضوع دبررسی طرز مخصوصاً هغه وخت داهميت وړدى چه ويوهيړودجاپانيانو سمندري عقيدې په څرگند ډول هغه افكار سره تفاوت لري كوم چه غربي نړيوال ورته معتقد دى او ددى له كبله دجاپانيانو عقيدې نشو كولاى چه دغربي اصطلاحاتو په قالب كښي لځاى كړو دا لكه چه دجاپانيانو لځانگړي تحقيقات څرگندوي چه كه د غربيانو له افكار و سره جخت شي ، دتوكيو استراتژي تاكتيك حقيقي بڼه غلط تعبير كيږي .

امريكائي او اروپائي محققين طبعاً دجاپان نقشى اومقاصدوته چه په نوموړي مملكت كښي د مننې وړ گرځيدلى ؤ مينه او علاقه در لودل - بناءً ددى عقيدې زياتره برخه اساساً دجاپانيانو په افكارو كښي نه ؤ لځاى شوى او يا دا چه دوى گمان كاؤ په لري خاور كى د اجرا وړ نه دى دغوى ئي يو طرف بريښود .

دغير جاپاني متفكرينو د آثار و و مراجعي ته دانتيجه لاسته راځي چه ممكن نشي كيداي چه دجاپانيانو د عقايد و صحيح تصوير د سمندري قوت په هكله لاسته را وړل شي او دا د اكثر و غير جاپاني مللو ليكني د غربيانو د اټكل په هكله دجاپانيانو د سمندري فعاليت څخه ده او په دى قسم ډير څيړنه جاري ده چه با لکل دستاينى وړ دى .

دنوموړ و څيړنو څخه څر گنديږي چه دجاپان سمندري جنگونو كړو وړ ددى پر حسب چه دغرب له «آئين» سره موافق يا مخالف وي د مننې يارد مورد گرځيدلى ده او انتقاد تل نسبت وافر اده شوى نه اصول ته - په معمولي ډول جاپان تل ديو سمندري قدرت په حيث عيناً لكه امريكائي او اروپائي مللو په شكل گڼل شوى او دا انتظار موجود دى چه دجاپان سمندري قوماندانانو د يو عادي اصول په شكل عمل و كړي - بنا پردى يو جاپاني بحري قوماندان ئي په علت ددى چه د خپل متبوع دولت د مقرر شوى طرز العمل



دهواڻي او بحري قواؤ گڏمساغي په نئني عصري جنگونو کښي



دېو ډول عصري مدرنو تر اوبولاندې بېړيو

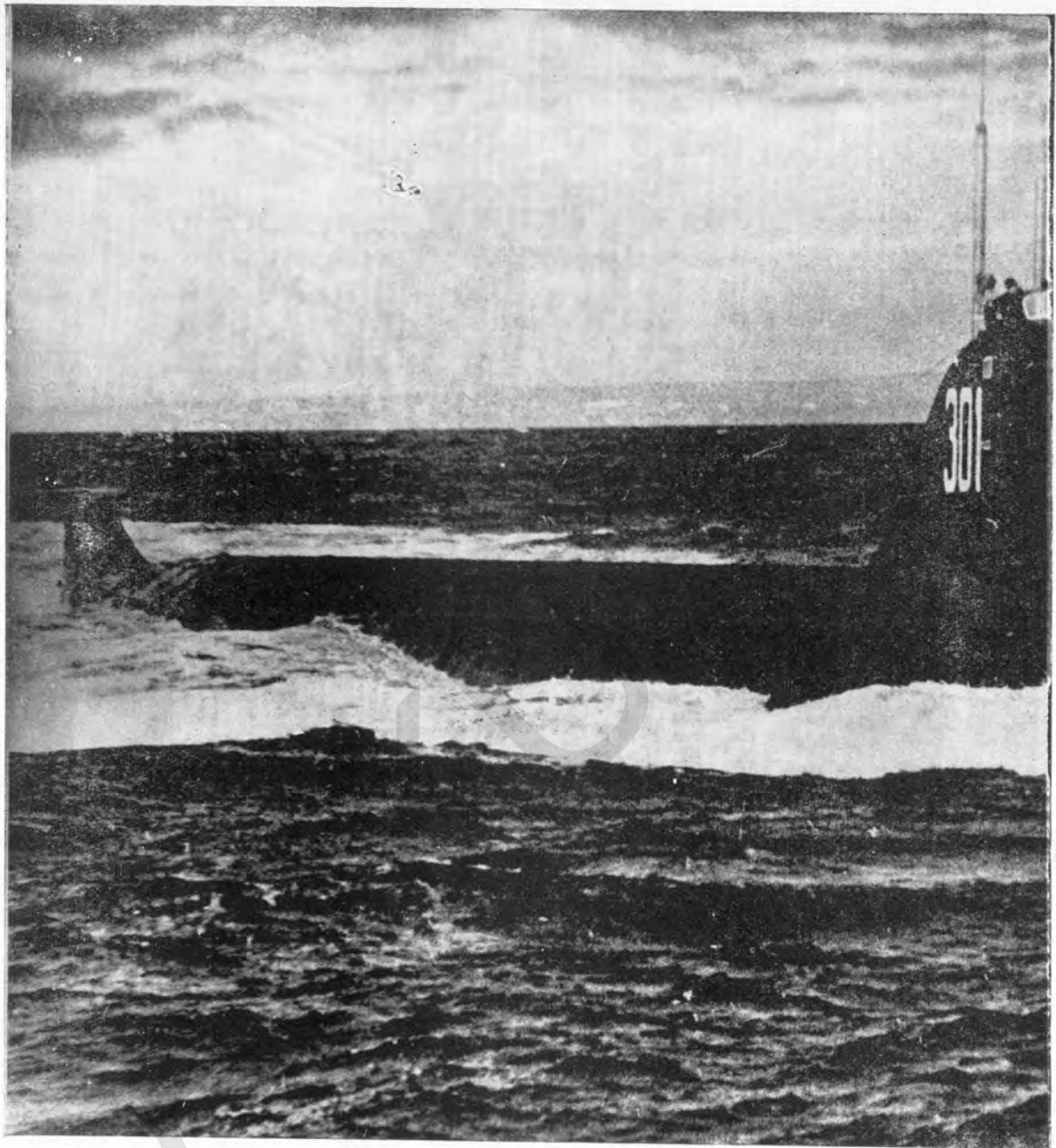
دبررسی له ليارې اودبلی خوا د کوچنیو اروپائی سمندری ممالکو په هکله غر گند کړو . د انگلیسی او امریکا د سمندری « آئین » له مخې سمندری قطعی نبرداو سمندری شدیدہ محاصره لمړی مقام غرره کړیده اما په دی مورد کبئی لمړی فرانسه او ورپسی المان زیاتره توجه لاندنی تکوته معطوف کړیدی :-

د تجارت نړول اوددبمن د بېړيو دورلو په هکله تحلیل په دوهم درجه عملیات سره د خاص سلاحگانو له ليارې لکه اژدر ، بمب او اتکا و هغه تاکتیکونو ته چه کولای شی ددبمن دنیر وعلیحدہ قسمتونہ ئی چه په عددی ډول ډیر زیاد غنبتلتیا لری له مینځه ئی یوسی علاوه ددی چه په سمندری جنگونو کبئی غربی رشونه دضعیف اوقوی نیرو گانو په تاکتیک او استراتیژی کی مدغم کیری د عمومی بحری تئوری گانی په وسیع ډول داروپا په سراسر کبئی د بحث اوخیړنی مورد وگر بحید، ډیر وسیع ادبیات مینځ ته راغی چه دهغه په اثر دیوغنبتلی بحریه د دفاع مسئله «تعاقبی جنگ» په مخامخ تر مطالعی لاندی نیول شو بدہ په داسی حال کی چه د اروپا ئی ممالکو حر یفان په تفصیل سره په قطعی عملیاتو کی د تصادفی وقایو په هکله خبری اثری کول ددی له حیثه دټولو قوتونو دجنگ شروع کول چه په ښه شان

کوی په هغه جنگونو کبئی چه جاپان په کال ۱۸۹۴-۱۸۹۵ چین سره او په کال ۱۹۰۴-۱۹۰۵ روسی سره وکړه داسی شواهد لاسته راغی چه دجنگ طرفدارو بېړيو په مینځ کبئی و جاپان پدی موارد کبئی او هم بدون له اعلان جنگ له چین سره وشودل چه دسمندری محاصری له اهمیت څخه با خبر و او برسیره پردی په هغه خطرناکو مبارزو کی چه د کال ۱۹۴۷ ددسمبر په ۷ کی شروع شو جاپانیا نونه یواخی د بېړيو له جنگ څخه حان ساتل بلکه لکه چه غر گند دی ډیر لږ فعالیت ئی دسمندری محاصری اویاضد محاصری په پاره کی معمول و گنل. په دی حال سره که د جاپانی فعالیتونه په کال ۱۹۴۱ ۱۹۴۲ د مخکبئی عملیاتو دار تباط په هکله تر مداتی اوغور لاندی و نیول شی په محتمل ډول یو تعداد مسلم اصول

پېژندل شوی و په حرکت ئی راوړ په کال ۱۹۱۴-۱۹۲۹ دانگلیس جنگی گروپونه هغه مواضع چه مخکبئی دالمانی حمله کوونکوله پیش بینی څخه دانگلیس و تجارت ته تعیین شوی و لاسته ئی راوړ - په دواړو جنگو کبئی جنگی بېړی سعی و کړل ترڅو دغلیم بېړی ودگرته و دانگی او کله چه په اوقیانوس آرام کبئی بحران ولیدل شو د امریکا سمندری جنگی قوتونه « هاوائی » ته ولیر دول شواو امرئی واخیست احتمالی وقایعوته آسادی ولری په دواړو صورتو کی متفقین سمندری محاصری ئی داجر موقع ته پریښو داو د مهاجمینو دله مینځه وړلو په هکله اقدامات په سمندری تجارت ئی لاس پوری کړل .

په لمړنی تجربه او تحلیل کبئی نظرته راخی چه د جاپان د سمندری قوتونو د فعالیت په مورد پراخی تئوری گانی هم صدق



غځه چه تل دغليم دپړيو غارنه په غاړه لری

و شی برعکس جاپانیان
هغه سمندر کښی چه
مستقیماً په هغوی پوری
چخت نه وی چندان
علاقه نه غرگند وی یو
غریبی محقق په بشپړ
ډول دیو علمی روش په
تعینولو سره ښکښی غی
او یو اخی سمندری
عواملو ته توجه کوی
او اما جاپانیانو ته
نا ممکن بریښی چه خپل
خاص روش په مطالعه
کښی یو طرف کښیږدی -
هغوی معمولاً ونشو
کولای د « گوام »
دجزیری په هکله بحث
وکړی - بدون له دی
چه ووائی او یا ضمناً
وپوهی چه « گوام »
د هغوی مملکت ته
یو تهديد شمیرل کیږی
او باید له مینځه ئی
یوسی .

د سیاسی له نقطه
نظره دهر قیمت بهالیکنی
انتشار چه د جاپانیانو
دقبول وړ تئوری گانی
غرگند کړی د جاپان
د سیاست مخالف گڼل
کیږی په لاندی ډول
و به ښودل شی چه
د جاپان سمندری نقشه
مشخص او منجز شاته
دی او دغلیمانو پر علیه
او په معینو سرحدی
ځمکو باندی تهیه او
تدارک شوی و او ددی
له حیثه تعرض گڼل
کیږی - د مورد نظر
قربانی گانی رسمی
اظهاراتو سره عادت
نیولی او دیو خاص
دولت رسمی لیکنو ته

وانی یواږی یکانی لیکونکی دصلح
په زمانه کی ممکن دی په ډیر متانت
د اقیانوس آرام د جنگ په هکله
خبری وکړی لکه چه یوانگلیسی
محقق کولای شی یوه رساله د
مدیرانی باندی دفرمانروائی په
هکله تدوین کړی په همدی ترتیب
امریکانی او انگلیسی محقق کولای
شی دتصوری جنگونو په باره کی
په تفصیل سره بحث وکړی چه د
مثال په ډول دفرانسیسی او ایتالیایی او یا
هم المان اورووس په منځ کی نشتی

کولای شو تر نظر راوولو چه کله د جاپان په هکله تاریخ
او خط مشی سیاست ترڅیړنی لاندی ونیول شی په زړه پوری
اهمیت ئی لاسته راوی - اصلی مانع او په عین حال کښی
کیدونکی مترفع M ددی استدلال طرز دادی چه مونږ ئی دیو
سمندری قوت دتئوریکي تجسس او پلټنی څخه چه په ډیر دقت
فرموله شوی او دیو جاپانی معروف لیکونکی په واسطه
تدوین شوی او یو اصول ته ئی ثبات څښی وی لری ساتی
دسمندری قوت مربوط دافکارو مبنایا کثراً په تحقیقاتی پا نو ته
او سمندری فعالیتو نو په تحلیل او تجزیه کی نغښتی دی او
د داسی مدار کونشتوالی په جاپان کښی د توجه وړدی .
د داسی مدار کونشتوالی د لیل هم روانی او هم
سیاسی او دسیاسی نقطه نظره د جاپانیانو د تفکر طرز ذهنی گڼلی شونه

احترام قابل دی دمفصاو رسالو بیدایش چه په روپان ډول دهغه روشونو شرح چه تعین شوی و «توکیو» د دسمبر په ۷ کال ۱۹۴۱ او پس له هغه کارخنی واخستل شی ددیمو کراسی سالکو په منځ کښی د دیره ناآرامی مینځه ته راوستو سبب کیده - او دا ناراحتی گانی زیاتره د جاپان د تدریجی فعالیتونو له درک څخه ډیر زیات و .

له هغه مخایه چه امریکا او انگلیس د صلح غوښتونکو مللو په حیث گڼل کیدل چه پوښلی تعرضی نقشی ئی نه در لودی خامخا هیڅ کوم سمندری نظری مینځ کښی نه و - چه خلک ونشی کولای بی له کوم مشکل څخه هغه په ورځپاڼو کښی منتشر کړی - او ددی له مخی کوم سانو ورته ضرورت نه و د جاپانیانو آرزو پدی چه دوی خپل افکار نړی یو قسمت ته محدود کړی چه هغه ځای کی ژوند کوی او دهغه زیاتو نشریاتو منع کول چه د دوی واقعی افکار روپان و په ددی زمینه کی د ډیر زیات آثار دشتوالی سبب وگرځید .

نوموړی شرایط ددی نکتی په اثر چه جاپانیانو په حیرانوونکی ډول یواځی د سمندری امورو د مناقشات په زمانه کی توجه درلودل ډیر شدت اختیارا و -

دا امر په کال ۱۹۳۳ کی د جاپان دیو صلاحیت لرونکی مقام لخوا په یو ځانگړی لیک کی یوه ورځپاڼه لیکونکی ته تاکید شول او په نتیجه کی د سمندری مسایلو په باره کی د کتابونو انتشارول د تجارتی له نظره د توجه وړ او جذاب نه و او اکثر رسالی او کتابونه ئی د انتشار وړ نه بلل او په محرمانه شکل تلقی کیدل - د مثال په ډول د دی مقالی لیکونکی ته رسماً خبر ورکړ شو چه په اساسی ډول هیڅ کوم باپانی اساسی اصیل اثر د «ژوتلند» دنبرد په باره کی لیکل شوی نه دی بلکه په اساسی حال کښی چه په انگلستان او المان کښی نوموړی جنگ رسماً د بحث مورد وگرځید او په فرانسه او ایطالیای کی هم تر یو اندازی پوری هغه تر څپر ئی لاندی ونیول - د جنگی ډیر یو د کتابونو دانتشار مفکوره د «چین» لیکنه د جاپانی په ژبه د ۱۹۳۵ کال نه مخکښی تر نظر لاندی نه و او س له هغه تاریخ څخه هم چه دهغه یو زیاته برخه انتشار و موند په ډاگه سره ډیر لږبری سره مخامخ شو - د علمی مجلی مقالی د سمندری امور و په هکله په معمولی ډول لند او مختصر و بو تعداد مصور کتابونه نشر و موند او اما نشو کولای هغوی په منزله د یو کچک د جاپان د سمندری پرمخ تگ په هکله ئی و پیژاند .

د جاپان په سمندری مجلو کی همدغه احتیاط په څر گند ډول لیدل کیری د سمندری نیرو مجله چه کله کله نشریدل دروس او جاپان د جنگ څخه ئی دهغه مسلسل انتشار آغاز و موند او امارس له څو کاله انتشار څخه معطل شو - نوموړی مجله په ۱۹۲۶ کال کی دو هم ځل انتشار و موند او بیا هم پس له څو مودی موقوف شول د «دریا و هوا» مجله چه یوله اساسی نشر یو څخه گڼل کیری او کله کله نشریری د محتویات له حیثه نسبت و «د امریکا د سمندری موسسی د مذاکراتو خلاصه قوت» مجلی ته چه د امریکا

یونمو ئی نشریه ده ډیر ابتدائی غولدی دی او دهغه د فکر طرز د رسمی روشونو په مطابق دی - د مثال په ډول نوموړی مجله خپلی مخصوصی گڼی د جهان د ټولو مللودر زمانوی د سرعت او قدرت له نقطه نظره او نور ډیر برسی گانی په هکله وقف کړی وی - داهم ویلای شو چه د «دریا و هوا» مجله تر ۱۹۳۰ کاله پوری د «ژوتلند» جنگ نه اقدام ونه کړ او په ابتدا سر کله چه هغه ئی په مسلسلو گڼو کښی خپاره کړل یواځی هغه شی و کوم چه د «فروست» مقالی او ترجمی تشکیل کړی و چه په کال ۱۹۳۶ کی په «آناپلیس» کی منتشر شوی و .

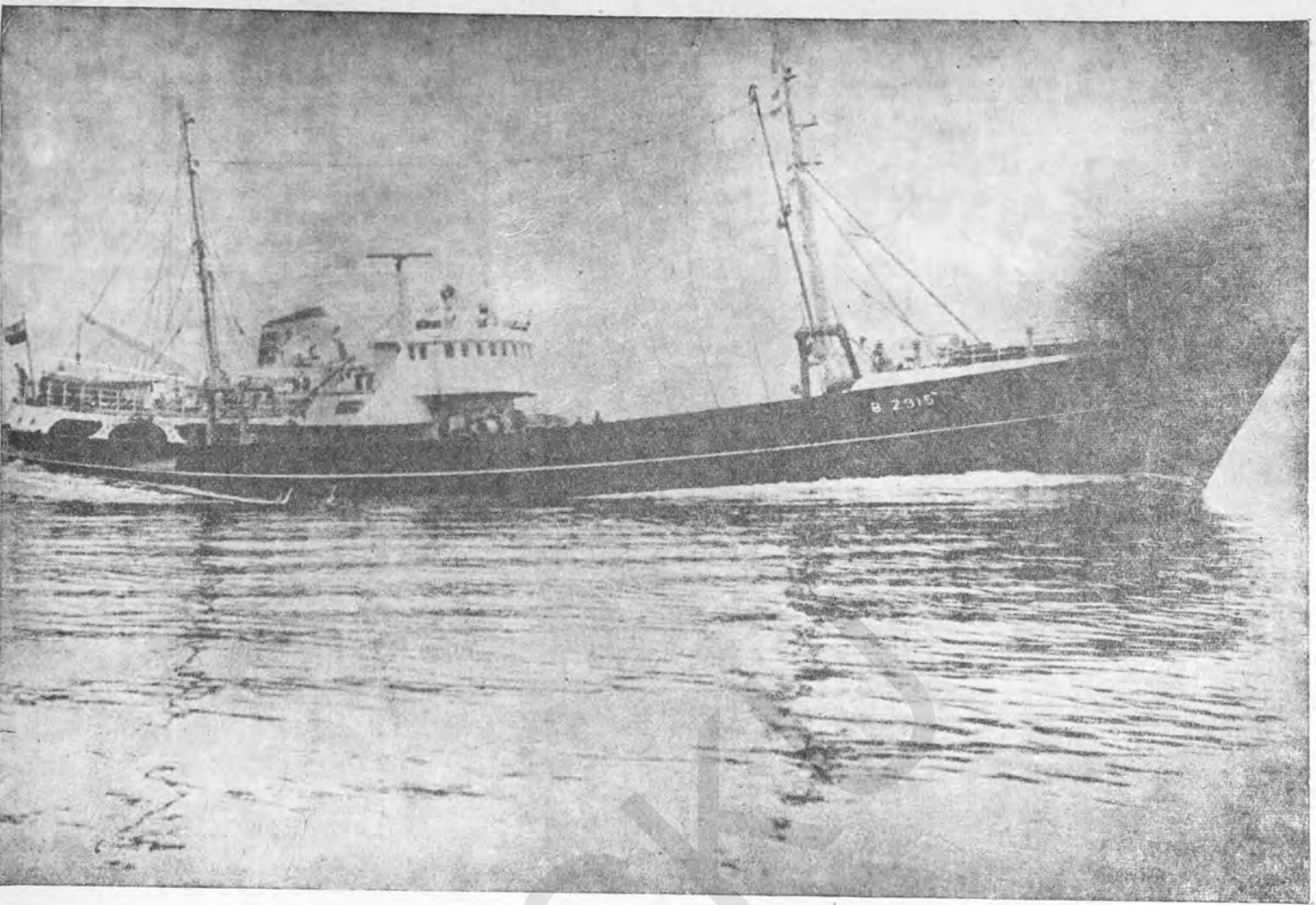
په سمندری مربوط عام فهمو لیکنو په زمینه کی علاوه له سطحی مقالو څخه ډیر جذاب کتابونه او اطعام موجود دی داسی کتابونه چه په نورو اکثر مللو کی رایج او متداول دی او معمولاً د توجه وړ نه گڼی نوموړی آثار کله چه په انگلستان او امریکا کښی نشرشی سیاسی اهمیت نشی څیره کولای . مثلاً ۱۹۵ پری په اوخرو کی ډیری زیاتی مقالی په انگلستان کښی منتشر شول چه د انگلستان اوروسی احتیالی جنگونه ئی نشرول او بنایر دی ته یواځی داسی پښینی گانی مینځ ته نه را تلل بلکه په کال ۱۹۱۴ - او ۱۹۱۵ - انگلستان اوروسیه دیو مشترک غلیم په مقابل د جنگ ډگر ته و ډانگل .

په جاپان کی هیجان انگیزی خپرونی نشی کولای چه دیو دولت د نظامی سیاسی نقشو برخلاف وی او یا ټول حقائق او تئوری گانی افشا کړی - دنوموړو آثارونه علاوه لازم دی د رسمی او غربی عقایدو اورشونو مننه او قبولی و کړی .

دنومونی په ډول کولای شوددی قبل اکثر لیکنی دجهاتو د شودلو او د جاپان د فکری تعادل په هکله نقل کړو .

«جاپان بایدله انگلیس سره جنگ و کړی» په کتاب کی چه د «ایشی مارو» تالیف ده د سمندری جنگونو مسایل په شرقی هند کی دیو رسمی نظر په مطابق بیان شوی دی - په «څرنگه جاپان د کامیابی نقشی طرح کوی» کتاب کی چه د «کیواکی ماتسوا» تالیف ده نه یواځی د نظامی اسلحی څخه ذکر شوی نه دی او تقریباً هواپیمایه مکمل ډول تالیف دی نیول شوی بلکه د متحد مللو نیرو گانی ډیریو ډولو تحلیل او هغه هم خاصه تر اوبولاندی په وسیله د تائید مورد گرځیدلی دی او پاتی شوی د امریکا قوت باید هم دعای جنگوتو په وسیله نابود کړشی - نوموړی آثار هغو کسانو ته چه مخکښی کوم آثار لکه د «باغلی» «هکتورهای» انگلیسی کتاب په نوم «اقیانوس آرام لوی جنگ» او یا هم هغه آثار «د نلینکر» او «گری» په هماغه موضوع لیکای لوستی دی ډیر زیاد مطلب نلری .

د جاپانی د آخری لیکنو یو قسمت د بحری امورو په هکله د دی مملکت پوښلی مدارک گڼل کیری - د تکنی ځای نه دی چه جاپانیانو ډیر زیاته توجه د «ژوتلند» جنگ ته گرځولی دی او امداسی مباحثی ئی بی له شکه پوښلی ساتلی لکه چه همدا لار تگ د مخصوصی استادی رسالی په مورده و اشنکتن اولندن کی هم اعمال کیده - په نظر رانځی چه نوموړی وضع درسمی



یو ډول دفرانسی دجنگی بیړ یو څخه

دجاپانی محقق عقاید زیاده تر دجاپانی رسالو د نشتوالی له کبله مشکلاتو سره مخامخ کیږی، دا قسم لیکنی چه د هغه لاسته نه لویږی دژبی ددشواری له کبله هغه ته ډیر رږونه مینځ ته راوی او دا هغه شی دی چه حتی دجاپان محصلین له هغه څخه شکایت لری .

دجاپانی کچنیانو لپاره سمندری کتابونه او هغه په ساده کرښی سره لکه «کانا کانا» او مقدماتی نور سمندری مجلی دچینی او جاپانی په رمزی حروفو سره نشریدل ، اباد (دریا هوا) په میاشتنی مجله کی په هیڅ ډول دا قسم آوازور کونکی ټکتور علایم داستفادی وړ نگرځیدل هغه کتابچی چه دا احتیاطی افسرانو او احتمالاً د آکتیو افسرانو لپاره نشریدل د مهمو اشکالو سره سره په محلی لهجو شامل ؤ دمثال په ډول د یوه مورد لپاره په مختلف شکلونه کار ته لویدل، علاوه پردی ژبه پداسی پیچلی شکل وه چه د هغه ترجمه کر کیچن غونډی ده . په بعضی مواردو کښی دژبی علایم خصوصاً ژ به او لیکونکی مجبور دی چه خارجی ژبوته متوسل شی تر څو د لیکونکی اصلی نظر محفوظ پاتی شی ، بنا پردی مترجم مجبور دی چه هره جمله تعبیر کړی او یا هم مطلب اوږدی مرحلی ته ورسوی او یا دمر کبو افعالو یوه برخه او حتی هغه جمله سی چه نظر ته زاید راخی له مینځه ئی یوسی (نور پاتی)

لیکنوپه مورد چه په آزاده ډول دغرب په نړی کی منتشر کیږی په جاپان کښی هم جریان ولری - په انگلستان او واشنگتن کی د « ژوتلند » جنگ دیو واقعی دروس په علت چه له هغه څخه اخستل شوی دی تل ترتله دبررسی په مورد واقع شوی او دادروس دپوهی دقابل و طبقه بندی سره چه له هغوی څخه کیدل، کیدای شول په آینده ټول سمندری جنگونو کښی داستفادی وړوگرځی او اما جاپانیان زیاد تره علاقه لری چه دژوتلند درسونه یواخی دحان اود خپلی آیندی لپاره کسب کړی . اودا هغه عامل دی چه ددی قسم ټولولیکنو ته محرمانه جنبی وړ کوی بنا پردی څرگند دی چه نشو کولای داسی اشخاص لکه «ماهان» - «گوربت» - «کاستکس» - «گروس» او «سا نفرونی» په جاپان کښی مونده کړومگر یواخی دا چه بی نوم «گم نام» اشخاص وی .

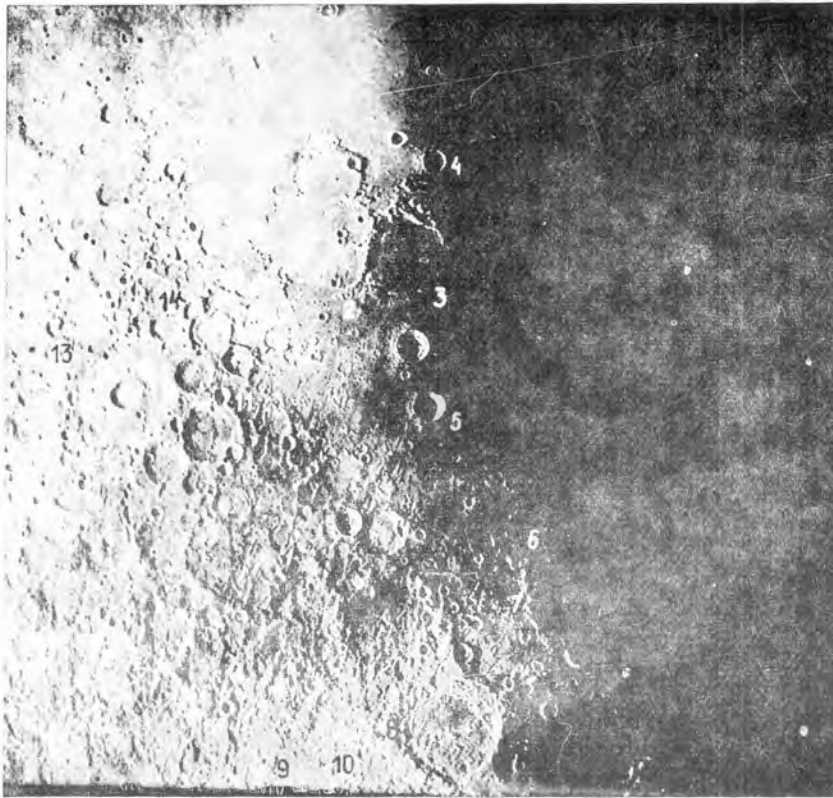
جاپانیانو د «ماهان» آثار ترجمه او بررسی کړیدی او اما هیڅ کوم اثر چه دملاحظی وړ وی دحان له طرفه دسمندری قوی په هکله نشر کړی نه دی جاپانیان چندان علاقه نه درلودل بحث و کړی چه فرضی بیړی د فرضی شرایطو لاندی څه کولای شی چه د کوم کار مصدرشی بلکه دهغوی علاقه پدی ؤ چه دهغوی ترنقشی لاندی بیړی څه و کولای شی او څرگنده ده چه دا مسئله مناسب موضوع د عمومی انتشاراتوپه هکله نه ؤ .

د « ۷ - ز و ند »

د اتوماتیک استیشن نوی بریالیتوب

دیر لږ وروستیو راپورو نو له څخه په علمی ټولنو کېږي ویل شویدی چه د « ۷ - ز و ند » په نامه د شوروی اتحاد اتوماتیک استیشن بریالی شوی دی چه په رنگه ټوگه د ځمکې اوسپورسی څخه عکسونه واخلی او په خورا چټکتیا سره ئی ځمکې ته مخاږه کاندی . کله چه د « ۷ - ز و ند » اتوماتیک استیشن د ځمکې د کړی څخه ۷۰ زره کیلو متره فاصله درلوده د ۱۹۶۹ کال

دا گسټ د میاشتی په اتمه نیټه له غرمی نه پخوا په ۸ بجو او ۵۲ دقیقه و د لومړی محل دپاره ئی د سپورسی د کړی څخه عکسونه واخستل او ځمکې ته ئی مخاږه کړ . پخوا تردی چه د « ۷ - ز و ند » اتوماتیک استیشن - سپورسی د کړی په فوتوگرافی کو او شروع و کړی د کمپری عدسی په داسی ډول غیاری شوی چه د ځمکې د کړی له مرکزې برخې سره برابری وی . د فوتوگرافی عملیاتو په شروع کېږی اتوماتیک استیشن د کاسپین د بحیرې د پاسه فعالیت کاؤ ، د لومړی عکس له کتلو څخه معلومیږی چه د ځمکې د مدار کېږی اړخ ته لږ شانتي کوږ معلومیږی ، څرنگه چه د فوتوگرافی په وخت کېږی په آسمان



د سپورسی د کړی عکس چه د ۱۹۶۹ کال داگسټ د میاشتی په ۱۱ نیټه د « ۷ - ز و ند » اتوماتیک استیشن په واسطه اخستل شوی دی

کېږی دوریغوانیږی نښانې نه وی موجودی نو ځکه په عکس کېږی د یورال او پاسکاش جهیلونه په ښه شان سره لیدل کیدای شی . دغه راز په نوموړی عکس کېږی د پامیر او د تین شان غرونه او د هغو سلسلی هم په ښه شان سره لیدل کیدای شی . د عکس په ختیځه خواه کېږی د بایکال جهیل او دالتای د غرونو سلسلی دهغو نورو خصوصیاتو څخه دی چه د پوهانو په نظر کېږی د عامی ارزښت وړ گڼل کیدای شی . د کاساس په شاوخوا سیمو کېږی چه لږ څه د ورینځو د ټاپوگانو په واسطه پټ شویدی . توری بحیرې او د ازوف

دی ، چه دوریځو په ټاپوگانو کېږی د لرلوسټواکی د ذوق سره سمون خوری مگرد پو رتینو تسو ضیحاتو سره څنگ په څنگ که چیرې لږ څه غورو کړی و معلومیږی چه دار کتنگ د بچر د پاسه فضا ټوله له ورینځو ډکه ده .

بحیره هم سترگو ته راتلای شی او که چیرې لږ څه غورو کړی و د کرایمین ټاپو ورسه له یوی خورا اوږدی مسافی څخه دانسان توجه ځان ته راجلبولای شی . د شمال پلوتو د سپینې بحیرې او د بوتیا د بحیرې منظری هم د توجه وړ

دشوروی اتحاد د جنوب خواته مور په عکس کښی د افغانستان او ایران سرحدی سیمی کتلاى شو او دغه راز د غودو او هیوادو د سرحدی سیمو سره څنگه پر څنگ د عراق، کوچنی آسیا او د فرس د خلیج دورنمالیدل کیدای شی. د عکس په دغه برخه کښی البته مسویوتامیا، تگرس او دایوفاراتیس سیندونه هم سترگوته راغی چه د دغه هیوادو سرحدونه سره پری کړیدی. د سری بحیری څخه په هابله خوا د افریقی په براعظم کښی، شمالی افریقا په عربی متحد جمهوریت کښی دنیل وادی، سودان او صحرای اعظم معلومیدای شی. دمدیترانی په سواحلو کښی لیر وریخی لیدلی کیږی او هم د بالتان د تاپو وړمی په شا او خوا سیمو کښی د وریخیو تاپوگانى شته دی کومی وریخی چه

دشمالی اتلانتيك د بحر څخه دمدیترانی دحوزی خواته دحرکت په حال کښی دی تل پامیرنیان دحوزی جوی حالات تر تاثیر لاندی را ولی اود نو مورى تاپو وړمی حالات خپر کوی د عکس اخستلو په موقع کښی د ترمینتر لاین (Termintor - Line) لږ څه دشمالی اتلانتيك د بحر حوزی ته پراخه شوی غوندى بکار پیری د ترمینتر لاین د شپى او د ورځی د ویشلو کښی ته ویل کیږی .

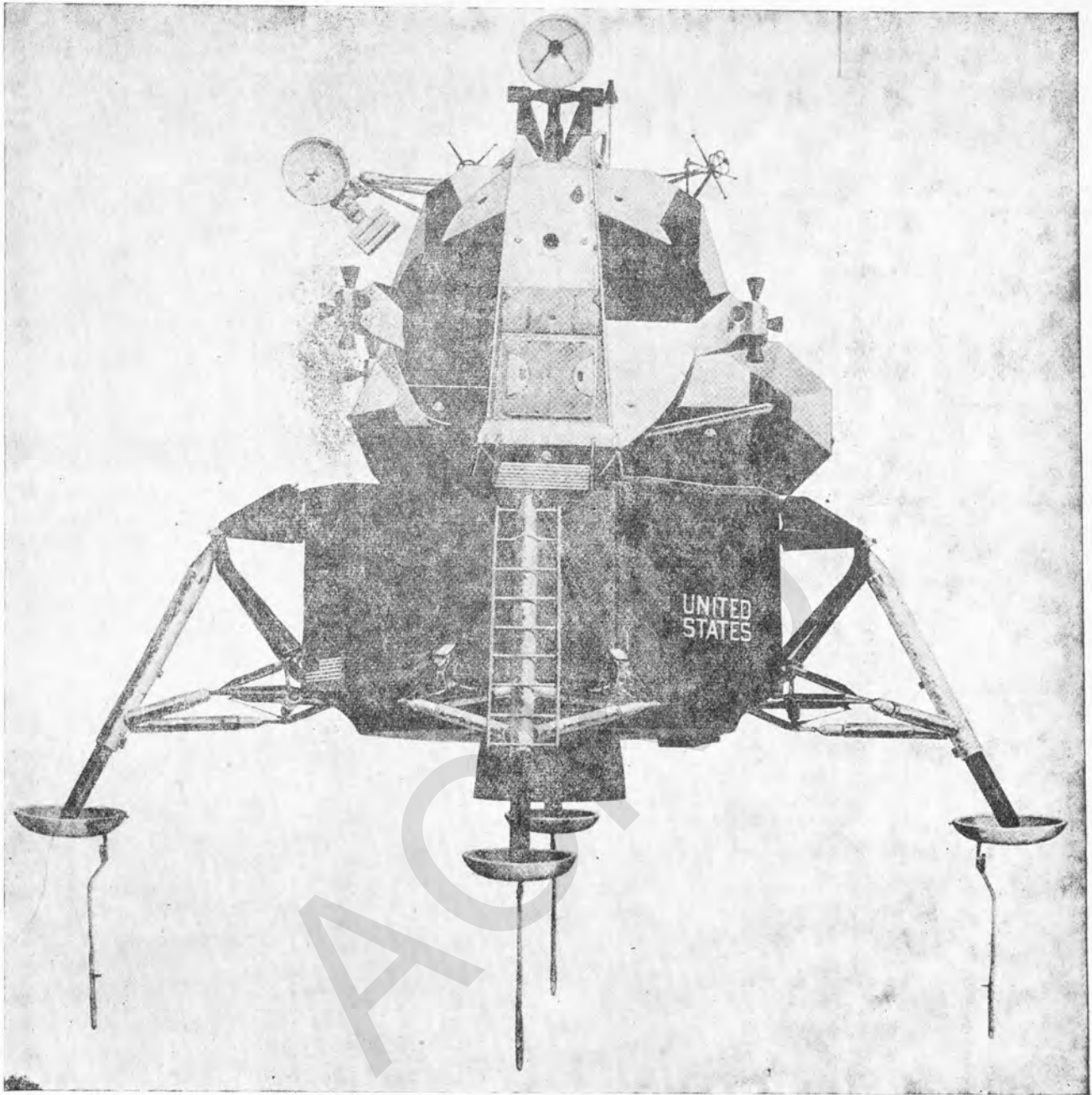
دوهم عکس د ۱۹۶۹ کال داگست دمیاشتی په ۱۱ نیټه د مسکو په وخت په ۵ بجواو ۲۸ دقیقو واخستل شو او د عکس اخستلو وخت تر ۱۰ دقیقو پوری دوام وکړ. د فوټو گرافیکى د عملیاتو په شروع کى د (۷ زوند) اتوماتیک استیشن د سپورمی د کړی څخه په واقعی توگه ۱۰ زره کیلو متره مسافه درلوده په

دغه عکس کښی د سپورمی د کړی کین اړخ دلمر دورانگو په واسطه روښانه شویده په داسی حال کښی چه کین اړخ ته ئی تپه تیاره ده په دغه عکس کښی د شپى او دورځی وویشلو کښی ترمینتر لاین د سپورمی د کړی په تیاره څنډه کښی واقع شویده په دغو فوټو گرافیکى عملیاتو کښی دجوى طوفانو نو منظرى په ښه شان سره معلومیری د عکس په مرکزى برخه کښی (شمال جنوب) مور کولای شو چه د سپورمی د کړی درنیا او تیاره څنډه د ویشلو د کښی او د سرحدونو ننداره وکړو. د عکس په لویډیډه ټوله ساحه کښی یو شمیر لوړ او ژورى ترسترگو کیدای شی چه دلمر دورانگو په واسطه روښانه دی دغه عکس هغه وخت اخستل شویدى چه د (۷ زوند) اتوماتیک استیشن د سپورمی د کړی په دیر شو طول البلد او ۴۰ دقیقو عرض البلد واقع شوی ؤ .

د ریم فوټو گراف د دوهم فوټو گراف له اخستلو نه وروسته واخستل شو او دا هغه وخت ؤ چه د (۷- زوند) اتوماتیک استیشن شو دقیقى د مخه د سپورمی رادیوئى حوزی ته وداخل شوی و . د (۷- زوند) د اتوماتیک استیشن آلات او مجهز وسایل ددی سبب شول چه ټولی فوټو گرافیکى چاری په بریالی ډول ترسره شی او تر وروستيو لحظو پوری د فوټو گرافیکى عملیاتو په سیستم کښی کوم څنډه پیدانه شی د ریم عکس د کمرى عدسیه هم لیکه د دوهم او لومړی فوټوگانو په شان د لخمکی مرکزى برخى ته متوجه کړی شوی د سپورمی د هابله خوا عکس هغه وخت تر لاسه شو چه استیشن د سپورمی د کړی د پاسه دوه زرو کیلومترو په یوه لور په فاصله کښی موقعیت در لوده استیشن په دغه لور والی کښی په بریالی ډول د فوټو گرافیکى چارو د سرته



د سپورمی د کړی او د لخمکی د کړی عکسونه چه په مقایسوی توگه د «۷-زوند» د اتوماتیک استیشن په واسطه اخستل شوی دی. دغه عکس د سپورمی د کړی د ۲۰۰۰ کیلومتر و لور والی څخه د استرالیا د پاسه اخستل شویدى .



د امریکې د متحده آیالاتو د اپولو پروژې پیړۍ چه په بریالی مودل د سپوږمۍ کره تسخیره کړه

عکس د مسکو په وخت له ۷ او ۸ دقیقو سره سمون خوری افریقا او لویدیځه اروپا په تیاره څنډه کښې موقعیت لری د شپې او دورنجی د ویشلو کرښه « ترمینتر لاین » لږ شانتي د سپوږمۍ خواته کږه ښکارېږی .
اوس د « ۷ - زوند » د اتوماتیک استیشن د وروستيو علمي مانور و

په داسې حال کښې چه دوریځو په لږو ټاپوگانو پټ دی بخښی، افریقایي هیوادونه هم تر نظر لاندی راتلای شی له بلی خوا په نوموړی عکس کښې دیورال، مرکزی آسیاء، شوروی اتحاد او د افریقایي یوه برخه هم په پټه شان سره لیدل کیږی استرلیا د عکس په ښکتنی څنډه کښې معلومیږی څرنگه چه دغه

رسولو د پاره مجبور شو چه د لو نار د سطحې په مدار کښې څو الوتنی وکړی د دریم فوتو گرافیکي چارو څخه وروسته د ځمکې عکس هم په رنگه توگه واخستل شو چه د سپوږمۍ سره په یوه افقی حوزه کښې موقعیت لری د دغه عکس په مرکزی برخه کښې هندوستان او دهند د بحر منظره هم معلومیږی او دغه راز

اینگار تازه

کار گزاران نمایشگاه بین‌المللی اوزاکا که در سال ۱۹۷۰ در ژاپن برگزار میشود بران شده بودند تا بیاد بود این نمایشگاه دو هزار و شصت و هشت گونه کالای گوناگون را در کپسول‌های ویژه برای نسل‌های آینده نگهداری کنند.

این اشیاء در دو کپسول جداگانه نگهداری میشود و قرار است یکی از آنها در سال دو هزار و دیگری در سال ۲۹۷۰ میلادی باز شود. کپسول‌ها طوری ساخته شده که از فساد شدن اشیائی که در آن برای نسل آینده بودیعه گذاشته میشود جلوگیری کند.

بهره‌داری از اشعه

ماوراء صوت

دو کتوران انگلیسی برای تعیین تعداد ضربان نبض مریضان که بعلمی بیش از حد و اندازه چاق میشوند و بهمیچوجه نمیتوان نبض آنها را گرفت از اشعه ماوراء صوت بطریق پیروزی آمیز بهره برداری میکنند.

این دستگاه ضربه نبض را بیک علامت صوتی قابل شنیدن تبدیل میکند و ابعاد آن ۱۷ در ۱۱ سانتیمتر و وزنش کمتر از نیم کیلو گرام است مریض هم در حین کاران هیچگونه ناراحتی احساس نمیکند.

کبئی دنو مرستو او همکار یو لپاره لاری چاری ولتوو او د دغه چال چلند په چو کاپ کبئی نه یوازی دراتلونکو علمی پرمختگو نو دپاره لاره هوار کپی بلسکه دبین‌المللی سولی او عامه اهمیت د ټینگیدو په برخه کبئی هم او چت گامونه پورته کاندی .

۱۹۶۱ کال راهدی خواچه د علمی تحقیقاتو په لاره کی دختیخ او لویدیخ ترمیخ مانوری شروع شوی دی گورو چه شوروی اتحاد دوستوک، زوند، میوس اوداسی نورو پروژو، او امریکه دجیمنی، مرکیوری، مرینر، ویاگرد اهلو او رینجر په ویشو سره په ۲۰ پیپی کبئی دانسانی ژوند دنیک مرغی دپاره نوی پروژی بشپړی کپی اود سپوژمی په کره باندی ددو و کیهانوردانو پلی کیدل یقیناً چه دنورو سماوی اجرامو دنپولو دپاره زمینه برابره کړه .

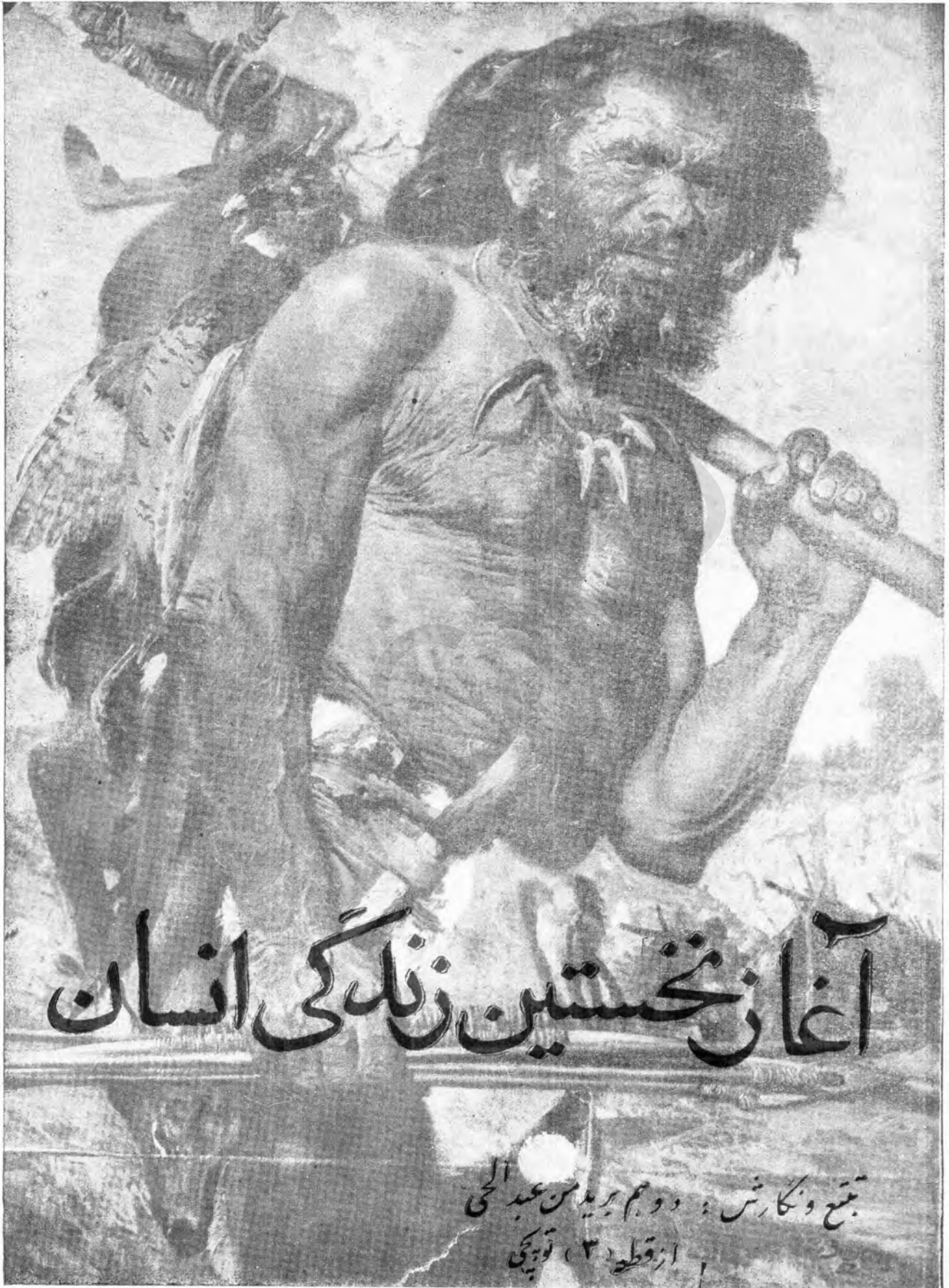
غو کاله پخوا دملکرو ملتو د موسسی په عمومی اسمله کبئی سپارښتنه شوی وه چه ټول هیوادونه باید د خارجی فضا څخه یوازی په علمی چارو اود سولی دټنگیدو په لاره کبئی استفاده و کاندی ددغی اعلامی څخه وروسته په ژینو کبئی د بیوسلی کولو په جرگه کبئی توصیه وشوه چه داوبو دټیل او دغه راز د خارجی فضا څخه نښائی چه داستعماری تا کتیکونو لپاره استفاده وشي اود بشر د هوسائی اونیک مرغی دپاره کوشین کول د ټولو هیوادونو متره وظیفه ده اوس چه د شوروی او امریکی دپوهانو په کوشین د سپوژمی کره تسخیره شوه او داتوماتیکو استیشنونو توغول په بیره سره دوام لری هیله څرگندی پی چه په راتلونکو دیر شو کلو کبئی بشر لاپسی هوسا اونیک مرغه شی .

راهپورونه په علمی توگه د شوروی اتحاد دپوهانو له خوا تر غور او کتنی لاندی دی، هیله ده چه له د غوڅیړنو څخه دخارجی فضا په باب ډیری ښی او کتوری نتیجی حاصلی شی .

تراوسه پوری د شوروی اتحاد دزوند-سلسلی له اتوماتیکو استیشنونو څخه دخارجی فضا د تسخیرولو په لاره کبئی په زړه پوری بریالیستوبونه ترلاسه شوی دی .

باید وویل شی چه دامریکی دستخده ایالاتو ددریوتنو کیهان نوردانو په واسطه د سپوژمی د کوری تسخیر چه د سپر کال د جولای د میاشتی په ۱۶ نیټه صورت وموند یقین دی چه شوروی اتحاد به هم کوشین وکپی دیر ژرد سپوژمی کره تسخیره کاندی اویا داچه لپرتلپه د مریخ د کوری او دغه راز د نورو سماوی اجسامو د تسخیرولو دپاره زمینه برابر کاندی د کومی نتیجی نه چه د شوروی اتحاد کیهان نورد پوری گارین او د شوروی اتحاد نور کیهان نوردان د محکمې په مدار اود خارجی فضا په مدار په څرخیدلو شروع وکړه تراوسه پوری دزوند اودغه راز دوستوخ دسلسلی په واسطه ډیری کتوری مانوری او حیران وونکی پروژی بشپړه شوی دی .

تر کومی اندازی چه دزوند او نورو کیهان پی پروژو په مالی لگښتونو پوری اړه لری ویل کیدای شی چه هر کال دپوهانو په گډون نوی تحقیقاتی پروژی او پروگرامونه ترلاسه کیږی اوداتول پروگرامونه البته مالی لگښتونو لابر اتواری فنی پرسونل اوداسی نورو لوازموته ضرورت لری اوس اوس شوروی اتحاد او امریکه اعلان کپی دی چه غوازی د کیهان پی پروژو په ساحه کبئی یوبل ته نژدی شو او د خپلو پوهانو په تبادلې سره په دغه برخه



آغان مختسین زندگی انسان

تبع و نگارش : دویم برید من عبدالحی
از قلم (۳) توپچی

تاریخ بشر با ظهور و پیدایش جامعه انسانی آغاز میگردد و ازاینکه خلقت آدمی برای بار اول در کجا و چگونه صورت گرفت کتابهای مقدس آسمانی و دانشمندان نظریات مختلفی داده اند. البته پژوهش و بررسی این بحث مربوط بحد علم و اتکاء به تئوری های معقول هر انسان خواهد بود و درین خصوص تا حال صدها جلد کتاب نوشته شده است در صورتیکه خوانندگان ارجمند آرزوی تدقیق علمی را در مسائل فوق داشته باشند میتوانند اصل حقیق خلقت انسان را از صفحات کتابهای علمی و اکتشافات دانشمندان بدست بیاورند. اما درین نوشته مختصر مضمون از جایی شروع میشود که چگونه انسان زندگی خود را آغاز نمود و مناسبات آنها بایکدیگر و با محیط

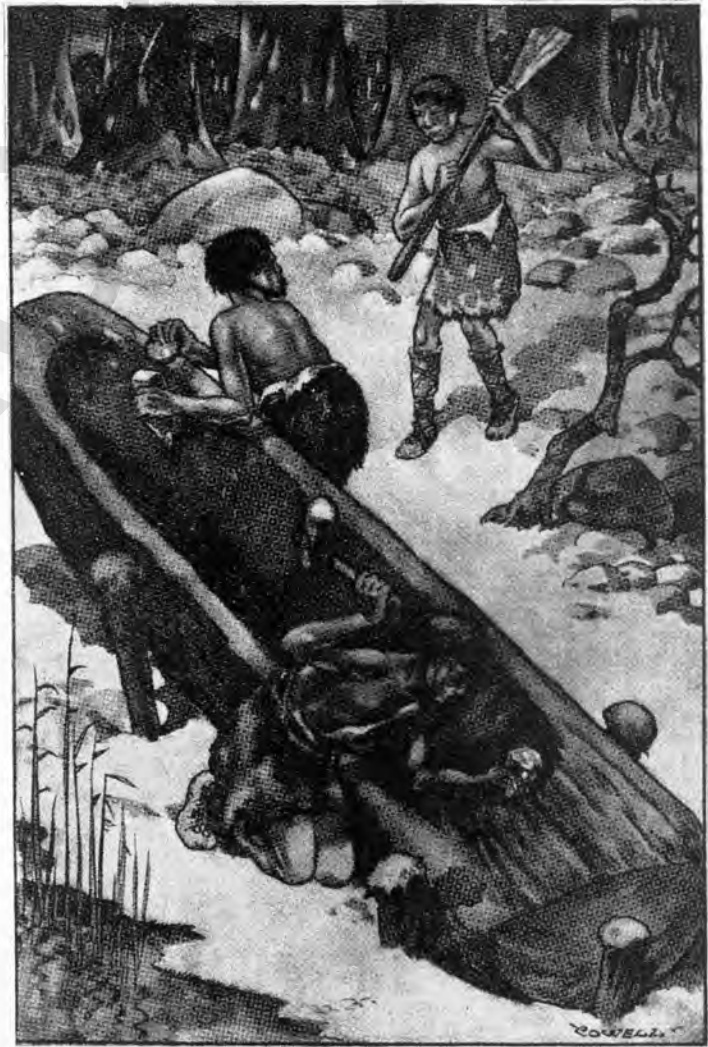


شکار حیوانات

جغرافیائی چگونه بود .

سلاح و وسایل دفاعیه در ابتدا از چه چیز ساخته شده بود و جریان تکامل سلاح ها چگونه صورت گرفت. و تکنیک

جنگ در آن زمان پیش میرفت . . . زمانیکه جامعه انسانها در آغاز دوران چهارم زمین شناسی با بعرضه و جود نهاد زندگی خود را در یک شرایط اقلیمی ملایم تر و مرطوبتر آغاز نموده است. آنها در طی هزاران سال دستخوش تغییرات اقتصادی و اجتماعی مهمی گردید و دانشمندان دوره را (نزدیک بیک میلیون سال پیش) تخمین میزنند در ابتدا این جوامع زندگی خود را بشکل کمون شروع نمود. مصنوعات بشر در این دوران مرحله ابتدائی خود را طی میکرد. گذشته از چماق قطعات سنگ بلبه های تیز بکار میرفت. کم کم تراشیدن سنگ شسته از سنگ چماق معمول شد و آن اسلحه های سنگی بود بشکل با دام که درازی آن به ۲۰ سانتی متر و وزن آن بدو کیلو گرام میرسید این سنگ ها را بکمک چماق ها می تراشیدند و این ابزار چوبی در حقیقت برای درست کردن میخهای چوبی کردن ریشه های گیاهان که از آن برای غذا استفاده بعمل میاورد خراب کردن لانه ها و کشتن جانوران مجروح بکار میرفت. احتمالاً این سنگ شسته را مستقیماً برای شکار بکار نمیبردند. زیرا گرز و یا چوب دستی برای این کار مناسب تر بود. علاوه بر سنگ شسته ورقه های از چماق بژنده نیز ساخته میشد که برای تیز کردن ابزار بکار میرفت.



کشتی سازی



دستگاه بافندگی

رفته رفته تجربه اندوخته میشود و تکتیک تکامل مییابد. انسانهای اولیه در ادوار مختلف تاریخ با شیوه های گوناگون بساختن ابزارهای کوچکتر و ظریفتر نایل میگرددند .

ابزار عمده آنها بصورت ورقه های مثلثی شکل از سنگ چقماق درمییابد . نوک آن برای بریدن و سوراخ کردن ولبه ها برای کندن پوست جانوران کشته نکار میروند اسباب شکار - چنگال ونیزه چوبین است که در نوک نیزه های چوبی اکثر سنگ های نوک تیز شاخ و یا استخوان را محکم میکنند . انسانها در ابتدا احتمالا نه پناهگاهی ونه پوشش داشتند و تصور میروند که مدت مدیدی از در حتن به منزله پناهگاهی در برابر حیوانات در نده استفاده میکردند بعدا انسان قرا گرفت که حایل های در برابر باد ایجاد کند و در آن پناه گیرد .

سپس انسان غارهای جانوران وحشی را تسخیر کرد و در آن جای گرفت واز پوست آنها برای بستر و لباس - خونه نوعی خرقه بود پابند و نخ بهم وصل میشد استفاده کرد و سپس استفاده از آتش را فرا گرفت احتمال میروند ابتدا آتش طبیعی را مورد استفاده قرار داده و نگاهداری میکردند . و متعاقب آن توانستند یا با زدن دو قطعه چقماق بیکدیگر و یا مالش

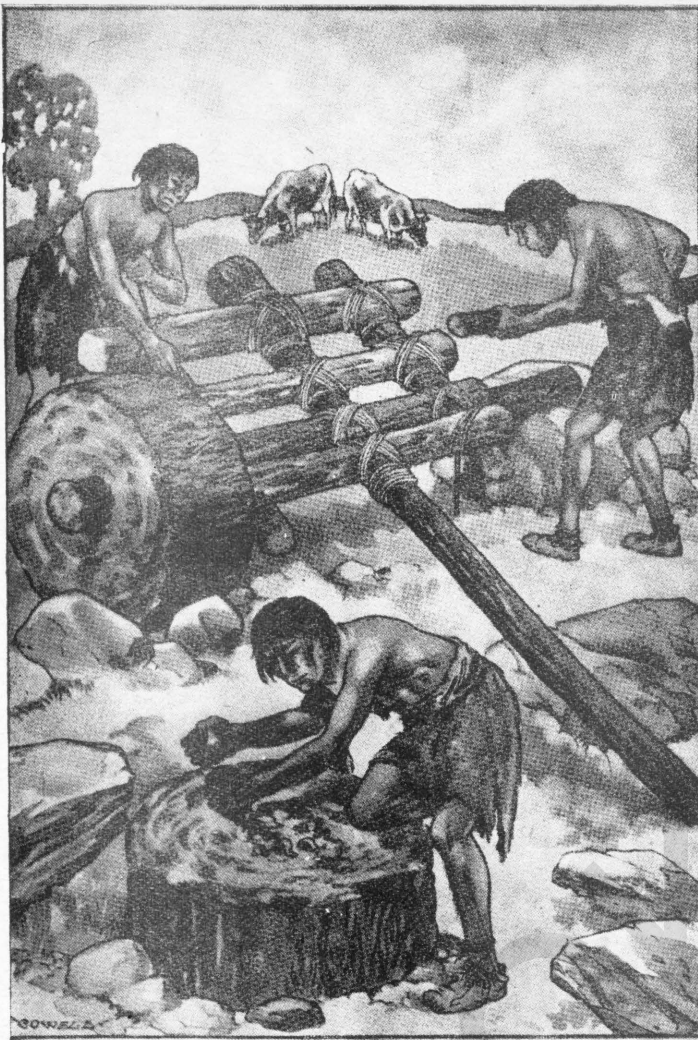
دادن چوب موفق به تهیه آتش شوند . استفاده از آتش اهمیت عظیم در بر دارد . آتش انسانها در برابر سرما و از گزند درنده گان حفظ میکند و باو امکان میدهد که خوراک خود را

کباب کند . پختن غذا جذب آنرا تسهیل میکند و بان تنوع میبخشد . تهیه آتش (. . .) برای نخستین بار سلطه بر یکی از نیروهای طبیعت را با انسان تفویض کرد و از آنجا اورا برای همیشه از سایر حیوانات جدا ساخت . انسانهای اولیه با جمع آوری خوراکی و شکار سیر میکرد .

از میوه ها - ریشه ها و خوردنی های مانند توت و تمشک تغذیه میکرد . پستانداران کوچک بسوسمارها و حشرات را دستگیر میساخت و دیری نپائید که بشکار جانوران بزرگ پرداخت



استفاده از آتش



نجاری ذریعه ابزار سنگی

این دوره (حدود دوازده هزار سال قبل از میلاد) اهمیت نیزه های دستی شکارچیان از بین میرود زیرا کمان سلاخی است که از نیزه کاملتر است تیری که از کمان رها شد مطمئن تر به هدف میخورد و اگر خطا کرد بیدرنگ می توان تیر دیگری رها کرد کمان و تیر های آن شکار موفقیت آمیز پرندگان را میسر میسازد چنانچه در موزیم خانه های امروزی تعداد فراوانی ابزار های چقماقی بشکل سه گانه و یا ذو ذنقه ای بصورت قطعات دندان دار که دسته چوبی یا شاخی داشته باقی مانده است و آدمیان نخستین از آن بشکل سلاح استفاده میکردند

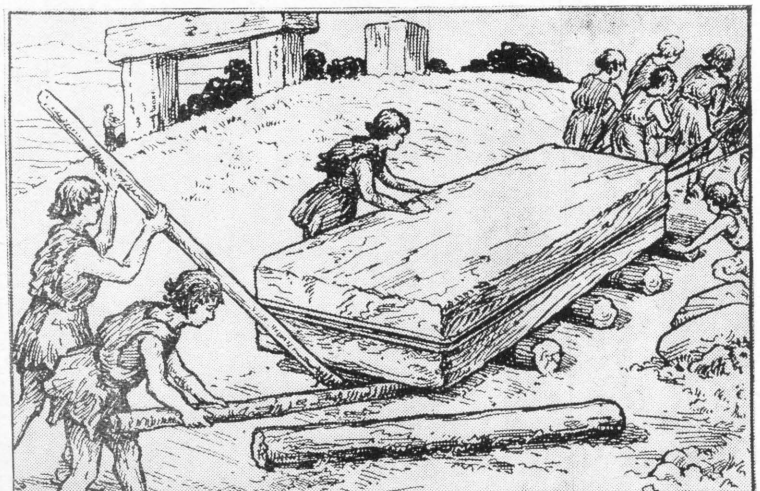
نیرو کمان در آن زمان یا نواح کوناگونی ساخته میشد. علاوه بر

شرایط انسان در آن زمان سخت و سهمگین بود او نمیتوانست با درندگان هراس انگیز آغاز دوران چهارم رقابت کند نه سرعت آنان را در دویدن داشت و نه نیروی بدنی آنها را گرسنگی و مرگ در زیر پنجه جانوران همواره در کمین او بود. شکار جانوران در آن دوره بشکل دسته جمعی انجام میشد این جمعیت ها تا حدود ناپایدار بودند افراد آن نمیتوانستند به جمعیت دیگر منتقل شوند. در راس گله یک رهبر قرار داشت.

مشکل زحمت و ابتدائی ابزار کار پائین بودن سطح اقتصاد مبارزه سهمگین با طبیعت همه اینها در سهد جمعیت اولیه حالت اندیوید و الیسم وحوش که انسان قبلی از نیاکان حیوانی خود بارت برده بود - حفظ میکرد. و این حالت گاهی باز در خورد های خونینی که از شرایط مبارزه برای بقا ناشی میشد تظاهر میکرد. آدمخواری نیز وجود داشته است. بدین ترتیب مرحله اول زندگی کمون زندگی دستجمعی انسانی را استحکام بخشیده و روابط اقتصادی در پهلوی آن جریان تکامل خود را آغاز نموده و تقسیم طبیعی کار بین افراد تهادب گذاری گردید زنان و مردان در اقتصاد نقش مشابهی بازی کردند بصورت عموم مردان بشکار میپرداختند زنان و کودکان به جمع آوری میوه و شکار ماهی مشغول میشدند بدینصورت در اثر تکامل نیرو های مواد و تقسیم کار تغییرات و تحولات زیادی بسازمان اجتماعی آن زمان پدید گردید.

سلاح و وسایل دفاعیه کمون اولیه:

پیدایش تیرو کمان ادوات شکار در آن زمان تکمیل مییابد و با فرار سیدن



اعمار منازل و شهرها



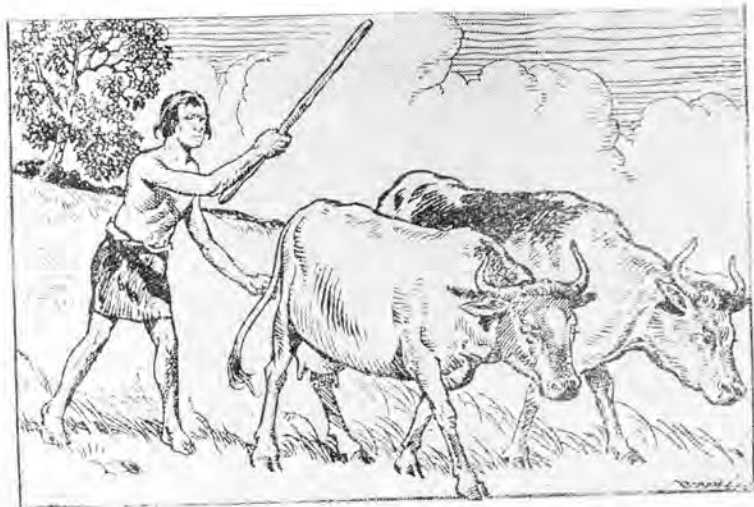
عبور از دریا

میشدند ابتدا توسط دست و بعدا توسط پارو آنها بجزکت در میاوردند اما پس از آنکه مسن اختراع شد تحول جدیدی در جریان تکامل نیرو های سواره پدید گردید کار بامس رانی اولین بار در خاور میانه در حدود چهار هزارسال قبل از میلاد آغاز گردید در آغاز انسانها مسن معدنی را بحالت سرد پرداخت کرده و مورد استفاده قرار میدهند کشف این حقیقت که مس را خاصیتی است که بموجب آن درحالت مذاب با شکل دایخواه درمیاید انقلابی در ساختن ابزار بوجود آورد فلز مذاب را در تابه ها میریختند و پس از سرد شدن آنها بصورت ورق در میاوردند. باین همه مس نمیتوانست با سنگ رقابت کند زیرا مقاومت آن کمتر از سنگ بود ازینرو بهیچیک از سلاح ها بکار نرفت و تئیکه توسط آن انواع مختلف سلاح ها ساخته شد تاب مقاومت هیچیک از آن در مقابل سلاح هائیکه توسط ابزار سنگی استخوان و یا چوبی عهد قدیم استفاده میشد نتوانست استادگی کند لیکن با کشف آهن تمام این خالیگاه هارفع شد و تحویل جدیدی در تکامل سلاح کشا ورزی و صنعت پدید آمد انسان آهن را پس از مفرغ ساخت استعمال گاه و بیگاه آهن که از سنگ های فضائی بدست می آمد سه هزار سال قبل از میلاد وجود داشته است

مواد اعاشه جنگی بار های خود را با خویش حمل میکردند ساده ترین وسیله نقایه ارابه هائی بود که سنگ ها آنها میکشیدند در روی این ارابه ها خیمه و سایر لوازم حربی را بار میکردند چهار هزار سال قبل از میلاد خربعتوان حیوان بارکش مورد استفاده قرار گرفت در آن زمان برای اولین بار نقطه های قوت های بحری و کشتی ها بنیان گذاری شد و برای بیمودن دریاچه ها ورود خانه ها ، قایق هائی بکار میرفت که از تنه بچوف درخت یا از تخته و پوست ساخته میشد سردان میتوانستند در دریاچه ها بقسم کشتی های جنگی استفاده کنند و بالای هر تنه بچوف درختان از دوالی ده نفر سوار

کمانهای ساده ای که از يك قطعه چوب درست شده بود و کمان های دیگری مرکب از چوب و استخوان و شاخ ساخته میشد طول این کمان ها متفاوت بود و گاه با اندازه قامت انسان میرسید زه کمان از پی یا از الیاف گیاهی ساخته میشد. تیر ها معمولا از چوب یالی بود پیکان را از سنگ و یا استخوان میساختند و بمنظور هدایت پرتاب پرده های دران تعبیه میکردند نحوه تیر اندازی نیز بسیار گوناگون بود فسی المثل هنگام شکار پرندگان شکارچی به پشت میخوابید و کمان را میان پاهای خود محکم نگاه میداشت وزه را بادو دست میکشید بسیاری از قبایلی تیر های خود را زهر گین میکردند و هندیان امریکای شمالی تیر های آتش را بکار میبردند در جنگ های امروزی این سلاح تکتیک جنگ را نیز تا اندازه ای تغییر داده بود درین مرحله هنوز بین سلاح شکاری و سلاح جنگ اختلاف بارزی وجود نداشت تیر زین های جنگی هندوان در عین حال بعنوان تیر خانگی بکار میرفت ولی اسلحه دفاعی دارای نقش نظامی خاصی بود سپر با اندازه ها و اشکال مختلف از چوب از شاخه های یافته شده پوست برگ خرما و غیره ساخته میشد.

مردم هنگام مهاجرت و انتقال



استفاده از حیوانات اهلی



کشتی رانی



ریسندگی

مالکیت تولید امکان میدهد که از کار این زندانیان بهره برگیرند و آنان را بعنوان برده و استعمار کننده منشاء بردگی قبل از هر چیز جنگ بود. چطوریکه تمام رشته‌های تولیدی نظام اشتراکیه اولیه باید با پدید آمدن وسایل تولید به تغییرات فاحشی بر خورد نموده و در پهلوی آن تکنیک جنگ نیز تغییر نموده است قبلاً انسان جهت رفع گر سنگی بایکدیگر می‌جنگیدند تا از گوشت یک دیگر استفاده نمایند اما با پیدایش مالکیت تولید شکل جنگ را نیز تغییر دادند یک قبیله غالباً هنگام شب بالای قبیله دیگر

ولی صنعت آهن بصورت واقعی فقط در پایان هزار دوم پدیدار میگردد استعمال این فلز بسزودی گسترش مییابد و سنگ و بر نزار پشت سر می‌نهد آهن دو خاصیت دارد که پیروزی آن رافراورده های کانی دیگر تضمین میکرد نخست آنکه از آن ابزارهای محکم تر و برنده تر بدست میاید و دوم آنکه بفراوانی (و در هر حال بصورت کلوخه های معدنی باتلاقی) یافت میشود و استخراج آن نیز بوسایل زیاد و دست و پاگیر احتیاج ندارد .

توسط صنعت آهن به تمپه ابزارهای محکم مخصوصاً انواع گوناگون سلاح قادر میسازد و از آن انواع مختلف شمشیر ها - تیرو کمان نیزه ها وغیره میسازد که در نتیجه این سلاح ها تکتیک جنگ را نیز تغییر میدهد .

تکتیک جنگ در دوره های قدیم :

انکشاف صنعت آهن با گسترش وسیع زراعت بوسیله قلبه مقارن است . زیرا تیرو بیل آهنی بانسان امکان میدهد که جنگل ها و بیشه زارهای پهناور را قطع کند و آنها را به کشت زارها و چراگاهها مبدل سازد . بانکشاف زراعت پرورش گله داری نیز جریان تکامل خود را آغاز نمود . دهقانان و مالداران محصول



خانه سازی



سبد بافی

حمله میکردند زنان و مردان آنانرا باسیری میکردند کسانیکه در جنگ اسیر میشدند به غلامی در میآمدند و از کار آنها در رشته های مختلف اقتصاد و جنگ بهره برداری میشد تکتیک جنگ کدام نظم خاصی را مالک نبود اما روسای قبیله که موقتا بحیث قوماندان از طرف موسفیدان قبیله انتخاب میشد دائم در صفحه اول حرکت میکرد و جریان جنگ را اداره مینمود .

باید قوماندان فوق نسبت بدیگران دایر تر مسن تر و دارای اندام قویتر بوده و در جنگ ها اشتراك کرده باشد .

ازوظائف عادی زندگی انسان بشمار میرود .

شکل جنگ تغییر مییابد . اگر در گذشته جنگ بمنظور تلافی تجاوزات سرحدی یا توسط قلمرو شکار روی میداد اینک هدف آن غارت و کسب ثروت است .

در طی این جنگها اتحاد قبایل جامه عمل میپوشد و ریاست آن با سر کرده ایست که از بین روسای قبائل برگزیده میشود . جنگهای غارتگرانه - قدرت رئیس قبیله را که رفته رفته بقدرت بلندتر تغییر شکل مییابد تحکیم میبخشد . در این زمان است که برای اولین بار تهداب اردو بنیان گذاری میشود و پیدایش دولت تحقق مییابد . (ختم)

دارها احتیاج بسازمانهای داشت که ثروت وی را حفظ کند و مقاومت بردگان و بیسواپان را درهم شکنند و بیک رو بنای سیامی نیازمند بود که پیدایش و رشد جامعه جدید طبقاتی را آسان سازد این رو بنای سیامی تجزیه طائفه ها بنام دیمو کراسی نظامی نامیده میشود . که جنگ و تشکیل مردم بخاطر جنگ

حملات شان دایم بشکل با صقین شروع میشد و عرشی را که مالک میشدند آنرا غارت میکردند اسیرانیکه در این نبرد بدست می آمد ببردگی سوق داده میشد برده ها از هر گونه حقی محروم بود زندگی آنها هیچ ارزشی نداشت و هنگام بختک سپردن رئیس قبیله او را قربانی میکردند اما بعد از آنکه يك سلسله جنبش های بزرگی شروع شد برده



شکار

امکان زندگی در تحت البحری ها

سازمان ملی فضائی برخلاف آنچه که از اسمش پیداست دست به پژوهشهای وسیعی در مورد شرایط و عوارض اقامت طویل المدت در تحت البحری زده است این عملیات که تکمیت نامیده میشود در سواحل جزایر (ویژر) عملی گردید .

در عملیات تکمیت چهار کشتی جنگی درون يك آزمایشگاه در بسته قرار گرفتند و بیژرف دوازده متری رفتند تا شصت روز در آنجا بسر بردند . این طولانی ترین مدتی است که بشر در زیر دریا میگذراند . چهار کشتی جنگی باید زندگی در زیر آب را بررسی کنند و نمونه هایی از خالک کف دریاها را همراه بیاورند .

علاوه بر آن پژوهشهای طبی هم در این زمینه ها روی آنان انجام میشود : برابری جسم و روح بازندگی در محیط بسته اثر جوی که بمقدار زیاد ازت دارد بررسی تغییرات خونی و نسجی حین این شصت روز .

دانشمندان معتقد و امیدوارند از عملیات تکمیت تجربیاتی در زمینه مسافرت های دراز مدت فضائی هم بدست آورند .

دو نظریه درباره چپ دست‌ها

توضیح مختصر

در کشور ما بعضاً باشخصی برمیخوریم که کارها را توسط دست چپ انجام میدهند و حتی با دست چپ نوشته می‌کنند. بالخاصه در محیط عسکری نیز این قبیل اشخاص که در خدمت زیر پرچم احضار می‌گردند وجود دارند بنا بر آن صاحب منصبان اردو وضع ساختمانی فیزیکی این اشخاص را باید بصورت علمی درک کنند تا بتوانند مشکلات وارده از این ناحیه را با حوصله و اطمینان رفع نمایند و ضمناً باید دانست که این کیفیت کدام عیب نبوده بلکه موضوعیست که در جهان ما اشخاص زیادی به آن مصاب میباشند.

قهرمانان پرش خوب میدانند که قدرت پاهایشان مساوی نیست. بطور کلی نیمه راست بدن که توسط نیمکره چپ مغز کنترل میگردد شبیه به نیمه چپ بدن که توسط نیمکره راست مغز کنترل میشود نیست. مراکزی که در مغز حرکات يك اندام بخصوص را کنترل میکنند خود تحت تاثیر آن اندام قرار میگیرند. اگر نیروی کور یولی بر حرکات ما اثر میگذارد. هیچ بعید نیست که این تاثیر مساوی در طی قرون و اعصار متعددی بر چگونگی جهش های بیولوژیکی مغز اثری گذاشته باشد بعقیده ما علت اینکه انسان بطور واضحی راست دست می باشد اینست که برای اولین بار در جایی در نیمکره شمالی ظاهر شده است. اما با گذشت زمان تعدادی هم افراد چپ دست. مخصوصاً در نیمکره جنوبی پیدا شدند و بهمین ترتیب در منطقه استوا اکثریت با کسانی شد که می توانستند با هر دو دست بطور مشابه کار کنند.

اختلاف میزان قابلیت انجام کار بین دست و پای چپ و راست را در حیوانات نیز میتوان مشاهده کرد. دانشمند روسی ن. ا. تیخ نشان داده

آنچه در این مورد موجب تعجب میباشد اینست که تعداد چپ دست‌ها در نیمکره جنوبی خیلی زیاد تر است بطوری که نسبت آنها در استرالیا به ۲۶ فیصد می‌رسد و این نسبت در بین بدویان افریقای جنوبی خیلی بیشتر است این اختلاف خیلی زیاد تر از آنست که بتوان آنرا زائیده تصادف دانست. مطلب جالب دیگر اینست که در نیمکره شمالی ساحل راست رودخانه هائیکه به موازات ویا تقریباً به موازات نصف النهارها جریان دارند از ساحل چپ عمیق تر است. جریان آب دو طرف رودخانه را بیک نسبت نمیشوید و علت آن نیز حرکت زمین به دور خودش است این پدیده را به نام کاشف آن (نیروی کوریولی) می‌نامند. این نیرو بر تمام اجسام متحرک اثر میگذارد.

از سوی دیگر ما این را نیز میدانیم که افرادی که در بیابان‌ها یا جنگل‌ها گم میشوند اغلب پس از مدتی راه بیعائی دوباره به حدود همان جایی می‌رسند که قبلاً بوده اند. در حالیکه در تمام راه روی سعی می‌کرده اند در خط مستقیم حرکت کنند. علت این امر مساوی نبودن طول قدم هائی است که با پای چپ و راست برداشته میشوند

بیشتر مردم را ست دست هستند و بهمین دلیل تمام وسایلی که برای کار - اسباب خانه - آلات موسیقی و غیره ساخته میشوند برای استفاده با دست راست طرح ریزی می‌گردند. در برخی از کشورهای جهان چپ دست‌ها را تعلیمات خاصی می‌دهند تا بتوانند از وسایلی موجود بهره برداری کنند اما بین دانشمندان این سوال پیش آمده است که آیا این کار صلاح است. و اگر جواب این سوال مثبت است. پس آیا بهتر نیست تمام مردم تحت تعلیم قرار بگیرند تا از هر دو دست خود متشابه استفاده کنند در این زمینه دو نظریه اساسی وجود دارد که هر کدام با دلایلی چند همراه میباشند و ذیلاً شرح داده میشوند:

۱ - آموزش چپ دست‌ها برای به کار بردن دست راست خطر ناک است (عقیده پروفیسور بوریس او کنیوف عضو وابسته اکادمی علوم طبی اتحاد جماهیر شوروی و دکتر گورگی نویسکی).

تقریباً سه درصد ساکنین منطقه معتدله نیمکره شمالی چپ دست میباشند بطوریکه فقط در اتحاد شوروی شش میلیون نفر با دست چپ کار میکنند.

که از هر ۲۶ میمون حیثی ۲۵ تای آن ها راست دست می باشند در حالیکه او رانگ او تان ها و گیون ها معمولا چپ دست هستند. اگر چه تشخیص این امر در حیوانات قدری مشکل است ولی در انسان خیلی زود میتوان متوجه آن شد.

چپ دستی انسان در هشت نه ماهگی مشهود می گردد و چه بسا مادران که برای رفع این (نقیصه) صدمات زیادی به طفل خود وارد می آورند؛ برای این يك چن-ین اطفال انجام کارها با دست چپ خیلی راحت تر است. اما او را مجبور می کنند که برخلاف طبیعت ذاتی خود رفتار کند. این کار نه تنها موجب ناراحتی او می شود بلکه باعث می گردد که از نظر جسمی و عقلانی نیز عقب افتادگی های پیدا کند.

در بین مشتم زنان چپ دست همیشه ضعیف ترین شان کسانی می باشند که در بچگی و والدین شان سعی کرده بزد این (نقیصه) آنها را برطرف سازند. اگر برای راست دست کردن يك بچه چپ دست نیروی زیادی به کار بردیم و بخواهیم این عمل را در مدت کمی انجام بدهیم ممکن است طفل دچار لکنت زبان بشود و حتی در موارد حاد این احتمال هست که اصلا زبان باز نکند.

مرکز کنترل گویائی چپ دست هادر هر دو نیمکره مغزی آنها قرار گرفته (در حالیکه در راست دست ها فقط در يك نیمکره متمرکز است) قسمتی که در نیمکره چپ میباشد رشد کمتری دارد. گفتیم مراکز مغزی که در مغز حرکات يك اندام بخصوص را کنترل میکنند خود تحت تاثیر فعالیت های آن اندام قرار می گیرند. مغز يك عضو بسیار حساس بوده و کلیه قسمت های آن مثل مرکز کنترل حرکات زبان و تارهای صوتی، مرکز حرکت دست ها و پاها، مرکز حرکت چشم ها و غیره با رابطه مستقیم با یکدیگر عمل میکنند.

حال اگر بخواهیم با اجرای عملیات آموزشی فشار زیادی به آن نیمکره از مغز که برای انجام دادن آن عملیات ساخته نشده است وارد بیاوریم کار مراکز موجود در آن را مختل کرده و اینکار بر نحوه فعالیت آن ها اثر نامطلوب میگذارد که از آن جمله چپ شدن احتمالی چشم هارا میتوان نام برد.

اما اگر مایک بچه چپ دست را به حال خود بگذاریم تا همانطور که طبیعت او را آفریده است رشد کرده و بزرگ شود پس از مدتی رفته رفته استفاده از دست راست خود را نیز خواهد آموخت زیرا همانطور که قبلا نیز گفته شد تمام وسایل کار و زندگی برای راست دست ها ساخته شده اند. و او نیز مجبور به استفاده و بکار بردن آنها است. (لئونارد داونیچی) از جمله اشخاص بود که می توانست با هر دو دست خود مشا بها کار کند و چیز بنویسد. پاولوف فیز بولوژیست روسی هم از جمله چپ دستانی بود که می توانست به راحتی از دست راست خود نیز استفاده کند اما در موقع بازی و ورزش ترجیح میداد با دست چپ کار کند.

در مورد چپ دست هایك نکته قابل توجه وجود دارد و آن اینست که نیمکره راست مغز نمیتواند به همان قدرت و مهارتی که نیمکره چپ مغز اعمال نیمه راست بدن را کنترل می کند حرکات و فعالیت های نیمه چپ بدن را کنترل کند و به همین دلیل چپ دست ها در انجام امور نسبت راست دست ها کار آمدی کمتری دارند.

۴- چرا هر دو دست را بکار نبریم

« عقیده میخائیل زو برزیتسکی استاد دانشکده ادساو یروفنور و یکتور روزینیکوف) در عصر ماشینسم- صفحه کنترل موتور ها و دستگاه های خود کار یک کارخانه آنقدر عریض و طویل شده است که بکار بردن آن ها بایک دست امکان پذیر نمیشود و چه بسا که متصلی مربوطه مجبور است از پاهای خود نیز

استفاده بکند و تازه این کار هم کافی نیست هر روزی که میگذرد دستگاه ها و ماشین آلات بغرنج تر و پیچیده تر میگردند.

در همین سالهای اخیر- ماشا هد تولد یک رشته جدید در علم بوده ایم و آن (روانشناسی - مهندسی) است هدف اصلی این رشته تطابق دادن قابلیت بشر است با آنچه که در خود کاری ماشین هامورد نیاز میباشد.

خوشبختانه سیستم اعصاب انسانی به طرز بسیار عالی برای اینکار مناسب است و بشر میتواند خیلی بیش از میزان فعلی از قدرت و قابلیت طبیعی خود استفاده و بهره برداری نماید.

در بسیاری از موارد افرادی که دست فعال خود را ضایع کرده اند به سرعت توانسته اند دست دیگر خویش را جانشین آن سازند. و این امر به هیچ وجه موجب پیدایش ناراحتی ای برای آنها نشده است به این ترتیب از نظر علمی باید گفت که وجود یک چنین امکانی نمی تواند خاص کسانی باشد که دچار نقص عضومی گردند.

پیلوت های طیارات جت و سفینه های فضائی تعلیمات خاص می بینند تا بتوانند از هر دو دست خود مشا بها استفاده کنند زیرا اگر جز این باشد قادر به انجام وظیفه نخواهند بود و به همین ترتیب کسانی که با دستگاه های بسیار غامض کار می کنند نیز باید تمرینات لازم را برای از بین بردن محدودیت عمل دست چپ انجام بدهند.

در آزمایشاتی که در دانشگاه ادسا انجام دادیم به این نتیجه رسیدیم که اطفال میتوانند در عرض چهار تا پنج ماه نوشتن با دست چپ را فرا بگیرند بدون اینکه کوچک ترین اختلالی در وضع سلامت آن ها پیدا بشود! حتی برخی اوقات دست چپ قوی تر و ماهر تر شده طفل اصولا تبدیل بیک انسان (چپ دست) میشود.

در این گروه افراد - وقتی در یکی از دست ها خسته گی حس کند. بدون

دیوه شهید په مزار

وخت ماز دیگر و چه ناخپه یوه ښکلاراغله
زما دنظر تر سلسلو سپینه رڼا راغله
ورته په بحیر شوم شکته پورته می نظر و کاوه
دخیال دنیا کی یوه عجیبه تماشا راغله
ماوی ناخپه شوه سپوږمی دخور لسمی ښکاره
دقبر خواته آهسته مسته لیلا راغله
دپشتو ننگ او غیرت رنگ ئی کړی جلوی پرتندی
پاک دامنی او صداقت کی ئی رښتیا راغله
هک و حیران پاتی شوم پوه نه وم چه حال شه دی
د تصور بحر کی ډوب لویه سودا راغله
ورو، ورو قدم سره قریب شوم دناز بینې په خوا
گډی دگلو یسی په لاس ورته مسکا راغله
گډی دگلو یسی نیوای وه سینې دپاسه
داحترام خمیده گی بی پاس پر ملا راغله
گډی دگلو یسی په ناز کشی شوده قبر باندي
زما زړگی ته د پوښتنی تمنا راغله
په احترام می د پوښتنی اجازت واخیست
دخواب دپاره ناز نینې ته رضا راغله
ماویل ننگینی خوری حال دما جرا غواړم
نکه هیله ددی خبری می لتا راغله
پښتنی پورته توری سترگی کړی په خوا زما
دناز خندا ئی په سرو شونډو یو محل بیا راغله
زه « گلاب » بحیر شوم پاکی پیغلی ناز پروری ته
چه ئی خبری کړی آغازی هیرانتیا راغله
ویل بی دا قبر کی چه گوری غنمی وروردی زما
دغلیم جنگ کی شو شهید درب قضا راغله
داحترام لاس په نامه ورته بار بار ایژدم
داسره گلونه دشهید ورور په مزار ایژدم

• ووجه شدن با مشکلاتی دست دیگر خود را
بکار میبرند . یک چنین تناوبی موجب
میگردد که از قوی تر شدن برخی از
قسمت های سیستم اعصاب جلوگیری
شده و پیدایش یک چنین تعادلی بر روی
رشد اندام های آنها تاثیر مثبت
میگذارد . آزمایشات نشان داده که
اینگونه اطفال (۱۱ تا ۱۲) ساله بهتر
از هم سالان خود میتوانند تمرکز فکری
داشته باشند .

بر طبق تجربیات ما - رشد مشا به
هر دو دست . روی میزان قابلیت
روانی نیز تاثیر مثبت و خوش میگذارد
زیرا کار هر دو دست را بطه بسیار
نزدیکی با کار مغز دارد . بعقیده ما
ناراحتی های حاصله از یک چنین آموزش
بیشتر به علل اجتماعی است یا علل
بیولوژیکی .

به عقیده ما در از منته بسیار قدیم
انسان های اولیه از هر دو دست خود
مشا بها استفاده به عمل می آورده اند
و اختلاف بین دست راست و چپ از زمان
پیدایش و ساخته شدن اسلحه در بین
قبایل مختلف پیدا شده است .

انسان ها رفته رفته به این حقیقت
پی بردند که ضربان وارده به قسمت سینه
چپ خیلی کشنده تر از ضربانی است که
به سمت راست وارد می شد و بهمین دلیل
سپهرا را بادست چپ جلوی قسمت سینه
خود گرفته و بادست راست نبرد میکردند
و همین عمل رفته رفته موجب آن شده
که کارها بادست راست صورت بگیرند .

ازهمه اینها گذشته استفاده بیشتر
از دست راست صرفا یک امر
طبیعی نیست بلکه تعلیم و تربیت نیز
نقش اساسی دارد . در موقع غذا خوردن
وقتی مادر میخواهد برای اولین بار
قاشق را به دست طفل خود بدهد آنرا
به دست راست او میدهد و یا اینکه هنگام
نوشتن با قلم را در اختیار دست راست
او میگذارد . و مجموعه همین اعمال
جزئی موجب راست دست شدن طفل
میگردد . در حالیکه احتمالا اگر جز این
بوده موجب چپ دست شدن او بشود .

مشا هیر جهان

خلک تاسیخ

(قسمت ۴)

اندره شینه : *Andre chenier*

اندره شینه، یکی از ظریفترین و زیبا ترین (قیافه های) تاریخ ادبیات فرانسه است. وی نابغه ای واقعی بود و شاید در صورت عمری بیشتر میتوانست یکی از پایه های استوار ادب کشور خود شود اما این نابغه فقط سی و دو سال عمر کرد و در سال ۱۷۹۴ مثل صدها هنرمند و متفکر و نویسنده دیگر فرانسه عصر انقلاب، قربانی گیوتین دوره ترورشده. وقتی که او را در ازابه محکومین بمرگ بسوی میدان اعدام میبردند، دست بر پیشانی خود زده گفت: حیف! زیر این پیشانی واقعاً « چیزی » پیدا میشود.

ارزش حقیقی نبوغ و هنرشنیه بعد از مرگ او بهتر معلوم شد. و اکنون عقیده بسیاری از منتقدین ادب اینست که باوجود سن کم وی، شعر او از لحاظ زیبایی و لطف اسلوب و قدرت تخیل، در ردیف عالیترین اشعار زبان فرانسه است. از او مجموعه اشعاری غالباً ناقص باقی مانده که معروفترین آنها «دختر اسیر» و «کور» و «بیمار جوان» و «امریکا» و «سرود مرگ» است. چند قطعه شعر یونانی و لاتینی و ایتالیائی نیز از او باقی است.

ایوان تورگنوف : *Ivan Turgueniev*

از بزرگترین نویسندگان روسی قرن نوزدهم است. چنانکه در نیمه دوم قرن نوزدهم در اروپای مرکزی و غربی که آن وقت مرکز ادب و هنر بود، هیچ نویسنده روسی با اندازه اوسر شناس نبود.

تورگنوف در سال ۱۳۱۸ متولد شد و در سال ۱۸۸۳ وفات یافت او از خانواده ای محترم بود تحصیلات خود را در پوهنتون های پترسبورگ و برلن انجام داد. ولی از نخستین سالهای رشد فکری همگام با تمدن و فرهنگ مخصوصاً دموکراسی پاختری

شد و بارژیم تزاری به بارزه پرداخت. از خدمت عسکری فرار کرد و روسیه را ترک گفت.

کتابهای معروف او داستان (یک شکارچی)، «زمین بکر» و غیره حاوی انتقاد شدید از رژیم غلامی دهقانان است که در دوره تزاری معمول بود تورگنوف در سال ۱۸۸۳ در بورژواوال نزدیک پاریس زندگی را بهرود گفت. تورگنوف «رمانتیک ترین رئالیست» ادبی روسیه است. آثار او بقدری شاعرانه و زیبا و لطیف است که نظیر آنرا جز در نزد پوشکین و لرمانتوف نمیتوان یافت تورگنوف پیش از آنکه روسی باشد اروپائی و مخصوصاً فرانسوی است. مهمترین آثار او عبارتند از: پارا شا، داستان یک شکارچی، برضد بندگی، پدران و پسران، دود، آبهای بهاری، زمین های بکر، عشق نخستین، آسیه و رودین. همه این آثار اکنون جزو شاهکاری های ادب اروپا بشمارند و تقریباً بکلیه زبانهای مهم جهان ترجمه شده اند.

سر ادوارد دنیسن روس : *Sir Edward Denison Ross*

در ششم ژوئن ۱۸۷۱ متولد گردید پدرش دکتر (ریس) کشیش یکی از کسلیسهای بزرگ لندن بود و وارد تحصیلات ابتدائی خود را در لیسه مالبرو (*Marlberogh*) و تحصیلات عالی خویش را در یکی از پوهنخهی های لندن با تمام رسانید. لیکن مقدمه آشنائی او باالسنه شرقی در پاریس و استراسبرک شروع شد و در سال ۱۸۹۶ بسمت استاد زبان دری در کالج لندن تعیین گردید ولی این مقام در آن زمان چندان اهمیتی نداشت و ارزش چنین استادی از یک معلم عادی متجاوز نبود باینجهت در سال ۱۹۰۱ از مقام خود استعفا و بریاست مدرسه کسلیکنه در هندوستان انتخاب گردید. در همین آوان شروع بتحصیل زبانهای چینی هندی - فارسی - ترکی - سانسگریت. نموده و در طول جنگ بین الملل اول مسافرتی بایران کرد و تا اندازه ای بفرهنگ این سرزمین آشنائی پیدا نمود. پس از مراجعت از هندوستان

بکشور خویش بازگشت و مجدداً کرسی استادی زبان‌های شرقی را که باو تفویض شده بود بعهده گرفت. لیکن این افتخار دیری نپائید زیرا بجهت بعضی امور سیاسی بترکیه فرستاده شد و در همانجا وفات و مدفون گردید.

آثاری که از قلم او تراوش نموده بقرار زیر است:

« اسلام (Islam) » هنر و ادبیات شرقی» (Persians)
« سرانثونی‌شرلی » « ترجمه تاریخ رشیدی » (زندگی و زمان عمر خیام) .

اندره ژید : Andre Gide

بزرگترین نویسنده معاصر فرانسوی است. و بعد از اناتول فرانس برجسته‌ترین شخصیت ادبی فرانسه در قرن بیستم بشمار میرود در سال ۱۹۴۷ انجمن ادبی نوبل بزرگترین جایزه ادبی جهان را بوی داد.

وی دردورهٔ تحویلات خود تحت تاثیر تعلیمات مذهبی و روحانی بود. ولی تدریجاً ازین راه کناره گرفت.

نخستین اثرش بنام (دقترهای یادداشت اندره والتر) در سال ۱۸۹۱ منتشر شد. اثری که ویرا فوق‌العاده معروف کرد (مانده‌های زمینی) « *Norritures terrestres* » بود که در آن ژیدخواه لذت‌طلبی و آسایش مادی معرفی میگردد در ۱۹۰۲ وی اولین رمان خود را بنام « بی اخلاق » *Immoraliste* انتشار داد که از لحاظ روان‌شناسی اثری بسیار قویست.

در ۱۹۰۹ کتاب «در تنگ» و در ۱۹۱۱ «آهنگ روستائی» و در ۱۹۲۵ اثر معروف «سکه سازان» از او انتشار یافت. در ۱۹۳۷ کتاب او بنام (بازگشت از شوروی) که در آن ژید رژیم شوروی را شدیداً مورد انتقاد قرار داده و اظهار داشته بود: «تا قبل ازین سفر من بکلی دربارهٔ این کشور و رژیم آن در اشتباه بودم» سروصدائی فوق‌العاده در اروپا برپا کرد. در زمان جنگ، ژید در شمال آفریقا ماند و خاطرات خود را در آنجا نوشت «آهنگ روستائی» که چندین بار بصحنه سینما و تیاتر آمده و آخرین بار فیلم آن جایزه بین‌المللی گرفته یکی از زیباترین و شاعرانه‌ترین آثار ژید است.

آرتور شنیتمسler : Arthur Schnitzler

یکی از بزرگترین نویسندگان المانی زبان قرن نوزدهم و بیستم است، وی اصلاً اتریشی است و در سال ۱۸۶۲ در وین متولد شد، حرفهٔ او طبابت بود، ولی از همان اول علاقه فوق‌العاده‌ای بادبیات داشت و بهمین جهت خیلی زود بکار نویسندگی پرداخت، اولین نوشتهٔ او هنگامی انتشار یافت که وی ۲۴ سال بیشتر نداشت، از آن پس پیاپی بیس‌های تیاتر و رمانها و نوول‌های متعدد از او انتشار یافت، نوول‌هایش که معروفترین قسمت آثار ادبی او است، در ادبیات زبان المانی مقامی خاص دارد، زیرا مجموعهٔ این داستانه‌ها از عالیترین نمونه‌های کتب ادبی بزرگ روانشناسی و تجزیه و تحلیل روحیست که صفت بارز و مشخص ادبیات المانی بشمار میرود، و ازین جهت هیچ

کشور دیگری در جهان به پای المانیها و اثریشیها نمیرسد گذشته ازینکه این «تحلیل عواطف» صفت مشترک غالب نویسندگان المانی زبان است، شنیتمسler اختصاصاً روانشناس برجسته‌ای بود، و چون در عین حال طبیب نیز بود، زمینهٔ بسیار مساعدی داشت که احساسات و عواطف بشری را در آن واحد از لحاظ روحی و جسمی مورد مطالعه قرار دهد و قطعاً رمز شهرت فراوان آثار او نیز همین است از زمرهٔ آثار برجسته او میتوان کتابهای ذیل را نام برد:

(اناتول)، مرگ عشق موقتی، حیوان آزاد، طوطی سبز (درام) بثاتریس، بریدن (گوستل) (برتا گارلان) راه تنهائی انتراکت (کمدی) فریاد زندگی (درام) کنتس میتسی .

انتیس تنس : Antisthenes

انتیس تنس از فلاسفه یونانست که در حدود سال ۴۴۰ پیش از میلاد در شهر آتن تولد یافت، انتیس تنس شاگرد ارسطو و پیشوای فلاسفه کلبی و استاد دیوژانس بود و عقیده داشت که نعمت کامل و سعادت واقعی در فضیلت است و فضیلت حقیقی شباهت یافتن با ذات خدا نیست، پس چون خداوند را بکسی احتیاج نیست برای نیل به نعمت و سعادت واقعی باید از احتیاجات دنیوی چشم پوشید و بر جمله موجودات بدیده بی‌اعتنائی نگریست، انتیس تنس چوب دست و کوله پشتی گدایان را مظاهر فلسفه می‌خواند، ارسطو روزی بدو گفت: (انتیس تنس من خود خواهی و تکبر ترا از چهار گیهای لباس می‌بینم) .

ارنست همینگوی Ernest Hemingway

از معروفترین نویسندگان معاصر امریکائی است، مکتب ادبی جدید امریکا که نمونه‌های برجسته آن را در آثار همینگوی فولکتر، دوس پاسوس، سارویا، اشتاین بک و امثال آنها میتوان یافت، مکتبی است که پیش از هر کس بدست همینگوی بوجود آمد، یا لاقول وی سهم بزرگی در ایجاد آن داشت و سبک این مکتب که زادهٔ جنگ بین‌المللی اول و جنگ بین‌المللی دوم است، سبکی است رئالیست، خشن، بالحنی غالباً زننده که در آن سعی میشود انسان و جامعه (همینطور که هست) باهمه‌ی بدیها و نواقص آن تشریح شود و (بخصوص) سعی میشود فقط این معایب و نواقص تشریح گردد. بطوریکه این وسواس عیب‌جویی و نقاشی چیزهای زشت اساس کار نویسندگان بشمار میرود.

همینگوی که برجسته‌ترین نویسندهٔ مکتب جدید امریکائیست کتاب و فیلم بسیار معروف (برای چه زنکها بصدا درمی‌آیند) شهرت او را جهانگیر کرده است. در سال ۱۸۹۸ متولد شد در ۱۹ سالگی خبر نگاری روزنامه‌ای را بعهده گرفت و اندکی بعد داوطلبانه در جنگ بین‌المللی اول شرکت جست و وارد اردوی ایتالیا شد در این جنگ بود که زخمی شدید برداشت بعد از جنگ به پاریس رفت دو باره مدتی (بقیه در صفحه ۹۸)

انسان

سپوږمی او مریخ



د شوروی اتحاد یو لوی رصدخانه چه تل د نړۍ د کیهانی چارو څارنه کوی

جزئیاتو په باره کښې تراوسه پوری مر بو طومقاتو ته معلومات ورکړی دی او همدارنگه هغه قیمتی سوغاتو نه (د سپوږمی دبری او خاوره) چی دوی له سپوږمی شخه د محکمې ساینس پوهانو ته راوړی دی تر کتنې او تحقیق لاندی نیول شویدی او ددی ابتدائی تحقیقاتو په نتیجه کښې د سپوږمی طبیعت په هکله گتوری پوهنی لاس ته راغلی دی چی په راتلونکو کیهانی اکتشافی عملیاتو کښې به تری زیاته استفاده شی . کله چی ساینس پوهانو د سپوږمی د سطحی د پېرو هغه نمونې تر کتنې لاندی ونیولی چی آرمسترانگ او الدرین له سپوږمی شخه راوړی دی نو معلومه شوه چی د پېرو تخنیتی خصوصیات له پخوانیو تخمیناتو شخه توپیر لری . مثلاً یوه پیرد چی حجم ئی $2 \times 5 \times 7$ انچ کبیری لگیدو نکې وگپل شوه ، دا موضوع دامعنی ورکوی چی نو موړی پېره په یوه وخت کښې ذوب شوی او بیرته ئی د جامد شکل نیولی دی . لدی خبری شخه چیالوجستانو دامعنی را وایسته چه سپوږمی اوس او یایو وخت د محکمې په شان پیر تود منځ لری یعنی تر قشر لاندی ئی پیر

پیره موده نه کبیری چی دوو تنو انسانانو دلومړی محل دپاره د سپوږمی هر سطح باندى پښه کښیښوده او هغه تلاشونه ئی نتیجی ته ورسول چی خصوصاً له لسو کالو راهیسی د نړی دسترو هیوادو له خوا په پرله پسې توگه روان ؤ . په همدی ډول سره شپږم اووم مریز پدی نژدی وختو کښې د مریخ د سیاری له شنگه تیر شول او یو شمیرل عکسونه ئی محکمې ته مغاېره کړل ، امریکائی کاز میکی پیلو تانو دلومړی محل دپاره رنگه عکسونه د سپوږمی له سطحی شخه واخیستل او په ژوندی توگه ئی محکمې ته واستول . پدی ترتیب سره دانسانانو کیهانی تلاشونه یوی بلی مرحلی ته داخل شول او د سپوږمی او مریخ په هکله مر بو طی پیژندنی تر پخوا لاپسی بشپړی شوی . دامریکا دملی هوانوردی او کیهانی موسسی متخصصین هیله څرگندوی چی دغه اقدامات د کیهانی موجوداتو په اکتشاف کښې دیوه نوی عصر څرک گڼل کبیری . هغه بریالیو بونه چی دیوولسمی اپولو د کاز میکی پیلو تانو او د شپږم اووم مریز د لار شوونکو په برخه شو دا احتمال منځ ته راوولی چی د کیهانی موجوداتو د اکتشاف گامونه به لاپسی چټک شی او نتایج به ئی تر هغه شخه چی پخوا فکر کیده محلانده وی . پدی اساس امکان لری چی په ۱۹۷۱ کال کښې امریکائیان یو مخصوص جیب د سپوږمی هر سطح باندى پکار واچوی او په ۱۹۷۳ میلادی کال کښې یوه کیهانی بیری په کراری سره د مریخ هر سطح باند کښیښوی .

برسیره پردی په څورا تلونکو کلونو کښې به امریکائیان نه (۹) نوری اپولو بیری دزیاترو تحقیقاتو لپاره له یوشمیر انسانانو سره د سپوږمی ته ښکته کړی . همداوس اوس (نایل آرمسترانگ) او (ادوین الدرین) لومړنی امریکائی انسان چی د سپوږمی هر سطح باندى ښکته شول ، د دولسمی اپولو کاز میکی پیلو تانو ته د دوی در اتلونکی سفر په هکله چی دسړ کال دنومبر په میاشت کښې به عملی شی معلومات ورکوی .

تراوسه پوری دیولسمی اپولو کاز میکی پیلو تانو یعنی نایل آرمسترانگ ادوین الدرین او مایکل کالنز د پېرو

عناصر له المونیم څخه نیولی تر منځنیز یوم پوری وپیژندل شول .
 دا کتر راس تیلر بو آسترلیائی ساینس پوه څرگنده کړه چی
 د سپورزمی ډبرې د سوډیم او پوتاسیم په قلت مواجه دی مثلاً
 د ځمکې هغه ډبرې چی د سپورزمی له ډبرو سره مشابه ده او
 بسالت *Basalt* نومیږی دری نخل د سپورزمی تر ډبرو زیاتره
 سوډیم او پوتاسیم لری . مگر د سپورزمی ډبرې د تیتانیوم د عنصر
 له حیثه د ځمکې تر ډبرو غنی ښکاری اولکه چی ساینس پوهان
 عقیده لری ډیره مشکله ده چی د ځمکې یوه ډبره په داسی یوه
 ترکیب باندی جوړه کړی شی . اگر که د ځمکې او سپورزمی
 ډبرې تر هغی اندازی پوری سره مشابهت لری چی د سپورزمی
 ډبرې تجزیه شی او د ځمکې د ډبرو په اساس ورته قیمت
 ورکړی شی مگر په مکمل ډول سره د دی دواړو سپورزمی
 ډبرو جیو کیمیاوی خصوصیت سره توپیر لری اوتر اوسه
 پوری داسی یوه تیوری چی د سپورزمی ډبرو د ترکیب په باره
 کینی پر نسبیونه وضع کړی منځ ته لده راغلی .

په همدی توگه د سپورزمی ډبرو د مطالعی په ترڅ ځینی
 نور حیرانوکی شیان هم ولیدل شول او ساینس پوهان
 نه یوازی د سپورزمی ډبرو د ترکیب په هکله له نوو شیانو
 سره مخامخ شول بلکه ډبرو په ذراتو کینی ټی مکر و سکوپ
 نور ساختمانونه هم ولیدل . کله چی د خاورو هغه ذرات چی
 د سپورزمی ډبرو پر مخ موجودی دی د کتینی د پاره دمکروسکوپ
 د بنداری لاندی کینودل شول نو معلومه شوه چی دهغو
 په منځ کینی یو زیات شمیر شیشه ټی دانی او کرستالونه موجود
 دی . دغه وری مری او کرستالونه چی اندازه ټی فرق لری
 اوله میکروسکوپی حجم څخه نیولی د ښگو دوړو دانو ترغیوالی
 پوری د سپورزمی د خاورو په ذراتو کینی موجود دی راز راز
 رنگونه لری لکه تیره نصولاری رنگ ، ژیر ، شفاف او ددی
 رنگونو په منځ کینی ځینی اور رنگونه . هغه څه چه ساینس
 پوهان ټی حیران کړل او د تعجب موجب وگرزید دانه دی
 چی ولی داشتافی دانی د سپورزمی په خاوره کینی موجودیت
 لری اوله $\frac{1}{4}$ تر $\frac{1}{3}$ د سپورزمی د خاورو جز تشکیلوی ، بلکه

ددی شیشه ټی دانو دزیاتوالی اندازه د سپورزمی په خاوره کینی
 منرالوجستانوته د حیرانتیا موضوع ده . دا میکروسکوپی شیشه ټی
 دانی ډیری بیوی او ځلانندی سطحی لری او د سوال ځای دادی
 چی دادانی څرنگه منځ ته راغلی دی . کلیفور دفراندل دهارورد
 دیونیورستی یو منرالوجست عقیده څرگندوی چی دغه شیشه ټی
 دانی د ډبرو میده شوی ذرات دی او هغه وخت منځ ته راغلی
 دی چی میتورائتونه د ځمکې پر سطح لگیدلی او شا اوخوا ته ټی
 میده ذراتو څپې خوری کړیدی .

تراوسه پوری ساینس پوهانو د سپورزمی د خاورو د ضرر
 د معلومولو دپاره هم کتنو ته دوام ورکړی دی او برسیره
 پردی چی دیو ولسی اېولو کازمیکی هیلوتان ټی دیوی مودی

تاوده مواد موجود دی چی آتشفشانی برخی هم پکینی داخلیری
 دی مسئله هغو پخوانیو نظریاتو ته تغیر ورکړ چی
 سپورزمی ټی یوه سره سیاره گتله اوداسی ټی توضیح ورکاوه
 چی سپورزمی د ځمکې ډیره نژدی گاوانه لکه یوه گرغیدونکی
 ډبره وه چی د گازونو اوزراتو له تکاثف څخه د هغی سیاری
 د سرگردانی په وخت کینی په لایتناهی فضا کینی منځ ته راغلی
 او په پای کینی د ځمکې له خوا جذب شوی او په معین مدار کینی
 ټی ځای نیولی دی . دا کترهارولد یوری *Harold C. urey*
 یوه ۷۶ کلن کیمیدان چی د کلیفورنیا په نیورستی
 پوری مربوط دی او دنوبل جا یزه ټی هم وړی ده
 وویل چی له شلو کلو راهیسې ما فکر کاوه چی سپورزمی
 یوه سره سیاره ده مگر اوس زه احساس کوم چی باید پخپلی نظری
 اوتیوری باندی بله کتنه وکړم . اگر که داسی ویل کیری
 چه لازمه به نهوی چی دا کترهارولد یوری خپله تیوری په
 مکمل ډول له سره وپړوی ځکه ځینی ساینس پوهان عقیده
 لری چی ددی خبری امکان هم په پوره ډول شته چی سپورزمی
 هم توده او هم سره سیاره وی . دا کتر رابرت جستر ویویل
 کیهانی متخصص عقیده څرگندوی چی سپورزمی یوتو د منځ او
 سور قشر لری او ددی نظریی په اساس ځینی نور جیالوجستان
 داسی نتیجه منځ ته را باسی چی سپورزمی اوس او یا یووخت
 یوه مذابه هسته درلوده چی له سپورزمی له را وپل شوو ډبرو
 څخه دا مطلب په پوره ډول څرگند یری .

یوه بله مسئله چی د غور او کتینی وړگرخی هغه داده
 چی کتلوی تکاثف یعنی ډبر و درند و موادو ترسبات
 د سپورزمی په سمندرونو کینی محقق گرزیدلی دی . دا ترسبات
 دومره درانه دی چی امکان نلری د یوی نرمی او ذوب
 شوی سطحی دپاسه ودریری بلکه باید د سپورزمی په نرمی او
 مذابی داخلی هسته کینی ذوب شی . مگر پدی وجه چی
 درانه ترسبات د سپورزمی سطحی ته نژدی کشف شوی دی او
 هغه علاوگی جاذبه قوه چی هغوی ټی پر کیهانی بیرو باندی
 اچوی دا خبره په ښه وجه ثابتوی چی نوموړی مواد د سپورزمی
 سطحی ته نژدی پراته دی . کیهانی متخصصین لدی خبری
 څخه د نتیجه راباسی چه سپورزمی باید یوقوی ، کلک ، ضخیم
 اونسبتاً سور قشر ولری چی له ډبرو څخه منځ ته راغلی دی
 او لدی کبله درانه ترسبات پری دریدلای شی او ښکته
 د سپورزمی د مذابی هستی په لوری نه ډو بیږی . دی پوهانو
 دا تخمین کړی دی چی د سپورزمی باندنی سور او کلک قشر
 تقریباً ۲۵۰ میله پندوالی لری چی د سپورزمی داخلی توده
 هسته ټی احاطی کړی ده . د سپورزمی د ډبرو د مطالعی او
 کتینی په ترڅ کینی ساینس پوهانو د سپورزمی د خاورو ځینی
 ټوټی وسولولی او ددی خاورو دیلو یلو عناصرو رنگونه ټی
 دلجولو له لیاری د سپکتر و گراف نومی آلی په وسیله سره
 مطالعی کړل . د دی مطالعی په نتیجه کینی تقریباً شپيته



دشوروی اتحادیو کیهانی متخصص چه دکار په وخت کی لیده گیری

ډیر پر مختګونه شوی دی او په را تلولکی کلونو کښی چی (۹) نوری اپولو بیړی هم سپوږمی ته واستولی شی نو انسانان به سپوږمی لاپه پوره ډول سره و پېژنی . اوس د امر یکا ملی هوانوردی او کیهانی موسسه غواړی چی د مریخ د پیژندنی په هکله خپلی هلی محلی زیاتی کړی او دراتونکولسو کڼو نوبه کیهانی پلان کښی د مریخ اکتشاف ته زیات اهمیت ورکړ شویدی .

د مریخ په هکله نوی پیژندنی

تقریباً په هماغه موده کښی چه انسانانو د لومړی محل دپاره د سپوږمی پر سطح باندی پښه کښیښود . او تقریباً د سوه او پنځوس زره میلله له محمکی څخه لیری ولاړل د انسانان د لاس دوی بیړی تقریباً شپيته ملیون میلله لیری د مریخ سیاره ته

ورنژدی شوی شپږم او اوم مرینر تقریباً وروسته له شپږ و میاشتو خپل منحنی محرک تر مریخ پوری پای ته ورساوه غوله هغی سیاری څخه داسی عکسونه واخلی چی د ژوندی مخلوقاتو موجودیت د مریخ په سیاره کښی تری څرګند شی او دا خبره روښانه شی چی په هغی سیاری کښی ژوند شته او که نه یوه ساینس پوه عقیده څرګند کړی چی په زرو کښی یو چانس شته چی مورپه مریخ کښی ژوندی موجودات کشف کړو مگر کله چه شپږم مرینر د مریخ سطح ته نژدی شو نو د ژوند کومه علامه ئی په هغی سیاری کښی ونه موندله او حتی کوم داسی محیط ئی هم پیدا نکړ چی د ژوند امکان پکښی موجود وی ، د مریخ سطحه ډیره لوڅه ، وچه اوبی اوبو ښکاره شوه او مریخ ئی یومره سیاره وښودله شپږم مرینر دروان میلادی کال د فبروری په ۲۴ نیټه له کیپ کښی څخه د مریخ خواته وتوغوله شوه او کله چی دا بیړی د تیر آگست په اولوورځو کښی د مریخ سور رنگی سیاری ته نژدی شوه نو تلویزیونی عکسونه ئی محمکی ته مخاږه کړل او ورسته له هغه نوموړی بیړی چی د بادی ژوندی شکل لری د مریخ د استوا خط دپاسه را څرخه شوه او فاصله ئی له مریخ سره لږه کړه او د مریخ له سطحی څخه ئی تلویزیونی عکسونه واخستل دا عکسونه د مریخ له سطحی څخه حتی د ۲۱۳۰۰ میلوله لیری والی څخه اخیستل شوی دی وروسته له هغه اوم مرینر چی دروان میلادی کال د مارچ د میاشتئی په ۲۷ توغول شوی وه د پنځو ورځو مسافئ په توپیر د شپږم مرینر له شا مریخ ته نژدی شوه او یو محل بیانی د مریخ له سطحی څخه د شپږم مرینر پشان عکسونه واخستل او ورسته له هغه د مریخ د جنوبی قطب په خوا را څرخه شوه څو د هغه سر موزی برخی کیفیت معلوم کړی چی اسکان لری ژوند پکښی موجود دی .

هغه عکسو نه چی په لوئی زاویی او میکروسکوپیک عدسیو

دپاره دقرانتین په شکل تر معاینی لاندی ونیول د سپوږمی د خاوروی یو اندازه محلول ئی څو مخصوصو موژ کانونو ته چی په پوره صحتی حالت کښی ساتل شوی و تزیق کړ او په نتیجه کښی معلومه شوه چی دموژ کانو په صحت کښی څه نقصان پښی نشوه . پدی ډول سره دیوولسمی اپولو وظیفی په زره پوری معلوماتونه ساینس پوهانو ته تراوسه پوری تهیه کړیدی او بیانی دزیاتو کتنو او څیړنو په نتیجه کښی ددی معلوماتو اندازه لاپسی زیاته شی . دیوولسمی اپولو کازمیکی پیلوتانو د دیوولسمی اپولو پیلوتانو ته د اپور کړیدی چی د سپوږمی د سطحی په لږه جاډبه کښی قدم وهل آسان کاردی ، آرمسترانګ اعظمی دعقاب له بیړی څخه د سپوږمی پر سطح باندی تر ۲۰۰ فټو پوری لیری تللی دی داسی حال کښی چی د دیوولسمی اپولو کازمیکی پیلوتان بحری ډگرمن چارلس کنراد او بحری جګړن ان بین به له ۱۰۰۰ تر ۱۵۰۰ فټو پوری له خپل ښکته کیدونکی بیړی څخه لیری ولاړ شی .

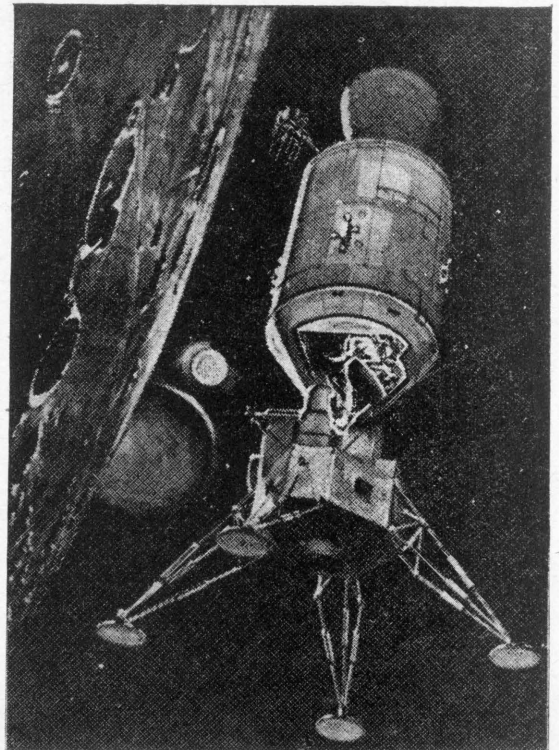
په هر صورت تراوسه پوری د سپوږمی په هکله دیوولسمی اپولو له ماموریت څخه ډیرشیان منځ ته راوتلی دی حتی پدی نژدی وختو کښی د لاس ته راوستل شوو معلوماتو په مرسته حتی دعقاب د بیړی د کښیناستو دقیق موقعیت هم معلوم شوی دی چی د سپوږمی په ۲۳ درجو او ۲۶ دقیقو شرقی طول البلد اوصفر درجه او ۱۴ دقیقو شمالی عرض البلد کښی واقع دی . همدارنگه هغه کوچنی انعکاس ور کونکی آلی چی د آرمسترانګ اوالدرین له خوا په سپوږمی کښی نصبه شوه تر اوسه پوری دلیرز دوه انگی انعکاس په بریالی توگه محمکی ته مخاږه کړیدی اوبالاخره په سپوږمی کښی نصب شوی زلزله سنج تراوسه پوری ۲۵ زلزلی او حرکت ټکانونه په سپوږمی کښی ثبت کړی دی او محمکی ته مخاږه شوی دی . دا ټکانونه د زلزلو او د لویو ډبرو د حرکت په اثر منځ ته راغلی دی . پدی توگه داسی ښکاری چی د سپوږمی دا اکتشاف په هکله

په واصله په شپږم مریز کښی موجود ؤ واخستل شول په لومړی نظر د مریخ سطحه د سپوږمی له سطحه سره مشابیه و ښودله د نوموړو بېر یو د کمرو عکسونه وچه او بی اوبو سطحه چی له حفرو او کریترونو څخه ډکه ده ښی او له همدی کبله یو د نامتو جیولوجست (بروس موری) عقیده څرگنده کړچی د مریخ د سطحی کریترونه ډیر زیات له هغو کریترونو سره مشابه دی چی د سپوږمی پر سطح بانندی ولیدل شول د مریخ د سطحی و چوالی د لومړی ځل دپاره د څلرم مریز په وسیله سره څرگند شو چی ۲۱ عکسونه ئی له د مریخ له سطحی څخه د ۶۱۱۸ میلو له ارتفاع نه ځمکی ته مخاږه کړل او پدی نژدی وختو کښی د مریخ داستواخط دپاسه د دریغو دانشته والی له آمله د شپږم مریز ماموریت تر ټولو پخوا نیو تلاشونو زیاتره د مریخ د اتموسفیر و سطحی په باره کښی څېړنی وکړی څو د ژوند امکانات ددی سیاری پر مخ بانندی معلوم کړی مگر د مریخ توری او مری سطحی کوم دلیل چی د حیوان نبات یا بل کوم ژوندی مخلوق نښه نشانه و ښی په لاس رانکړ او داڅېره د امریکاه په ملی هوا نوردی او کیهانی موسسه کښی هم د اندیښنی ورده ځکه دوی فکر کوی چی کانگرس د داسی یو پروژي حمایت په مشکل سره وکړی چی په هغی کښی کوشش کیری انسان یوی وچی او مری سیاری ته استول کیری هغه عکسونه چی د مریز د بېړیو په وسیله سره له مریخ څخه د ۷۷۱۵۰۰ میلو له لیر والی څخه نیول تر ۱۹۵۰-۱ میلو لیری والی نه دهغی سیاری له سطحی څخه واخستل شول د مریخ په هکله ډیر جزئیات روښانه کوی چی پخوا انسانانو ته نه ؤ معلوم، پدی نوو معلوماتو نو کښی هغه څه چی ډیر توجه

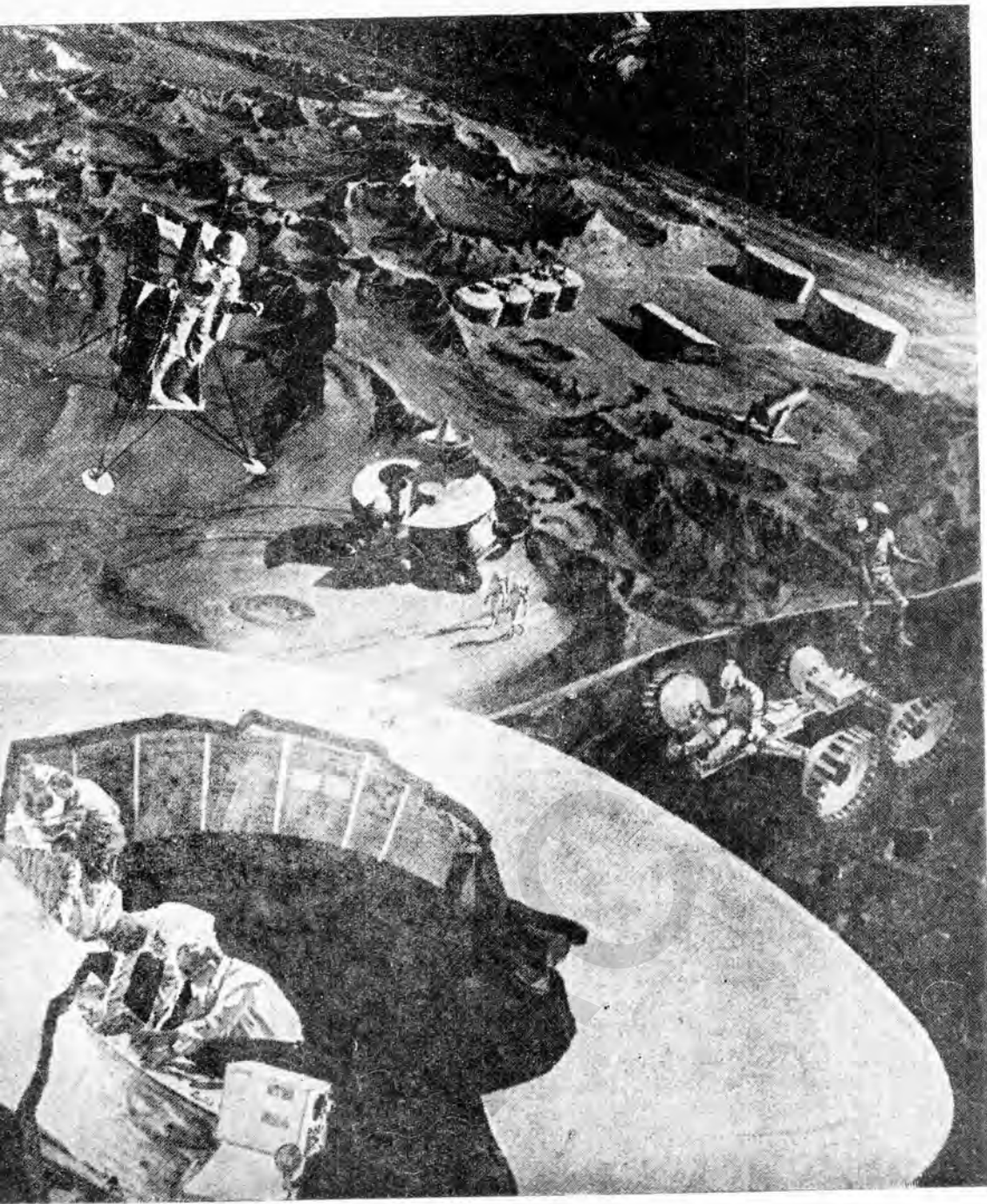
وړ گرځی دادی چی د مریخ دجنوبی قطب برخه یو غیر منظم ځنډه لری او داموضوع پخوا په هیڅ ډول اکتشاف کښی نه وه معلومه شوی، دا ابتدائی مطالعاتو له مخی د مریخ دجنوبی قطب دځنډی نامنظم والی دهغو کریترونو د موجودیت په اثر گڼل شوی دی چی هاته څرگند بریښی، کله چی هغه عکسونه مد نظر و نیول شی چی له نسبتاً نژدی مسافی څخه د مریخ له سطحی څخه اخستل شویدی نوساینس یو هان حتی هغه طبیعی عوارض هم پیژندلای شی چی تر ۹۰۰ فټو پوری وسعت ولری دا عکسونه چی له مریخ له سطحی څخه له ډیری لږی ارتفاع څخه اخستل شوی دی له تقریباً شپیتو ملیونو میلو له لیری والی څخه ځمکی ته مخاږه شول.

لکه چی د مریخ په سطحی مربوط د نژدی مسافی عکسونه چی د مریز د بېړی د مایکرو سکوپیکی عدسی په واسطه اخستل شوی دی ځمکی ته راوړیدل نو ئی د ساینس پوهانو دپاره د یوه لوی بریالیتوب زیری راوړ، پدی عکسو نو کښی حتی د پنځو سوو میلو ساحه چی له کریترونو څخه ډک ښکاری په یوه عکس کښی ښودل شوی دی، پدی ډول سره له نژدی مسافی څخه د مریخ د سطحی د محدودو سیمو عکسونه لاس ته راغلل او بریږه پر هغه د مریز کمرو مایل عکسونه چی د مریخ د سطحی ریاته ساحه ښی واخستل خود ور یخو موجودیت په اتمو سفیر کښی هم وڅړل شی، پدی عکسونو کښی یو داسی کریترون ولیدل شو چی قطر ئی ۲۴ میله او ځنډی ئی له ډېرو څخه تشکیل شوی او څوړ والی ئی مرتبه داری لیدل کیری، دا کریتر د سپوږمی د کوپرنیک له کریتر سره ډیر شابهت لری، د مریخ ځینی نور غټه کریترونه په خپل منځ کښی نور کریترونه لری چه د داری په شکل لیدل کیری او میل ئی د سپوږمی د کریترونو تر میل په ټیټه زاویه معلوم کیری ځینی ساینس پوهان حتی عقیده څرگنده کړه چه د مریخ د سطحی زاړه او نوی کریترونه یوله بل څخه پیژندل کیری ځکه زاړه کریترونه د طبیعی حوادو په اثر په ځینو ځایونو کښی تخریب شوی ښکاری او له نورو نوو کریترونو څخه په بیل ډول لیدل کیری.

د مریخ پر سطح بانندی د کریتر ونو د منځ ته راتگ علت داسترواید *Asteroids* د کمربند فعالیت گڼل شوی دا کمربند چی له آسمانی ډبرو څخه ډک دی په پرله پسې توگه د مریخ او مشتری دسیاری په منځ کښی گرځی راگرځی او کله هم لدی حدود څخه لیری هم تیر کیری، د مریخ پر سطح بانندی د کریترونو ډیروالی مربوطو متخصصینو ته چی د شپږم او اوم مریز رااستول شوی عکسونه ئی مطالعه کول دحیرانتیا موجب ونه گرزید، ځکه متخکښی څلرم مریز د ۲۱ عکسونو په ذریعه چی د مریخ له سطحی څخه ئی واخستل داڅرگنده کړه چی په هر عکس کښی د مریخ د سطحی % ۱ سیمه شمی اقلا ۳۰۰ کریترونه موجود دی او امکان لری چی ۳۰۰ نور هم پکښی موجودی همدارنگه څلرم مریز د او ښوده چی د مریخ اتمو سفیر ډیر لږ ارتفاع لری ځکه کله چی نو موری بېړی د مریخ له سیاری څخه راتاو شوه راد یو ئی څپو دهغه انکسار له مخی چی د بېړی



د کیهانی سفینو څخه یو نمونه



په حرکت کښې « کله
 چی دمريخ شاته ولاړه
 او مغه وخت چی بیرته
 دمريخ له شار او وته په
 غچو کښې پیدا شو دمريخ
 د اتمو سفیر ارتفاع
 معلومه کړه، همدارنگه
 نو موری پیری داهم
 روښانه کړه چی د هوا
 فشار په مریخ کښې د
 محکمې په نسبت ۱۰۰-۱
 دی او ددی سیاری
 اتمو سفیر اکثر آ له
 کاربن دای او کساید
 او پیری لری او بو
 غځه تشکیل شوی دی،
 او معلومه ده چی سپوږمی
 اساساً اتو سفیر نلری
 لکه د سپوږمی کمزوری
 جاذبه ددی قدرت
 نلری چی گازونه دخپلی
 سطحی د پاسه وساتی.
 شهرم او اوم مریز
 د زیاتو او مفصاو
 تحقیقاتو دپاره دمريخ
 د سیاری په لوری واستول
 شول او برسیره پردی،
 لدی عمل غځه دا انتظار
 کیده چی نو موری پیری
 دخلرم مریز تر ماموریت
 زیاتره معلومات لاس ته
 راوړی او عضوی
 مالیکیولو نه او
 گازونه دمريخ د اتمو سفیر
 په لاندنیو برخو کښې
 وڅیړی او همدارنگه
 دمريخ د قطبونو د مطالعی
 په نتیجه کښې داوبښی

په سپوږمی کښې د تخمیلی کیهانی ښارونو غځه یو لومونه

ته اوبه رسوی او هلته ژوندی موجودات تری استفاده کوی .
 مگر شهرم مریز په مریخ کښې د نایز و جن موجودیت ندی
 څرگند کړی پداسی حال کښې چی د محکمې د پاسه د ژوندی
 موجوداتو په هر مالیکیول کښې نایز و جن شته، شهرم مریز
 یوازی داوبو او یخ ضعیف بخارونه دمريخ په اتمو سفیر کښې
 کشف کړیدی، مگر په عمومی ډول سره تر اوسه پوری د سپوږمی
 او مریخ په منځ ډیر زیات مشاهت لیدل شویدی، شهرم مریز
 داسی یو قوی دلیل اثبات ته ندی رسولی چه په مریخ کښې
 د ژوند موجودیت یا شرایط ویشی او داخبره داوم مریز معلومه اتو
 ته پاتی کیږی چه وروسته له یو لړ څیړنو غځه به په نژدی
 راتلونکی کښې معلوم شی .

چی آیا ددی قطبونو سپین رنگ د یخ نیولی کاربن دای او
 کسایدو چ یخ او یاساده داوبو د یخ د موجودیت په اثر منځ ته راغلی
 دی البته لدی کبله چی دمريخ په سطح باندی د ژوند موجودیت
 په اوبو پوری اړه لری او دمريخ د قطبونو د خصوصیت په باره
 کښې (چی داوبو یخ لری او کدنه) مربوط معلومات داخبره
 په پوره ډول سره ثابت کړی چی آیا هلته د ژوندی مخلوقاتو
 د موجودیت او یاد ژوند د شرایطو امکان شته او کدنه .
 دمريخ په سطح باندی تر ټولو عمده عوارض چی په هغه محای کښې
 د ژوند احتمال منځ ته راوولی دهغو کانا لونیو موجودیت دی چه د
 اوژدو کرښو په شکل سره لیدلی کیږی او یخینی پوهان داسی فرضیه
 ټینګوی چه دا کانا لونه دمريخ د قطبونو له یخچالونو غځه وچو محکو

بک نشریه بطور وجود یابد

قسمت اخیر:

شمس الدین ظریف صدیقی

خوانندگان:

طوریکه در بالا گفته شد نویسنندگان با زحمات فراوان و تحمل رنج بیدار خوابیها و مطالعات عمیق مقالات و مواد نشراتی را تحریر و آماده مینمایند اعضای نشراتی مجله مطالب را با دقت میخوانند و با تحمل رنجها و فشارها نشریه خود را مطابق اساسهای ژورنالیستی، موافق به شرایط اجتماعی و روش نشراتی با خواهش و التجاء تقدیم مینمایند و اعضای طباعتی در شرایط مختلف با قبول مشکلات مختلف و صحافت مرغوب مجله را برای توزیع حاضر میکنند برای چه؟

آیا شما گاهی درین مورد فکر کرده اید؟ پس من بشما میگویم که این همه فعالیتها فقط بخاطر آنست که شما خوانندگان عزیز مطالعه بفرمائید و لحظاتی را با قبول صرف قسمتی از وقت خود بالای مجله بر معلومات خود بیفزائید در واقع «ابرو باد و مه و خورشید و فلک در کارند» تا شما مجله بدست آورید و مطالعه نمائید اما بیک شرط بشرط آنکه از مطالعه آن غفلت نورزید.

راستی خوانندگان آسانترین وظیفه را نسبت به نشریه خود بعهدہ دارند اما تا جائیکه دیده شده کمتر این وظیفه را اجرا میکنند در حالیکه خواننده مسہترین نقش را در تهیه و بہتر شدن مواد نشراتی و مضامین و مندرجات و مواد طباعتی (صحافت، قطع و درست چاپ شدن) ایفاء مینمایند، اعضا مذکور برای اینکه خواننده را راضی بسازند و اقناعش کنند شب و روز تلاش میورزند و میباید یسند تا هر روز مواد خوبتر و نشریه موزونتر تهیه بدارند

هر تحولی که در مجله پدید می آورند درباره آن با خوانندگان مشوره میکنند و نظر آنها را میخواهند درینصورت خیلی ناسوسی خواهد بود اگر خوانندگان بجای مطالعه و ابراز دلچسپی و تماس و اظهار نظر در مورد مجله بانی اعتنائی آنرا بگوشه بیندازد و یا برای پوری و پاکت بدکانداری بفروشد.

بطور مثال فرضاً مجله اردو هفت هزار نفر مشترک دارد و ہر ماه مجله را بانفاست و زیبای مجتہدی و جلد و صحافت بدسترس خوانندگان میگذارد و در ہر شماره خواهش میکند تا درباره مجله شان اظهار نظری بفرمائید ولی خوانندگان بانی اعتنائی و بی توجہی آنرا سرسری میخوانند یا نمیخوانند مگر در صورتیکہ یکماه کدام شماره اشتراکیشان ناوقت برسد و یا کوچک ترین اشتباهی شده باشد فوراً باخشم و بر افروختگی به مکتوب های رسمی متوسل میگرددند و از غفلت باسہل انکاری اعضای نشراتی شکایت مینمایند.

خوانندگان باید در چنین مواقع بمشکلات و زحمات مسوولین امر نیز توجہ نمایند، درست است کہ آنها بر اشخاص مسوول حق دارند ولی نہ بآن اندازه کہ پرستیژ و یاشئون نشراتی بخاطر آنان زیر پا گذاشته شود مثلاً مجله اردو قرار تعامل نشراتی خود مقالاتی را می پذیرد کہ از مسلکهای مختلفہ عسکری (پیاده، توپچی، زره دار و غیره) بحث نماید و راپورها و اخباری را نشر مینماید کہ متعلق بار دو باشد حالا اگر عدہ از خوانندگان بخواهند کہ مجله اردو راپوری از نمایش ہیأت ہنرمندان ترکی تهیه نماید و یا خبرهای

جنگهای ویتنام را ہر ماه بطور مفصل چاپ کند، درینصورت ہیأت نشراتی این کار را کرده میتواند؟ طبعاً نہ اول اینکه نمایش ہنرمندان ترکی بعالم عسکری هیچ ارتباطی ندارد و تاثیری بالای جریانات مهم مملکتی ندارد از طرف دیگر نشرات مسلکی ہنری برای تبصرہ بران مورد موجود اند و اساساً برای پیشرفت معلومات صاحب منصبان و منسوبین اردو هیچ اثری نمیتواند وارد کنند، از طرف دیگر این مجله بہ تمام صاحب منصبان و منسوبین اردو کہ در ولایات مختلفہ ایفای وظیفہ نمایند بناءً نمایش ہنرمندان ترکی برای صاحب منصبانی کہ در قوای نہرین ایفای وظیفہ مینمایند چه دلچسپی میتواند بوجود آورد.

و یا در ویتنام ہر شبانہ روزی صدها حادثہ رخ میدہد اکثرآ جنبہ تبلیغاتی و جنگ سرد را دارد درینصورت اولاً صفحات مخصوص اخبار مجله امکان نشر این همه خبر را میسر نمی سازد تا نایاً مجله تبدیل بیک نشریه تبلیغاتی بنفع دستہهای متخاصم میگردد، ثالثاً اخبار در طول ماه برای اکثریت کہنہ میشود چون ہمہ شب در رادیو انتشار می یابد و ہر روز در اخبار و جراید صبحانہ و عصرانہ بدست مامیرسد درینصورت نشر ہمہ آنها در یک مجله مسلکی و ماہانہ مقدور نیست.

بعضی از خوانندگان توقع دارند کہ مثلاً عوض مقالات مسلکی سنگین و علمی مقالہ های درباره بازی اسکی بچاپ برسد، البتہ برای آنان این امر درست جلوه میکند ولی درباره آن

خوانندگان چه میگویند که علاقه زیاد بمضامین مسلکی دارند؟

خوانندگان باید بدانند چیزی که مجله اردو یا نشریه دیگر حتی الوسع انجام میدهند اینست که قناعت اکثر خوانندگان خود را فراهم ساخته به علاقه عده زیاد پاسخ مثبت بدهد، بدین دلیل با در نظر گرفتن جائیکه در مجله برای چاپ موجود است هر مجله سعی میکنند مطالبی را منتشر نمایند که هم با مسلک نشراتی او موافقت داشته باشد و هم به علایق عمومی و خواہشات اکثر مردم رابطه پیدا کرده دارای اهمیت فراوان باشد. و همین ضرورت است که مجله را متناسب و خوب بوجود می آورد و یا برعکس موجب گمنامی و ناپسندی آن را فراهم میسازد. هیأت تحریر ازین بابت مطلع اند و کارهای گوناگون را انجام میدهند تا مطالب درست تنظیم و تحریر گردیده و خواندن آن سهل جلوه کند.

اساسهای ژورنالیزم

چهل و سه سال قبل انجمنی توسط ژورنالیستان و مدیران جراید امریکا برای تدوین قانون و تعیین کننده مسئولیت های ژورنالیزم در برابر فرد و جامعه تشکیل شد و بالاخره فیصله های ذیل را صادر کرد و آنرا اساسهای ژورنالیزم نام نهاد.

وظیفه اولین روزنامه ها (مجلات) اعمال، احساسات و افکار اعضای جوامع بشریست بنا بران ژورنالیزم از مأمورین خود وسیعترین ساحه ذکاوت، معلومات آفاقی، تجربه و قوای طبیعی و تربیه شدگی مشاهده و تعقل را خواهان است.

بغرض پیدا کردن راه اساسی به آرزوهای حقیقی روزنامه نگاری این انجمن قواعد زیر را تصویب میکند

۱- مسوولیت: روزنامه (مجله) حق جلب و نگهداری خواننده را دارد این حق سلب نمیشود مگر با آنچه که علیه بهبود اوضاع عامه باشد. استفاده ای که یک روزنامه (مجله) از جلب توجه طبقات میکند بخودی خود مکلفیت

آنها در برابر جامعه تعیین مینماید. روزنامه (مجله) درین مکلفیت با همه اعضای کارمند خود شریک است. ژورنالیستی که قوای خود را باغراض شخصی و ناشایسته بکار میبرد، به اعتماد بزرگ (خوانندگان) خیانت میکند.

۲- آزادی مطبوعات: آزادی مطبوعات بایست بحیث یکی از حقوق حیاتی بشر محافظه شود. این آزادی عبارت از حق غیر قابل تردید میباحثه است بالای هر آنچه که صریحاً توسط قانون منع نه شده باشد و شامل میباحثه در اطراف لزوم همه قوانین تجدیدیه هم میباشد.

۳- صمیمیت، حقانیت و درستی: تمهیدات ژورنالیزم صحیح بر حفظ اعتبار و اعتماد خواننده گذاشته شده است. الف: این اعتماد و اعتبار از روزنامه ها (مجلات) حقانیت میخواهد عدم اقتدار و یاعدم دقت و توان تحقیق ممکنه از آن معافیت نمیدهد. همچنان نمیتوان روزنامه ای (مجله ای) را در اثر عدم تسلطش بر قوای تحقیق و راستگویی معدوم پنداشت.

ب: عنوان باید به تمام معنی مفهوم اصلی مضمون را افاده کند.

۴- بیطرفی: ژورنالست صحیح فرق بارزی میان نشر اخبار و اظهار نظریات میگذارد. راپورهای اخباری باید از اظهار نظریات یا کج تعبیریها بکلی عاری باشد.

۵- انصاف: روزنامه (مجله) نباید شهرت یا شخصیت اخلاقی و اجتماعی کسی را به تهمت ثابت نشده و بدون

آنکه با موقع دفاع داده شده باشد لکده دار سازد. غلط است اگر روزنامه (مجله) کسی را که محاکم عدلی یا پولیسی بعد طی مراتب مجرم اعلام نکرده باشد، مسوول قلمداد نماید.

این بود مطالبی راجع بوجود آمدن یک نشریه، البته باید اعتراف کرد که هنوز گفتنی های زیادی چه از نگاه نویسندگی و چه از نگاه روزنامه نگاری باقی مانده که اگر فرصت باقی بود حتمی میباحث جداگانه تقدیم خوانندگان عزیز خواهد گردید.

مآخذ و منابع این مقاله:

- ۱- تاریخ ادبیات - تالیف جلال همایی - جلد اول.
- ۲- تاریخ ادبیات ایران - تالیف ادوارد برن.
- ۳- مکتب های ادبی - تالیف رضا سیدحسینی.
- ۴- نگارش و تفکر - ترجمه و نگارش نکست سعیدی.
- ۵- انشاء مقالات - ترجمه استاد بیتاب.
- ۶- اصول مطالعه روزنامه - ترجمه و تالیف پوهیالی جلال الدین صدیقی.
- ۷- نوت های درسی کورس ژورنالیزم سال ۱۳۴۰ پروفیسر جالف.
- ۸- راپور جریانات سیمینار ترجمه - چاپ قرانگلن کابل.
- ۹- راهنمای کوچک روزنامه نگاری - تالیف شاعلی روشن.
- ۱۰- اساسات راپور نویسی - ترجمه سید اسدالله ستومان.
- ۱۱- یادداشتهای نویسنده.

دشمنان شیر جهان در (بقیه صفحه ۹۱)

خبرنگاری روزنامه شد اولین اثر ادبی وی چند قطعه شعر بود که در ژانویه ۱۹۲۳ بچاپ رسید دو سال بعد مجموعه داستانی بنام (در دوره ما) منتشر کرد در ۱۹۳۶ دو کتاب دیگر (سایه های بهاری) و (خورشید نیز طلوع میکند) از او انتشار یافت و سایر آثار مهم او پس از این تاریخ بدین قرارند: سردان بی زن، مرگ در بعد از ظهر، برنده بی سهم تپه های سبز آفریقا، داشتن و نداشتن ستون پنجم، چهل ونه داستان، برای که زنگها بصدا در می آیند، وداع با اسلحه، ۵۰ هزار دالر، مردم در جنگ، ار نست همینگوی در سال ۱۹۶۸ در خانه خویش خود کشی نمود.

توزیع مدال‌ها و کپ‌ها به تیم‌های قهرمانان مسابقات

قور نعمت بهاری اردو

پدر جنرال غلام فاروق لوی درستیز کپ‌های قهرمانی و نشان‌های ورزشی را طی مراسم خاصی به ورزشکاران اردو توزیع فرمودند، در محفلی که بدین مناسبت عصر روز ۳۰ سنبله در کلوپ عسکری ترتیب یافته بود علاوه بر پدر جنرال لوی درستیز، عده‌ای از جنرالان و صاحب منصبان ارشد اردو شاهانه و علاقه‌مندان سپورت اردو اشتراک ورزیده بودند، این محفل درست در ختم تورنمنت بهاری سپورت‌های اردو ترتیب یافته و طی آن مدال‌ها و کپ‌های قهرمانی به تیم‌های مختلف اردو توزیع گردید.

درین مراسم قبل از همد تیم‌های سپورت توسط آمر ورزشی حربی پوهنتون

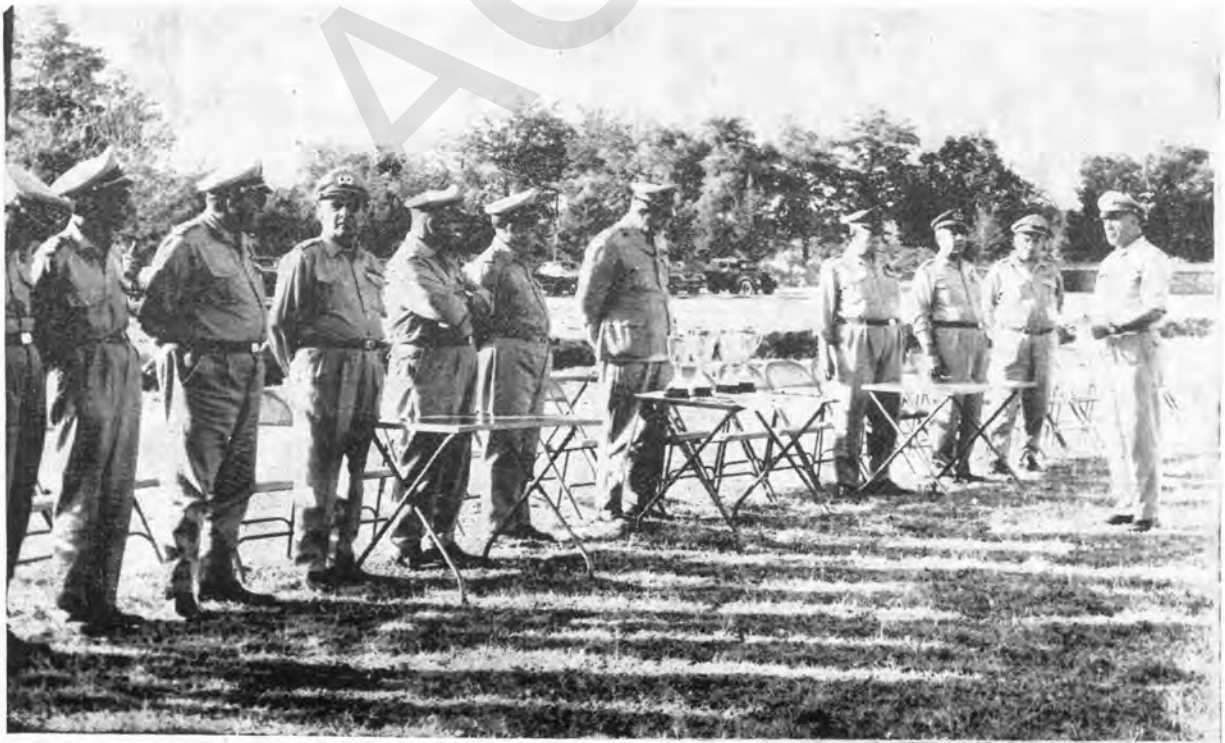
به پدر جنرال لوی درستیز معرفی گردیدند و به تعقیب آن تورن جنرال سید کریم آمر اجراییه کمیته عالی ورزشی از دو ضمن بیانیته ای تشریف آوری حضار را خیر مقدم گفت.

سپس پدر جنرال لوی درستیز کپ‌های قهرمانی را به کپتان‌های تیم اعطاء نموده و نشان‌های ورزشی را به سینه‌های مستحقین تعلیق فرمودند و آنگاه ورزشکاران را مخاطب قرار داده اظهار داشتند:

« جای هیچگونه تردید نیست که همه شما به اهمیت سپورت در عسکری مدرک می‌بایستید و میدانید که تعقیب پروگرام‌های ورزشی طور دوام‌دار با بلند رفتن قابلیت‌های مسلکی عسکری

ارتباط نزدیک و پیوند ناگسستنی دارد و بنا بر همین مقصد سپورت جزء تعلیم و تربیه عسکری بشمار می‌رود و در پروگرام‌های تعلیم و تربیه گنجانیده شده است، برای من مایه خوشوقتی است که می‌بینم پروگرام‌های سپورتی اردو روز بروز انکشاف نموده قو ماندانان و معلمین سپورت اردو با علاقه زیاد در راه انکشاف آن بذل مساعی مینمایند.

پدر جنرال لوی درستیز علاوه کردند که بعلت مساعد بودن شرایط مناسب برای سپورت در محیط اردو و موجودیت تسهیلات ممکنه درین زمینه ایجاب مینماید که تیم‌های سپورتی اردو بیش از پیش سعی ورزند تا در مسابقات عسکری و سایر مسابقات مقام قهرمانی



تورن جنرال سید کریم حینیکه بیانیته خود را حضور پدر جنرال لوی درستیز و دیگران عوین

در کلوپ عسکری تقدیم میدارد



دگر جنرال لوی درستیز حین توزیع کپ به یکی از کپتان های تیم های سپورتی

راهمواره حفظ نمایند و از سالها پیش هم تیم های سپورتی اردو مقام های برازنده ای کسب نموده اند، وزارت دفاع ملی میکوشد حتی الامکن تسهیلات لازمه و شرایط مساعد را برای تربیه و ورزشکاران و تیم های ورزشیه اردو فراهم آورد و لازم می افتد از مساعی که درین راه صرف میشود استفاده ممکنه بعمل آید.

دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز ضمن اشاره به خصوصیت سپورت در اردو توضیح فرمودند که موفقیت واقعی قطعات و موسسات اردو در آنست که پروگرام های ورزشی را طور عملی و وسیع پیش ببرند طوریکه روز بروز فیصدی ورزشکاران در هر نوع سپورت بلند رفته سویه و ورزشی آنها با ریکارد های وسطی بین المللی انطباق پیدا کند، و قتیکه یک قطعه ویا یک موسسه در اتلیمیک هشتاد و نود فیصد منسوبین خود را بسویه های وسطی و روزیده سازد آنگاه بصراحت میتوان

گفت که آن قطعه ویا موسسه درین قسمت به موفقیت واقعی نایل آمده است به همین ترتیب در سایر انواع سپورت نیز باید این روش تعقیب گردد.

دگر جنرال لوی درستیز در ختم بیانات شان یکبار دیگر موفقیت تیم های قهرمانان و ورزشکاران مربوطه را تبریک گفته توجه تمام منسوبین اردو را به تشریک مساعی دوامدار در راه سپورت جلب کردند، و آنگاه اظهارات شانرا با آرزوی موفقیت های اردو در وظایف مهمیکه به عهده دارد تحت قیادت سر قوماندان اعلی اردو اعلیحضرت همایونی به پایان رساندند.

متن بیانیه تون جنرال سید کریم رئیس کمیته اجرائیه سپورت های اردو :

حضور محترم لوی درستیز صاحب جنرالان گرامی و صاحب منصبان! کمال افتخار دارم از اینکه فرصتی بدست آمد تا دستداران سپورت و ورزشکاران را در اینجا استقبال نمائیم.

سپورت در دنیای ما در راه تقویه بنیه جسمی و روحی جوانان ما در راه پیشرفت و اعتلای جمعیت های انسانی خدمات شایسته و مؤثر انجام داده و میدهد و ورزش همان طوریکه قهرمانانی را به عنوان معمول های افتخار و غرور ملی در ملت هامیپروراند. همان طور هم باعث میشود تا مردم با نیروی بیشتر و توان بهتر از عهده انجام وظایف مشکل و دشواریکه برای شان محول میگردد بر آیند. اردو با در دست داشتن پروگرام های وسیع تعلیم و تربیه به این موضوع مهم توجه خاص مبذول داشته و به طوریکه میبینیم روز بروز تیم های سپورتی ما انکشاف نموده و نتیجه بهتری را حاصل میدارد.

باید گفت ما هنوز درین راه به حد نهائی و کمال مطلوب از نگاه تربیه پرسونل و وسایل ورزشی نرسیده ایم. اما امیدواریم به توفیق خدای متعال و همکاری قوماندانان محترم

ریاست عالی کمیسیون اجرائیه سپورت اردو و همکاری های صمیمانه رئیس صاحب لوژستیک قوماندانان محترم و همکاران عزیز خود صمیمانه تشکر میکنم و از خداوند متعال توفیق مزید طلب مینمایم تا ما را در راه انجام وظایف ما برای کسب پیروزی و افتخار ملی یاری فرمایند. با احترام

لست سپورتمین های ح . پ تیم های فوتبال . والیبال
باستقبال وهاکی که در سال ۴۸ به تورنمنت بهاری قهرمان
شناخته شده اند

اعضای تیم فوتبال :

- ۱- ب محمد یوسف کپتان تیم
- ۲- ب عبدالخلیل
- ۳- احمد ضیا طلبه صنف اول زرهدار
- ۴- محمد اکرم « دوم »
- ۵- حشمت الله « اول »
- ۶- محمد اشرف « احتیاط »
- ۷- کمال الدین « »
- ۸- سید رحمت الله « »

و ورزشکاران جوان اردو بزودی این مأمول برآورده شود .

برای اینکه بتوانیم نتایج لازمه را بدست آوریم باید تمرین و پیکتس بیشتر نمائیم و بکوشیم به اصلاح نقاط ضعیف خود و استفاده از تجربیات تیمهای قوی تر مؤفقت های درخشان تری کفائی کنیم .

در محفل امروز بیک تعداد سپورتمین ها و تیم های ورزشی کپها و جوایزی داده میشود این کپها و جوایز بمنظور تشویق و ترغیب جوانان ما برای سعی و تلاش بیشتر و تقویه زباده تر سپورتهای ما میباشد و انتظار داریم در آینده قرین نتایج مطلوب تری درین رشته نصیب ورزشکاران ما گردد .

در اخیر از رهنمائی های قیمت دار حضور محترم لوی درستیز صاحب مقام



دگر جنرال لوی درستیز نشان را به سینه یکی از مستحقین تعلیق مینماید

اعضای تیم باسکتبال :

- ۱- ب عبدالجکیم
- ۲- غ محمد امان
- ۴- غلام رسول صنف دوم پیاده
- ۴- محمد آصف طلبه کورس احتیاط
- ۵- محمد حسن « « «

اعضای تیم هاکی :

- ۱- غ نور الله جکتورن
- ۲- محمد داود
- ۳- عبد الفتاح
- ۴- امیر محمد
- ۵- محمد ابراهیم
- ۶- احمد خان
- ۷- محمد فاروق
- ۸- نور محمد
- ۹- عبدالصمد
- ۱۰- برکت الله
- ۱۱- خیر محمد

۹- بر بانی طلبه

» ۱۰- عبدالرحیم

» ۱۱- محمد مقیم

اعضای تیم والیبال :

۱- ب عبدالحمید طلبه

» ۲- محمد عارف

» ۳- محمد طاهر

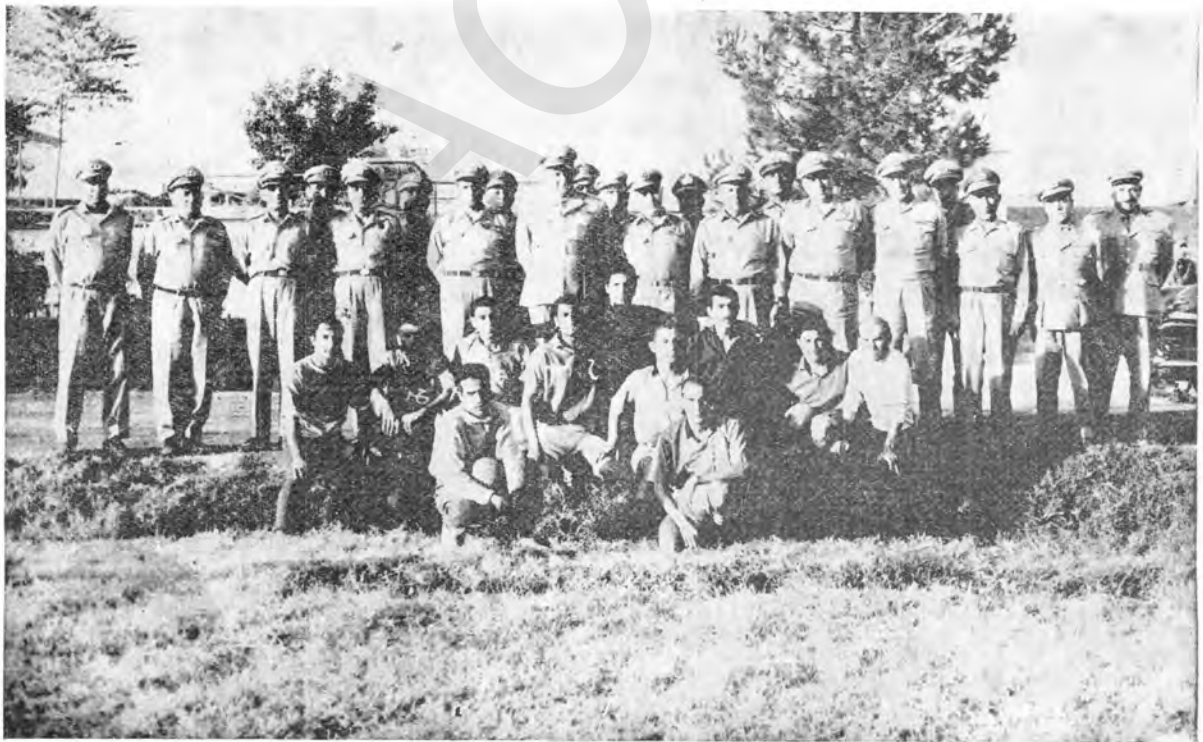
» ۴- نجیب الله

» ۵- صالح محمد

» ۶- اختر محمد

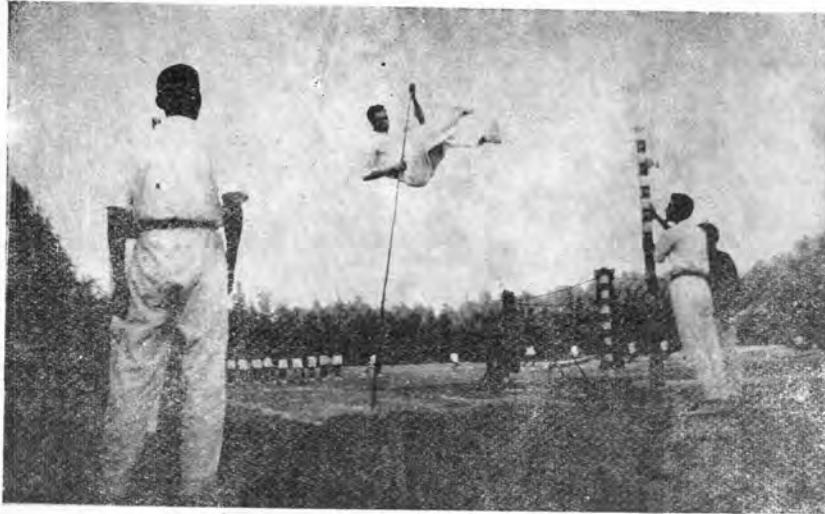
» ۷- محمد بسین

» ۸- محمد اسحق



دگر جنرال لوی درستیز باعدہ ای از جنرالان اردوی شاہانہ، ہیئت اداری ورزشکاران اردو

مسابقات سپورتي ټيم‌هاى مختلف اردو



يک منظره سپورتي خيز نيزه از قواى قندهار

در ايام

جشن

استقلال

مسابقات پهلوانى تاريخى ۸/۶/۵ بين ټيم اردو و آذربايجان شوروى به نفع ټيم آذربايجان شوروى خاتمه يافت .
برای تماشاى مسابقات پهلوانى والا حضرت شهزاده محمد نادر و والا حضرت شهزاده شاه محمود و همسر محترمه شان والا حضرت محو به حضور داشتند .

اين مسابقات بساعت پنج عصر روز مذکور در غازى سټيډيوم تحت نظر پښاغلى محمد فاروق سراج رئيس الميکک سناتور شکور ولى، و پښاغلى عبدالوحيد اعتمادى رئيس تربيت بدنى و زارت معارف به حکميت پښاغلى محمد رحيم بلال آغاز گرديد که در نتيجه زمرى مقابل رحيم اوف و عبدالبصير مقابل حسين اوف مساوى شناخته شدند . پهلوانان موصوف بدون اخذ کدام نمره تخنيکى با هم مساوى گرديدند .

در چهار مسابقه ديگر بابايوف مقابل ميرافغان و ايريوف مقابل محمد قيوم و محمد ابراهيم اوف مقابل نورآقا و يعقوب اوف مقابل محمد طاهر چاريکاري هر کدام با اخذ نمرات تخنيکى بر پهلوانان کلب اردو غالب اعلان گرديدند . مسابقات تا ساعت ۳۰ و ۶ دقيقه در حالیکه دندانه‌هاى غازى سټيډيوم از طرف عده زيادى از علاقه مندان سپورت پهلوانى اشغال گرديده بود دوام داشت .

* * *

در مسابقات باسکټبال که بين ټيم‌هاى پوهنتون کابل و [حربى پوهنتون که بساعت ۴ بعد از ظهر ۳ سنبله در غازى سټيډيوم صورت گرفت در نتيجه ټيم پوهنتون کابل ۷۵ مقابل ۶۳ ټيم حربى پوهنتون غالب گرديد .

حکميت اين مسابقه را پښاغلى «بييل پامر» بعهده داشت .
همچنين در مسابقه هاگي که ساعت سه و نيم بعد از ظهر روز ۸/۶/۵ در غازى سټيډيوم صورت گرفت ټيم منتخبه معارف با ټيم قوايمرکز مساوى شد .

* * *

در مسابقات واليبال که بتاريخ ۸/۶/۵ قبل از ظهر در غازى سټيډيوم ، بين ټيم‌هاى حربى پوهنتون و پوهنتون کابل به حکميت پښاغلى نظيم احمد و پښاغلى عبدالمجيد الکوزى صورت گرفت مسابقه ۳ مقابل ۲ به نفع ټيم پوهنتون کابل خاتمه يافت .

همچنان در مسابقه باسکټبالي که بين ټيم‌هاى حربى پوهنتون و معارف صورت گرفت ټيم معارف ۷۱ مقابل ۶۶ بر ټيم حربى پوهنتون غالب شناخته شد حکميت مسابقه را پښاغلى محمد رحيم مسکينيار و پښاغلى عبدالله عثمان بعهده داشتند .

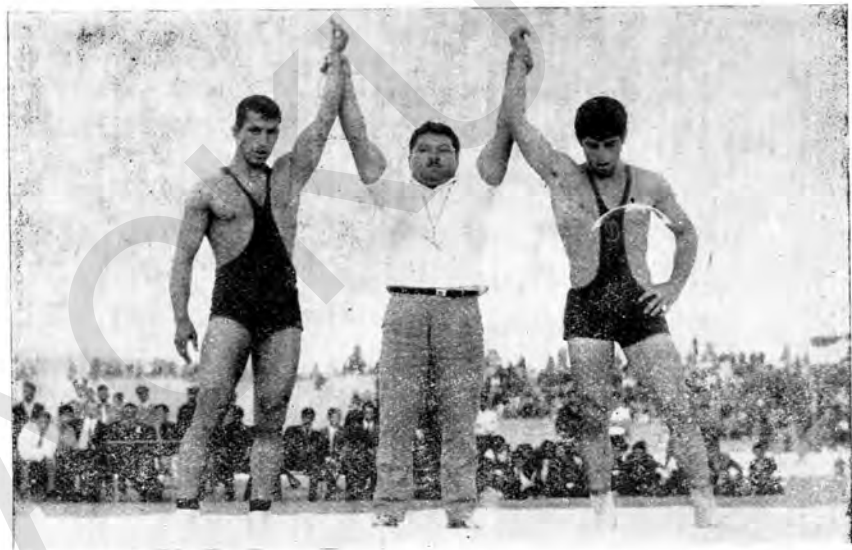
* * *

در مسابقات نیزه بازی که ساعت
 ۴ و ۱۰ دقیقه بعد از ظهر روز
 پنجشنبه ۶ / ۶ / ۴۸ بین تیمهای
 پکتیا و غزنی؛ پولیس و قوای نمبر ۷
 و نمبر (۸) و (۳۰) قوای مرکز
 صورت گرفت تیم نیزه بازی پولیس
 با اخذ ۲۸ و نیم نمبر حایز درجه
 اول و تیم ولایت پکتیا با گرفتن
 ۲۴ نمبر حایز درجه دوم گردید.

والاحضرت مارشال شاه ولیخان
 غازی فاتح کابل کپهای قهرمانی
 مسابقات نیزه بازی را به بازیکنان
 تیم های پولیس و پکتیا اهدا نمودند.
 حکمیت مسابقات نیزه بازی
 را یشاغلی محمد فاروق سراج رئیس
 المپیک، دگرمن جنت خان منگل
 و یشاغلی نور محمد مدیر عمومی
 فنی المپیک و دگرمن عاقلشاه بعهده
 داشتند.



دویدن ۲۰۰ متره (قوای قندرهاار)



محمد طاهر عضو کاپ اردو باحریرف
 خود حسین اوف پهلوان آذر بائیجان
 شوروی مساوی گردید.



یکی از مناظر رسم گذشت ورزشکاران

(در غازی ستدیوم)



بوکسیگمگ (قول اردوی قندهار)

در مسابقه والیبالیکه قبل از ظهر روز ۷ ر ۶ ر ۴۸ در غازی استدیوم بین تیم های معارف و حربی پوهنتون صورت گرفت مسابقه بنفع تیم حربی پوهنتون خاتمه یافت .

در مسابقه باسکتبال تیم کلب شاهین بر تیم حربی پوهنتون غالب شد .

برای تماشای مسابقات عدّه کثیری از علاقه مندان در دندانه های غازی استدیوم اخذ موقع نموده بودند .

* * *



در مسابقه پهلوانی که ساعت ۵ عصر روز ۷ سنبله ۱۳۴۸ در غازی استدیوم بین تیم های کلب آزاد و آذربائیجان اتحاد شوروی صورت گرفت مسابقات ۱۵ مقابل ۸ به نفع تیم آذربائیجان اتحاد شوروی خاتمه یافت .

در تیم کلب های آزاد یکنفر محمد طاهر چار یکاری از تیم اردو شمولیت ورزید که در نتیجه با حریف خود حسین اوف مساوی گردید .

وضعیت ادمان افراد اسپورت مین
قول اردوی قندهار



وضعیت معرفی افراد فاینل (اول، دوم و سوم)
(از قول اردوی قندهار)

توزیع شهادتنامه های فارغان کورس (A)



دگر جنرال غلام فاروق حین توزیع تصدیقنامه به یکی از فارغان کورس (آ)

دگر جنرال لوی درستیز از مساعی استادان هیئت اناری و تدریسی قوماندانی کورس اظهار رضایت فرموده و از همکاریهای ریاست های مربوط وزارت دفاع ملی و قوماندانی هوائی تشکر نمودند.

دگر جنرال لوی درستیز ضمن تبریک بفرغان آنها و بوظایف سنگین آشنا فرموده و موفقیت مزید اردوی شاهی افغان را تحت قیادت اعلیحضرت معظم همایونی سرقوماندان اعلی اردو تمنا کردند.

لوی درستیز و سایر مدعوین را خیر مقدم عرض و راجع به چگونگی تدریس کورس (آ) معلومات مفصلی بیان نمودند و ضمناً از ذوات و موسسات اردو که در پیشبرد تدریس کورس همکاری کرده بودند اظهار امتنان نمودند. قوماندان کورس (آ) در اخیر بیانیته خویش از حضور دگر جنرال لوی درستیز استدعا نمود تا شهادتنامه ها و مدالها را به مستحقین اعطاء فرمایند. بعد از توزیع شهادتنامه ها و مدالها

ساعت سه و نیم روز چهارشنبه ۱۶ - ۷ - ۱۳۴۸ محفلی به مناسبت توزیع شهادتنامه های فارغان کورس (آ) در قوماندانی کورس مذکور ترتیب یافته بود که در آن دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز یکعه از جنرالان و منسوبین اردو اشتراک ورزیده بودند.

در آغاز دگروال ارکانحرب محمد آصف قوماندان کورس (A) ضمن بیانیته تشریف آوری دگر جنرال

بخاطر وطن

بقیه صفحه ۱۲

نشید در آن لحظه از سیمایش انتقام می بارید و چشمانش خون میدید صحنه های رقت انگیز به روحیه اش فوق العاده تاثیر انداخته و از شکل تعادل خارجش ساخته بود، عده ای محدودی که معجزه آسا زنده مانده بود نیز خود را به یوسف خان رساندند اما تعدادشان از پانزده نفر تجاوز نمی کرد سیمای هر یک شان را بدقت نظر انداخت گونه های شانرا بوسیده و برای بار اخیر خدا حافظی گرفت و در اینوقت دشمن نیز نزدیک شده و در فاصله چند متری شان رسیده بود، میل سلاح شان آماده فیر بود تا تسلیم شوند یوسف نگاه زهر آلودی بسوی آنها انداخت زیر لب غم غم کرد « پست فطرت ها جانسی ها... » سپس تفنگک را بدست گرفت بسوی شان حمله نمود و سینه یکی از صاحب منصبان انگلیسی را نشانه گرفت و توانست آنرا از پای در آورد و بار دوم نشانه رفت یکتن از افراد آنها را نیز از صف خارج ساخت اما در دفعه سوم پیش از اینکه ماشه را کش کند مورد هدف ده ها میل سلاح دشمن قرار گرفت در حالیکه تفنگک خود را به آغوش فشار داده بود بزمین افتید و با اینصورت انگیزه خود را بخاطر وطن برای همیشه فرو نشاند . « پایان »

حمله تازه ای را از سر میگرفتند ؟ قوماندان تهبانه کمی وضعیت خود را باخت آه تلخی کشید بیادش آمد ممکن است دشمن از چنین فرصت استفاده نموده محاصره اش کنند . گرچه این وضع را قبلا نیز میدانست و یقین داشت به آن تعداد محدود و ضعیف نمیتواند در مقابل اینها مقاومت کند اما شهادت وطن دوستی اش اجازه نمیداد ، با عقب نشینی مؤقت تهبانه خود را تسلیم دشمن بسازد ، زیرا اندیشه اش به جز وطن به چیز دیگری علاقه نداشت همه چیز را بخاطر وطن میخواست و شهادت درین راه بزرگترین رویاهای زندگی اش بود و از اینکه حتی یک بستم خاک وطن هم تسلیم این ستمگران میشد برای خود و افرادش ننگ ابدی میدانست .

باینترتیب بعد از آنکه آتش سلاحهای ثقیله دشمن قطع شد مشاهده نمود منظره ای وحشتناکی سراسر خطوط مدافعه را فرا گرفته است و یکتعداد زیاد از افرادش شهید شده و باقیمانده نیز اکثراً زخمی شده است ، هیچان عجیبی سراسر وجودش را فرا گرفت دیگر از مرگ کمترین عراسی نداشت از جای خود بلند شد هر یک از افراد خود را نام گرفت اما از هیچکس جوابی

یوسف خان امر آتش را صادر نمود ، با آنهم منزل آتش اکثری از تفنگک های ماقادر نبود تا هدف خود را ازین ببرند اما افراد تفنگک های یازده تکه در چند لحظه موفق شدند تا هجوم دشمن را متوقف ساخته یکتعداد شانرا از بین ببرند . بقیه آنها در بین بته ها پروت نمودند و مدتی صدای آتش در هر دو طرف خاموش شد ، ما انتظار داشتیم تا آنها به هجوم خود ادامه خواهند داد اما برعکس به عقب نشینی آغاز نمودند شرایط و موقعیت تکتیکی ما ایجاب نمی کرد تا موضع های آتش خود را ترک داده دشمن را تعقیب نمائیم ، آنها به فاصله صد متری باز هم عقب رفتند و ساعتی بعد دوباره سلاح های ثقیله شان موضع های مدافعه ما را زیر آتش قرار دادند ، این آتش نسبت به آتش های قبلی خیلی وخیم تر بود و بیش از نیم ساعت ادامه پیدا کرد ، چون آنها قبلا تصور کرده بودند که ما مالکک هیچ نوع سلاحی نیستیم اما بعد از آنکه تلفاتی را متحمل شدند خواستند بمادرس خوبیتری داده و موانع خود را بکلی از سر راه خود بردارند ، افراد ماتام سپر نمودند ، هیولای وحشت جنگک برای بار دوم بالای ما سایه انداخت بطوریکه دیگر نه میشد سر بلند کرد . آتش دشمن هر لحظه شدت مییافت و مرمی های سلاح های ثقیله بنای مخروبه تانه را تکان میداد و از بالای سرما صفر می کشید . آیا

ترفیعات صاحبمنصبان اردوی شاهانه

در سال ۱۳۴۸

امسال هم طبق معمول ، صاحب منصبان و منسوبین اردوی شاهانه افغان باستناد استحقاق و مراتب لیاقت خویش به ترفیعات رتبوی مفتخر گردیده اند .
مجله اردو ترفیعات صاحب منصبان اردو را از صمیم قلب تبریک گفته و بآنها توفیق صداقت و فعالیت بیشتری را نیاز میدارد .

تورن جنرال الهائیکه به دیگر جنرالی ترفیع نموده اند



ع،ع، ش دیگر جنرال سعد الله



ع،ع، ش دیگر جنرال عبدالرزاق (میوند)

دیگر الهائیکه به برید جنرالی

ترفیعی نموده اند

اسم	ولد
ع، ش محمد آصف	سراج الدین
» » گل بهار	محمد اسلم
» » خان محمد	ولی محمد
» » محمد اکبر	فتح محمد
» » محمد یونس	محمد یعقوب
» » عبد الله (روکی)	سردار محمد سلیمان
» » عبد المجید (سپین غر)	عبد الخالق

برید جنرال الهائیکه به تورن جنرالی

ترفیعی نموده اند

اسم	ولد
ع، ش محمد عثمان	شیر محمد
» » حاجی محمد انور	سعادت
» » احمد رحیم	محمد رحیم

دگر من هائیکه به دگروالی

تر فیع نموده اند

اسم	ولد
ح محمد هارون	محمد رسول
» سور گل	احمد گل
» امین الله	حسن خان
» میر غوث الدین	میر نظام الدین
» خواجه محمد طاهر	خواجه عبدالغفار
» فرح الدین	قمر الدین
» فقیر محمد	شیر علی
» عبدالکریم	جان محمد
» عبدالصبور	جان محمد
» میر طهماس	میر عبدالهدف
» فیض محمد	عبدالاحمد
» عبدالقهار	جان محمد
» غلام نبی	غلام رسول
» شاه ولی	کوچ خان
» علی جان	محمد نعیم
» محمد هاشم	محمد قاسم
» داد محمد	محمد یعقوب
» سلطان محمد	عطاء محمد
» قیام الدین	محمد زرین
» حبیب الرحمن	شیر جان
» سراج الدین	برکت
» حبیب الله	محمد اکرم
» عبدالواحد	عبد العزیز
» عبدالله	احمد گل
» محمد آصف	محمد حسن
» نور محمد	خیر محمد
» گل احمد	داد محمد
» محمد اسحق	محمد قربان
» فیض محمد	محمد جان
» غلام نبی	محمد علی
» عبدالاحد	محمد شریف

جگرن هائیکه به دگر هنی

تر فیع نموده اند

اسم	ولد
ح عبدالقادر	محمد یوسف
» غلام محی الدین	فیض محمد
» محمد صابر	محمود
» محمد اعظم	محمد علی
» گل محمد	محمد عالی
» پیر محمد	عمر آخان
» عبدالواحد	سید حبیب
» عبدالاحد	بهاول
» عبدالغفور	عبدالقیوم
» عبدالاحد	محمد عثمان
» محمد سرور	سید محمد
» غلام رسول	خیر محمد
» محمد اکرم	محمد اسلم
» عبدالغفور	لالا گل
» عبدالاحد	عبد الواحد
» عبدالحمید	خان علی
» نثار احمد	سلطان احمد
» شیر احمد	گل احمد
» عبدالله	اختر محمد
» محمد عمر	عبد الله
» محمد سعید	زالی
» میر آقا	احمد جان
» خواجه احمد جان	خواجه محمد جمعه
» محمد ابراهیم	محمد عمر
» میر عبد القیوم	میر عبدالغفور
» عبداللطیف	فضل احمد
» عبداللطیف	قدرت نور
» غلام سخی	غلام حیدر
» عبدالوکیل	عبد الله
» میر عبدالستار	محمد میر
» محمد صفر	غلام نبی
» سعید محمد	سید احمد
» عبدالرشید	محمد شریف
	تاج الدین

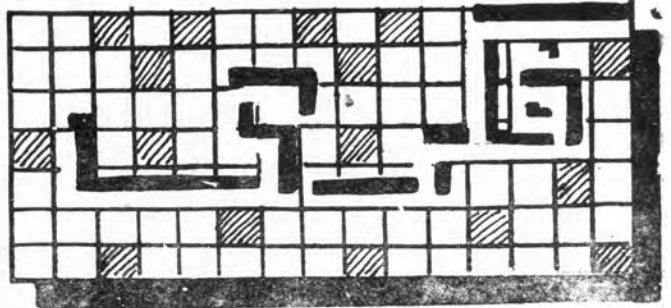
جگتورن ہائیکہ برتبہ جگرنی ترفیع نمودہ اند

اسم	وزد	اسم	ولد
ش شربت گل	شیرین گل	ش محمدعظیم	خا نشیرین
» محمد آصف	محمد یونس	» احمدجان	شہباز
» شہنواز	سید محمود	» عبدالقدیر	باز محمد
» سید آقا	سید اصغر	» پایندہ محمد	نور محمد
» عبدالستار	عبدالرسول	» معین الدین	ویس الدین
» نورالحق	فقیر محمد	» سید کریم	سید شریف
» میرنہادر	میر منور شاہ	» عبدالعجان	مردار
» حبیب اللہ	جلال الدین	» فیض محمد	سید محمد
» عبدالصمد	عبدالاحد	» محمد ابراہم	عبدالرزاق
» صالح محمد	فتح محمد	» حبیب اللہ	عبدالہادی
» محمودشاہ	احمد شاہ	» سید آقا	سید امیر
» جلاد	گل احمد	» محمد افضل	میر ویس الدین
» اللہ نور	محمد سرور	» اکرم الدین	غیاث الدین
» عبدالسلام	عبدالقدوس	» عبدالشکور	عبد الغفور
» عبدالقیوم	غریب اللہ	» محمد سرور	خیر محمد
» محمد ایوب	شاہ گل خان	» محمد رسول	غلام ربانی
» نظام الدین	غیاث الدین	» محمد اکبر	محمد حیدر
» مہر علی	قربانعلی	» محمد موسیٰ	غلام محی الدین
» عین الدین	غوث الدین	» بہادر	عصمت اللہ
» سلطان محمد	خواجہ محمد	» عطاو اللہ	ذالفقار
» غلام رسول	صندر علی	» سید امیر	بسم اللہ
» عبدالرزاق	محمد افضل	» محمد ابراہم	عبدالاحد
» غلام ربانی	احمدجان	» سید محمد	نیاز محمد
» سید محمد ناصر	سیدہاشم	» رجب علی	استاد کا کو
» شیر احمد	محمد نادر	عبداللہ	نعمت اللہ از رتبہ ۶ برتبہ ۵
» سید قطب الدین	سیدجمال الدین	سیدولی	ولی محمد » »

بشغولتیبائی



تهیه و ترتیب:
نورالله تالقانی



حل کنندگان

آنهایکه موفق بچل معمای (شماره ۶) مجله اردو گردیده اند.

عبدالقادر «قادری» متعلم صنف سوم مکتب ابتدائیه رابعه - فیض محمد قادری متعلم صنف سوم مکتب رابعه - محمد قاسم «صاعد» عسکر از مطبعه دفاع ملی ایرن متعلمه صنف سوم - عبدالفتاح «هدایت» متعلم صنف ۱۱ ح بین نصیر احمد فقیر زاده متعلم صنف ۷ لیسه حبیبیه - ویس متعلم صنف سوم همچنان پیغله ماریه متعلمه صنف یازدهم رابعه بلخی - پیغله ثریا متعلمه صنف هفتم شاهدخت بلقیس - دوست محمد متعلم صنف هفتم لیسه غازی - پیغله سلیمه متعلمه صنف نهم شاهدخت بلقیس - پیغله نادره متعلمه صنف نهم لیسه رابعه بلخی - محمد اکبر - محمد جان متعلمین صنف هفتم لیسه حبیبیه - عقل الدین مامور از وزارت داخله - سلام الدین عسکر از قوای قندهار - در محمد متعلم صنف ۷ لیسه خان آباد - پیغله ملیحه متعلمه صنف ۷ دهم لیسه ملالی - پیغله فاطمه متعلمه صنف هشتم لیسه ملالی - دین محمد متعلم صنف دهم لیسه غازی .

ویس متعلم
صنف سوم



ایرن متعلمه
صنف سوم



نصیر احمد
(فقیر یح
زاده) متعلم
صنف ۷ لیسه
حبیبیه



فیض محمد
«قادری»
صنف دوم
مکتب رابعه



حبیبیه



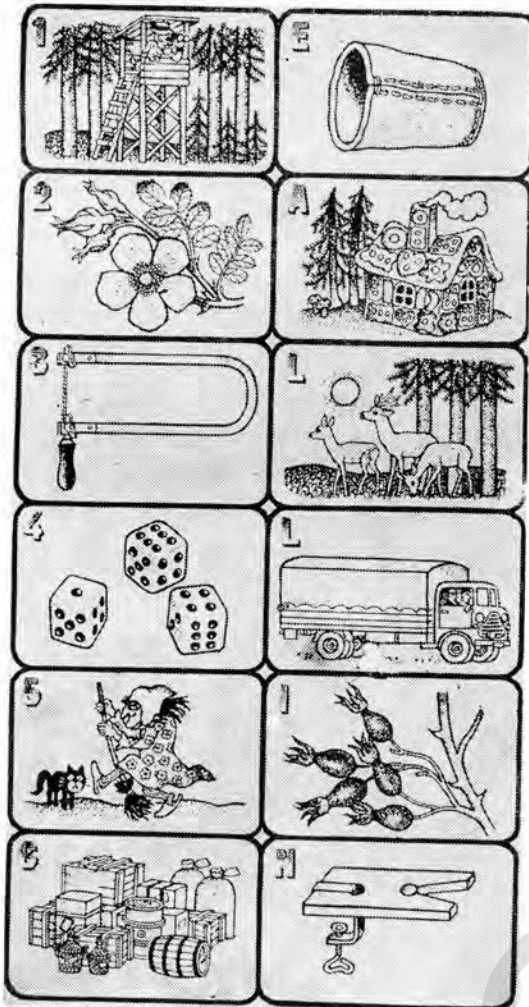
عبدالقادر «قادری»
صنف سوم رابعه



عبدالفتاح هدایت متعلم
صنف ۱۱ ح بین



محمد قاسم صاعد افراد
مطبعه دفاع ملی



کدام با کدام؟ ↑

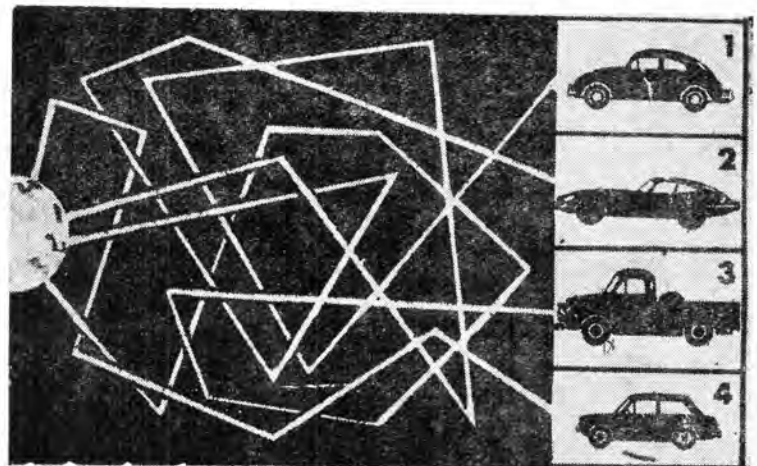
اینها دو بدو با هم ارتباط و بستگی نزدیک دارند شما برای ما بنویسید که کدام خانه مقابل خانه آن قرار بگیرد.



↑ این چهار نفر که هر کدام آن وظایف مختلفی داشته و توسط لباس‌های آن اشاره شده است در یک ده زندگی دارند لطفاً خانه‌های نفر فوق را اشاره نموده واضح سازید که کدام نفر بکدام خانه تعلق دارد اگر موفق شدید حل معمای فوق را با فوتوی خود بفرستید تا در شماره آینده در این صفحه به طبع برسد.



→ لطفاً خط لیسیر این چهار موتر را معلوم ساخته و از اینکه کدام موتر از کدام راه عبور نماید توسط نمره اشاره کنید.



مجله ادبی هرات

سرزمین پرافتخار هرات از قرن‌ها باینطرف مرکز ثقافت، علم و ادب کشور عزیز ما بوده است، در هر دوره و هر زمان عده از شعرا و علما این سرزمین در خدمت وطن خویش، آثار و یاد بودهای باارزشی بیادگار سپرده اند، در حدود ۳۰ سال پیش در هرات انجمن ادبی بوجود آمد و سرانجام نشریه نیز از طرف این انجمن که در آن یکعده دانشمندان و شعرا با ذوق محیط سهم داشتند منتشر گردید. متأسفانه روی علل مختلفی در چند سال پیش انجمن ادبی و نشر، مجله آن به رکود مواجه گشت و مجله ادبی (هرات) از نگاه نشراتی و حفظ سویه ادبی دچار اشکالاتی گردید.

ناگفته نماند که انجمن ادبی هرات که سابقه دارترین انجمن های ادبی در مملکت عزیز ما بحساب می آید یکعده جوانان با ذوق و هنر دوست را پرورش داد که بعضی از آنها امروز در اردوی شاهانه نیز ایفای وظیفه مینمایند.

هر چند باین آمدن سویه ادبی و نشراتی مجله برای علاقه مندان و ادب شناسان ناراحت کننده بود خو شبختانه مجله اخیر «هرات» که با اداره مجله اردو واصل گردید ما را امیدوار ساخت که این کانون ادبی و علمی دوباره نروزان گشته و نشریه آن خواهد توانست چراغی را که در حال خاموش شدن بود روشن سازد.

مجله «هرات» که از طرف آمریت اطلاعات و کلتور هرات ماه یکدفعه انتشار می یابد اخیراً بعد یریت مسئول بیاغلی عبدالغنی نیکسیر لیسانسه ژورنالیزم تحول تازه یافته است و بجهتی روان گشته که از چنان مجله ادبی انتظار برده میشد. مطالب آن که بقلم یکعده از نویسندگان دانشمند

و تحصیل یافته نگارش یافته بخوبی سویه محیطی و وزن علمی و ادبی مجله را می نمایاند و امیدواریم در آینده مجله ادبی هرات بتواند از لحاظ مطالب علمی و ادبی و اجتماعی یک نشریه وزین و مدار اعتبار در حلقه های نشراتی کشور بشمار آید

با این موفقیت را به بیاغلی عواص امر اطلاعات و کلتور و همچنین بیاغلی نیکسیر تبریک گفته و آرزو مندیم تا بیش از پیش هما نظور که شایسته است این مجله بتواند کمک همکاران محترم خویش مطالبی عالی علمی و هنری را عرضه نماید. ضمناً ناگزیریم

از سوانی و مساعی ارزش بیاغلی رجائی که در یکدوره معین خدمات ذقیمتی در نشر و تعمیم این جریده بعمل آورده اند با تحسین و تقدیر یادآوری نمائیم.



منظره ای از رسم گذشت محصلین هوائی پوهنځی در جشن فرخنده پنجاه و یکمین

دملی دفاع وزارت - ستردرستیز

دنشریاتو لوی مدیریت - دار دو مجله

دتاسیس کال ۲۱ کل ۱۲۹۹

شماره هفتم = میزان ۱۳۴۸

AFGHAN MILITARY REVIEW

Address: De Urdu Mudjella Kabul - Afghanistan

Subscription rate for abroad 5 dollars

Oct. 1969

Phone: - 23208